

**روش‌های تحقیق کیفی در  
پژوهش‌های اجتماعی**

۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳

۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

### فهرست مقالات

- پیشگفتار ..... ۷
- ضرورت توجه به روش‌های تحقیق کیفی در بررسی‌های فرهنگی - اجتماعی / سید رضا صالحی امیری و الهه حیدری‌زاده ..... ۱۱
- روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تأکید بر روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی / سروش فتحی و زهرا زارع ..... ۴۳
- مبانی تلفیق و ترکیب داده‌ها / ابراهیم حاجیانی ..... ۷۷
- پژوهش عملی مشارکتی، راهبرد پژوهش کیفی / مجید کفاشی ..... ۱۰۷
- مقدمه‌ای بر پژوهش کیفی / اسماعیل کاوسی و ماه‌منیر بیاناتی ..... ۱۲۷
- بررسی رابطه بین دانش علمی جامعه‌شناسی و دانش عامیانه / جمال ادهمی و سروش فتحی ..... ۱۵۷
- نظریه شبیه‌سازی در علوم اجتماعی / مریم یارمحمد توسکی ..... ۱۷۹
- تحقیق کیفی با تأکید بر روش گروه کانونی / فاطمه توحیدی اردهائی و الهه حیدری‌زاده ..... ۱۹۵
- روش تحقیق میدانی در مطالعات علوم انسانی / جمیله فدوی ..... ۲۱۱
- کاربرد روش فراتحلیل در مطالعات اجتماعی / هوشنگ ظهیری ..... ۲۶۳
- تیب ایده‌آل و کاربرد آن در تحقیقات اجتماعی / زهرا زارع و سروش فتحی ..... ۳۰۱
- تاریخ شفاهی؛ روش و یا ابزار تحقیق کیفی / مریم یارمحمد توسکی ..... ۳۲۱
- مشاهده مشارکتی در تحقیقات اجتماعی / مریم کریمی رامشه ..... ۳۳۹
- روش نظریه زمینه‌ای (GTM) / معصومه مطلق و سروش فتحی ..... ۳۶۵
- دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو به‌عنوان روشی در مقابل روش‌های تاریخی متداول در علوم اجتماعی / محمد شیرازی و قربانعلی آقا احمدی ..... ۳۹۱



## پیشگفتار

انسان برای ادامه زندگی ناچار است روابط خود را با هریک از مظاهر حیات تنظیم کند و برای این کار نیاز به آگاهی دارد. به‌علاوه، شناخت جهان خلقت و عالم طبیعت از این جهت برای او ضروری است که بتواند رموز آن را کشف و از دستاوردها و نتایج آن برای بهبود زندگی استفاده کند. کشف عوامل، عناصر و پدیده‌های جهان خلقت هم وظیفه‌ای است که بر عهده بشر قرار داده شده و هم ضرورتی است که آن را برای تأمین نیازهای زندگی و بهبود آن به کار بگیرد. این ضرورت نوع بشر را وادار به تفحص، کنجکاوی و تحقیق کرده که در اثر آن قلمرو معرفتی خوبی به دست آورده و از نتایج آن نیز بهره برده است.

از همین رو هرگاه در خلال مناسبات و روابط و نیز تأمین نیازهای ضروری و غیر ضروری زندگی، با چالش مواجه شود، دست به تکاپو و خلق شیوه‌های نوین و متناسب با ضرورت و نیاز پیش رو می‌یازد. درست از همین نقطه است که معرفت علمی مایه می‌گیرد و به برکت فنونی به‌نام روش‌های تحقیق سعی می‌شود که ارزش‌های پذیرفته شده را با محک‌های صحیح‌تر ارزیابی کند. در فرایند رشد، تکوین و تکامل فکری،

## ۸ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

بشر ناگزیر از مراحل، گذرگاه‌ها و ایستگاه‌های متعددی عبور می‌کند که نخستین مرحله، گذر از وادی «معرفت عامیانه» است. در این مرحله هر فرد به حکم انسان بودن؛ مثل جریان چگونگی سکونت و برطرف کردن نیازها و لوازم زندگی ناگزیر از آن می‌گذرد.

به عبارتی، از بطن معرفت انسانی مبتنی بر تفکر منطقی، معرفت علمی تکوین می‌یابد. در این مرحله با توجه به اینکه ملاک صحت، همان تجربه و رجوع به واقعیت است، فرد مدارج پیشرفته‌تری از رشد را طی کرده و با متدولوژی منتخب به جستجو در کنه واقعیات می‌پردازد. متدولوژی، وسیله‌ای است که محقق را از گمراهی و کج‌اندیشی باز می‌دارد و او را در رسیدن به حقیقت یاری می‌کند. از این رو، متدولوژی شاخه‌ای از منطق و به بیانی دیگر، فن درست‌اندیشیدن، محسوب می‌شود. به تعبیر دیگر متدولوژی شامل تعدادی روش است. مجموع وسایل و راهنمایی‌هایی که رسیدن به مقصدی را میسر می‌سازد، روش نام می‌گیرد. در این صورت «روش علمی» مجموع وسایل و راهنمایی‌هایی است که محقق را به علم، یعنی قوانین واقعیت رهبری می‌کند. روش‌های علمی مانند خود علوم متعددند و هر روشی تا اندازه‌ای به کشف قوانین علمی پرداخته و محقق در هر مورد مناسب‌ترین روش را برمی‌گزیند. مناسب‌ترین روش آن است که دقیق‌تر از روش‌های دیگر قوانین واقعیت را عرضه می‌دارد.

لازم به ذکر است که در هر زمان و متناسب با ضرورت‌های موجود، روش‌های شناخت علمی گوناگونی در عرصه‌های مختلف علمی ظهور کرده‌اند که در زمان خود، ذهن جستجوگر انسان را تسکین داده‌اند، اما با گذشت زمان و مطرح شدن نیازهای جدید و ناکارایی روش‌های پیشین



## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۹

در مقام پاسخگویی به آنها، به‌ناچار ذهن انسان در پی یافتن روش‌های کارآمدتر برای دستیابی به شناخت دقیق‌تر، راه‌ها و روش‌های گذشته را مورد نقد، ارزیابی و بازبینی مجدد قرار می‌دهد.

بررسی پیشرفت‌های علمی کشورها حاکی از آن است که تحقیق در تولید و اشاعه علوم نقش مؤثری دارد و کشورهایی که تحقیقات اصیل و مستقلی ندارند، از توسعه و رشد درون‌زا برخوردار نیستند. بنابراین نقش تحقیقات علمی به‌منزله سازوکار مؤثر و تعیین‌کننده در توسعه ملی، امری بسیار مهم و حیاتی است و در ابعاد مختلف آن (تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای) بر سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی از جمله فقر، بیکاری و درآمد سرانه ملی تأثیرگذار بوده و باعث بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

بنابراین گسترش تحقیقات می‌تواند زمینه‌ساز توسعه موزون شده و به‌واسطه آن تمامی جنبه‌های حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. به‌علاوه بهبود شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی به‌معنای تأمین نیازهای اساسی جامعه، احساس اعتماد به‌نفس، رفاه اجتماعی و اقتصادی و گسترش، توسعه و بهبود شاخص‌های اجتماعی نظیر آموزش، بهداشت، مسکن، تأمین و امنیت اجتماعی و... منجر می‌شود.

در نتیجه یکی از ابزارهای توسعه، پی‌ریزی ساختارها و نهادهای علمی و پژوهشی است، به‌گونه‌ای که بدون ابزار تحقیق و روش تحقیق کاربردی تلاش برای دستیابی به شاخص‌های توسعه سرابی بیش نیست. رسیدن به توسعه نیازمند تحقیقات در سطوح گسترده و عملی کردن آن در امور اجرایی است. تقویت فرهنگ پژوهش و به‌کارگیری یافته‌های حاصل از

#### ۱۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

پژوهش از نکات بسیار مهم برای رسیدن به توسعه است. بدیهی است با تحلیل و تبیین صحیح مشکلات، آسیب‌ها و مسائل علمی کشور، ضمن راه‌گشودن به سمت برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و مدیریت بهتر فرایندها و فعالیت‌های توسعه‌ای در این زمینه بسترهای لازم را فراهم خواهد کرد.

سیدرضا صالحی امیری

رئیس گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی

## ضرورت توجه به روش‌های تحقیق کیفی در بررسی‌های فرهنگی - اجتماعی

سیدرضا صالحی امیری\*

الهه حیدری‌زاده\*\*

### مقدمه

تا سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، بیشترین تحقیقات در زمینه علوم اجتماعی و علوم رفتاری در کشورهای غربی با روش کمی صورت می‌گرفت. برای مثال، نزدیک به ۹۰ درصد گزارش‌های منتشر شده در مجلات جامعه‌شناسی آمریکا مبتنی بر تحقیق کمی و بررسی آماری بودند (سیلورمن، ۱۳۷۹: ۱). بیشتر از سه دهه است که روش کیفی در اکثر پژوهش‌ها در اروپا از استقبال بیشتری برخوردار شده است (منادی، ۱۳۸۵: ۸۲).

---

\* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.  
\*\* دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

## ۱۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

به زعم دیویس و دویر، روش‌های کیفی زمینه را برای درک و مداخله بیشتر و بهتر در عرصه پژوهش، به‌ویژه در قلمرو مطالعات انسانی، فراهم می‌سازند (Davies & Dwyer, 2007: 257).

استفاده از داده‌های کیفی، توجه عمده به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، تأکید بر وجود انسان و معنا و مفهومی که انسان در نظر دارد و تأکید بر رابطه متقابل میان محقق و موضوع مورد تحقیق از جمله ویژگی‌های اساسی تحقیق کیفی است (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۳). به عبارت دیگر، تحقیق کیفی سؤالاتی را مطرح می‌کند تا مفهوم ابعاد و تجربیات مختلف زندگی انسان‌ها و محیط اجتماعی آنها بهتر درک شود (Fossey, 2002: 717).

تحقیق کیفی در تحقیقات اجتماعی می‌تواند همراه با روش‌های کمی مورد استفاده قرار گیرد، ولی در مورد بسیاری از موضوعات روش کیفی تنها روش پاسخ به سؤالات تحقیق خواهد بود، به‌طور مثال، حل موضوعات تخصصی و درک آنها مانند تحلیل و ارزیابی عملکرد یک مؤسسه فرهنگی (فرهنگی و صفر زاده، ۱۳۸۵: ۳۳۶-۳۳۵).

در صورت خوب انجام یافتن یک تحقیق به روش کیفی، آن تحقیق می‌تواند به تبیین نظریه‌ای جدید منتهی شود (منادی، پیشین: ۸۰). تحقیقات کیفی با سؤالاتی مانند چرا و چگونه بیان می‌شود. در حالی که تحقیقات کمی با سؤالاتی نظیر چه مقدار، چه تعداد و چه مواقعی مرتبط هستند (Coleman & Oconnor, 2007: 655).

### ۱- وضعیت تولیدات علم در حیطه علوم انسانی

«ما باید هم در حوزه فرهنگ عمومی و برداشت و اعتقاد و باور

## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۳

عمومی مردم، هم در مورد خاص باور مسئولان، اهمیت علوم انسانی را روشن کنیم. مردم باید بفهمند علوم انسانی مهم است. باید امتیازاتی در فراگیری علوم انسانی و تخصص در علوم انسانی در نظر گرفته بشود که برای عموم و برای جوان‌های ما جذاب باشد. مسئولان ما نیز باید به اهمیت علوم انسانی توجه کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸).

بر اساس داده پایه شاخص ملی علم در سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۸۱، ایرانیان ۱۸۵ مقاله در رشته‌های علوم انسانی، هنر و علوم اجتماعی در مجلات ISI به چاپ رسانده‌اند. از این تعداد، بیشترین مقاله مربوط به رشته روان‌شناسی (۵۵) و کمترین تعداد مقالات مربوط به رشته‌های باستان‌شناسی، مذهب، الهیات و کار اجتماعی (هر کدام دو مقاله) بوده است. در رشته‌های هنر نمایشی، قانون، ارتباطات و مطالعات کلاسیک نیز مقاله‌ای چاپ نشده است. تعداد کل مقالات ایران طی این سال‌ها ۸۲۵۳ عدد بوده است که مقالات رشته‌های مختلف علوم انسانی تنها ۲/۲۴ درصد انتشارات علمی ایران در خارج را تشکیل داده‌اند. این در حالی است که در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۵ این میزان ۱۸/۲۷ درصد بوده است (منصوری، ۱۳۸۸: ۱۸).

شرایط در زمینه علوم انسانی بر اساس معیار مذکور بسیار وخیم و بحرانی است؛ زیرا ۹۸ درصد مقالات ایرانی در زمینه رشته‌های غیر علوم انسانی و اجتماعی بوده است. بنابراین در حوزه علوم انسانی در زمره عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان هستیم (همان: ۲۱).

داده‌های مؤسسه اطلاعات علمی نشان می‌دهد که طی دوره‌های پنج‌ساله ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۱، ایران ۳۷۲ مقاله در مجلات بین‌المللی علوم انسانی منتشر کرده است. این رقم معادل ۱۸ درصد تولیدات علمی ایران

در آن زمان بوده است. اما کل تولیدات علمی کشور - در زمینه علوم انسانی - بر اساس شاخص فوق در دوره بیست ساله ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ تنها ۱۸۵ مقاله بوده است که معادل ۲/۲۴ درصد تولیدات علمی کشور در این دوره است. بنابراین تولیدات علوم انسانی کشور در بیست سال اخیر برابر نصف تولیدات دوره پنج ساله قبل از ۱۹۸۱ گزارش شده است (همان).

## ۲- اهمیت علوم انسانی

علوم انسانی در دنیای کنونی از اهمیت زیادی برخوردار است. در کشور ما نیز بسیاری از افراد به این دسته از علوم که حائز اهمیت است، توجه کرده‌اند. ممکن است برای بسیاری از ایشان هنوز به درستی روشن نباشد که چرا و به کدام علل یا دلایل علوم انسانی دارای اهمیت است. اهمیت این نکته را می‌توان با نظر به توصیف‌ها و تجویزهایی که گاه از سوی نهادها و افراد صاحب‌نفوذ، در مورد علوم انسانی مطرح می‌شود، مشاهده کرد (پایا، ۱۳۸۵ الف: ۱۴).

جنبه‌ای که موجب امتیاز قاطع علوم انسانی نسبت به دیگر علوم می‌شود، آن است که تنها در حیطه علوم انسانی می‌توان به معرفت‌های درجه دوم و بالاتر دست یافت. علوم دیگر، علوم مرتبه اولی و ناظر به جنبه‌ها و بخش‌هایی از طبیعت یا اجتماع هستند. علومی که در زمره علوم مرتبه دوم و بالاتر باشند، بلافاصله به مرتبه علوم انسانی ارتقا پیدا می‌کنند. علوم مرتبه دوم و بالاتر چنانکه از نامشان برمی‌آید، معرفت‌هایی هستند که موضوعشان از سنخ معرفت است (همان: ۱۵).

در غیاب علوم انسانی کارآمد و توانمند، علوم مرتبه اول، خواه در حوزه علوم فیزیکی، خواه علوم زیستی، خواه علوم اجتماعی و خواه برخی

علوم انسانی مرتبه اول، نظیر تاریخ یا جغرافیا، به مرتبه فناوری تنزل پیدا می‌کنند، یعنی صرفاً به ابزاری برای رفع نیازهای عمدتاً غیرمعرفتی<sup>۱</sup> انسان‌ها بدل می‌شوند. فناوری‌ها از هر سنخ که باشند، خواه فناوری‌های فیزیکی و زیستی، خواه فناوری‌های اجتماعی، ابزارهایی برای کنترل و ماشین‌هایی برای رفع نیازهای متنوع آدمیان هستند (پایا، ۱۳۸۵ ج). به‌عنوان مثال، دموکراسی، ماشینی است برای تمشیت امور اجتماعی و سیاسی در جوامع (پایا، ۱۳۸۵ ب). هواپیما دستگاه یا ماشینی است، برای رفع نیاز به پیمودن مسافت‌های طولانی در زمان‌های نسبتاً کوتاه. تیغ جراح، ماشینی است برای رفع نیاز مربوط به جنبه‌های زیستی زندگی انسان؛ مثلاً برای برداشتن غده‌ای که سلامت شخص را به خطر انداخته یا زیباسازی بینی که زندگی اجتماعی شخص را با مشکل روبه‌رو ساخته (پایا، ۱۳۸۵ الف: ۱۶). بنابراین علوم انسانی در دنیای کنونی از اهمیت بالایی برخوردار است.

### ۳- تحول روش‌شناسی در علوم انسانی

فرانسیس بیکن که گاه او را پدر روش‌شناسی علم جدید می‌نامند، در تاریخ علم، چهره‌ای بحث‌برانگیز دارد. به نظر وی، اولین شرط ضروری روش علمی آن است که فیلسوف طبیعی باید خود را از قید پیش‌داوری‌ها و تمایلات قبلی رها سازد، وی این قیود را تحت عنوان بت‌هایی که اذهان آدمیان را افسون کرده، مطرح کرد (خادمی، ۱۳۸۵: ۲۶). در قرن نوزدهم، نظریه استقرای بیکن توسط چهره‌های شاخصی چون

---

1. Non-cognitive

هرشل، هیول و جان استوارت میل احیا شد. اصالت استقرا دیدگاهی است که بر اهمیت برهان‌ها و استدلال‌های استقرایی در پیشبرد علم تأکید می‌کند. به نظر اصحاب اصالت استقرا، یک قانون یا نظریه علمی، تنها هنگامی موجه است که در طرح استقرایی شواهد موافق داشته باشد. بنابراین، تعمیم استقرایی نتیجه مشاهده‌هایی است که تحقیق و پژوهش علمی را می‌سازد (همان: ۲۶-۲۷).

#### ۴- کاربرد استقراگرایی در علوم انسانی

یکی از ارکان علم‌شناسی اثبات‌گرایانه، وحدت روش‌شناسی در بین علوم است. مدعیان این علم، تفاوتی میان تحقیق در پدیدارهای اجتماعی و پدیدارهای طبیعی قائل نیستند. به نظر این مدعیان، یک روش‌شناسی در سراسر علوم برقرار است و دو گونه پدیدار، یکی طبیعی و دیگری غیرطبیعی وجود ندارد. همه علوم، طبیعی و مبتنی بر استقرا هستند (همان: ۲۸).

فیلسوفانی که طرفدار روش علمی واحد هستند، مدافع این نهضت فکری بوده‌اند. البته اصول اساسی آن را جان استوارت میل، مدت‌ها قبل بنا نهاده بود. از نظر میل، هر پدیداری که نظم رفتاری را نشان دهد، موضوع مناسبی برای علم تجربی است. وی همه پدیدارهای طبیعی و از آن جمله، رفتارهای انسانی را چنین تصور می‌کرد (راین، ۱۳۶۷: ۱۵).

از این پس، این سؤال چالش‌برانگیز پیش آمد که آیا روش‌های فیزیک حقیقتاً در مورد علوم اجتماعی قابل انعطاف است یا نه و پاسخ به این سؤال منجر به ایجاد دو مکتب طبیعت‌گرایی و ضد طبیعت‌گرایی شد. آن که نظر مساعد به قابلیت انطباق روش‌های فیزیک دارد، هواخواه



طبیعی‌گری است و آن‌که مخالف استعمال این روش‌هاست، ضد طبیعی‌گراست (پوپر، ۱۳۵۰: ۱۶).

### ۵- انتقاد به علوم انسانی اثبات‌گرا

دیلتای از جمله نخستین کسانی است که معرفت‌شناسی مستقلی را در علوم انسانی به وجود آورده است. هرچند که روش او توسط اندیشمندان مورد نقد قرار گرفته، اما اعتقاد او به ناهمگونی روش‌های علوم، ناشی از دوگانگی معرفت‌شناختی است که از نظر دیلتای، منبع آن را باید در خاص بودن تاریخ یافت (فرونند، ۱۳۶۲: ۷۲).

دیلتای میان علوم فیزیکی یا طبیعی از یک سو و علوم انسانی یا اجتماعی (که آنها را تاریخی می‌خواند) از سوی دیگر، تفاوت عظیمی قائل بود. دیلتای با ادعاهای جهان‌شمولی دانشمندان علوم طبیعی که روش‌های اثبات‌گرایانه را به کار می‌بردند، مخالف بود و معتقد بود که این روش‌ها فقط در علوم طبیعی و فیزیکی به کار می‌آیند (خادمی، پیشین: ۳۰). به نظر وی، روش درست در علوم اجتماعی، روش تأویل است، زیرا در علوم انسانی با فهم سروکار داریم و در علوم طبیعی با تبیین و توصیف. به نظر دیلتای، تمامی علوم تاریخی و انسانی عمیقاً با مسئله تأویل گفته‌ها و نوشته‌های انسانی روبه‌رو و درگیر هستند. فهمیدن یک انسان، چیزی جز فهم نتایج کار فرهنگی او و افراد دیگری که در محیط زندگی او حضور دارند، نیست. از طرفی، فهم فرهنگ نیز یعنی فهم زندگی انسان. دشواری کار اینجاست که هر کس برای فهم دیگری باید بتواند خود را در افق فکری و فرهنگی او جای دهد. چنین کاری به یاری متن هم چون «ذهن عینی» و موجود، ممکن می‌شود. متن و کلام، ما را

به تجربه زیستی دیگر و آن که در آن شریک نبوده‌ایم، راه می‌دهد. هرمنوتیک هم معنای متن را روشن می‌کند و هم خصوصیت پدید آورنده متن را نشان می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۰: ۷۰).

### ۶- ظهور ساختارگرایی

در میان اثبات‌گرایان این اجماع وجود دارد که علوم اجتماعی باید از مدل علوم طبیعی الگوبرداری کند، یعنی دانش خود را از دنیای عینی واقعیت‌ها به دست آورد (خادمی، پیشین: ۳۲).

ساختارگرایی، آیینی در فلسفه و علوم اجتماعی است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به‌طور عمده در فرانسه به وجود آمد و تا حدودی در ایالات متحده و انگلستان رشد کرد و با اقتباس از روش‌های زبان‌شناسی ساختاری و خاصه دستاوردهای نظری و روش فردینان دوسوسور (زبان‌شناس برجسته اوایل سده بیستم) و به‌کارگیری آن در مورد پدیدارهای اجتماعی و فرهنگی، روش جدیدی را در تحلیل علوم اجتماعی پدید آورد. به نظر آنها، یکی دانستن پدیدارهای اجتماعی و فرهنگی با رویدادهای فیزیکی کار عبثی است، زیرا پدیدارهای اجتماعی، امور و رویدادهایی هستند که دارای معنا بوده و در نتیجه دلالت‌های آنها باید در مرکز پژوهش ما قرار بگیرند. ساختارگرایی بر ضرورت تحلیل ساختار درونی در هر پدیدار تأکید دارد. بررسی تفاوت‌های درونی و صوری میان انواع پدیده‌ها، به ساختارگرا امکان می‌دهد تا شکل‌های متفاوت آن پدیده را از نظر معناهای فرهنگی بررسی کند. بعد نظام یا ساختارهای ممکن مرتبط به کارکرد آن پدیده یا همانند با آن، در هر فرهنگ خاص و رابطه‌ای پدیده با آنها را جستجو کند (احمدی، پیشین:

## ۷- پدیدارشناسی

پدیدارشناسی یک روش تحقیق با رویکردی به فلسفه است. در ابتدا فلسفه پدیدارشناسی مطرح شد و سپس رویکرد به‌کارگیری آن در یک مطالعه خاص صورت گرفت. استفاده از پدیدارشناسی به‌منظور پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات و به‌عبارت دیگر، نسبت به پدیدارهایی است که بی‌واسطه در تجربه ما ظاهر می‌شوند (ورنو، ۱۳۷۲: ۱۱). لئونارد ۵ نکته اصلی مربوط به دیدگاه پدیدارشناسی هایدگر از فرد را بیان نموده که عبارتند از:

- ۱- فرد دنیایی دارد که از فرهنگ، تاریخ و زبان منشأ می‌گیرد.
- ۲- فرد وجودی دارد که چیزها در آن ارزش و اهمیت دارند. در این معنی، افراد فقط وقتی درک می‌شوند که در زمینه زندگی‌شان مطالعه شوند. هایدگر (۱۹۶۲) اظهار می‌دارد که هیچ چیز نمی‌تواند بدون ارجاع به درک زمینه فرد به حساب بیاید و به حساب آوردن هر چیز مستلزم تفسیر بر اساس زمینه فرد که به آن تاریخچه می‌گویند، است.
- ۳- فرد خود، تفسیرکننده است. هر فرد توانایی تفسیر دانش دارد. درک به‌دست‌آمده، قسمتی از خود می‌شود.
- ۴- فرد تجسم است. این از دیدگاه دکارتی، درباره مالکیت بدن، متفاوت است. اندیشه تجسم دیدگاهی است که مبنی بر آن بدن راهی است که از آن طریق می‌توانیم به‌طور بالقوه اعمال خود در جهان را تجربه کنیم.
- ۵- فرد در زمان است. هایدگر با آگاهی از «حال»، اندیشه متفاوتی از

## ۲۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

زمان قدیم که به سبک خطی درک شده بود، داشت. طبق گفته لئونارد (۱۹۹۴)، او کلمه «گذر زمان»<sup>۱</sup> را به کار برد که راهی جدید برای درک زمان در عباراتی از جمله اکنون، نه بعد و نه قبل دلالت دارد (Polit et al., 2001).

در واقع پدیدارشناسی مطالعه پدیده‌هاست و بر توصیف دقیق پدیده‌ها در همه زمینه‌های تجربه تأکید دارد. پدیدارشناسان فرض نمی‌کنند که از هر آنچه برای مردم اتفاق می‌افتد اطلاع دارند، بلکه بر جنبه‌های ذهنی رفتار مردم تأکید دارند. بنابراین محقق کیفی سعی می‌کند به جای ثبت رفتار، پدیده مورد پژوهش را درک کند، به این معنا که رفتار مورد پژوهش برای افراد مورد مطالعه چه معنی دارد. این درک مستلزم این است که معنی کیفی به آن رفتار نسبت داده شود.

### ۸- روش هرمنوتیک

هرمنوتیک رشته علمی است که در آغاز به دنبال فهم و تفسیری از کتب مقدس بود، اما در قرن نوزدهم و بیستم به موازات ایده پدیدارشناسی وارد حوزه فلسفه شد و به معنی مطلق درک و فهم معنا به کار گرفته شد (Griseri, 2002: 134). این روش فهم متون و چگونگی ادراک و فهم و روند آن را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر هرمنوتیک، هنر دستیابی به فهم کامل و تام عبارت‌های گفتاری و نوشتاری است (نیچه و دیگران، ۱۳۸۱: ۹).

تفاوت آشکاری بین هرمنوتیک و پدیدارشناسی وجود دارد.

---

#### 1. Temporality

## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۱

پدیدارشناسی رویکردی فردگرایانه است، در حالی که هرمنوتیک، سرچشمه دانش اجتماعی را در پیچیدگی حوادث اجتماعی می‌بیند (گایینی، ۱۳۸۵: ۱۶۵). هرمنوتیک روش چگونه سفر کردن به سوی دانش را نشان می‌دهد. همچنین بر این پیش‌فرض استوار است که تمامی اطلاعات زائد و به ظاهر بی‌مصرف ممکن است برای تفسیر مفید و کارآمد باشد؛ بنابراین کلمه به کلمه در یک گزاره یا متن باید در تفسیر ملاحظه شود. می‌توان نتیجه گرفت: هرمنوتیک نوع پیشرفته پدیدارشناسی است که درصدد توصیف علمی از فعالیت به‌منظور فهم معنایی و تاریخی از حوادث اجتماعی می‌باشد (همان: ۱۷۰).

### ۹- ظهور واقع‌گرایی انتقادی

توانمندی علوم فیزیکی برای پیش‌بینی و موفقیت اعجاب‌انگیز چنین پیش‌بینی‌هایی، به‌صورت فناوری‌های تازه برای همه روشن است، اما در علوم اجتماعی با موقعیتی کاملاً متضاد با علوم طبیعی روبه‌رو هستیم. دلایل آن متعدد است، شایع‌ترین آنها اینکه علوم اجتماعی نابالغ است، به این معنا که ویژگی واقعیت اجتماعی پیچیده‌تر از واقعیت فیزیکی است. پس علل دیگر مداخله‌گر پیچیده‌تر و کار دانشمندان اجتماعی بسیار دشوارتر است. دلیل دیگر اینکه واقعیت اجتماعی از لحاظ هستی‌شناسی با واقعیت فیزیکی متفاوت است. در نتیجه در مطالعات اجتماعی، مفهوم علم و رابطه آن با پژوهش مورد سؤال واقع می‌شود و برای پاسخ به این سؤال، پژوهشگران اجتماعی به رویکردهای پدیدارشناسی، اثبات‌گرایی، ساخت‌گرایی و هرمنوتیک علاقه نشان می‌دهند و اختلاف بر سر روش و اهداف پژوهش به‌صورت اختلاف در حوزه فلسفه علوم اجتماعی درمی‌آید

۲۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

(خادمی، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۵).

### ۱۰- ظهور پسا ساختارگرایی

تأکید پسا ساختارگرایان بر متن اجتماعی و امکان ناپذیری بازنمایی کامل تجارب انسانی است. در این گونه مطالعات، اثری از ضوابط ارزشیابی اثبات‌گرایی و پسا اثبات‌گرایی نمی‌بینیم و به جای آن به متون چندصدایی و خودبازتابنده در تجارب مردم تحت ستم توجه می‌شود. همچنین مطالعات فرهنگی و نظریه غیرعادی، از انواع فلسفه‌ها و نگرش‌های مارکسیسم، فمینیسم و پسا مدرنیسم تأثیر می‌پذیرند. بنابراین در یک نگاه کلی، شاهد تنشی بنیادی در پژوهش‌های کیفی هستیم: از یک سو مطالعات فرهنگی دارای وجه طبیعت‌گرایانه و انسان‌مدارانه هستند و بر تجربه‌های انسانی تأکید می‌کنند و از سوی دیگر، بسیاری از مطالعات فرهنگی بر عوامل تعیین‌کننده مادی و ساختاری - مثل نژاد، طبقه، جنسیت و در واقع آثار تجربه‌های انسانی - تأکید می‌ورزند.

### ۱۱- فرهنگ و ارتباط آن با روش‌های تحقیق

به نظر می‌رسد که بیشترین کاربرد فرهنگ به‌عنوان مفهوم یکپارچه‌ای که از طرفی بیان‌کننده همبستگی و نظم اجتماعی است و از طرف دیگر اثربخشی سازمان، نتیجه انتقال این مفهوم فرهنگ از تئوری‌های شناختی و جامعه‌شناختی مانند پارادایم نظری کارکردی - ساختی به تجزیه و تحلیل سازمانی می‌باشد (Meek, 1988: 364). بسیاری از محققان در مطالعات فرهنگ سازمانی، فرهنگ را پدیده‌ای مرتبط با مدیریت دانسته‌اند و آن را وجدان جمعی سازمان و تحت

مالکیت، کنترل و اداره مدیریت تعریف کرده‌اند. برخی نظریه‌پردازان سازمانی، به‌ویژه آنانی که مرتبط به مکاتب روابط انسانی هستند، مفهوم فرهنگ را از سنت مردم‌شناسی کارکردی - ساختی وام گرفته‌اند. البته در فرایند به‌کارگیری آن در سازمان، تغییرات را در این مفهوم ایجاد کردند (Turner, 1986).

مطالعه فرهنگ سازمانی به معنای افسانه‌ها و اسطوره‌هایی که سازمان‌ها ایجاد می‌کنند و تشریفات و رسومی که به کار می‌گیرند و سمبل‌هایی که سازمان‌ها از طریق آن اداره می‌شوند، امری شایع و متداول است (Meek, op. cit: 363). بنابراین برابر دانستن فرهنگ سازمانی با نیروی طبیعی برای نظم اجتماعی در درون سازمان به این معنا که فرهنگ، عبارت است از وجدان جمعی سازمان که قابلیت سنجش و اداره دارد و در واقع تلقی که نشئت یافته از نگرش سنت کارکردی - ساختی به مقوله فرهنگ است. در ۲۵ سال گذشته انتقادهای زیادی به تئوری کارکردی - ساختی شده است که عمدتاً به دلیل اتکای این تئوری به استعاره زیستی، موضوع پوزیتویستی آن و اصرار آن بر اینکه نظم‌های اجتماعی از طریق افرادی که به درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌های مسلط اجتماعی پرداخته‌اند، ایجاد و نگهداری می‌شوند و به دلیل تلقی آنها از افرادی که هنجارهای بدیهی را پذیرفته‌اند، به‌عنوان موجودات منحرف اجتماعی و به دلیل فرضشان بر این نظریه که پاره‌هایی از یک موجود اجتماعی وقتی در یک وضعیت متعادل طبیعی قرار می‌گیرد به‌صورت کارا عمل می‌کند، به‌گونه‌ای که عامل حفظ اثربخشی کل ساختار اجتماعی می‌گردند، مورد نقد قرار گرفته‌اند (Ibid: 366).

فرهنگ ناشی از تمایلات اجتماعی است. در این رویکرد به فرهنگ،

## ۲۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

پژوهشگر به تجزیه و تحلیل برخی از ابعاد غیرمعمول و بیگانه در زندگی سازمانی نمی‌پردازد. تفسیر فرهنگ سازمانی باید به گونه‌ای عمیق بوده و ریشه در انباشت زمینه‌ای زندگی اجتماعی اعضای سازمانی داشته باشد. فرهنگ نمی‌تواند به‌عنوان موجود فرعی یا خارج از اهداف سازمان تعریف شود (گایینی، پیشین: ۱۷۴).

اگر به فرهنگ به‌عنوان ریشه‌ی تعاملات اجتماعی توجه شود، به این معنا که فرهنگ به گونه‌ای اجتماعی در طول زمان تولید و بازتولید شده؛ بنابراین، نمی‌تواند کشف و یا به گونه‌ای مکانیکی اداره شود، بلکه تنها می‌تواند توصیف و تفسیر شود. پژوهشگر در حوزه فرهنگ سازمانی بر اساس این نوع تحلیل اجتماعی از فرهنگ نمی‌تواند طرحی پیشنهاد دهد که بر اساس آن مشخص شود چگونه فرهنگ ایجاد و یا نابود می‌شود. محقق تنها می‌تواند برای رمزگشایی و تبیین اینکه چگونه فرهنگ ممکن است در فرایندهای اجتماعی بازتولید شده و تغییر داده شود، تلاش کند (Meek, op.cit: 374).

فرهنگ‌ها پدیده‌هایی عینی و ملموس نیستند، بلکه مفاهیمی انتزاعی هستند که برای تفسیر رفتارها به کار برده می‌شوند. چنانکه ماکس وبر می‌گوید: انسان، حیوانی است که در یافته‌هایی که خود تنیده و پیچیده شده است. فرهنگ به منزله یافته‌هاست و تجزیه و تحلیل آن علم تجربی نیست که به دنبال کشف از قانون باشد؛ بلکه تفسیری است که در پی به‌دست آوردن معنایی از رفتار می‌باشد و سمبل‌ها، رمزهای مشترکی از معانی هستند که در بر دارنده تنوعی از عناصر مانند کلمه‌ها، داستان‌ها، تصاویر سازمانی یا پرچم‌های ملی که معانی را ایجاد می‌کنند، هستند و نیز احساسات را برانگیخته و مردان و زنان را وادار به فعالیت می‌کند



(Ibid: 174).

بنابراین، سازمان چیزی بیشتر یا کمتر از الگوهایی از گفتگوی نمادین تعریف نشده است. سازمان‌ها تصوراتی از مشارکت و تفسیری از تجربه‌های سازمانی هستند. آنها واقعیت بیرونی ندارند، بلکه صرفاً وجودی اجتماعی هستند که نشئت گرفته از کنشگرانی هستند که معانی را از چشمه‌های مستمر عمل و تفسیر به وجود می‌آورند. بنا بر نظریه پارادایم تفسیری، سازمان‌ها وجود خارجی ندارند (Geertz, 1973: 9).

رویکرد هرمنوتیک به‌عنوان یکی از رویکردهای معناکاوی در مطالعات سازمانی، بیشترین تأثیر را در فرهنگ سازمانی می‌گذارد. استعاره هرمنوتیک، رفتار اعضای سازمان را به‌عنوان متن‌هایی ترسیم می‌کند که حامل معانی خاص هستند پژوهشگری که به مطالعه فرهنگ سازمانی و رفتارهای اعضای سازمان می‌پردازد، از دیدگاه هرمنوتیک لازم است، حسی را از معانی آن فرهنگ و رفتارها به دست آورد. حوادث و پدیده‌های سازمانی در درون الگوهای عام، معنا و به‌نظم کشیده می‌شوند. فرهنگ سازمانی حوادث و فرایندهایی را که جدا از هم متصور می‌شوند، به هم ربط می‌دهد. فرهنگ سازمانی حلقه اتصال را نشان می‌دهد که به وسیله آن ارتباط شبکه‌ای از پدیده‌های وسیع و متنوع را پشتیبانی می‌کند (Griseri, 2002: 137).

می‌توان گفت فیلسوفان طی چندین قرن به تحقیق در مورد ماهیت پژوهش علمی پرداخته و مکاتب فکری مختلفی را پدید آورده‌اند. پژوهشگران علوم انسانی تحت تأثیر این مکاتب فلسفی، چون اثبات‌گرایی، تجربه‌گرایی، پدیدارشناسی و دیدگاه تأویلی قرار گرفته‌اند و مواضع معرفت‌شناسی خاص خود را در این مورد مشخص کرده‌اند که

چگونه باید در رشته خاص آنها به پژوهش پرداخت (خادمی، ۱۳۸۵: ۴۲).

## ۱۲- استراتژی تحقیق کیفی

هدف اصلی پارادایم کیفی، درک حیات اجتماعی و معنایی است که افراد به زندگی روزمره خود می‌دهند (صدوقی، ۱۳۸۶: ۴). زلدیچ (۱۹۶۲) در زمینه تدوین استراتژی تحقیق بر این باور است که تحقیق کیفی را باید بر مبنای دو معیار مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد. نخستین معیار، شایستگی اطلاعاتی است. آیا طرح تحقیق می‌تواند این احتمال را که پژوهشگر بتواند به پرسش‌های مطرح شده به شیوه‌ای عمیق و معقول پاسخ دهد، به حداکثر برساند؟ آیا استراتژی مورد نظر مسیر کسب اطلاعات را به شیوه‌ای مشخص روشن می‌کند؟ دومین شاخص، کارایی است. آیا در اجرای این استراتژی می‌توان با توجه به زمان، دسترسی به اطلاعات و هزینه‌های مربوطه، داده‌ها را به شیوه‌ای مناسب جمع‌آوری کرد؟ (Zelditch, 1962: 566-576) در زمینه قضاوت درباره استراتژی تحقیق، شاخص مهم دیگری به نام «رعایت اصول اخلاقی» را اضافه می‌کنیم. آیا استراتژی مورد نظر وارد حریم شخصی کسانی که روی آنها تحقیق می‌شود، خواهد شد و آیا حریم زندگی روزمره و دنیای خاص آنها را رعایت می‌کند؟ آیا کسانی که در این تحقیق مشارکت می‌کنند (افراد مورد تحقیق) خود را در معرض نوعی خطر قرار می‌دهند؟ آیا این تحقیق به گونه‌ای حقوق بشر را نقض می‌کند؟ (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱: ۶۰).

### ۱۳- روش تحقیق کیفی از نظر جی کاب<sup>۱</sup>

محققان معتقدند: پژوهش کیفی، نوعی تحقیق و بررسی است که به دنبال توصیف و مشخص کردن اعمال انسان‌ها، به همان صورت که در زندگی آنها آشکار شده است، می‌باشد (Polkinghorne, 2005: 137).

جی کاب (۱۹۸۷-۱۹۸۸) که پایه و اساس کار خود را بر روش‌های تاریخی و نظام علمی نهاده بود، توانست ۶ روش برای تحقیقات کیفی ارائه نماید که عبارتند از:

۱- رفتارشناسی مردم: در این روش سعی می‌شود انواع رفتار انسان‌ها شناسایی و درک شود. داده‌ها را از مجرای مشاهده و تجربه و تحلیل مقادیر کمی جمع‌آوری کرده و گاهی از ضبط صوت و فیلم استفاده می‌کنند.

۲- روان‌شناسی بوم‌شناسی: این دومین روشی است که در آن به رابطه متقابل انسان و محیط، در شکل دادن به رفتار، توجه می‌شود. در این روش بر داده‌های مورد مشاهده تأکید می‌شود و در مواردی هم نوار و ضبط صوت مورد استفاده قرار می‌گیرد، به‌ویژه محیط از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳- مردم‌نگاری کل‌گرا: در این روش فرهنگ انسانی نقشی اساسی دارد. در این روش محققان کوشیده‌اند با به‌کارگیری روش مشاهده مشارکتی، داده‌هایی را جمع‌آوری کنند تا بدین وسیله دیدگاه‌های افراد مورد تحقیق مستند شود.

۴- انسان‌شناسی شناختی: اساس فرض بر این گذاشته می‌شود که

---

1. Jacob

## ۲۸ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

دیدگاه‌های کسانی که در تحقیق مشارکت می‌کنند بر دو دسته است: گروه‌هایی که به شکل توجه می‌کنند و گروه‌هایی که درصدد شناخت معانی و مفاهیمی برمی‌آیند که به‌طور منظم بین افراد رد و بدل می‌شود. ۵- مردم‌نگاری ارتباطی: گروه مردم‌نگار با توجه به روابط متقابل گفتاری و غیرگفتاری (با استفاده از روش مشاهده مشارکتی)، داده‌هایی را جمع‌آوری و برای ثبت این روابط از فیلم و ضبط صوت استفاده می‌کنند.

۶- تعامل‌گرایی نمادین: در اجرای این روش، پژوهشگر می‌کوشد تا دریابد که افراد مقصودشان از ایجاد ارتباط متقابل چیست و چه معنا یا برداشتی از این ارتباط دارند. در این روش بر معنا یا مفهومی که در سازمان‌های اجتماعی وجود دارد، تأکید می‌شود.

## ۱۴- فرایند روش تحقیق کیفی

### ۱-۱۴- موضوع و مسئله تحقیق

اگرچه بین تحقیق کیفی و کمی شباهت‌های زیادی وجود دارد، ولی موضوع این دو روش تحقیق تفاوت‌های فاحشی دارند. پژوهشگر به هنگام ارائه موضوع تحقیق کیفی باید نخست مخاطبان خود را (کسانی که این تحقیق برای آنان اهمیت دارد) در نظر آورد، سپس موضوع تحقیق را با توجه به یک مسئله کلی یا پرسش‌هایی که درصدد پاسخ به آنهاست، تنظیم کند. بدیهی است که این مسئله کلی همان پرسش‌های خاص تحقیق، فرضیه‌هایی که باید آزمود یا فرضیه‌های اثبات نشده، نخواهد بود. بیان مسئله تحقیق کیفی می‌تواند به‌صورت یک بحث کلی از معما،

## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۹

مسئله‌ای کشف نشده یا گروهی باشد که باید مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرند. پس از مرور ادبیات که اغلب شامل چندین مجموعه از ادبیات می‌شود، می‌توان مسئله تحقیق را به صورتی دقیق بیان کرد (مارشال و راسمن، پیشین: ۵۲).

موضوع تحقیق به ما می‌گوید که دامنه تحقیق تا کجا کشیده می‌شود و آیا مقدار و تنوع داده‌ها به گونه‌ای است که بتوان به تمام پرسش‌های مطرح در تحقیق پاسخ کامل داد یا خیر (همان: ۶۷).

سؤال این است که پژوهشگران چگونه می‌توانند در طرح تحقیق انعطاف‌پذیری لازم را حفظ کنند، به گونه‌ای که آن تحقیق بتواند «بشکافد، باز کند، جریان و سیلان یابد و بیرون بریزد»؟ (Lincoln & Guba, 1985: 211) از سوی دیگر چگونه برنامه‌ای را ارائه کند که منطقی، مستدل، معقول، دقیق و عمیق باشد، به گونه‌ای که بتوان بدان وسیله توانایی‌های مجری را سنجید و اندازه‌گیری کرد؟ (مارشال و راسمن، پیشین: ۵۲).

### ۲-۱۴- مروری بر ادبیات تحقیق

در برخی موارد، بررسی یا مرور بر ادبیات موجب می‌شود، بتوان تعریف‌های مفیدی از واژگان خاص ارائه نمود، ساختارها و مفاهیم را مشخص کرد و حتی استراتژی جمع‌آوری داده‌ها را تدوین نمود (همان). در طرح تحقیق باید از نقل قول‌ها و نوشته‌های متخصصان، به حد وفور استفاده کرد. برای مثال، برای توجیه رعایت اصول اخلاقی و آنچه پژوهشگر باید در مورد افراد یا جامعه مورد آزمایش به کار برد، با مروری بر ادبیات می‌توان چهارچوب نظری را مشخص و شیوه تجزیه و تحلیل

### ۳۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

داده‌ها را ارائه کرد.

سرانجام، در صورت امکان باید الگویی مفروض (و اثبات نشده) ارائه کرد تا بتوان بدان وسیله پرسش‌هایی را که در مصاحبه مطرح خواهند شد، به رمز درآوردن پرسش‌ها (کدبندی) و طبقه‌بندی آنها را مشخص ساخت. پژوهشگر با ارائه چنین الگویی نشان می‌دهد که خوب می‌داند کار را از کجا شروع کند، پس از ورود به صحنه چه رفتارهایی را مورد توجه قرار دهد و دربارهٔ تجزیه و تحلیل داده‌ها از چه روش‌هایی استفاده کند (همان: ۶۷ - ۶۸).

### ۳-۱۴- فرضیه تحقیق

چنین نیست که پژوهشگر هیچ حدس و گمانی درباره موضوع مورد پژوهش خود، از قبل در ذهن نداشته باشد. فقط پژوهشگر صرفاً فرض‌های ساختارمند و از قبل تعیین شده‌ای را به شکل مرسوم روش کمی در ذهن نمی‌پروراند. به اعتقاد بیتس، «هیچ پژوهشگری در هیچ رشتهٔ علمی نیست که تحقیقش را به سان یک لوح ننوشته آغاز کند» (بیتس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۵۸). به عبارت دیگر، در مورد فرضیه انعطاف‌پذیری وجود دارد.

### ۴-۱۴- فنون نمونه‌گیری در تحقیق کیفی

از نظر فنون نمونه‌گیری، تحقیق کیفی در مقایسه با تحقیق کمی، انعطاف‌پذیرتر است. این انعطاف‌پذیری ناشی از ماهیت غیرقابل پیش‌بینی طرح در تحقیق کیفی است. به عبارت دیگر، تحقیق کیفی به‌منظور کسب بینش بیشتر، آزادی لازم را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد.

## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳۱

پاتون پانزده روش نمونه‌گیری را مشخص کرده که هر یک از آنها می‌تواند با توجه به هدفی خاص در تحقیق کیفی مورد استفاده قرار گیرد (Patton, 1990: 169-183). هریک از این روش‌ها در زیر توصیف و تبیین شده‌اند.

۱- نمونه‌گیری مورد استثنایی یا کرانه‌ای:<sup>۱</sup> به موارد غیرمعمول یا خاص توجه دارد. تحقیق جورج نوبلت مثالی از این نمونه‌گیری است که در آن چگونگی توجه معلمان به مشکلات دانش‌آموزان در فرایند تدریس و رابطه آن با قدرت معلمان مورد بررسی قرار گرفته است (Noblit, 1993: 23-38).

۲- نمونه‌گیری موارد مطلوب: از طریق انتخاب مواردی که پدیده مورد علاقه را به میزان فراوان، ولی نه به گونه‌ای استثنایی نشان می‌دهند، از بروز مشکلات ناشی از نمونه‌گیری کرانه‌ای جلوگیری می‌شود (گال و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۹۰).

۳- نمونه‌گیری موارد عادی:<sup>۲</sup> این نوع نمونه‌گیری شامل انتخاب موارد عادی و معمولی است. این شیوه می‌تواند به‌طور ویژه در آزمون‌های مقدماتی برنامه‌های جدید سودمند باشد.

سه راهبرد نمونه‌گیری بیان شده بالا، مکمل یکدیگرند. هیچ یک بر دیگری برتری و رجحان ندارد، لیکن هر یک به‌منظور دستیابی به اهدافی مهم، اما متفاوت به کار می‌روند.

۴- نمونه‌گیری تغییرات بیشینه:<sup>۳</sup> این روش مستلزم انتخاب مواردی

- 
1. Extreme or deviant case sampling
  2. Typical case sampling
  3. Maximum variation sampling

## ۳۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

است که دامنه تغییرات پدیده مورد تحقیق را نشان می‌دهند.

۵- نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای<sup>۱</sup>: اندکی با نمونه‌گیری تغییرات بیشینه تفاوت دارد. نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای چندین مورد از هر یک از انواع تغییرات مشخص شده را (مثلاً متوسط، بالاتر از متوسط و پایین‌تر از متوسط) با توجه به پدیده تحت بررسی در بر می‌گیرد. با در نظر گرفتن چند مورد از هر نوع، پژوهشگر می‌تواند ویژگی‌های هر نوع و همچنین پراکندگی‌های موجود در آنها را مورد شناسایی قرار دهد. در مقابل، پژوهشگری که از نمونه‌گیری تغییرات بیشینه استفاده می‌کند، احتمال دارد از هر نوع، تنها یک مورد در نمونه انتخابی خود داشته باشد. این امر ممکن است، امکان نتیجه‌گیری صحیح را از وی سلب کند (همان: ۳۹۲).

۶- نمونه‌گیری متجانس<sup>۲</sup>: راهبرد مقابل نمونه‌گیری تغییرات بیشینه است. هدف این راهبرد انتخاب یک نمونه از موارد مشابه است تا از این طریق گروهی که نمونه معرف آن می‌باشد، به صورت عمیق مورد تحقیق قرار گیرد.

۷- نمونه‌گیری موارد بحرانی<sup>۳</sup>: این روش مستلزم انتخاب یک مورد واحد است. این انتخاب زمینه آزمون قطعی یک نظریه، برنامه یا پدیده‌های دیگر را فراهم می‌سازد.

۸. نمونه‌گیری زنجیره‌ای<sup>۴</sup> مستلزم مشورت با افراد مطلع است تا آنها

- 
1. Stratified purposeful sampling
  2. Homogeneous sampling
  3. Critical case sampling
  4. Chain sampling



### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳۳

موارد مناسب تحقیق را معرفی کنند. در مواردی که همگرایی میان آرای صاحب‌نظران وجود داشته باشد، افراد انتخاب شده نمونه‌ای بسیار معتبر را تشکیل خواهند داد.

۹- نمونه‌گیری ملاک‌محور:<sup>۱</sup> مستلزم انتخاب مواردی است که ملاک مهمی را برآورده می‌سازند. این راهبرد به‌ویژه هنگام تحقیق در برنامه‌های آموزشی مفید است.

۱۰- نمونه‌گیری نظریه‌مدار یا سازه عملیاتی:<sup>۲</sup> این روش زمانی به کار برده می‌شود که هدف تحقیق، کسب آگاهی در زمینه تجلیات واقعی سازه‌های نظری است.

۱۱- نمونه‌گیری موارد رد یا تأیید:<sup>۳</sup> این روش با هدف پی بردن به اعتبار تحقیقات انجام شده قبلی صورت می‌گیرد. فرایند اعتباریابی می‌تواند به دو طریق انجام گیرد: در شیوه اول، تحقیق درباره مواردی است که احتمال می‌رود الگوها، موضوعات و معانی کشف شده در پژوهش‌های موردی قبلی را تأیید کنند. شیوه دوم، تحقیق درباره مواردی است که برای رد یافته‌های تحقیقات قبلی مناسب هستند.

۱۲- نمونه‌گیری تصادفی هدفمند<sup>۴</sup> این روش مستلزم انتخاب یک نمونه تصادفی با استفاده از روش‌های تحقیق کمی است. برخلاف تحقیق کمی، هدف از انتخاب این نمونه تصادفی معرف بودن جامعه نیست، بلکه هدف حصول اطمینان از به‌کارگیری یک شیوه نمونه‌گیری غیر اریب است.

- 
1. Criterion sampling
  2. Theory based or operational construct sampling
  3. Confirming & disconfirming case sampling
  4. Purposeful random sampling

#### ۳۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

۱۳- نمونه‌گیری موارد مهم سیاسی:<sup>۱</sup> راهبردی است که می‌تواند برای پژوهشگران یا سازمان‌های تأمین‌کننده اعتبار پژوهش مفید باشد.

۱۴- نمونه‌گیری سهل‌الوصول:<sup>۲</sup> این روش مستلزم انتخاب مواردی است که صرفاً در دسترس هستند و تحقیق آنها راحت است.

۱۵- نمونه‌گیری بنا به فرصت پیش آمده: این نمونه‌گیری مستلزم استفاده از یافته‌های یک تحقیق موردی انجام شده، جهت آگاهی دادن به پژوهشگر در انتخاب مورد بعدی برای پژوهش است. در واقع، یافته‌ها ممکن است طرح پژوهشگر را برای تحقیق مورد بعدی، تغییر دهند (Ibid).

نمونه‌گیری بنا به فرصت پیش آمده، یکی از مهم‌ترین راهبردها در انتخاب نمونه‌های تحقیق کیفی به شمار می‌آید. این نمونه‌گیری به محقق انعطاف‌پذیری لازم را به‌منظور تغییر راهبرد خواهد داد.

#### ۵-۱۴- روش‌های جمع‌آوری داده‌ها

روش‌هایی که به پدیده‌ها نگاه کل‌نگر و جامع دارند و معتقدند دنبال کردن این روش، راهی است برای کسب آگاهی از طریق کشف معانی پدیده‌ها (عابدی، ۱۳۸۵: ۶۲ - ۶۳). ابزارها و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات که در روش‌های کیفی رایج است، عبارتند از: مردم‌نگاری<sup>۳</sup>، مشاهده<sup>۴</sup>، پژوهش در عمل<sup>۵</sup>، زندگی‌نامه یا تاریخچه زندگی<sup>۱</sup>، پژوهش

- 
1. Sampling politically important case
  2. Convenience sampling
  3. Ethnography
  4. Observation
  5. Recherche-action

موردی<sup>۲</sup>، مصاحبه و بررسی اسناد (منادی، ۱۳۸۵).  
لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) چهار ویژگی قابل اعتبار بودن<sup>۳</sup>، قابل انتقال بودن<sup>۴</sup>، وابستگی داشتن<sup>۵</sup> و قابل تأیید بودن<sup>۶</sup> را برای معقول بودن<sup>۷</sup> پژوهش کیفی مطرح کرده‌اند.  
محقق در این روش تحقیقی پاره‌ای از اطلاعات را جمع‌آوری می‌کند که راهنمای مرزهای یک مفهوم جدید باشند (عابدی، پیشین: ۶۰). در سطحی عمیق‌تر باید بگوییم که پژوهش کیفی فرصت‌هایی را برای گسترش دامنه پژوهش روان‌شناختی به قلمروهایی که قابل کمی‌سازی نیستند فراهم می‌آورد (صدوقی، ۱۳۸۷: ۵۶).  
به‌طور خلاصه روش‌های اصلی جمع‌آوری داده‌ها در تحقیق کیفی عبارتند از:

۱- مشاهده،

۲- تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک،

۳- مصاحبه عمیق که شامل مصاحبه‌های ساخت‌یافته، ساخت‌نیافته و نیمه ساخت‌یافته است (فرهنگی و صفر زاده، ۱۳۸۵: ۳۴۱-۳۴۰).  
در تمام تحقیقات کیفی، مشاهده به‌عنوان یک روش اصلی، اصولی، زیربنایی و سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید. پژوهشگر از طریق مشاهده، روابط بسیار پیچیده را در زمینه اجتماعی و واقعی کشف می‌کند. حتی

- 
1. L'histoire de vie
  2. Case study
  3. Credibility
  4. Transferability
  5. Dependability
  6. Confirmability
  7. Soundness

## ۳۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

در مصاحبه‌های جامع، مشاهده می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. پژوهشگر به زبان اندام هم توجه دارد و این حرکات‌ها را یادداشت می‌کند، زیرا حرکات‌های مزبور مطالبی را به گفتار شخص می‌افزایند. ولی او در اجرای چنین روشی باید منابع، انرژی و وقت زیادی صرف کند (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱: ۱۱۱).

مشاهده مشارکتی یکی از ارکان اصلی تحقیق کیفی است. همان‌گونه که از نام این روش برمی‌آید، ایجاب می‌کند که پژوهشگر در جامعه مورد تحقیق مشارکت نماید. مشارکت یا دخالت در مکان یا جامعه تحقیق، این امکان را به وجود می‌آورد تا پژوهشگر واقعیت را ببیند، بشنود و تجربه کند. کمال مطلوب این است که او مقدار زیادی از وقت خود را در محل یا مکان مورد تحقیق بگذراند و درباره زندگی روزانه مطالبی را بیاموزد (همان: ۱۱۰-۱۰۹).

پاتن مصاحبه را به سه گروه طبقه‌بندی کرده است که عبارتند از: مصاحبه مبتنی بر گفتگوی غیررسمی، مصاحبه کلی یا عمومی و مصاحبه استاندارد شده و آزاد (Patton, 1990: 280-290).

اصولاً در مصاحبه جامع یا آزاد، پژوهشگر برای کشف مقصود مورد پژوهش در پی چند موضوع اصلی برمی‌آید، ضمن آنکه به چهارچوب و ساختار عقاید پاسخ‌دهنده احترام می‌گذارد (مارشال و راسمن، پیشین: ۱۱۲).

در نهایت پژوهشگران با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارکی که مربوط به رویدادهای روزمره است، می‌کوشند تا مشاهده، مصاحبه و مشاهده مشارکتی را تکمیل کنند (همان: ۱۱۸).

#### ۶-۱۴- ترکیب و تلفیق یافته‌های تحقیقات کیفی

در تحقیق کیفی، از اصطلاحاتی مانند «بزرگ»، «مدت طولانی»، «نسبتاً سریع» و... برای توصیف پدیده‌ها استفاده می‌شود (دلور، ۱۳۸۴: ۲۳۴).

دست‌اندرکاران تحقیقات کیفی با انجام پژوهش‌های موردی، تلاش می‌کنند تا خصوصیات ویژه، شرایط و زمینه مخصوص به هر مورد را دریابند. حال چگونه می‌توان یافته‌های مربوط به پژوهش‌های کیفی را ترکیب کرد؟ (نصر، ۱۳۸۲: ۲۶۷) چنانکه جورج نوبلیت و دوایت هر گفته‌اند: «هنر آن است که در عین کل‌نگری، ویژگی‌های منحصر به فرد هر مورد هنگام ترکیب و تلفیق پژوهش‌ها حفظ شود» (Noblit & Hare, 1988). رودنی اوگاوا و بتی مالن برای ترکیب پژوهش‌های کیفی، روشی را بر اساس اصول و قواعد پژوهش موردی به روش اکتشافی پیشنهاد کرده‌اند (Ogawa & Malen, 1991: 265-286). روش اوگاوا و مالن را می‌توان در هشت مرحله اساسی ارائه کرد (گال و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۶۷):

مرحله اول: یک گاهنامه پژوهشی<sup>۱</sup> تهیه کنید. واژه گاهنامه پژوهش برای ثبت چگونگی انجام یک پژوهش موردی در تحقیقات کیفی به کار می‌رود (Guba & Lincoln, 1981).

مرحله دوم: محور اصلی بررسی آثار علمی را مشخص کنید. تحقیقات کیفی نوعاً به پدیده‌های پیچیده اجتماعی می‌پردازند که در شرایط عینی زندگی روی می‌دهند. مهم آن است که مفهوم پدیده اجتماعی مورد

---

1. Audit trail

علاقه را مشخص و تعریف کنیم. تعریف مفاهیم از آن رو اهمیت دارد که حوزه کار بررسی پیشینه تحقیق را مشخص می‌کند.

مرحله سوم: پیشینه مناسب و مربوط به موضوع را جستجو کنید.

مرحله چهارم: منابع (مدارک) را طبقه‌بندی کنید.

مرحله پنجم: یک پایگاه اطلاعاتی برای خلاصه منابع ایجاد کنید. به گفته اوگاوا و مالن: «پژوهشگران باید از انبوه مواد خام (منابع) جمع‌آوری شده، خلاصه‌هایی تهیه کنند که الف) قابل خواندن و بازخوانی باشند، به گونه‌ای که اطمینان حاصل شود که آنها تلخیص درست و دقیقی از اطلاعات خام هستند و ب) قابل بررسی و بازنگری باشند، به گونه‌ای که با اطمینان بتوان گفت که تمام اطلاعات مربوطه مد نظر قرار گرفته و در گزارش نهایی منعکس شده است» (Ogawa&Malen, op. cit: 280).

مرحله ششم: سازه‌ها (مفاهیم) و روابط علی و معلولی بیان شده در فرضیات تحقیق را مشخص کنید. هدف بررسی‌کنندگان آثار کیفی، افزایش آگاهی از پدیده‌های مورد پژوهش و رهنمود دادن به تحقیقات آینده است. علاوه بر تعیین روابط علی و معلولی، باید به مشخص کردن و ارزیابی شواهد ارائه شده در منابع علمی، برای تأیید ادعاهای مربوط به روابط علی و معلولی پرداخت. همچنین باید به قضاوت درباره ارزش و اهمیت روابط علی و معلولی مفروض، درباره پدیده مورد پژوهش از نظر نویسندگان آن منبع و نیز دست‌اندرکاران امور پرداخت.

مرحله هفتم: یافته‌های مغایر<sup>۱</sup> و تفسیرهای رقیب یا مدعی<sup>۲</sup> را بیابید. به فرض اگر در تحقیقات مربوط به آثار آزمون مکرر، نتایج متفاوتی را

- 
1. Contrary findings
  2. Rival interpretations

مشاهده کردیم (بسیاری از نتایج مثبت اما برخی از آنها منفی بود)، به جای نادیده گرفتن این تفاوت‌ها، بررسی‌کننده آنها از طریق انجام فراتحلیل بکوشد تا با تجزیه و تحلیل ویژگی‌های تحقیق‌های مختلف یادشده، علت این تفاوت‌ها را دریابد.

مرحله هشتم: از همکاران و افراد مطلع برای همفکری درباره یافته‌های پژوهشی استفاده کنید.

### ۱۵- نتیجه‌گیری

روش تحقیق کمی و کیفی از جمله روش‌هایی هستند که در رشته‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند و محققان با بهره‌گیری از این روش‌ها به کشف مجهولات و حل مسائل می‌پردازند. اما آنچه در حال حاضر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده این است که سکان پژوهش در کشور بر دوش روش‌های کمی است.

با توجه به مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی موجود در جامعه شاید تنها راه‌حل مقابله با مشکلات جامعه، توجه بیشتر به محققان و اندیشمندان علوم انسانی در اداره جامعه و سپردن جایگاه‌های مناسب به آنان باشد. در همین راستا به نظر می‌رسد، تکیه بر پژوهش کیفی در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی می‌تواند فضا را برای پژوهش متناسب با علوم انسانی مهیا کند.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸ / ۶ / ۱۳۸۸.
۲. احمدی، بابک، ساختار و هرمنوتیک، تهران: گام نو، ۱۳۸۰.
۳. بیتس دانیل و فرد پِلاگ، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۴. پایا، علی (الف)، «آینده علوم انسانی در ایران»، فصلنامه تخصصی حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۸۵.
۵. پایا، علی (ب)، دانشگاه، تفکر علمی، نوآوری و حیطة عمومی، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی وزارت علوم، فناوری و تحقیقات، ۱۳۸۵.
۶. پایا، علی (ج)، دو رساله در باب فرهنگ، فناوری و اخلاق، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۵.
۷. پوپر، کارل ریموند، فقر تاریخی‌گری، ترجمه احمد آرام، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
۸. خادمی، عزت، «تحولات روش‌شناسی پژوهش در علوم انسانی»، فصلنامه تخصصی حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۸۵.
۹. دلاور، علی، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش، ۱۳۸۴.
۱۰. راین، آلن اف، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۱. سیلورمن، دیوید، روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۹.
۱۲. صدوقی، مجید، «کنکاش در مبانی فلسفی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال سیزدهم، شماره پنجاه و دو، ۱۳۸۶.



## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۴۱

۱۳. صدوقی، مجید، «معیارهای ویژه ارزیابی پژوهش کیفی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۴، شماره ۵۶، ۱۳۸۷.
۱۴. عابدی، حیدرعلی، «تحقیقات کیفی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، ۱۳۸۵.
۱۵. فروند، ژولین، آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه محمد علی کاردان، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۱۶. فرهنگی، علی‌اکبر و حسین صفرزاده، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات پیام پویا، ۱۳۸۵.
۱۷. گابینی، ابوالفضل، «روش‌شناسی هرمنوتیک و فرهنگ سازمانی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۸۵.
۱۸. منصورری، رضا، «بررسی وضعیت علوم انسانی ایران در رتبه‌بندی‌های جهان، معاون پژوهشی وزارت علوم»، تحقیقات و فناوری، دفتر مطالعات فرهنگی، آبان ماه ۱۳۸۸.
۱۹. منادی، مرتضی، «روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری» فصلنامه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۵.
۲۰. مارشال، کاترین و گرچن ب. راسمن، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
۲۱. گال، مردیت و دیگران، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، جلد اول، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۲۲. نیچه، فریدریش و دیگران، هرمنوتیک مدرن، گزینه جستارها، بابک احمدی و دیگران، تهران، مرکز، ۱۳۸۱.
۲۳. ورنو، روژه و ژان وال، نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن، ترجمه

### ب) منابع لاتین

1. Coleman. Gerry & Rory Oconnor, Using Grounded Theory to Understand Software Process Improvement: A study of Irish Software Product Companies , Information and software technology , No. 49, 2007.
2. Davies, Gail & Claire Dwyer, Qualitative Method: Are you Enchanted or Are you Alinated, Progress in Human Geography, 31 (2), PP. 257, 2007.
3. Fossey. Ellie , Harvey. Carol , McDermott. Fiona , Davidos. Larry, Understanding and Evaluating Qualitative Research , Australian and New Zealand Journal of Psychiatry , Vo. 36, 2002.
4. Geertz, Clifford, The Interpretation of Culture, London: Hutchinson, 1973.
5. Griseri, Paul, Management Knowledge, Palgrave, 2002.
6. Lincoln, Y. & Guba, E., Naturalistic Inquiry, Beverly Hills, CA: Sage, 1985.
7. Meek V. Lynn, Organization Culture. Source: Organization Study. Editor: War Wick Organizational Behaviour Staff, 1998.
8. Noblit, G. W. & Hare, R. D., Meta-Ethnography: Synthesizing Qualitative Studies. Newbury Park, CA: sage, 1988.
9. Ogawa, R. T. & Malen, B., Towards Rigor in Reviews if Multivocal Literatures: Applying the exploratory case study method. Review of Educational Research, 61, 265-286. see also four commentaries on this article in the same issue, 1991.
10. Patton, M. Q., Qualitative Research and Evaluation Methods (2nd ed.). Newbury Park, CA: Sage, 1990.
11. Polit, DF., Beck & Hungler, BP., Nursing Research, 6th edit. Philadelphia, Lippincott, 2001.
12. Polkinghorne, Donald E., Language and Meaning: Data Collection in Qualitative Research , Journal of Counseling Psychology , Vol. 52 , No. 2, 2005.
13. Turner, Barrya, Sociological Aspects of Organizational, Organization Studies, 1986.
14. Zelditch, M., Some Methodological Problems of Field Studies, American Journal of Sociology, 67, 566-576, 1962.

## روش کیفی در مطالعات اجتماعی

### با تأکید بر روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی

دکتر سروش فتحی\*

زهرا زارع\*\*

#### مقدمه

روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی به شیوه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی شده‌اند. از جمله این تقسیم‌بندی‌ها عبارتند از: کمی / کیفی، آزمایشی / غیر آزمایشی، ژرفانگر / پهنانگر<sup>۱</sup>، توصیفی / تبیینی<sup>۲</sup>، کاربردی / بنیادی<sup>۳</sup> و نقلی - عقلی / تجربی<sup>۴</sup>. اما با وجود تحلیل‌های گوناگون و تعاریف متعددی که از هر یک ارائه شده، معیارهای دقیق و روشنی برای

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار.

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قیام دشت و دانشجوی دکتری واحد علوم و تحقیقات.

1. Intensive/ Extensive
2. Description/ Explanation
3. Application/ Fundamental
4. Rational/ Experimental

تمایز آنها در دست نیست. پژوهش‌های کیفی ریشه در کار قوم‌شناسان، روان‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، مورخان و منتقدان ادبی دارد. پژوهش کیفی در بردارنده روش‌های دقیق، ژرفانگر و محقق محور است که برای کشف معنایی که افراد به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی می‌دهند و نیز روشن کردن فرایندهای ذهنی رفتار استفاده می‌شود.

تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) به‌عنوان یک روش کیفی برای اولین بار توسط نورمن فرکلایف مطرح شد. این گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی- معرفتی در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به بررسی و مطالعه ابعاد گفتمانی سوء استفاده از قدرت و بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از آن است. این رهیافت از نظریات جامعه‌شناختی کارل مارکس، آنتونیو گرامشی، لویی آلتوسر، یورگن هابرماس، میشل فوکو و پیر بوردیو در بررسی قدرت بهره گرفته است. این گرایش، به‌دلیل بین‌رشته‌ای بودن، خیلی زود، به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد. محور بحث مقاله اخیر بررسی روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان یک روش کیفی در علوم اجتماعی است.

از جمله تحولات صحنه علمی قرن بیستم، ظهور رشته‌های میان‌رشته‌ای است که کاربرد بسیار یافت، از جمله آنها نظریه سیستم‌ها، علوم‌شناختی، فرایند گفتمان، هوش مصنوعی، زندگی مصنوعی و... است که علوم مختلف را از انزوا خارج کرد (Beaugrande, 2006).

تحلیل گفتمان یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که در اواسط دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در پی تحولات معرفتی در علوم اجتماعی و

انسانی ظهور کرد. در این برهه بود که میل به نظام‌مند کردن فرایند تولید گفتار و نوشتار و بررسی ساختار و کارکرد آن به وجود آمد. گروهی تحلیل گفتمان<sup>۱</sup> را وامدار جنبش انتقادی ادبیات، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، تأویل‌گرایی، هرمنوتیک گادامر و تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو می‌دانند.

### ۱- تحلیل گفتمان

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی، زلیک هریس، به کار رفته است. زلیک هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. به اعتقاد آنها تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها) و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری (مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره) است. دیری نگذشت که بعضی از زبان‌شناسان، مفهوم را در معناهای متفاوتی به کار بردند. دسته اخیر معتقد بودند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت بود از: شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن، که نتیجه این روابط است. مطابق این تعریف، در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های

---

1. Discourse analysis

سنّتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن<sup>۱</sup> سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی<sup>۲</sup> فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و غیره سروکار داریم. بنابراین، تحلیل گفتمان «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل بیرون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارتباطی و موقعیتی) بررسی می‌کند.

البته زلیک هریس این مفهوم را در معنای وسیعی به کار گرفته است. او معتقد است: بحث درباره گفتمان را از دو بعد می‌توان سامان داد: اول بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کار برد آنها در سطح فراجمله (متن) و دوم رابطه بین اطلاعات زبانی و غیر زبانی مانند رابطه زبان و فرهنگ و محیط و اجتماع. در بعد اول صرفاً اطلاعات زبانی مد نظر است، ولی در بعد دوم اطلاعات غیر زبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع که خارج از حیطه زبان‌شناسی است، مد نظر قرار می‌گیرد.

تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نماند و در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا و میشل پشو وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت. این متفکران که تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیل انتقادی

---

1. Co-text  
2. Context of situation

گفتمان<sup>۱</sup> بسط و گسترش دادند، خود وامدار مکتب انتقادی فرانکفورت و وارثان مستقیم و غیر مستقیم آن در دهه ۱۹۶۰ (مارکسیست‌های جدید، به‌ویژه گرامشی و پیروانش، ساختارگرایانی چون آلتوسر و محققان مکتب فمینیسم) بودند. مفهوم گفتمان، امروزه به‌صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی، سیاسی و ارتباطی درآمده و با مفاهیمی چون سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژاد پرستی، تبعیض جنسی، نابرابری قومی و غیره عجین شده است. اکنون و به همین جهت، معنای آن با آنچه صرفاً در زبان‌شناسی مد نظر بود تغییر کرده است؛ هرچند این تغییر در امتداد مسیر معنای اولیه آن قرار دارد (بهرام پور، ۱۳۷۸).

## ۲- گفتمان

واژه گفتمان<sup>۲</sup> امروزه حجم عظیمی از مطالعات اجتماعی در حیطه‌های مختلف علوم اجتماعی، اعم از انسان‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و ارتباطات اجتماعی را به خود اختصاص داده. سابقه آن در برخی از منابع به قرن ۱۴ می‌رسد و از واژه فرانسوی *discourse* و لاتین *discurs-us* به‌معنی گفتگو، محاوره و گفتار و از واژه *discursum/ discurre* به معنی طفره رفتن، سرباز زدن، دویدن در جهات مختلف و... مشتق شده است (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۱۰).

فرهنگ ۲۰ جلدی انگلیسی آکسفورد (۱۹۸۹)، ذیل مدخل *discourse*، تعاریف کاربردی متعددی را ارائه داده است که با توجه به موضوع مورد بررسی تعریف زیر را برمی‌گزینیم: «شرح و تفسیر گفتاری

---

1. Critical discourse analysis  
2. Discourse

(شفاهی) یا نوشتاری (کتبی) یک موضوع، پرداختن به موضوعی به صورت شفاهی یا کتبی که طی آن موضوع مذکور به‌طور مفصل مورد بررسی قرار گیرد» (همان: ۱۳-۱۰). آن‌گونه که ذکر شد، ریشه مفهوم discourse را می‌توان در فعل یونانی discourse به معنی حرکت سریع در جهات مختلف (dis = در جهات مختلف، currere = دویدن یا سریع حرکت کردن) یافت (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۶). گرچه این مفهوم به معنی تجلی زبان در گفتار یا نوشتار به کار برده می‌شود، ولی همان‌طور که از ریشه آن پیداست، در علم بیان کلاسیک، بر زبان (نوشتاری و گفتاری) به‌عنوان حرکت و عمل تأیید شده. به عبارت دیگر کلمات و مفاهیم که اجزای تشکیل‌دهنده ساختار زبان هستند، ثابت و پایدار نبوده و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت ارتباطات آنها دگرگون شده و معانی متفاوتی را القا می‌کنند که دگرگونی این ارتباطات، خود زاده و معلول شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... است. از آنجایی که این شرایط ثابت و پایدار نیستند و مدام در حال تولید و بازتولید در اشکال مختلف هستند و دگرگونی جزء لاینفک آنهاست، ساختار زبان نیز که توضیح‌دهنده این شرایط است، نمی‌تواند ثابت و پایدار بماند.

واضح است که کلمات و مفاهیم تنها ابزارهای برقراری ارتباط افراد نیستند، از این‌رو گفتمان‌ها فقط منحصر به کلمات، عبارات و جملات (در صورت نوشتاری یا گفتاری) نبوده، بلکه علائم و کنایه‌های غیرکلامی نیز در شکل دادن به آنها نقش مؤثری دارند. گفتمان هم صورتی خاص از کاربرد زبان است و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی. گفتمان یک رویداد ارتباطی کامل در یک موقعیت اجتماعی است و نه تنها شامل مشخصه‌های مشهود کلامی و غیرکلامی و تعاملات اجتماعی و کنش‌های



کلامی و نوشتاری می‌شود، بلکه شامل آن دسته از بازنمودهای شناختی و راهبردهایی نیز می‌شود که در جریان تولید، بازتولید و ادراک گفتمان ایفای نقش می‌کنند.

در حقیقت گفتمان به‌عنوان شکلی از عمل اجتماعی است که منطبق بین یک رویدادهای خاص و استدلالی را با موقعیت‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی، که چهارچوب آن رویداد استدلالی است شکل می‌دهد. گفتمان اجتماعی است و همچنین مجموعه اجتماعی، به منزله شرایط، اشیا، دانش، هویت فردی - اجتماعی و روابط میان مردم است (Wodak, 2006).

### ۳- سه بعد اصلی در مفهوم گفتمان

تئون ای ون‌دایک، سه بعد اصلی را در مفهوم گفتمان در نظر می‌گیرد: ۱- کاربرد زبان، ۲- برقراری ارتباط میان باورها که همان جنبه‌شناختی را شامل می‌شود و ۳- تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۷).

با این فرض، خواسته یا ناخواسته چند رشته در مطالعه گفتمان، درگیر هستند: زبان‌شناسی: جهت مطالعات خاص زبانی و کاربرد زبان، روان‌شناسی: برای مطالعه باورها و اینکه چگونه با آنها یا میان آنها و باورهای دیگر ارتباط برقرار می‌شود، و علوم اجتماعی: برای تحلیل تعاملات در موقعیت‌های اجتماعی. به‌طور کلی وظیفه اصلی مطالعه گفتمان، فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد اصلی گفتمان است. اینکه چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعاملات مؤثر است یا برعکس، چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تأثیر می‌گذارد و یا اینکه باورها

چگونه کاربرد زبان و تعاملات را کنترل می‌کنند و در چه زمینه‌های اجتماعی این امر صورت می‌گیرد، همه مؤید این سه بعد اصلی در مطالعه گفتمان هستند.

هنگامی که گفتمان را همچون رخدادی ارتباطی تبیین می‌کنیم، در حقیقت در پارادایمی قرار داریم که به‌طور عام در مورد گفتمان بحث می‌کند. در نتیجه، ما معمولاً دربارهٔ انواع خاص کاربرد زبان و گفتمان یا قلمرو اجتماعی آنها سخن می‌گوییم و برای این کار اصطلاحاتی چون گفتمان پزشکی، گفتمان سیاسی، گفتمان قدرت، گفتمان ترس، گفتمان منطق، گفتمان خشونت و... به کار می‌رود.

در نظریهٔ فرهنگی مدرن، گفتمان دال بر وجود پیکره یا مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قضایای منسجم و به‌هم‌پیوسته‌ای است که با تعریف و مشخص ساختن یک موضوع، شیء یا محمول و با ایجاد مفاهیمی برای تحلیل آن موضوع یا محمول، ارزیابی دقیقی از واقعیت ارائه می‌دهد (مک‌دانل، پیشین: ۲۲).

#### ۴- تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی اساساً به ابعاد گفتمانی سوء استفاده از قدرت و بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از آن می‌پردازد. تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی مسائل مهم اجتماعی علاقه‌مند و راغب است و می‌کوشد از طریق تحلیل گفتمان، درک بهتری از آنها ارائه دهد. این کار به‌واقع در نهایت کاری سیاسی است، هرچند می‌تواند در تمام مراحل تکوین تحقیق و تحلیل نظری این‌گونه نباشد. گفتمان کاوان انتقادی از طریق درک انتقادی درصدد تغییر اوضاع هستند، و کار آنها آشکارا تجویزی است،

بدین معنی که هر نقدی بر اساس پیش‌فرض‌های یک اخلاق کاربردی تعریف می‌شود. همچنان که واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتمان خنثی و بی‌طرف نیز وجود ندارد و با گفتمان‌ها یا متن‌های وابسته به شخص خاص، ایدئولوژی خاص و فرهنگ خاص و... مواجه هستیم. خلاصه اصول اصلی تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) به شرح زیر است:

- ۱- CDA مسائل اجتماعی را نشان می‌دهد.
- ۲- روابط قدرت استدلالی است.
- ۳- گفتمان به منزله جامعه و فرهنگ است.
- ۴- گفتمان کار ایدئولوژیکی را انجام می‌دهد.
- ۵- گفتمان تاریخی است.
- ۶- گفتمان واسطه ارتباط میان متن و جامعه است.
- ۷- تحلیل گفتمان تفسیری و توصیفی است
- ۸- گفتمان، شکلی از عمل اجتماعی است (ون‌دایک، پیشین).

## ۵- رویکردهای نظری گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی

### ۵-۱- دیدگاه فوکو

مفهوم گفتمان و تحلیل انتقادی با نام فوکو همراه شده است. به نظر فوکو، گفتمان‌ها تشکیل شده از علامات هستند. اما کارکردشان از کاربرد این علامات برای نشان دادن و برگزیدن اشیا بیشتر است و همین ویژگی است که آنها را غیر قابل تقلیل به زبان، سخن و گفتار می‌کند. گفتمان امروزه بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی گفته‌ها و ناگفته‌ها باقی

می‌ماند. گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است می‌تواند گفته یا درباره‌اش فکر شود، بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی است؛ شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) است. از نظر فوکو گفتمان‌ها اعمالی هستند که به‌طور سیستماتیک موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نکرده هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، بلکه سازنده موضوعات بوده و در فرایند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می‌کنند (بهرام پور، ۱۳۷۹).

گفتمان از نظر فوکو دلالت بر ساختارهای برساخته‌ای دارد که جهان را به تصویر می‌کشد. به عبارتی دیگر، امر واقع، امر گفتمانی است که از طریق محدودیت‌های زمانی در شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی ظاهر می‌شود. سوژه یا فاعل شناسای فردی نیز، در منطق گفتمانی فوکو حضور ندارد. فرد، ساختاری بیرون از خود و گسسته دارد و بیشتر یک فرایند است تا یک هویت کانونمند و مشخص. گفتمان، دلالت بر چنین رابطه‌ای میان ساختارهای زبانی و فرد دارد: در منطق او، سخن از آن است که «فرد» در چه گفتمانی و چگونه ساخته می‌شود و سرانجام آنکه امر تعیین بخش بیرون از گفتمان، وجود ندارد. گفتمان امتزاج پیچیده‌ای از امور زبانی و غیر زبانی دارد. بنابراین آنچه مانند اقتصاد زیرساخت خوانده می‌شود، خود بخشی از یک امتزاج گفتمانی است (مرسلی،<sup>۱</sup> ۱۳۸۹).

---

1. <http://www.hamshahrtraining.ir/news-3235.aspx>.

## ۲-۵- دیدگاه آلتوسر

بی‌تردید نظریه آلتوسر در مورد ایدئولوژی، یکی از پایه‌های نظری نظریه گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی است و اغلب نظریه‌پردازان گفتمان، وامدار تزه‌های آلتوسری هستند. اگر بنا بر اظهار ون‌دایک، پیش‌فرض اساسی تحلیل گفتمان انتقادی، درک ماهیت قدرت و سلطه اجتماعی باشد، این امر بدون بهره‌گیری از نظریه آلتوسر میسر نخواهد بود. تز میشل پشو مبنی بر اینکه «واژه‌ها، تعابیر، گزاره‌ها، قضایا و... معنای خود را بر اساس موضع کسانی که آنها را به کار می‌برند تغییر می‌دهند» که به تضاد شدید معانی لفظی اشاره دارد؛ نتیجه پیشرفت‌های غیرمنتظره و راهکارهایی اساسی است که آلتوسر در روند درک گسترده‌تر ما از ایدئولوژی، اعتقادات، آرا و افکار، معانی و کاربست‌هایی که بر اساس آنها می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم، ارائه کرده است.

آلتوسر عقیده دارد که آگاهی از قبیل ایدئولوژی‌ها ساخته و پرداخته می‌شود. تأکید شدید وی بر وجود مادی ایدئولوژی‌ها به برداشت و تلقی تازه‌ای می‌انجامد؛ مبنی بر اینکه ایدئولوژی‌ها نظام‌های معانی‌ای هستند که افراد (سوژه‌ها) را از مناسبات و روابط تخیلی و غیرواقعی خارجی شکل می‌دهند و آنان را در روابط و مناسباتی واقعی که در آن زندگی می‌کنند، قرار می‌دهند. وی سوژه را تحت تأثیر و مقهور ساختارهای ایدئولوژیک می‌داند و هرگونه استقلال و آزادی کنش را نیز در آن مردود می‌داند. او معتقد است: ایدئولوژی، کنشگر را در معرض وضعیت‌های ویژه‌ای قرار می‌دهد و به دنبال آن کنش‌های خاص منبعث از این وضعیت از کنشگر مورد انتظار است (استونز، ۱۳۷۹).

### ۳-۵- ژاک دریدا

ژاک دریدا - بنیانگذار مکتب پساساختارگرایی - معتقد است که گفتمان‌ها زبانی ناتمام هستند که به وسیله بازی تمایزات ایجاد می‌شوند و به عنوان واسطه فهم انسان از جهان، نقش آفرینی می‌کنند و در عین حال با وجود محدودیت‌های مختلف، تجربه انسان‌ها را تنظیم و تثبیت می‌نمایند. از نظر دریدا، سازمان زبان فاقد توان تثبیت هویت نشانه‌ها و روابط میان کلمات، اشیا، دیدگاه‌ها و نظریه‌هاست، در نتیجه تثبیت معنا به صورت کامل میسر نیست و دستیابی به یک سازواره گفتمانی بسته، امری امکان‌ناپذیر است. دریدا همواره بر ضرورت وجود یک عنصر بیرونی به منظور ایجاد هویت تأکید دارد. غیریت از نظر دریدا، هم شرط امکان و هم شرط عدم امکان گفتمان‌ها محسوب می‌شود و اگرچه در شکل‌گیری ساختار گفتمانی نقش اصلی را ایفا می‌کند، عامل تحول‌بخش آن نیز هست. بنابراین هم انسجام و هم فروپاشی ناشی از این مهم است (ضمیران، ۱۳۷۹).

### ۴-۵- لاکلاو و موفه

ارنستو لاکلاو و شانتال موفه به توسعه مفهومی از گفتمان همت گماشته‌اند که به طور مشخص با فرایندهای سیاسی سروکار دارد. آنها در نوشته‌های گوناگون خود تلاش کرده‌اند تا با استفاده از نظریه و فلسفه پست مدرنیستی، به مفهوم ایدئولوژی در مارکسیسم عمق بیشتری بخشند.

لاکلاو و موفه معتقد به گفتمانی (استدلالی) بودن تمام موضوعات

(ابژه‌ها) و رفتارها<sup>۱</sup> هستند. به عبارت دیگر، برای اینکه اشیا و فعالیت‌ها معنی‌دار باشند، باید جزئی از یک گفتمان عملی باشند. این بدین معنا نیست که همه چیز گفتمانی و زبانی است، بلکه اشیا برای اینکه قابل فهم باشند، باید به‌عنوان جزئی از یک چهارچوب گسترده‌تر معانی وجود داشته باشند. بنابراین مفهوم‌سازی لاکلاو و موفه از گفتمان، ویژگی ربطی<sup>۲</sup> هویت را تأیید می‌کند. معنای اجتماعی کلمات، کلام‌ها، کنش‌ها و نمادها همگی در ارتباط با زمینه‌ای کلی که آنها جزئی از آن هستند، درک می‌شود. هر معنا در ارتباط با رفتاری کلی که در حال وقوع است و هر رفتار در ارتباط با یک گفتمان خاص فهمیده می‌شود.

نظریه و تحلیل گفتمانی که توسط لاکلاو و موفه گسترش یافته، بدین معناست که گفتمان‌ها صرفاً منعکس‌کننده فرایندهایی نیستند که در دیگر بخش‌های جامعه مانند اقتصاد در حال وقوع می‌باشد. گفتمان‌ها در درون خود، عناصر و رفتارهایی از تمام بخش‌های جامعه دارند. این امر ما را متوجه فرایندهایی می‌سازد که طی آن گفتمان‌ها ساخته می‌شوند. در اینجا آنها مفهوم مفصل‌بندی<sup>۳</sup> را معرفی می‌کنند.

این مفهوم به هر کنشی که رابطه‌ای را میان عناصر گوناگون ایجاد کند، به گونه‌ای که هویت آنان در اثر این کنش تغییر کند، اشاره دارد. در نزد آنان گفتمان صرفاً به ترکیبی از «گفتار» و «نوشتار» اطلاق نمی‌شود، بلکه این دو خود اجزای درونی جامعیت (کلیت) گفتمانی فرض می‌شوند. به بیان دیگر، گفتمان مجموعه‌ای معنی‌دار از علائم و نشانه‌های

- 
1. Practices
  2. Relational
  3. Articulation

زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی تعریف می‌شود. «گفتمان» در این مفهوم، تأکیدی است بر این واقعیت که هر صورت‌بندی اجتماعی دارای معنی است. «گفتمان» در این بیان نه تنها جای «ایدئولوژی»، بلکه جای «اجتماع» نشسته و آن را به‌مثابه یک متن (ساختاری مبتنی بر قواعد گفتمان که تأکید بر ویژگی‌های نمادین روابط اجتماعی دارد) تصویر و تحلیل می‌کند. برخلاف سوسور، گفتمان هرگز به منزله سیستمی بسته از تمایزات فهم نمی‌شود. به همین دلیل، گفتمان‌ها قادر به اتمام و انسداد مفاهیم نیستند. در این رویکرد، با مفاهیمی نظیر: «هژمونی»، «ضدیت»، «مفصل‌بندی»، «نقطه تلاقی یا نقطه انشعاب»، «زنجیره تمایزها»، «زنجیره هم‌ارزی» و مرکزیت دادن به «امر سیاسی» به تعمق و مذاقه درباره پدیده‌های سیاسی - اجتماعی می‌نشینند. در این نگرش، هویت‌های اجتماعی و سیاسی محصول گفتمان‌ها فرض شده‌اند و بدین وسیله در تقاطع بین مرزهای اندیشه/واقعیت و ایده‌آلیسم/رئالیسم معبری گشوده می‌شود.

در رویکرد گفتمانی لاکلاو و موفه، بار معنایی و مفهومی گفتمان به شدت افزایش پیدا می‌کند، به‌طوری که مانند مجموعه‌ای از گزاره‌ها که در کنار یکدیگر قرار دارند و حاوی اطلاعات و جامعه‌ای هدف برای مصرف آن باشد، در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه مانند ساختاری است که در تولید اطلاعات نقش فعالانه‌ای ایفا می‌کند. در رویکرد گفتمانی لاکلاو و موفه، جامعه به‌عنوان گفتمان در نظر گرفته می‌شود و هویت‌های اجتماعی و سیاسی فرجام گفتمان‌ها تلقی می‌شوند. در این میان، امر سیاسی دارای مرکزیت بوده و خصوصیت کانونی دارد و از این رو گفتمان‌ها ذاتاً سیاسی هستند (فرقانی، ۱۳۸۲).



### ۵-۵- تئون ون دایک

ون دایک بر نقش و جایگاه معرفت در تحلیل انتقادی گفتمان، ارتباطات و تعاملات اجتماعی تأکید دارد و با برقراری ارتباط میان سه مفهوم گفتمان، معرفت و اجتماع، ترکیبی را ایجاد کرد که مبنای رویکرد اجتماعی شناختی شد. منظور ون دایک از گفتمان در اینجا معنای عام یک رویداد ارتباطی، نظیر ارتباط رو در رو، متون نوشتاری، ایما و اشارات، حرکات دست و سر و بدن، تصاویر، طرح صفحه‌بندی و جنبه‌های نشانه‌شناختی مرتبط با دلالت معنایی است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۸-۵۹).

ون دایک سه بعد اصلی گفتمان را کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها یا شناخت و در نهایت، تعامل در موقعیت‌های اجتماعی می‌داند. او معتقد است: کاربرد زبان تنها محدود به زبان شفاهی و بیانی نیست، بلکه می‌توان آن را به ارتباطات، کنش متقابل و زبان نوشتاری نیز تعمیم داد. این کاربرد زبان هنگامی به وقوع می‌پیوندد که به‌عنوان مثال، روزنامه، کتاب، یا انواع دیگر متون نوشتاری را مطالعه می‌کنیم. ون دایک مانند بسیاری دیگر از گفتمان‌کاوان، صرفاً خود را به زبان محاوره‌ای محدود نکرده، بلکه متون نوشتاری را نیز در مفهوم گفتمان مورد توجه خاص قرار داده است. او معتقد است که شباهت‌های بسیاری میان شیوه نوشتن و سخن گفتن مردم وجود دارد و این مهم در مورد گوش کردن به متون گفتاری یا مطالعه متون نوشتاری نیز صادق است (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۷).

### ۵-۶- روث وداک

رویکرد مورد نظر روث وداک، نوعی جامعه‌شناسی زبان است که نه تنها مرتبط با مطالعه متن است، بلکه به هر دو عامل، اهمیتی برابر

می‌دهد. او معتقد است که زبان هم منعکس‌کننده و هم سازنده فرایندها و تعاملات اجتماعی است. این نگرش سه پیامد مهم در پی دارد. نخست، اینکه یک گفتمان همواره متضمن قدرت و ایدئولوژی است؛ جایی که روابط قدرت غالب نیست و جایی که ارزش‌ها و هنجارها نقش متناسب خود را ایفا نمی‌کنند، هیچ تعامل اجتماعی وجود ندارد. دوم، گفتمان همواره تاریخی است، یعنی به‌طور هم‌زمانی و در زمانی با رویدادهای ارتباطی دیگر که در همان زمان در حال وقوعند یا قبلاً اتفاق افتاده‌اند، در ارتباط است. سوم، خوانندگان و شنوندگان بر اساس اطلاعات و دانش پس‌زمینه‌ای خود و موقعیت خود، ممکن است تعبیر متفاوتی از یک رویداد ارتباطی داشته باشند. در نتیجه، در رویکرد جامعه‌شناسی زبان، تعبیر درست وجود ندارد، بلکه تعبیر ممکن است کم و بیش منطقی یا کافی باشند، اما نمی‌توانند الزاماً درست باشند (سلطانی، پیشین: ۵۵-۵۷).

#### ۷-۵- نورمن فرکلاف

فرکلاف در مطالعات اولیه خود، رویکرد خود را در حوزه زبان و گفتمان مطالعه زبان انتقادی نام نهاد. وی هدف این رویکرد را کمک به ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی استثماری از طریق ایجاد تمرکز بر روی زبان این روابط، تعریف می‌کند. این رویکرد اکنون یکی از جامع‌ترین چهارچوب‌های CDA است.

الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف نشئت گرفته از رابطه و تعامل میان قدرت و زبان است. فرکلاف دو نوع قدرت و زبان را مطرح می‌کند که عبارتند از: قدرت در زبان و قدرت در پشت زبان. او گفتمان را شامل متن

و معرفت‌های اجتماعی تولید و تفسیر متن می‌داند و بر این باور است که این معارف اجتماعی به سه سطح متفاوت سازمان اجتماعی مرتبط می‌شوند: شرایط اجتماعی یا محیط بلافصل اجتماعی که گفتمان در آن حادث شده است؛ سطح نهاد اجتماعی که گفتمان را در یک گستره‌ای وسیع در بر می‌گیرد و سطح جامعه، به منزله یک کل. فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: گفتمان به‌مثابه متن، گفتمان به‌مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن و درنهایت گفتمان به‌مثابه زمینه متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۶-۱۶۸).

برای فرکلاف CDA عاملی است که به واسطه آن، علوم اجتماعی و زبان‌شناسی در یک چهارچوب تئوریک و تحلیلی واحد، با یکدیگر جمع شوند و دیالوگی در میان آنها ایجاد شود. تئوری زبان‌شناسی مربوط به این حوزه زبان‌شناسی کاربردی سیستماتیک (SFL)، برای تحلیل فرکلاف حکم بنیان را دارد، همان‌طور که برای دیگر فعالان حوزه CDA قابل استفاده بوده است. کولیاراکی و فرکلاف بر این فرض هستند که دو دهه گذشته دوره‌ای بوده است که دگرگونی‌های عمده اقتصادی و اجتماعی در مقیاس جهانی به وقوع پیوسته است. آنها بر این باورند که هرچند این تغییرات به‌علت برخی از رفتارهای مردم صورت گرفته است، با این حال به‌عنوان بخشی از طبیعت پذیرفته شده است و در واقع محصول اعمال اتفاقی مردم در نظر گرفته نمی‌شوند. بنا به گفته کولیاراکی و فرکلاف، ریشه تغییرات اقتصادی و اجتماعی به مقدار قابل توجهی در تغییرات زبان و گفتمان نهفته است. بدین معنی که CDA می‌تواند با ارائه استدلال‌های نظری در مورد این دگرگونی‌ها و ایجاد

## ۶۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

آگاهی در مورد اینکه این دگرگونی‌ها چه هستند، چگونه به وجود آمده‌اند و ممکن است در آینده به چه صورت درآیند و اینکه چه کسانی می‌توانند در این شرایط زندگی خود را ساخته یا بازسازی کنند، متمرثمر و مفید واقع شود.

در این رویکرد از CDA، سه حوزه تحلیلی، در تحلیل هر فرایند ارتباطی (تعامل) وجود دارد. این تعاملات شامل موارد زیر است: متن (برای مثال: گزارش خبری)، کنش گفتمانی (مانند مرحله تولید و مصرف) و کنش فرهنگی اجتماعی (مانند ساختارهای فرهنگی که باعث بروز فرایندهای ارتباطی می‌شوند) (سروری زرگر، ۱۳۸۷).

### ۶- تحلیل گفتمان به مثابه یک روش کیفی

هرچند از ابتدای قرن بیستم تحلیل محتوا<sup>۱</sup> به عنوان یک روش کمی در کار پژوهشگران جا باز کرد. اولین نامی که تاریخ تحلیل محتوا را واقعا روشن می‌کند هارولد لاسول است. او تقریباً از سال ۱۹۱۵ تحلیل‌هایی از مطبوعات و تبلیغات به عمل می‌آورد (باردن، ۱۳۷۵: ۱۰).

در تعریف تحلیل محتوا، تعریف برنارد برلسون هنوز هم با گذشت سال‌ها، مورد استناد پژوهشگران است. برلسون می‌نویسد: «تحلیل محتوا یک شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود (بدیعی، ۱۳۸۰: ۷). تأکید برلسون بر روی کمی بودن تحلیل محتوا را در تعریف کاپلان نیز می‌توان مشاهده کرد: روش تحلیل محتوا، معناشناسی آماری مباحث سیاسی است

---

1. Content analysis

(Kaplan, 1943: 230). در روش تحلیل محتوا، آماری بودن روش حکایت از کمی بودن آن دارد. در مقابل، روش تحلیل گفتمان روشی کیفی است که از اصلاح روش‌های اولیه تحلیل رسانه‌ها حاصل شده است، اصطلاحی که شالوده زبان‌شناختی دارد.

ون دایک چهار جزء متمایز رویکرد به گفتمان را چنین برمی‌شمارد:  
۱- تحلیل گفتمان یک پیام رسانه‌ای را به‌عنوان یک گفتمان تمام‌عیار مستقل بررسی می‌کند. تحلیل محتوا در پژوهش ارتباطات جمعی معمولاً برای یافتن روابط (یا همبستگی‌ها) میان این و یا آن ویژگی - اغلب محتوا و گاهی سبک - پیام‌ها و ویژگی‌های فرستنده/سخنگو یا خوانندگان انجام می‌گیرد. گفتمان رسانه‌ای به‌عنوان شکلی از عمل اجتماعی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و آشکار کردن ساختارهای ذاتی در همه سطوح تحصیل، هدفی معقول محسوب می‌شود.  
۲- هدف تحلیل گفتمان عمدتاً تشریح داده‌های کیفی است و نه داده‌های کمی. البته معیارهای کمی را می‌توان به خوبی بر تحلیلی، آشکار از نوع عمدتاً بیشتر کیفی بنیان نهاد.

۳- درحالی که تحلیل محتوا عمدتاً بر مبنای داده‌های مشاهده شدنی و محاسبه‌پذیری چون واژه‌ها، عبارات، جمله‌ها و یا ویژگی‌های سبک‌شناختی مبتنی است، تحلیل گفتمان به ساختارهای معناشناختی شالوده‌ای هم توجه دارد و فرض‌ها، ارتباط‌ها، دلالت‌ها و راهبردها را هم روشن می‌سازد. اینها معمولاً در گفتمان در حالت پوشیده باقی می‌مانند. تحلیل گفتمان در قالب نظریه‌های تجربی، تلاش می‌کند قوانین یا اصول شالوده‌ای این ساختارها، تولید و درک پیام رسانه‌ای را بیابد (ون دایک، ۱۳۷۸: ۹-۱۰).

همان‌گونه که ملاحظه شد، ون‌دیک برخلاف برلسون و کاپلان که تحلیل محتوا را روشی کمی می‌دانند، به کیفی بودن روش تحلیل گفتمان اعتقاد دارد. بنابراین باید تحلیل گفتمان را به‌مثابه یک روش کیفی در مطالعات اجتماعی به کار گیریم، زیرا در تحلیل گفتمان به‌جای شمارش و مقادیر آماری با معناشناسی کاربردی متن سروکار داریم.

### ۷- پیش‌فرض‌های تحلیل گفتمان

پیش‌فرض‌ها و مفروضات تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل متن، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی، مکتب نوسازی، روان‌کاوی مدرن و دیدگاه فوکو در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی شکل گرفته، عبارت است از:

۱- متن یا گفتار واحد توسط انسان‌های مختلف، متفاوت نگریسته می‌شود. یعنی انسان‌های مختلف از متن واحد برداشت یکسان و واحدی ندارند. دالی متفاوت می‌تواند برای اشاره به مدلولی ظاهراً یکسان استفاده شود.

۲- خواندن (برداشت و تفسیر از متن) همیشه نادرست خواندن (برداشت نادرست از متن) است.

۳- متن را باید به‌عنوان کل معنا دار نگریست و این معنا لزوماً در خود متن نیست.

۴- هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد، متن‌ها دارای بار ایدئولوژیک هستند.

۵- حقیقت همیشه در خطر است. در هر گفتمانی حقیقت نهفته است، اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست.

۶- نحو به کار رفته در متن نیز معنادار است، چراکه نحو دارای معانی اجتماعی و ایدئولوژیک است و این معانی در جای خود به عواملی که دال‌ها را می‌سازند - نظیر رمزها، بافت‌ها، مشارکت‌ها و تاریخ مختلف - وابسته‌اند.

۷- معنا همان قدر که از متن ناشی می‌شود، از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی<sup>۱</sup> نیز تأثیر می‌پذیرد؛ معنا و پیام یک متن در بین نوشته‌های آن متن قرار دارد.

۸- هر متنی در شرایط و موقعیت خاصی تولید می‌شود؛ از این رو رنگ خالق خود را همیشه به خود دارد.

۹- هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار (نه لزوماً سیاسی) مرتبط است.

۱۰- گفتمان سطوح و ابعاد متعدد دارد، به عبارت دیگر، نه یک سطح گفتمانی وجود دارد و نه یک نوع گفتمان (بهرام‌پور، ۱۳۷۸).

## ۸- اهداف تحلیل گفتمان

با توجه به پیش‌فرض‌های ذکر شده، مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان عبارت است از:

۱- نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده.

۲- روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن، یعنی «جریان تولید گفتمان».

۳- نشان دادن تأثیر بافت متن (واحد‌های زبانی، محیط بلافصل

#### ۶۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

مربوطه و کل نظام زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر روی گفتمان.

۴- نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولیدکننده گفتمان (شرایط تولید گفتمان).

۵- نشان دادن بی‌ثباتی معنا؛ یعنی معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هرگز به‌طور کامل درک نمی‌شود.

۶- آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی. تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره درصدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن یا گفتار و نوشتاری بی‌طرف نیست، بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً ناآگاهانه و غیر عمدانه باشد.

۷- هدف عمده تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و... به‌دست دهد. مبادی فکری این روش همان پیش‌فرض‌های پسامدرن هستند (ون دایک، ۱۳۷۹).

### ۹- سطوح گفتمان در علوم اجتماعی

#### ۹-۱- توصیف

مجموعه ویژگی‌های صوری که در یک متن خاص یافت می‌شوند می‌توانند به‌عنوان انتخاب‌های خاصی از میان گزینه‌های (برای مثال گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور) موجود در انواع گفتمان‌هایی تلقی شوند که متن از آنها استفاده می‌کند. به‌منظور تفسیر ویژگی‌هایی که به‌صورت بالفعل در یک متن وجود دارند، معمولاً مد نظر قرار دادن دیگر



انتخاب‌های ممکن نیز ضروری است؛ یعنی انتخاب از میان نظام‌های گزینه‌ای انواع گفتمان‌هایی که ویژگی‌های موجود از آنها اخذ شده‌اند. در نتیجه، در تحلیل متون، کانون توجه دائماً بین آنچه در متن وجود دارد و نوع گفتمان یا انواع گفتمان‌هایی که متن از آنها استفاده می‌کند، در نوسان است. این تغییر و جابه‌جایی در بحث زیر بازتاب می‌یابد.

#### ۱-۱-۹- واژگان

۱- کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ در طبقه‌بندی آنها از کدام طرح‌ها استفاده شده است؟ آیا می‌توان از عبارت‌بندی دگرسان یا عبارت‌بندی افراطی سخن گفت؟ چه نوع روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک معنادار بین کلمات وجود دارد؟

۲- کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ آیا عباراتی وجود دارند که دال بر حسن تعبیر باشند؟ آیا کلماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره‌ای باشند؟

۳- کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟

۴- در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

#### ۲-۱-۹- دستور

۱- ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ چه نوع فرایندهایی مسلط هستند؟ آیا کنشگری نامشخص است؟ آیا فرایندها همان‌هایی هستند که به نظر می‌رسند؟ آیا از فرایند اسم‌سازی استفاده شده است؟ جملات معلوم هستند یا مجهول؟ جملات مثبت هستند یا

منفی؟

۲- ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی دستوری و امری) استفاده شده است؟ آیا ویژگی‌های مهم وجهیت رابطه‌ای وجود دارند؟ آیا از ضمیرهای ما و شما استفاده شده است و اگر پاسخ مثبت است، نحوه استفاده از آنها چگونه بوده است؟

۳- ویژگی‌های دستوری واحد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ آیا ویژگی‌های مهم وجهیت بیانی موجودند؟

۴- جملات (ساده) چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات مرکب از مشخصه‌های همپایگی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟

### ۳-۱-۹- ساخت‌های متنی

۱- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟ آیا روش‌هایی وجود دارند که به کمک آنها یک مشارک نوبت سخن گفتن دیگران را کنترل کند؟

۲- متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹).

### ۲-۹- تفسیر

۱- بافت یا زمینه: تفسیرهای مشارکین گفتمان از بافت موقعیتی و بینامتنی چیست؟

۲- انواع گفتمان: چه نوعی (انواعی) از گفتمان مورد استفاده خواهد بود (و در نتیجه، کدام قواعد، نظام و اصول در زمینه نظام آوایی، دستور، انسجام جمل‌های، واژگان، نظام‌های معنایی یا کاربردی به کار گرفته می‌شود؛ و نیز کدام پی طرح‌ها، چهارچوب‌ها و سناریوها)؟

۳- تفاوت و تغییر: آیا پاسخ مشارکین متفاوت به دو پرسش (۱و ۲ متفاوت خواهد بود؟ آیا این پاسخ‌ها در خلال تعامل آنان دستخوش تغییر خواهد شد؟

مرحله تفسیر، تصحیح‌کننده این باور نادرست است که فاعلان در گفتمان مستقل هستند. این مرحله در حقیقت آنچه را که برای مشارکین امری تلویحی بوده به روشنی بیان می‌کند: وابستگی کنش گفتمانی به پیش‌فرض‌های تبیین‌ناشده مأخوذ از عقل سلیم و مندرج در دانش زمینه‌ای و نوع گفتمان. به هر حال باید توجه داشت که مرحله تفسیر به خودی خود، بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی‌های نهفته در پیش‌فرض‌های یاد شده که کنش‌های گفتمانی معمول را به صحنه مبارزه اجتماعی تبدیل می‌کند، نخواهد بود. به‌منظور تحقق چنین هدفی مرحله تبیین ضروری خواهد بود (فرکلاف، ۱۳۷۹).

### ۳-۹- تبیین

می‌توان از مرحله تفسیر به تبیین با توجه به این نکته گذر کرد که با بهره گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای، به‌عنوان شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش یاد شده بازتولید خواهد شد. این بازتولید برای مشارکین گفتمان پیامدی جانبی، ناخواسته و ناخودآگاه است؛ این امر در واقع به نوعی در مورد تولید و تفسیر نیز صدق می‌کند.

بازتولید مراحل گوناگون، تفسیر و تبیین را به یکدیگر پیوند می‌دهد، زیرا در حالی که تفسیر چگونگی بهره‌جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد. هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشد. همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. دانش زمینه‌ای واسطه تعین اجتماعی و این تأثیرات است؛ به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانش زمینه‌ای شکل می‌دهند و این یکی شکل‌دهنده گفتمان‌هاست و گفتمان‌ها دانش زمینه‌ای را حفظ می‌کنند یا آن را تغییر می‌دهند و این دومی باز به نوبه خود حافظ یا تغییردهنده ساختارهاست. سؤال‌های مطرح در سطح تبیین عبارتند از:

- ۱- عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان مؤثر است؟
- ۲- ایدئولوژی: چه عناصری از دانش زمینه‌ای که مورد استفاده واقع شده‌اند، دارای خصوصیات ایدئولوژیک هستند؟
- ۳- تأثیرات: جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی چیست؟ آیا این مبارزات علنی است یا مخفی؟ آیا گفتمان یاد شده نسبت به دانش زمینه‌ای هنجاری است یا خلاق؟ آیا در خدمت حفظ روابط موجود قدرت است یا در جهت

دگرگون ساختن آن عمل می‌کند (همان)؟

گفتمان‌کاوی انتقادی اگر قادر باشد، تفسیری از نقش زبان، کاربرد زبان، گفتمان یا رویدادهای ارتباطی در بازتولید سلطه و نابرابری به دست دهد، می‌تواند در تحلیل‌های انتقادی سیاسی یا اجتماعی جایگاه مهمی به دست آورد. گفتمان در دو بُعد، متضمن سلطه است، یکی از طریق اعمال سلطه در گفتار و نوشتار در بافت‌های مشخص و دیگری از طریق نفوذ غیرمستقیم گفتمان در اذهان دیگران (ون دایک، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

طی چند سال اخیر رویکرد جدیدی در تحلیل گفتمان شکل گرفته است. پارکر نوعی تحلیل گفتمان انتقادی را بسط داده است که بر پایه افکار میشل فوکو قرار دارد، به همین دلیل به این رویکرد تحلیل گفتمان فوکویی گفته می‌شود. در اینجا ایدئولوژی و قدرت بیش از سایر انواع تحلیل گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرند.

پارکر مراحل را برای تحلیل گفتمان برشمرده است. محقق باید ۱- متن را برای تحلیل به صورت مکتوب درآورد، البته اگر قبلاً به صورت مکتوب نبوده است، ۲- مرحله بعدی شامل تداعی آزاد انواع معانی به‌منزله راهی برای دستیابی به شبکه‌های فرهنگی است که باید آنها را یادداشت کرد، ۳- محققان باید با علامت‌گذاری متن یا بخش‌گزینش شده‌ای از آن، معمولاً به وسیله اسم، به شکل سیستماتیکی موضوعات را عنوان‌بندی کنند، ۴- باید فاصله خود را با متن حفظ کرد. برای این کار باید به جای اینکه متن را «راجع به» موضوع تحقیق بدانیم، خود آن را هدف مطالعه به حساب بیاوریم، ۵- سپس به شکل سیستماتیکی سوژه‌ها (شخصیت‌ها، خصیصه‌ها و موقعیت‌های نقشی) را که در متن مشخص شده‌اند، آیت‌بندی کرد و ۶- باید حقوق و وظایف از پیش مفروض

## ۷۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

سوژه‌ها را که در متن مشخص شده‌اند، بازسازی کرد و سرانجام نقشه شبکه روابط را در قالب الگوهایی ترسیم کرد. این الگوهای زبانی گفتمان هستند و می‌توان به این طریق، آنها را در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت و نهادها قرار داد (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۶۳).

### ۱۰- مراحل کلی تحلیل گفتمان

گفتمان را می‌توان در سطوح مختلف مورد بررسی قرار داد. می‌توان مانند فوکو در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی، دانش و یا مانند هابرماس در نقد مدرنیته، گفتمان را در وسیع‌ترین معنای قابل انتزاع، مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

چهارچوب نظری: نخستین شرط ضروری برای تحلیل گفتمان، تعیین چهارچوب نظری است. این امر نیز بعد از یک مطالعه مقدماتی یا زمینه‌ای برای محقق حاصل می‌شود. محقق متغیرهای خود را به شاخص‌ها و ابعاد کوچک‌تر تقسیم می‌کند و به دنبال جمع‌آوری مطالب می‌رود (تاجیک، ۱۳۷۸: ۵۹).

نمونه: «یک برنامه پژوهشی «عقلایی»، برنامه‌ای است که پیشرفتی نظام‌مند را در دانش و درک ما از قلمرو مورد نظر که در اینجا گفتمان است، امکان‌پذیر می‌سازد. با فرض این نکته که در اصل داده‌های ممکن بی‌شمارند، در چنان برنامه‌هایی باید نمونه‌گیری بر مبنای اصولی انجام شود. تا هنگامی که تحلیل‌گران گفتمان، نمونه‌های خود را چونان اشیای طبیعی می‌نگرند، یعنی تا هنگامی که تکه‌های گفتمان، با بی‌توجهی یا کم‌توجهی به جایگاه آنها در قالب‌های نهادیشان، مورد تحلیل قرار می‌گیرند، به هیچ روی نمونه‌گیری اصولی امکان نخواهد داشت.

نمونه‌گیری اصولی، مستلزم آن است که دست کم موارد زیر رعایت شوند:  
الف) توصیف جامعه‌شناختی نهاد مربوطه، رابطه نهاد مربوطه با سایر نهادها، در صورت‌بندی اجتماعی و رابطه بین نیروهای درون آن.  
ب) توصیف «نظم گفتمان» در نهاد مورد نظر، توصیف صورت‌بندی‌های ایدئولوژیک، گفتمانی آن و ربط مبتنی بر سلطه در بین آنها.

ج) با توجه به پیوندهای بین الف و ب و توصیف قوم‌نگارانه‌ای هر یک از این صورت‌بندی‌ها تنها با در اختیار داشتن این اطلاعات است که می‌توان تعامل‌هایی را جهت گردآوری و تحلیل مشخص کرد، تعامل‌هایی که نماینده طیفی از صورت‌بندی‌های ایدئولوژیک-گفتمانی و رخدادهای کلامی، «گره‌گاه‌های» تعاملی که به‌ویژه از نظر تنش بین صورت‌بندی‌ها یا فاعلان اهمیت دارند، و غیره باشند. به کمک این روش، درک نظام‌یافته‌ای از کارکرد گفتمان در نهادها و دگرگونی نهادی، میسر خواهد شد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۶۲).

واحد تحلیل: واحد تحلیل در تحلیل گفتمان فراتر از کلمه است، برحسب موضوع مورد بررسی و برحسب متغیرها و شاخص‌های تحقیق، واحد تحلیل می‌تواند یک جمله، عبارت، بند، پاراگراف، صفحه، سرمقاله، مقاله، سخنرانی و... باشد.

طبقه‌بندی مطالب جمع‌آوری شده: مطالب، مطابق فرضیه‌های تحقیق در مقولات یا طبقات متفاوت دسته‌بندی می‌شود. طبقه‌بندی مطالب و یادداشت‌ها در تحلیل گفتمان نیز مانند دیگر تکنیک‌های تحقیق باید دقیقاً مبتنی بر شاخص‌ها و متغیرهای فرضیات و اهداف تحقیق باشد. افزون بر این خود طبقات نیز باید روشن، دقیق، کامل، متمایز و... باشد.

پردازش داده‌ها: محقق می‌تواند داده‌ها را کدگذاری کرده به صورت کمی در آورد و با استفاده از روش‌های رایج رایانه‌ای آنها را پردازش کند. در نهایت محقق با مراجعه به اصول و قواعد تحلیل گفتمان، به تحلیل مطالب می‌پردازد. این تحلیل می‌تواند ناظر بر چند سطح، یعنی سطح توصیفی که صرفاً به تحلیل متن می‌پردازد، سطح تفسیری که به تحلیل فرایندها می‌پردازد و سطح تبیینی که در واقع تحلیل اجتماعی است، باشد (تاجیک، پیشین: ۶۰).

ابزار: از لحاظ روش‌شناختی تحلیل گفتمان انتقادی از گشتارها، فرایند مجهول‌سازی، گفتار مستقیم و غیرمستقیم، ساخت نقدی به‌عنوان مقوله‌ای معنایی نه نحوی، فرایند اسم‌سازی، گزینش‌های لغوی، انواع انسجام و ساخت وجهی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که این رویکرد از ابزارها و مفاهیم زبان‌شناسی صورت‌گرا و نقش‌گرا به‌خصوص دستور مدل نظام‌مند هالیدی برای تبیین ایدئولوژی‌های پنهان و منابع قدرت در پشت متون زبانی بهره می‌گیرد (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۲۲۸).

در تحلیل گفتمان ارتباط بین ساختارهای گفتمان‌مدار دیدگاه‌های اجتماعی حاکم بر تولید گفتمان بررسی، توصیف و توجیه می‌شوند. همه اجزای صوتی، واژگانی و نحوی زبان خواه ناخواه به نوعی با دیدگاه ویژه‌ای مرتبط هستند، ولی بعضی از این ساختارها برجستگی بیشتری دارند.

چهار ساختار گفتمان‌مدار زبان‌شناختی برجسته عبارتند از:

۱- گزینش لغات و تعبیرات خاص (نام‌دهی): انتخاب و کاربرد نام برای افراد، اشیا و فعالیت‌ها منعکس‌کننده دیدگاه خاصی است که می‌تواند بار



منفی یا مثبت داشته باشد.

- ۲- فرایند اسم سازی: بسیاری از اوقات در بیان انجام عمل توسط فعل از مصدر یا حاصل مصدر و یا به تعبیر دیگر از عبارت اسم شده جمله یا فعل استفاده می‌کرد. با اسم‌سازی گویندگان می‌توانند زمان و شیوه انجام عمل را که از لوازم جمله یا فعل است مکتوم دارند.
- ۳- به‌کارگیری مجهول در برابر معلوم یا برعکس.
- ۴- بهره‌گیری از الگوهای متفاوت جمله (جملات کنشی، ربطی، وصفی، اسنادی و...): هر کدام دارای تعبیرات خاص خود هستند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

## ۱۱- نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی است. تحلیل گفتمان از زبان‌شناسی آغاز شد و در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، میشل پشو وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت. تحلیل گفتمان انتقادی اساساً به ابعاد گفتمانی سوء استفاده از قدرت و بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از آن می‌پردازد. هدف CDA، تحلیل روابط ساختاری پنهان و آشکار سلطه تبعیض، قدرت و کنترل، به‌صورت آشکار شده در زبان می‌باشد (Wodak, 2006). تحلیل گفتمان انتقادی بیان می‌دارد که گفتمان از نظر اجتماعی ساخته و تعیین شده است. علاوه بر این، گفتمان یک ابژه قدرت پنهان و نامعلوم در جوامع مدرن است و در

۷۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

پی مرئی ساختن و آشکارتر کردن آن است.  
این روش کیفی به‌دلیل توجه به کلیت و ساختار و بررسی متن در  
زمینه، ابزار مناسبی جهت مطالعات اجتماعی و به‌ویژه در مطالعه  
نابرابری‌های اجتماعی است.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. آقاگل‌زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
۲. استونز، راب، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
۳. باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و یمنی‌دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
۴. بدیعی، نعیم، تحلیل محتوا، تهران: اداره کل تبلیغات اداره هماهنگی روابط عمومی‌های کشور، ۱۳۸۰.
۵. بهرامپور، شعبانعلی، درآمدی بر تحلیل گفتمان، کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمدرضا تاجیک تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۸.
۶. تاجیک، محمدرضا، متن، وانمود و تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹.
۷. سروی زرگر، محمد، «درآمدی بر فضای مجازی»، مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ای همشهری، ۱۳۸۷.
۸. سلطانی، سیدعلی اصغر، «تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، ۱۳۸۴.
۹. ضمیران، محمد، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۷۹.
۱۰. عضدانلو، حمید، گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۱۱. فرقانی، مهدی، «تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران از مشروطه تا خاتمی»، فصلنامه رسانه، شماره ۵۴، ۱۳۸۲.
۱۲. فرکلاف، نورمن، در تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه گروه مترجمان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.

## ۷۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

۱۳. فلیک اووه، درآمدی بر تحقیق کیفی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۱۴. مرسلی، احمد، تحلیل گفتمان انتقادی، ۱۳۸۹.  
- <http://www.hamshahritraining.ir/news-3238.aspx>.
۱۵. مک‌دانل، دایان، مقدمه‌ای بر نظریه‌های تحلیل گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰.
۱۶. ون دایک، تئون.ای، تحلیل گفتمان: پرورش و کاربرد آن در ساختار خبر، ترجمه محمدرضا حسن زاده. تهران: پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۷. ون دایک، تئون.ای، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲.
۱۸. یار محمدی، لطف الله، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس، ۱۳۸۳.

## ب) منابع لاتین

1. Beaugrande .Robert, Critical Discourse Analysis: History, Ideology, Methodology, <http://languageandcapitalism.info>, 2006.
2. Kaplan, Content Analysis and the Theory of Signs. Philos. Sci, 1943.
3. VanDijk, Teun A., Critical Discourse analysis, 2005.
4. Wodak, Ruth, Critical Linguistics And Critical Discourse Analysis, Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publ, 2006.

## مبانی تلفیق و ترکیب داده‌ها

دکتر ابراهیم حاجیانی\*

### مقدمه

یکی از ویژگی‌های ذاتی موضوعات پژوهشی در حوزه مطالعات استراتژیک، پراکندگی داده‌هاست که به دلیل تنوع در روش‌های تولید داده، منابع متفاوت، سطوح مختلف سنجش و... رخ می‌دهد. این در حالی است که برای نائل آمدن به شناخت کامل و جامع، پژوهشگران موظف به مشاهده تمامی جوانب و ابعاد پدیده تحت مطالعه هستند. بنابراین مسئله «ترکیب داده‌ها» به عنوان یک استراتژی مهم روش‌شناختی مطرح می‌شود که هدف از آن، تلفیق و تجمیع داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده، حول کنشگر تحت مطالعه است. ترکیب اطلاعات موجب هم‌افزایی داده‌ها، تعیین شکاف و خلأهای شناختی و رسیدن به موقعیت اشراف کامل بر موضوع می‌شود. همچنین موانع ترکیب داده‌ها نیز عبارتند از: تدریجی

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه و مدیر گروه پژوهش‌های فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک.

بودن تولید داده‌ها، تناقضات احتمالی، سطوح مختلف سنجش و استانداردهای متفاوت داده‌ها.

یکی از انواع روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی مورد پژوهی<sup>۱</sup> یا مورد کاوی است که به معنی تحلیل و بررسی عمیق و همه‌جانبه یک موضوع یا یک محیط و یا پدیده اجتماعی و فرهنگی است، به نحوی که تمامی ابعاد و جوانب پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد و هدف اصلی از آن معمولاً ارائه توصیف<sup>۲</sup> جامع از کم و کیف موضوع تحت بررسی است. در واقع در اینجا، نمونه تحقیق از یک واحد مشاهده و تحلیل تجاوز نمی‌کند ( $n=1$ )، برخلاف سایر روش‌های پژوهش که تعداد موارد مشاهده و نمونه زیاد است (برای مثال حجم نمونه بین ۲ تا ۲۵ است و یا حجم نمونه بالاتر از ۲۵ است).

بنابراین امکان به‌کارگیری روش تحقیق کیفی تطبیقی وجود دارد. در واقع می‌توان گفت: بسیاری از موضوعات تحقیقاتی و پژوهشی در مطالعات استراتژیک و نیز مطالعات امنیتی، جزایی، جرم‌شناسی و پلیسی دارای این ویژگی هستند؛ به این معنا که موضوع یا پدیده مورد بررسی، منحصر به فرد تلقی می‌شود و مجموعه‌ای از اقدامات پژوهشی سامان‌یافته برای تولید و تحلیل داده‌های مرتبط با موضوع آغاز می‌شود. برای مثال می‌توان داده‌های پرونده یک حادثه قتل را کنار هم گذاشت و یا سرنخ‌های یک حادثه تروریستی، نحوه بروز یک اغتشاش و ناآرامی دسته‌جمعی در یک منطقه حاشیه شهر را نشان می‌دهد و نیز می‌توان تجزیه و تحلیل یک حادثه اجتماعی و فرهنگی در یک کشور خارجی

---

1. Case study  
2. Description

برای مثال وقوع کودتای نظامی و یا شرح حال و نحوه عضوگیری و فعالیت و... یک فرقه مذهبی را در این زمینه نام برد. در اینجا تحلیلگر یا افسر مسئول پرونده از دید پلیسی آغاز به جمع‌آوری مجموعه‌ای از اطلاعات قرائن شواهد<sup>۱</sup> می‌کند. طبعاً در این مسیر می‌تواند از استراتژی روش‌شناختی تمامی منابع<sup>۲</sup> بهره‌جوید و از تمامی روش‌های کمی و کیفی (و البته بیشتر کیفی) مانند مصاحبه، مشاهده، بررسی سوابق، بررسی اسناد، بررسی فیلم‌ها و تصاویر، بررسی شبکه، روابط و... بهره‌جوید و به تدریج دامنه عملیات گردآوری اطلاعات را گسترش داده و هم‌زمان با طرح فرضیات رقیب<sup>۳</sup> شواهد مختلف و ریزداده‌ها را از منابع متفاوت جمع‌آوری کند. بنابراین مسئله اصلی که در اینجا از لحاظ روش‌شناختی مطرح می‌شود، نحوه ادغام ترکیب و تلفیق داده‌ها است که در این نوشتار با عنایت به ادبیات موجود قصد بررسی آن را داریم. هدف مشخص نوشته حاضر بررسی ضرورت‌ها، مزایا و موانع ترکیب داده‌هاست.

### ۱- فرایند تولید انواع داده‌ها در روش مورد پژوهی

در جریان بررسی‌های استراتژیک (و پلیسی) محققان به‌طور طبیعی به گردآوری و تولید انواع داده‌ها می‌پردازند. در حقیقت این امر یکی از اقتضائات طبیعی در تمامی سیستم‌های هوشمند است. انسان‌ها و سیستم‌های هوشمند همواره تمایل ذاتی به جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات انبوه و استفاده از آن دارند.

- 
1. Evidence
  2. All source
  3. (AHC) Analysis of Hypothesis Competing

داده در اینجا یک واقعیت از یک موقعیت و یا یک مورد از یک زمینه خاص بدون ارتباط با دیگر چیزهاست. می‌توان گفت: داده‌ها، حقایق و واقعیت‌های عریان مربوط به پدیده تحت بررسی است. بر این اساس همان‌طور که آدمی به‌طور طبیعی از تمامی حواس پنجگانه (لامسه، چشایی، بینایی، شنوایی و بویایی) و نیز حس ششم خود نیز بهره می‌گیرد، در سیستم‌های پیچیده بشرساخته نیز از تمامی منابع بهره می‌جوید؛ برای مثال از سیستم‌های راداری (به‌عنوان حس بینایی) سیستم‌های مادون قرمز، کشف رمز (مطابق حس شنوایی) و... در تحلیل پدیده‌های استراتژیک بهره گرفته می‌شود.

## ۲- جمع‌آوری اطلاعات متنوع در سیستم‌های هوشمند

یک سیستم داده‌محور (اعم از سیستم‌های حمل‌ونقل، سیستم‌های رباتیک، لوازم خانگی، سیستم‌های منطقی، سیستم‌های ایمنی، سیستم‌های حسگر باهوش) اصولاً دارای مشخصه‌های زیر است:

۱- داشتن یا نشان دادن درجه هر چه بالاتر از فهم، هوش و سرعت ذهنی؛

۲- عقلانیت و برخورداری از آگاهی اطلاعات کامل، و ضرورتاً شناخت محیط و شرایط موجود؛

۳- داشتن و نشان دادن قدرت یادگیری، عقلانیت یا فهم در درجات بالا. یک سیستم اطلاعاتی یادگیرنده، خلاق، ابداع‌گر، دارای ذهن سریع، باهوش، فهمیم، رفتار خودکار و خود اداره‌کننده، منطبق و دارای توانایی خودتشخیصی و مشارکت‌کننده در تولید دانش است.

۴- هر سیستم‌شناختی مهم دارای حسگرهایی برای کشف اطلاعات و



توانا برای پردازش این اطلاعات به وسیله نرم‌افزارهای مؤثر و کارآمد و توانا برای ترکیب الگوریتمی و در نهایت استفاده از داده‌ها برای تصمیم‌سازی به‌منظور تحقق هدف یا اهداف چندگانه است (NG, 2007: 9).

عملکرد هر سیستم هوشمند متکی و مبتنی بر اطلاعات اولیه و حسگرهایی است که داده‌های ورودی آن را می‌سازد. بدون حسگرها<sup>۱</sup> نظام‌های شناختی نمی‌توانند زنده بمانند. نمونه عالی این حسگرها توانایی دیدن، شنیدن و احساس کردن هستند. سیستم‌های طبیعی حسگری انسان (در سطح فرد) را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

جدول ۱- سیستم‌های طبیعی حسگری انسان

نتایج حس شده	تعاملات فیزیکی حس شده	اندام حسگر	حس
رنگ‌ها	نور (امواج الکترومغناطیس)	چشم	دیدن
صداها	امواج صوتی	گوش‌ها	شنیدن
فشار، تماس، لرزش، حرارت، گرمی، سردی و مجموعه‌ای از احساسات فیزیکی که از تماس یک انگشت به دست می‌آید	فشار، تماس مستقیم احساس	پوست	لامسه
مزه‌های مختلف	ترکیب شیمیایی	بینی	بویایی
شوری، شیرینی، تند	ترکیب‌های شیمیایی	زبان	چشایی
جهت‌گیری با نگهداری نیروها	ثقل	ریزکانال‌های عصبی	تعادل
عصبانیت و...	تعادل شیمیایی	کلیت بدن	حس عمومی

Source: (NG, 2007: 66)

علاوه بر اینها بشر به مدد علم و تجربه، خویش، و البته در ادامه همان حواس پایدار خود، انواع سامانه‌های حسگر را ساخته و توسعه داده که نمونه‌هایی از آن در جدول زیر آمده است:

## 1. Sensors

جدول ۲- سیستم‌های حسگر بشرساخته<sup>۱</sup>

ویژگی	کاربردها	نتایج حس شده	تعاملات فیزیکی	سیستم حسگر	حس
فعال	دفاع هوایی، رادار، ترافیک کنترل و رادار ترافیک	تصویر، دامنه و نرخ دامنه	امواج الکترومغناطیس	سیستم‌های رادار، رادار تصویری رادار MTI رادار لیزر، رادار داپلر، رادار موج میلی متری	دیدن
منفعل	تصاویر ویدئویی اسکن	تصاویر	امواج نور	سیستم‌های اپتیک - الکترونیک، کوانتوم نرمال	دیدن
فعال/ منفعل	دفاع هوایی	دامنه و جهت‌ها	امواج صوتی	سیستم‌های حسگر راداری و اکوسیستک	شنیدن
منفعل	کنترل هسته‌ای	دامنه و جهت	فشار حرارت و لرزش	حسگرهای حرارتی و سیستم‌های فشار	لامسه
منفعل	ترکیبات گازی عناصر و ویروس‌ها	-	ترکیبات شیمیایی و عوامل بیولوژیکی	سیستم‌های حسگر بیولوژیکی و شیمیایی	چشایی
فعال	کنترل ماهواره	موقعیت حمله	علائم مغناطیس	سیستم‌های حسگر مغناطیس	سایر سیستم‌های حسگر
فعال	کنترل فشار	حساسیت فشار	سیالیت	سیستم‌های حسگر فشار	حسگر

Source: (NG, 2007: 67)

داده‌های یک حسگر در اکثر سیستم‌های هوشمند باید به‌وسیله حسگرهای دیگر تأیید و تکمیل شود. حسگرهای طبیعی معمولاً نرخ فراوانی پدیده‌های خارجی یا فرکانس‌های رادیویی، یا حرکت هوا، آب، خاک و فضا (مثلاً رادارها) را تشخیص داده و روش‌هایی برای اندازه‌گیری پارامترهایی مثل فشار، نیرو، حرارت را ثبت و اندازه‌گیری می‌کنند. همچنین حسگرها گاه فعال هستند و گاه منفعل. حسگرهای فعال<sup>۲</sup> خود

1. Man-made sensor
2. Active

در جستجوی علائم هستند و اما سیستم‌های منفعل تحت تأثیر علائم قرار می‌گیرند. در واقع منظور آن است که روش‌ها یا منابع تولید اطلاعات نیز متعدّدند (Ibid: 64).

در واقع غرض از طرح بحث حاضر آن است که سیستم‌های هوشمند علاوه بر ساختارهای مشابهی همچون پردازشگر، محیط، بازخورد، خروجی و... از یک ویژگی عام برخوردارند که همان تنوع اطلاعات ورودی<sup>۱</sup> می‌باشد؛ تا حدی که به نظر می‌رسد تفاوت، تکثر، اختلاف و تنوع در کمیت و کیفیت داده‌های ورودی به هر سیستم، یکی از ویژگی‌های طبیعی تمام سیستم‌هاست و شاید کمتر سامانه‌ای را بتوان یافت که داده‌های ورودی آن تماماً از یک جنس و تک‌ماده‌ای باشد. آنچه مشخص است، آنکه سیستم‌ها هر چه هوشمندتر و از درجه بالای خود تعادلی درونی و تعادل و تعامل با محیط خارج برخوردار باشند، از طیف وسیع منابع، اطلاعات و داده‌های ورودی بهره می‌جویند و البته این خود الزاماً موجب ارتقای روش‌های تحلیلگری سیستم‌ها می‌شود. هر چه تنوع در کیفیت داده‌ها و اطلاعات ورودی فزونی می‌یابد، کار پردازشگری سیستم نیز پیچیده‌تر و عالی‌تر می‌شود. به‌ویژه آنکه بسیاری از داده‌های ورودی از حیث جنس و محتوا، اندازه، مقیاس و استانداردها و... متفاوت بوده و بنابراین ترکیب آنها دشوارتر می‌شود. به هر حال، مهم آن است که انسان نیز به‌عنوان یک سیستم هوشمند از طرق مختلفی داده‌های بیرونی و جهان خارج را کسب می‌کند و به تحلیل موقعیت و شرایط می‌پردازد. در حوزه فعالیت سیستم‌های هوشمند نیز در طول تاریخ فعالیت این

#### ۸۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

نوع سازمان‌ها، طیف وسیعی از منابع به کار گرفته شده است و جالب آنکه کیفیت داده‌ای تولید شده نیز کماکان در چهارچوب کلی حواس اصلی آدمی - البته با ارتقای کیفیت آن - است. بر اساس تجارب، می‌توان انواع منابع مورد استفاده در سیستم‌های هوشمند را به شکل زیر نمایش داد:

جدول ۳- طبقه‌بندی منابع تولید داده در سازمان‌های هوشمند

طبقه	منبع	ویژگی
داده‌های انسانی	انسان	گزارشات و مشاهدات اشخاص، توصیفات عینی به‌وسیله خلبانان و استنباط‌های انسانی در طی مکالمات
داده‌های مخابراتی	منابع ارتباطی مثل UHF, VHF, HF, رادیو	محتوای پیام‌های ارتباطی
داده‌های الکترونیکی	دریافت‌کننده‌های	پارامترهایی مثل فراوانی
داده‌های تصاویر	منابع تصویری	مشاهده و تمایز میان موضوعات مثل اینکه دو بانک در موقعیت X قرار دارد
داده‌های رسانه‌ای	اینترنت، روزنامه‌ها، تلویزیون، رادیو	وجه بیرونی موضوعات جمع‌آوری اطلاعات

Source: (NG, 2007: 65)

افزون بر اینها سیستم‌های رادار، سیستم‌های اپتیک الکترونیکی، سیستم‌های اکوستیک، سیستم‌های حسگر مغناطیس، حسگرهای شیمیایی و «حسگرهای خرد»<sup>۱</sup> نیز وجود دارند که توسط بشر ساخته

1. Micro sensors

شده است. در اینجا محقق از انواع روش‌های تحقیق استفاده و داده‌های متنوع و مختلفی را جمع‌آوری می‌کند و به این دلیل با مشکلات روش‌شناختی مهمی روبه‌رو می‌شود که ترکیب داده‌ها و اطلاعات را موجب می‌شود.

### ۳- ضرورت‌های ترکیب داده‌ها

ناگفته پیداست که به دلیل: ۱- تنوع و گستردگی و پراکندگی منابع؛ ۲- حجم زیاد منابع و ۳- زمان طولانی و تدریجی بودن فرایند تولید داده‌ها، به روش‌هایی برای تلفیق و در هم‌آمیزی مناسب داده‌ها به‌منظور حصول نتیجه و نائل آمدن به اشراف و آگاهی کامل از موضوع نیاز است. سایر ضرورت‌های ترکیب داده‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

#### ۳-۱- پراکندگی داده‌ها

داده‌های پژوهش کیفی ذاتاً پراکنده، مجزا و نامرتب هستند و هیچگاه به‌صورت منسجم و نظام‌مند در اختیار تحلیلگر قرار نمی‌گیرند. در واقع در صورت وقوع این شرایط فرضی، بخش اعظمی از فعالیت پژوهشی فاقد موضوع بوده و غیرضروری می‌شود. حتی در سایر حوزه‌های علوم نیز واقعیت خارجی، اطلاعات خود را به‌صورت منسجم و «سازمان‌یافته»<sup>۱</sup> در اختیار محقق یا تحلیلگر قرار نمی‌دهد، بلکه تحلیلگر به‌صورت تدریجی، در طول زمان و اندک‌اندک (به شیوه قطره‌چکانی) اطلاعات موضوع مورد مطالعه خود را، اعم از آنکه موضوع انسان باشد (در روان‌شناسی) پدیده اجتماعی - فرهنگی مانند اغتشاش دسته‌جمعی یا طلاق باشد (در

---

1. Organized

جامعه‌شناسی) مریضی و عارضه فیزیکی باشد (در پزشکی) و یا بررسی رویدادهای درونی زمین باشد (در زلزله‌شناسی) به دست می‌آورد. دستیابی به این اطلاعات نیز به صورت نظم‌یافته و قاعده‌مند نیست. به این معنی که داده‌ها به صورت رتبه‌ای هرمی یا سلسله مراتبی از مرحله جنینی اولیه تا مرحله پیچیده تولید نمی‌شوند، بلکه به صورت پراکنده و متفرقه به دست می‌آیند. به این ترتیب همواره به مجموعه‌ای از روش‌ها، فنون و ابزارهایی نیاز است که بتوانند داده‌های پراکنده را منسجم و جمع‌کنند و ساختار واقعیت خارجی (اعم از طلاق، اغتشاش، مرض یا کنش و واکنش‌های درونی زمین) را گزارش دهند. به عبارت دیگر، علی‌رغم آنکه داده‌های موجود پیرامون یک پدیده یا سوژه ساختارمند و منظم هستند، اما این بدان معنی نیست که تحلیلگر نیز به صورت منظم، «بسته‌بندی شده»<sup>۱</sup> و قاعده‌مندی آنها را به دست آورده و کشف و روشن می‌سازد. چه بسا بسیاری از این اطلاعات به دست نمی‌آید و آنچه به دست می‌آید نیز پراکنده و ناهمگرا و غیر یکپارچه هستند. بنابراین بسیار مهم است که تحلیلگر چگونه و با چه ابزاری این داده‌های پراکنده را منسجم و مرتبط می‌کند یا با هم متصل می‌سازد.

## ۲-۳- عدم همکاری و حراست شدید موضوعات از خود

در مطالعات راهبردی و پلیسی، موضوعات، کشورها و کنشگران به دلیل آنکه مشغول انجام فعالیت‌های خاص هستند، به شدت از خود (و اطلاعات مربوط به خودشان) مراقبت می‌کنند، چراکه می‌دانند که از

---

1. Package

سوی دستگاه‌های مجری قانون (پلیس)، افکار عمومی، رسانه‌ها و مردم مورد توجه هستند. این به معنی ایجاد چتر حراستی و حفاظت قوی و عدم اجازه برای رسوخ و نشست داده‌های خودشان به مراجع رسمی (حاکمیتی و محققان) و غیر رسمی (مانند رقبایشان) است. نتیجه کلی این وضعیت آن است که داده‌ها و شواهد به‌صورت بسته‌بندی شده در اختیار تحلیلگر قرار نمی‌گیرد. به این سبب، داده‌های به‌دست آمده معمولاً پراکنده و غیر یکپارچه هستند. این شرایط تحلیلگر را مجبور به استفاده از تکنیک‌هایی می‌کند که بتواند همین داده‌های حداقل را به همدیگر پیوند دهد.

### ۳-۳- هوشمندی سوژه

برخلاف سایر حوزه‌های فعالیت سیستم‌های هوشمند در امر طبیعی، کنشگران یا موضوعات معمولاً خود مجموعه انسانی هوشمندی هستند که از نظر ضریب هوشی و توانمندی سازمانی در حد اعلائی قرار دارند (مانند یک شبکه ترانزیت مواد مخدر). این‌گونه شبکه‌ها یا موضوعات علاوه بر حفاظت و مراقبت شدید از خود، اطلاعات گمراه‌کننده را تولید و به‌صورت عامدانه در اختیار تحلیلگر قرار می‌دهند تا آن را از اهداف اصلی (مورد نظر سوژه) دور کند. در واقع سوژه‌ها به‌صورت آگاهانه اطلاعات آلوده، اطلاعات کاذب و منحرف‌کننده را در اختیار قرار می‌دهند. حال باید گفت: ترکیب اطلاعات، روشی است برای استخراج اطلاعات درست از اطلاعات نادرست و آلوده. ترکیب اطلاعات موجب می‌شود اطلاعات کیفی، صحیح و با محتوا از اطلاعات نادرست جدا شود. در حقیقت از طریق ترکیب، اطلاعات کیفی، صحیح و با محتوا از اطلاعات نادرست جدا

می‌شود. به سخن دیگر، از طریق ترکیب داده‌ها، ادله، شواهد و داده‌های همگرا و متقارن تشخیص داده می‌شود و ادله ناهمگرا و زائد (و یا پاره‌ای مواقع اطلاعات آلوده یا کاذب) را می‌توان تشخیص داد و کشف کرد. در واقع ترکیب، روشی است برای ارزیابی داده‌ها و تعیین میزان قابلیت اعتماد و اطمینان داده‌ها؛ چراکه در فرایند ترکیب شواهد بی‌ربط و زائد مشخص می‌شود.

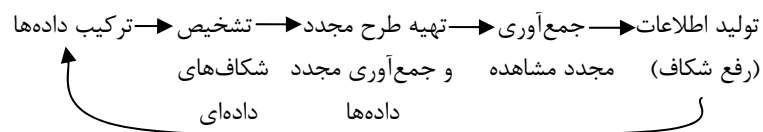
#### ۴-۳- تشخیص شکاف<sup>۱</sup> میان داده‌ها

از آنجا که ترکیب بر اساس یک مدل یا الگوی معین رخ می‌دهد، پس از تطبیق و مقایسه الگو با اطلاعات جمع‌آوری شده، می‌توان متوجه خلأ و نواقص موجود در ساختار داده‌های گردآوری شده شد. در واقع معضل همیشگی شکاف داده‌ها که یکی از مسائل جاری در موضوعات استراتژیک می‌باشد، از طریق ترکیب داده‌های موجود تشخیص داده و حل می‌شود. لازم به ذکر است که منظور از شکاف، «عنصر، خبر، داده یا اطلاعات مفقوده»<sup>۲</sup> است که اگر پیدا شود، اطمینان به کلیت مدل بیشتر می‌شود (Clarck, 2004: 88). پس از ترکیب داده‌ها و تشخیص شکاف‌ها یا نواقص می‌توان از طریق مشاهدات جدید برای رفع نواقص اقدام کرد.

- 
1. Gap
  2. Missing



### شکل ۱- نقش ترکیب در کاهش شکاف‌های داده‌ای



### ۳-۵- رسیدن به «شناخت آگاهی کامل»

در اثر ترکیب از کنشگران، یا موضوعات توصیف کامل از شرایط و حالات آن (اعم از نیت، اهداف، امکانات، ساختارها، توانمندی‌ها و امکانات و فعالیت‌های صورت گرفته توسط کنشگر) و نیز تشخیص کامل فرایندهایی که کنشگر طی کرده است، امکان پذیر می‌شود.

### ۳-۶- تشخیص روابط و تعاملات میان اشخاص

موضوعات، حوادث و پدیده‌ها در یک موضوع تحلیلی و کشف کم‌وکیف ارتباطات میان آنها در فرایند ترکیب صورت می‌پذیرد. در واقع در جریان ترکیب داده‌ها اطلاعات الگو<sup>۱</sup> یا رابطه حاکم بر داده‌ها کشف شده و اطلاعات دسته‌بندی می‌شود.

### ۳-۷- مهندسی دانش

ترکیب داده‌ها زمینه اصلی برای مهندسی دانش و تولید دانش را فراهم می‌آورد. در واقع ترکیب اطلاعات متضمن نوعی معماری اطلاعات و نقشه‌کشی برای نحوه ثبت اطلاعات و بررسی روابط میان آنها تلقی

---

1. Pattern

۹۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

می‌شود.

### ۸-۳- ارتقای ارزیابی داده‌ها

یک کاربرد دیگر ترکیب، مساعدت به فرایند ارزیابی و اعتباربخشی داده‌هاست که از طریق کشف اطلاعات بی‌ربط، کاذب، نامتقارن و بی‌معنی صورت می‌گیرد.

### ۴- مزایای ترکیب داده‌های متنوع

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، ترکیب داده‌ها عبارت است از تلفیق توأمان اطلاعات از منابع گوناگون همچون پایگاه‌های داده، حسگرها و غیره به‌منظور درک بهتر محیط اطراف. مزایای این نظریه ارتباط نزدیکی با ویژگی‌های کیفی مورد قبول برای یک سیستم یکپارچه‌سازی اطلاعاتی دارد. ترکیب اطلاعات یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در جهت دستیابی به اطلاعاتی مفید و با حداکثر اطمینان می‌باشد. در این بخش، به چند مزیت عمده روش ترکیب اطلاعات اشاره می‌شود:

#### ۱-۴- افزونگی

منظور از افزونگی، فراهم کردن داده‌ها از منابع مختلف (و یا یک منبع در زمان‌های متفاوت) است که موجب همپوشانی در اطلاعات می‌شود و ترکیب اطلاعاتی که دارای همپوشانی هستند، موجب کاهش عدم قطعیت و متعاقباً افزایش قابلیت اعتماد می‌شود.

#### ۲-۴- تکمیل شدن

دریافت اطلاعات حاصل از منابع مختلف، امکان تکمیل و پوشش‌دهی

کلیت موضوع یا محیط فراهم می‌سازد، در حالی که هر یک از منابع به تنهایی قادر به ارائه درک کلی آن نیست. بنابراین به این وسیله با اجماع اطلاعات از منابع مختلف، اطلاعات جامعی در مورد آن موضوع به دست می‌آید. کاهش رویکرد تک‌بعدی و افزایش جامعیت در نتیجه ترکیب، امری بدیهی است.

### ۳-۴- کاهش زمان

با توجه به اینکه می‌توان به‌طور هم‌زمان و موازی اطلاعات را از منابع کسب کرد، این امکان فراهم می‌شود که بتوان در زمان کوتاهی از یک محیط اطلاعات را جمع‌آوری کرد که این امر سبب کاهش زمان می‌شود.

### ۴-۴- کاهش هزینه

به‌علت دریافت اطلاعات از منابع مختلف، ترکیب این داده‌ها با یکدیگر و متمرکز شدن بر اطلاعات مفید دریافتی، هزینه‌های جمع‌آوری و تحلیل تقلیل می‌یابد. در ضمن چون نتیجه نهایی نیز دارای دقت بیشتری است، این امر خود نیز موجب کاهش هزینه (با توجه به کارایی بالایی که فراهم می‌شود) می‌شود.

### ۵- ترکیب اطلاعات و مدیریت دانش

امروزه مدیریت دانش به‌عنوان موضوعی مهم و حیاتی در سازمان مطرح شده است. سازمان‌ها بر این باورند که به‌کارگیری سیستم‌های مدیریت دانش می‌تواند به برتری بلندمدت خود در عرصه‌های رقابتی ادامه دهد. صاحب‌نظران مدیریت سازمانی به این نکته اشاره دارند که اگر

## ۹۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

سازمانی به راحتی نتواند شکل صحیحی از سیستم‌های مدیریت دانش را در جایگاه مناسب خود به کار برد، در عرصه‌های رقابت جهانی با مشکل مواجه خواهد شد.

از چندی قبل مدیریت دانش و به تبع آن سیستم‌های مدیریت دانشی، به‌عنوان بزرگ‌ترین پدیده بعد از مهندسی مجدد،<sup>۱</sup> پا به عرصه وجود گذاشتند. مدیریت دانش با نوآوری‌ها و ابداعات در مهارت‌های مدیریتی و یادگیری سازمانی نقاط مشترک بسیاری دارد. ابتدا مدیریت دانش بر سیستم‌های اطلاعاتی متمرکز بود و سپس نیروی خود را به روی توسعه سازمانی، مدیریت سرمایه‌های هوشی و فکری و مهارت‌های مدیریتی تغییر داد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ نیز یادگیری اجتماعی، فهم سازمانی، نوآوری سیستماتیک و مدیریت تغییر به‌عنوان موضوعاتی برتر در مدیریت دانش مطرح شد.

با ارزیابی تغییر و تحولات دانش در جامعه امروزی، این نتیجه حاصل می‌شود که جامعه فراصنعتی امروز، جامعه‌ای اطلاعاتی است که در آن به تدریج فناوری‌های نیروافزا جای خود را به فناوری‌های دانش‌افزا می‌دهند (پروست و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۹). این مهم به‌وسیله تلفیق و امتزاج یافته‌ها انجام می‌شود.

### ۶- هدف روش‌شناختی ترکیب: توصیف

در جریان ترکیب، اطلاعات مجزا و پراکنده (در درون یک پرونده) در هم آمیخته شده و در تصویری به‌هم‌پیوسته ایجاد شده و تصویری کامل

---

1. TQM

از موضوع یا کنشگران تحت بررسی ارائه می‌شود. در فرایند ترکیب، اطلاعات و معلومات موجود منظم شده و پایه و مایه کشف جدید قرار می‌گیرند. برای توصیف موضوع، سوژه یا پدیده تحت بررسی، اخبار موجود کنار هم چیده شده، روابط میان آنها کشف شده و مجهولات پیش رو حل می‌شوند.

ترکیب داده‌های موجود باعث «هم‌افزایی»<sup>۱</sup> داده‌های موجود در پرونده می‌شود. اگر دو چیز یا بیشتر با هم ترکیب شوند، نتیجه حاصل چیزی بیش از جمع جبری از اجزای جداگانه می‌شود و این همانا توصیف وضعیت موجود است.

از لحاظ روش‌شناسی، توصیف یعنی بیان وضعیت یا حالت<sup>۲</sup> پدیده یا کنشگر مورد نظر. در سطح توصیف، هدف آن است که از واقعیت خارجی گزارش دقیقی ارائه شود، یعنی بدانیم که پدیده تحت بررسی در چه شرایطی قرار دارد. توصیف، بیان و ارائه یک روایت اصیل، جامع و دقیق از وضع موجود است. در حقیقت هدف از ترکیب داده‌ها، آن است که تحلیلگر بیشترین بهره‌برداری را از داده‌های موجود بنماید. در ترکیب، داده‌های اغلب پراکنده و نامنسجم، در کنار هم گرد آمده و منظم می‌شوند. نتیجه نهایی ترکیب اطلاعات، ارائه تصویری معین از واقعه یا حادثه یا فرایند تحت بررسی است. در ترکیب میزان همخوانی قطعات خبری با همدیگر تشخیص داده می‌شود و با تلفیق آنها «وضعیت»<sup>۳</sup> گزارش می‌شود و تحلیلگر به «موقعیت هشیاری» یا «آگاهی از

---

1. Synergy  
2. State  
3. Situation

موقعیت»<sup>۱</sup> نائل می‌شود.

به‌طور مشخص باید گفت: ترکیب مثل عکس گرفتن یا فیلم ساختن از یک پدیده یا فرایندی است که روایتی دقیق و واقعی از پدیده تحت بررسی را بیان یا ارائه می‌کند و البته نیاز به تحلیل، قضاوت و داوری و بیان علل و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده یا حادثه تحت بررسی نیست. در واقع، عمل ترکیب فقط به توصیف وضعیت یا حالات سوژه یا حریف توجه دارد و بر علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن تمرکز ندارد. به‌طور کلی از نظر روش‌شناسی، باید بین توصیف و تعلیل یا «تبیین»<sup>۲</sup> تفاوت قائل شد و از ادغام و اختلاط آنها جلوگیری کرد. همچنین پیامدها، تبعات و عواقب و آینده پدیده تحت بررسی نیز در توصیف مدنظر نمی‌باشد؛ چراکه این مقولات یا اهداف را بایستی در فرایندهای بعدی دنبال کرد.

#### ۷- جایگاه روش‌شناختی ترکیب: کار با داده‌های چندکانونی

در انجام روش‌های تحقیق کمی و کیفی می‌توان به موارد بسیاری برخورد کرد که داده‌های تولید شده مشابه نیستند. به عبارت دیگر، جنس و محتوای داده‌های به‌دست‌آمده الزاماً مشابه و یکنواخت، یکپارچه و منسجم نیستند که در اصطلاح روش‌شناختی به آنها «داده‌های چندکانونی»<sup>۳</sup> گفته می‌شود. برای مثال داده‌های حاصل از مشاهده همراه یا بدون مشارکت مشاهدات غیرمستقیم با عکس، فیلم و تصویر ویدئویی یا داده‌های بصری، داده‌های اسنادی (مدارک)، داده‌های حاصل از شبکه

- 
1. Situation awareness
  2. Explanation
  3. Multifocous data

جهانی اینترنت، قوم‌نگاری و... از این قبیل هستند (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۳). بنابراین می‌توان گفت: تمایل به استفاده از روش‌های چندکانونی و ترکیبی و ضرورت آن یکی از روندهای طبیعی در روش‌شناسی‌های علوم اجتماعی است و این خود موجب طرح مسئله تثلیث، زاویه‌بندی و سه‌سویه‌سازی<sup>۱</sup> شده است.

### ۸- زاویه‌بندی یا چندبعدی کردن داده‌ها

چندبعدی کردن، ادغام چند روش کیفی مختلف با یکدیگر یا تلفیق روش‌های کمی و کیفی است. چندبعدی‌سازی با ترکیب و تلفیق چندین روش و جایگاه یکسان بخشیدن به آنها سبب از میان برداشتن محدودیت‌های یک روش واحد می‌شود. اگر روش‌های مختلف در کنار یکدیگر قرار گیرند، نتیجه سودمندتری حاصل می‌شود (همان: ۲۸). تلفیق<sup>۲</sup> نیز به معنی به‌کارگیری عملی اصول روش‌شناختی و اجتناب از محدود ماندن به یک گفتمان روش‌شناختی خاص است.

بریمن در سال ۱۹۹۲ یازده روش را برای پیوند تحقیق کمی و کیفی نشان می‌دهد. منطق چندبعدی کردن از نظر او به معنای تلاش برای یافتن نمونه‌های کیفی در برابر نتایج کمی است. تحقیق کمی می‌تواند تحقیق کیفی را ثابت کند و بالعکس. هر دو به‌منظور به دست آوردن تصویری کلی‌تر از موضوع مورد مطالعه با یکدیگر تلفیق می‌شوند و طی آن، روابط میان متغیرها بررسی می‌شود. تلفیق روش‌های کمی و کیفی و روش‌شناسی‌های ترکیبی را «سومین جنبش روش‌شناختی» می‌دانند

- 
1. Triangulation
  2. Hybridization

## ۹۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

(همان: ۳۸). در هر حال چندبعدی کردن عبارت است از: تلفیق چندین روش کیفی با یکدیگر و البته به معنای تلفیق روش‌های کمی و کیفی نیز هست. در این حالت دیدگاه‌های روش‌شناختی مختلف، یکدیگر را در مطالعه یک موضوع کامل می‌کنند، به این معنا که نقاط کور و ضعف‌های همدیگر را پوشش می‌دهند. در اینجا اولویت خاصی به یک روش داده نمی‌شود و هیچ‌کدام برتر یا مقدماتی محاسبه نمی‌شود. این جنبش روش‌شناختی ناشی از دغدغه‌های عملی برای شناخت کامل پدیده‌ها بوده است (همان: ۴۲).

### ۹- انواع داده‌ها در پژوهش کیفی

در روش کیفی داده‌ها شامل دو مقوله وسیع گفته‌ها، نوشته‌ها و رفتارهای شرکت‌کنندگان و اسناد و پیشینه‌های مربوط به آنها و توصیفات پژوهشگر است. با تأکید بر اینکه هر دو نوع این داده‌ها (و نیز داده‌های کمی جمع‌آوری شده) از اهمیت یکسانی برخوردارند، طیف وسیعی از داده‌ها در پژوهش کیفی موجود دارد (حریری، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

### ۱۰- مفهوم ترکیب

ترکیب عبارت است از کنار هم قرار دادن هدفمند داده‌های یک منظومه، برای دستیابی به تصویری کلی از یک رویداد. در ادبیات فناوری اطلاعات (IT) ترکیب اطلاعات به‌عنوان فناوری کامپیوتری برای به دست آوردن اطلاعات از منابع مختلف و انسجام بخشی به این داده‌ها به شکل قابل استفاده و در دسترس و تفسیر نتایج تعریف شده است (Chen, 2006: XY). این موضوع ماهیت بین‌رشته‌ای داشته و خاستگاه



آن در مهندسی، علوم کامپیوتر، امنیت کامپیوتر، سیستم‌های اطلاعات، مدیریت دانش و پزشکی است.

در جای دیگر ترکیب داده‌ها به‌عنوان یک روند «تجمیع»<sup>۱</sup>، «همبستگی»<sup>۲</sup>، «تراکم و ادغام»<sup>۳</sup> داده‌ها و اطلاعات از منابع منحصر به‌فرد یا منابع «چندگانه»<sup>۴</sup> تلقی شده که تشخیص موقعیت دقیق و «پالایش شده»<sup>۵</sup> و برآورد هویت‌ها را موجب شده و برآورد به موقع و جامعی از موقعیت‌ها و تهدیدات، به میزانی که اهمیت دارند، ارائه می‌دهد (Bosse et al, 2006: 8). این حوزه (ترکیب) مبتنی بر یافته‌های سایر علوم رشد کرده است که اهم آنها عبارتند از: منطق، ریاضیات، معماری اطلاعات، شبکه‌های کامپیوتر، سخت‌افزار، شبکه‌های طبیعی، شبکه‌های شناختی، علوم اطلاعات، روان‌شناسی، علوم انسانی، هنر اطلاعات، منطق ریاضی و پردازش علائم (Ibid: 31). بر این اساس از ترکیب داده‌ها به‌عنوان یک متد یا فناوری یاد شده است (Ibid: 232) که در پردازش اطلاعات و هر حوزه‌ای از دانش که اطلاعات خود را از چند منبع متفاوت اخذ می‌کند و بنابراین دارای حجم انبوهی از اطلاعات بوده و نیاز به پردازش آنها دارد، کاربرد دارد. در واقع هر جا اطلاعات انبوه، که در طول زمان به دست آید و دارای ابعاد چندگانه و از منابع مختلف به دست آمده باشد، به‌کارگیری فناوری ترکیب داده‌ها<sup>۶</sup> ضرورت دارد.

- 
1. Association
  2. Correlation
  3. Combination
  4. Multiple
  5. Refined
  6. Data Fusion (DF)

رابرت ام. کلارک، در یک برداشت حرفه‌ای‌تر، ترکیب را به معادل اختلاط و ایجاد کل از اجزا دانسته و آن را به معنای استحصال یا درک مسائل از روی مدل تلقی کرده است. وی تصریح کرده است: ترکیب یعنی کنار هم قرار دادن قسمت‌ها یا عناصر و تشکیل مدلی از هدف توسط آنها. از نظر کلارک، ترکیب شامل گردآوری و برقراری روابط میان داده‌ها با استفاده از منابع اطلاعاتی مختلف است (Clarck, 2004: 118). این کار نوعی تطبیق میان داده‌ها است، یعنی سازمان دادن اطلاعات مربوط، به‌طور منسجم و با نگرش به منبع و بافت خبر. ترکیب یعنی «مرتب کردن»<sup>۱</sup>، مطابقت دادن اندیشه‌ها و ادله‌ها یا «شواهد»<sup>۲</sup> با همدیگر. وایت در فرهنگ لغات ترکیب داده‌ها که در قالب «ریز برنامه ترکیب اطلاعات»<sup>۳</sup> تهیه شده است، ترکیب اطلاعات را به‌عنوان یک روند جمع‌بندی، همبستگی و اختلاط داده‌ها و اطلاعات از منابع محدود یا چندگانه، برای برآورد هویت‌ها و موقعیت‌های دقیق (پالایش یافته) و برآورد به موقع و کامل وضعیت‌ها و تهدیدات، به همان میزانی که اهمیت دارند، تعریف کرده است. دی. بیود و ادوارد والتز نیز بر اساس مجموعه تجارب ارتش ایالات متحده که در قالب «آزمایشگاه‌های مشترک وزارت دفاع آمریکا» ارائه شده است، «ترکیب داده‌ها و استخراج داده‌ها را یک فرایند وابستگی یا پیوستگی در ترکیب داده‌ها و اخبار از منابع منفرد (منحصر به فرد) و یا گوناگون، برای کسب وضعیت پالایش شده، شناسایی تخمین‌ها، ارزیابی زمانی و کامل از وضعیت و تهدید و تعیین میزان اهمیت آنها

- 
1. Arrangement
  2. Event
  3. Data Fusion Subpanel

دانسته‌اند» (Waltz, 2004: 87).

در تعریفی دیگر از ارتش ایالات متحده، ترکیب به‌عنوان یک روند چندوجهی و چندسطحی برای «ردیابی»<sup>۱</sup> خودکار، تجمیع، همبسته‌سازی، تخمین و تلفیق داده‌ها از منابع منفرد یا چندگانه در نظر گرفته شده است. با توجه به کلی بودن و ابهام این تعریف، بسیاری از محققان بر این تعریف ایراد گرفته‌اند. به‌طور مثال، دکتر لوسین وارد،<sup>۲</sup> استاد «مدرسه ذهن»<sup>۳</sup> در پاریس در سال ۱۹۹۸ و در جریان «کنفرانس اروپایی برای ترکیب اطلاعات»، ترکیب اطلاعات را به‌عنوان چهارچوبی رسمی برای بیان میانگین داده‌ها از منابع متفاوت دانسته است. وی معتقد است که ترکیب یعنی استفاده از روش‌ها و ابزارهایی برای تنظیم اطلاعات، به‌طور سازمان یافته که از منابع مختلف اخذ شده‌اند (Busse, op. cit.: 18).

نویسندگان دیگری مانند ام. دسفورجس و ای. استار<sup>۴</sup> در کتاب «استراتژی‌هایی برای ترکیب اطلاعات» ترکیب اطلاعات را به‌عنوان روند تلفیق داده و دانش‌ها از منابع متفاوت تعریف کرده‌اند که محتوای مفید اطلاعات را به حداکثر رسانیده و اعتبار و توانایی تمایزگذاری اطلاعات را افزایش داده و کیفیت داده‌ها را به حداکثر می‌رساند. افزون بر اینها بعضی دیگر به ابعاد تکمیل‌کنندگی، معاصرسازی و هماهنگی داده‌ها نیز در امر ترکیب توجه داشته‌اند (Ibid: 10).

- 
1. Detaction
  2. Lucin Ward
  3. Ecole des mines
  4. M. Desforjes & A. Starr

در معنای وسیع‌تر، ترکیب داده‌ها و شواهد، به معنی فرایند نگهداری، ثبت، تألیف، ادغام، یکپارچه‌سازی، مقابله، تلفیق، در هم‌آمیزی و مهندسی داده‌هاست. در حقیقت ترکیب اطلاعات به نوبه خود با مهندس دانش ارتباط دارد، چون نوعی طراحی و نظام برای چینش اطلاعات و نقشه‌کشی دانش است. نوعاً باید گفت: ترکیب شواهد فرایند کشف رابطه حاکم بر داده‌های ظاهراً پراکنده است که نیازمند نوعی نقشه‌کشی و «معماری داده‌های»<sup>۱</sup> موجود (و در دسترس) است. از یک زاویه دیگر، می‌توان گفت: ترکیب به معنای گردآوری، خلاصه‌سازی، مقابله و طبقه‌بندی تمامی داده‌های موجود و مربوط به پرونده در مجموعه‌ای به هم پیوسته است.

### ۱۱- رویکرد مبتنی بر هم‌افزایی<sup>۲</sup>

ایده رویکرد مبتنی بر هم‌افزایی در تحلیل توسط هال و هاوارد در سال ۲۰۰۸ مطرح شده است. آنها ۴ اصل اساسی را در این زمینه مطرح کرده‌اند. اصل اول مفهوم افزایی<sup>۳</sup> است. بر اساس این اصل، زمانی دو یا تعداد بیشتری از گزینه‌ها یا داده‌ها با یکدیگر تعامل داشته باشند، تأثیرات حاصل از ترکیب آنها بیش از سرجمع تأثیرات هر یک از آنها است. بنابراین اگر تحلیلگر از دو روش و نیز دو مجموعه داده استفاده کند، منجر به ایجاد هم‌افزایی در تأثیر آنها می‌شود. بر اساس اصل

- 
1. Data architectuer
  2. Syneric approach
  3. Concept of synergy

وضعیت ارزش برابر<sup>۱</sup>، تحلیلگر باید در برابر همه انواع داده‌ها و روش‌های گردآوری اطلاعات، اعم از آشکار و پنهان و کم و کیفی و... تعهد یکسان و برابری داشته باشد و موضع یکسانی در قبال داده‌ها داشته باشد. اصل سوم، ایدئولوژی تفاوت<sup>۲</sup> است که بر اساس آن نه تنها ارزش مستقل داده‌ها به رسمیت شناخته می‌شود، بلکه تحلیلگر روش‌های مختلف جمع‌آوری و داده‌ها را با در نظر گرفتن یکدیگر انتخاب می‌کند. به عبارت دیگر، در عین برابری داده‌ها از حیث ارزش، با چشمان باز جایگاه و موقعیت و تأثیرگذاری در بخش از نظام داده‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد (هر چیزی در جای خود قرار می‌گیرد). اصل چهارم، رابطه بین تحلیلگر طرح است. در رویکرد مبتنی بر هم‌افزایی یک عامل مهم مربوط، موقعیت تحلیل است. این اصل دو جنبه دارد. بر اساس جنبه اول، همکاری تحلیلگران مطرح می‌شود، چراکه تحلیلگران معمولاً از لحاظ تخصصی در درون یک پارادایم یا موضوع خاصی قرار می‌گیرند. بنابراین همکاری میان آنها ضرورت دارد (شریفات، ۱۳۸۷: ۹۸). بُعد دیگر، رابطه بین تحلیلگر و طرح تحلیل است. یعنی تحلیلگر باید به صورت متعادل از همه منابع استفاده و در ترکیب از همه داده‌ها بهره‌گیرد. این هم بدان دلیل است که تحلیلگر به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در جمع‌آوری شواهد از استراتژی تمامی منابع بهره می‌گیرد.

## ۱۲- موانع و محدودیت‌های ترکیب منابع چندگانه

ترکیب داده‌ها موضوعی چند رشته‌ای است. داده باید از منابع

- 
1. Position of equal Value
  2. Ideolog of difference

## ۱۰۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

مختلفی به دست آید و بنابراین داده‌ها مبهم، مختلط و توأم با پارازیت هستند. بنابراین ترکیب اطلاعات از منابع چندگانه همواره توأم با مسائل و مشکلاتی است که اهم آنها عبارتند از:

### ۱-۱۲- چندبعدی بودن داده‌ها

حسگرهای مختلف، مقیاس‌های مختلفی دارند و بنابراین داده‌ها چندوجهی و چندبعدی هستند. در حالی که در انتقال و ترکیب اطلاعات نیاز به قالب‌های مشترک و استاندارد است. به این دلیل در بعضی علوم، سیستم‌های هماهنگ‌سازی واحدهای اندازه‌گیری متفاوت (مثل مایل، متر، فوت و اینچ) برای یکسان‌سازی اندازه، فراوانی و تصویرسازی اطلاعات، توسط مراجع علمی مشترک تهیه شده است. به عبارتی، تکنیک‌هایی برای هنجارمند یا استاندارد کردن اطلاعات مورد نیاز است که در فعالیت اطلاعاتی امکان استاندارد کردن داده‌سنجی میسر می‌شود.

### ۲-۱۲- جایگزینی و واقعی‌سازی داده‌ها

ترکیب اطلاعات نامتمرکز و توزیع شده به واقع‌سازی و لانه‌گزینی نیازمند است، به این معنی که هر قلم اطلاعات باید در جای خود قرار گیرد.

### ۳-۱۲- تنظیم زمان<sup>۱</sup>

همگام‌سازی، تقارن یا همگامی زمان تولید داده‌ها بسیار مهم است. اهمیت این نکته از آن رو است که داده‌ها از لحاظ زمانی «باز» هستند.

---

1. Time alignment

### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۰۳

این وضعیت به معنی موارد زیر است:

حسگرهایی که در مکان‌های متفاوت جا گرفته‌اند؛  
زمان‌های مختلف اخذ داده (ناهم‌زمانی)؛  
منابع داده‌های متفاوت؛  
الگوهای نمونه‌گیری متفاوت میان داده‌ها.

### ۱۲-۴- تفاوت‌ها در طرح عملیاتی حسگرهای مختلف و نحوه اخذ اطلاعات

طرح‌های چندگانه یا منحصر به فرد؛  
طرح‌های ثابت یا پویا؛  
تعدد حسگرهای کیفی به کار گرفته شده؛  
پیچیدگی طرح‌های مهندسی؛  
پیچیدگی ساختاری داده‌های طبقه‌بندی شده؛  
ارزش‌های ارتباطی.

### ۱۲-۵- اختلاف در استراتژی‌های انتخابی حسگرها

پویایی‌های اهداف؛  
منابع پارازیتی زمینه‌ای؛  
اولویت‌های حسگر؛  
مفاهیم عملیاتی متفاوت؛  
ساختار و سازمان‌بندی مختلف؛  
سازه‌های عملیاتی و فیزیکی متنوع (Ibid: 187).

### ۱۳- نتیجه‌گیری

هدف از نوشتار حاضر یادآوری ضرورت و اهمیت ترکیب و تلفیق داده‌ها در پژوهش‌های علوم اجتماعی است. از جمله مهم‌ترین ضرورت‌های ترکیب داده‌ها، پراکندگی و تنوع ماهیت داده‌های جمع‌آوری شده، برخورداری از سطوح مختلف مشاهده، تنوع جنس داده‌ها، تدریجی بودن تولید داده‌ها و... بوده است که همه اینها ضرورت تجمیع و ترکیب داده‌ها و مشاهدات گردآوری شده در یک پروژه تحقیقاتی کیفی (و به‌طور مشخص در مورد پژوهی) را الزامی می‌سازد. همچنین باید گفت: ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده موجب افزونگی، تکمیل شدن، کاهش زمان و هزینه، ایجاد زمینه برای مدیریت دانش و تولید نظریه و درنهایت نائل آمدن به توصیف جامعه و کامل و اشراف به پدیده‌ها یا موضوعات تحت بررسی می‌شود. بنابر مزایا و محاسن ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مختلف و نقش آن در تعمیق شناخت‌های علمی، مناسب است پژوهشگران از ابتدا و در هنگام طراحی استراتژی روش‌شناختی خود به مسئله روش و ترکیب داده‌ها توجه کرده و از ابتدا چهارچوب تجزیه و تحلیل خود را بر استفاده از داده‌های متنوع پی‌ریزی کنند. شایان ذکر است، آنچه در اینجا مورد تأکید قرار گرفت، از حیث روش و ماهیت با فراتحلیل<sup>۱</sup> تفاوت اساسی دارد، زیرا ترکیب داده‌ها در درون یک پژوهش خاص انجام می‌پذیرد.

---

1. Meta-analysis



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. پروست، گیلبرت، استفان روب و کای رومباردت، مدیریت دانش، ترجمه علی حسینی خواه، نشر سیطرون، ۱۳۸۵.
۲. حریری، نجلا، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۳. شریفیات، فریدون، «نوع‌شناسی و فرایند طراحی و اجرای پژوهش ترکیبی»، مجله حوزه و دانشگاه (روش‌شناسی علوم انسانی) سال چهاردهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۸۷.
۴. فلیک، اووه، پژوهش کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.

### ب) منابع لاتین

1. Bosse, Eloi, Roy, Jean and wark, Concepts. Models and Tools for Information fusion, Artech Hous, 2006.
2. Chen, H. Intellinence and Security Informations for International Security Information Sharing and Data Mining, London, Springer Press, 2006.
3. Clarck, Robert, M., Intelligence Analysis, A Target- Center Approach, Mcmilan Press, 2004.
4. NG, G. W. Intelligences Systemsfusion Tracking and Control Research Studies Press Ltd, England, 2007.
5. Waltz, Edward, Intelligence War, 2004.



## پژوهش عملی مشارکتی<sup>۱</sup>، راهبرد پژوهش کیفی

دکتر مجید کفاشی\*

### مقدمه

الگوی تحقیق عملی مشارکتی به‌عنوان راه‌حلی است که در آن بر مشارکت مردم و «تحقیق از طریق مردم» به جای «تحقیق برای مردم» تأکید شده است. این روش در واقع به دنبال بحث طراحی اجتماع یا معماری اجتماعی مطرح است. در این الگو، مردمی که به‌عنوان استفاده‌کننده از محیط، درگیر مسائل مرتبط با آن هستند و می‌توانند به خلق راه‌حل بپردازند، در تمامی مراحل تحقیق، با متخصصان رشته‌های مختلف علوم همگام می‌شوند. تحقیق عملی مشارکتی به‌عنوان الگویی جدید برای استفاده مؤثر از دانشی پیشنهاد می‌شود که توسط اجتماع از طریق تلفیق طراحی، برنامه‌ریزی تحقیق و مشارکت خلق می‌شود. این الگو حاصل رشد رهیافت‌های تحقیق سنتی است که قادر به پرداختن به

---

### 1. Participatory Action Research

\* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن و عضو باشگاه پژوهشگران جوان.

اهداف، ارزش‌ها و حل مسئله نیستند.

طرفداران تحقیق مشارکتی، آن را به شکل‌های مختلف تعریف کرده‌اند. تحقیق مشارکتی به‌عنوان توسعه توانمندی‌های اجتماع، حل مسائل از طریق تشریک مساعی و معادلی برای واژه «مشارکت مصرف‌کننده» در برنامه‌ریزی و فرایند تصمیم‌سازی تلقی می‌شود. تحقیق مشارکتی سعی در از بین بردن تمایز بین محقق و مورد تحقیق و بین موضوعات و اهداف دانش از طریق مشارکت خود افراد در فرایند کسب و خلق دانش دارد. در چنین فرایندی، تحقیق نه تنها به‌عنوان فرایند خلق دانش تلقی می‌شود، بلکه هم‌زمان به‌عنوان آموزش و توسعه آگاهی و پویایی عمل در نظر گرفته می‌شود.

در عمل، فرایند مداخله مبتنی بر تحقیق مشارکتی از طریق یک مؤسسه توسعه اجتماع، مؤسسه‌ای دانشگاهی یا یک گروه مذهبی آغاز می‌شود. محقق متخصص نیاز به آگاهی کامل از اجتماع، از نظر تاریخی و جامعه‌شناختی از طریق اسناد، مصاحبه‌ها، مشاهدات و نوعی مشارکت در زندگی مردم جامعه دارد. جنبه سازمانی تحقیق عملی مشارکتی با جمع‌آوری اطلاعات از اجتماع بزرگ‌تر از اجتماع هدف پروژه و تشخیص افرادی کلیدی که نقش فعال در توسعه آن دارند، آغاز می‌شود. زمانی که اجتماع تصمیم می‌گیرد چگونه مسائل پژوهشی را تنظیم کند، چه اطلاعاتی مورد نیاز است، چه روش‌هایی باید به کار رود، چه مراحل باید طی شود، اطلاعات چگونه باید تحلیل شود، با یافته‌ها چه باید کرد و چه عملی باید انجام داد، محقق متخصص به‌عنوان تسهیل‌کننده و منبع تکنیکی، دست به کار می‌شود. این تحقیق نمونه‌ای از مشارکت است که منابع و دیدگاه‌های تمام شرکت‌کنندگان را در برمی‌گیرد. معیار ایجاد

یک گفتگوی مؤثر شامل گام‌هایی است، از جمله: الف) تمام کسانی که ذی نفع هستند باید فرصت مشارکت داشته باشند، ب) در ابتدا تمام مشارکت‌کنندگان با یکدیگر مساوی هستند، ج) مشارکت‌کنندگان باید در گفتمان فعال باشند، د) تمام مشارکت‌کنندگان باید از موضوع آگاه باشند، ه) تمام بحث‌ها را باید مشروع دانست و و) توافق باید همواره از گفتگو به‌عنوان زیربنای تحقیق و اقدام به دست آید.

این رهیافت علمی، ابزار علوم اجتماعی جدیدی را در اختیار طراحان و برنامه‌ریزانی که در ارتباط با نیازهای مردم هستند، قرار می‌دهد. این ابزار جدید نه تنها متخصص را به درک عمیق‌تری از شرایط انسان‌ها می‌رساند، بلکه فرصتی برای گفتگوی مؤثر با مردمی که از محیط زیست استفاده می‌کنند، فراهم می‌کند. چنین رهیافتی در تضاد با کاربرد روش‌های تحقیق عملی است که عمدتاً آنچه را واضح است بیان می‌دارد و یا در تضاد با رهیافت‌های علوم اجتماعی سنتی است که سعی در تعمیم نیازهای انسان‌ها دارد.

امروزه در ادبیات پژوهش دانشگاهی واژه «مشارکت» به‌صورت تکیه‌کلام درآمده است. اکنون در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که برای برقراری یک فرایند سالم توسعه، کافی نیست کارشناسان صرفاً مردم را از نیازهایشان مطلع سازند و سپس در رفع این نیاز بکوشند، بلکه تنها در صورتی می‌توان انتظار برقراری یک جریان مداوم و سالم توسعه را داشت که انسان‌هایی که قرار است به آنها کمک شود، فرصت بیابند در طراحی و اجرای راه‌حل مشکلاتشان مشارکت داشته باشند. به‌علاوه آنچه به این اجماع نظر کارشناسان حرفه‌ای نیرو می‌بخشد، عمل‌گرایی فزاینده مردمی است که از نامیده شدن با عنوان «گروه هدف» سخت ناخشنود بوده و

خواهان کنترل بیشتر بر سرنوشت خود هستند.

ما امروزه این را امری مسلم می‌دانیم که اعضای هر اجتماع یا سازمانی که قرار است مورد کمک و یاری قرار گیرد، باید در طراحی و اجرای طرح توسعه مربوطه دخالت داشته باشند. سؤال این است که آیا حدود این مداخله می‌تواند به پژوهش‌هایی که به‌منظور هدایت طرح‌های تحول و توسعه انجام می‌گیرند نیز گسترش بیابد؟ گرچه تا کنون مشارکت در پژوهش‌های عملی به ندرت اتفاق افتاده، ولی به هر حال در طول ۳۰ سال گذشته تعداد موارد آن حداقل به اندازه‌ای بوده است که اثبات کند چرا پژوهش عملی مشارکتی امری امکان‌پذیر است. هدف، ارائه یک روش تحقیق کاربردی است که به‌ویژه برای پژوهشگران امر توسعه، باید مفید و مناسب باشد. البته این روش در گذشته توسط افراد مختلف و با عناوین دیگر مورد عمل قرار گرفته است. برای مثال، در یکی از نمونه‌های جالب پژوهش عملی مشارکتی در دهه ۱۹۶۰ یک روان‌شناس اجتماعی به نام ترسورد و سایر همکاران رفتارشناس وی، در مؤسسه تحقیقات کار نیروژ طرحی ایجاد کردند که طی آن در برنامه‌ای که به تجدید سازمان فناوری دریایی و نیز بهبود روابط اجتماعی و کاری بر روی کشتی‌ها انجامید، با صاحبان کشتی، دریانوردان و اتحادیه‌های دریانوردی همکاری داشتند. این تحقیقات در نهایت شکل ناوگان بازرگانی نیروژ را متحول ساخت و تأثیراتی در مقیاس جهانی از خود به جا گذاشت. ترسورد و همکارانش طرح خود را طرح دموکراسی صنعتی خواندند که با ویژگی‌های پژوهش عملی مشارکتی تطبیق می‌کند. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن تعریف پژوهش عملی مشارکتی و بیان ویژگی‌ها و مراحل آن، به نمونه‌ای از این روش اشاره شود.

### ۱- تعریف پژوهش عملی مشارکتی

پژوهش عملی مشارکتی نوعی روش تحقیق است که در آن یک یا دو نفر از اعضای سازمان یا اجتماع مورد مطالعه در همه مراحل فرایند پژوهش، از طرح پژوهشی و جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات گرفته تا تهیه گزارش و حتی به‌کارگیری نتایج در اقدامات مورد نظر، مشارکت می‌کنند. اساس این تعریف بر مسئله تقسیم کنترل فرایند پژوهش و عمل، بین محقق حرفه‌ای و عضو سازمان یا اجتماع مورد مطالعه قرار دارد.

در پژوهش عملی، هدف پژوهشگر حرفه‌ای کنترل فرایند تحقیق و خطوط اصلی اقدامات متعاقب آن است. البته با توجه به ضرورت جلب و حفظ تعهد و همکاری سازمان مربوط، این هدف در عمل لزوماً تعدیل می‌یابد، ولی به هر حال پژوهشگر همواره سعی می‌کند تا جایی که ممکن است کنترل بیشتری را اعمال نماید.

پژوهش مشارکتی روشی است که در آن پژوهشگر حرفه‌ای یک یا دو نفر از اعضای سازمان مورد مطالعه را به‌عنوان همکار فعال پژوهش در کار تحقیقی خود درگیر می‌سازد. ولی در اینجا قصد آشکاری در مورد اقدام بر اساس نتایج پژوهش وجود ندارد. به عبارت دیگر، پژوهشگر و اعضای شرکت‌کننده از سوی سازمان، هر دو با این امید دلخوش هستند که با انتشار گزارش تحقیق، نتایج آن سرانجام یک روز مورد استفاده کسی قرار خواهد گرفت، ولی چنین امید مبهمی کافی نیست تا یک پژوهش مشارکتی را به پژوهش عملی مشارکتی مبدل سازد.

بسیاری از مردم‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان از روش پژوهش مشارکتی استفاده کرده‌اند. کسانی که درگیر کار پژوهش میدانی

می‌شوند، به‌زودی درمی‌یابند که همه آنهایی که برای جمع‌آوری اطلاعات به آنها مراجعه می‌کنیم، یکسان خلق نشده‌اند. بعضی از آنها تنها می‌توانند نام، سمت و شماره مسلسل و داده‌های ابتدایی و آشکاری از این قبیل را در اختیار ما بگذارند، در حالی که در نقطه مقابل اینها، افرادی وجود دارند که نه تنها فرهنگ سازمان متبوع خود را عمیقاً جذب کرده‌اند، بلکه افراد و رویدادهای اطراف خود را نیز متفکرانه تحت نظر و مشاهده قرار می‌دهند. این گروه از اعضای یک سازمان می‌توانند علاوه بر تأمین اطلاعات مهم و اساسی، از طریق عرضه اندیشه‌های با ارزش و سازنده نیز به کار تحقیق و پژوهش کمک کنند. پژوهش عملی مشارکتی به لحاظ پیوندی که بین فرایند پژوهش و برنامه‌ریزی اقدامات بعدی برقرار می‌کند، از پژوهش مشارکتی متمایز می‌شود.

انواع رایج تحقیق کاربردی به‌مثابه کارشناس حرفه‌ای پروژه را طراحی کرده، اطلاعات را گرد می‌آورند، یافته‌ها تفسیر را می‌کنند و مسائل اجرایی را به سازمان‌های سفارش‌دهنده پیشنهاد می‌دهند. پژوهش عملی مشارکتی هم، مثل الگوی سنتی تحقیق ناب، الگوی نخبه‌اندیشانه‌ای از روابط تحقیق است. در پژوهش عملی مشارکتی بعضی از افراد سازمان تحت مطالعه در گردآوری اطلاعات و آرا به‌منظور هدایت عملیات آتی، مشارکت فعالانه‌ای دارند (فوت‌وایت، ۱۳۷۸: ۲۶). پژوهش عملی مشارکتی در واقع شکلی از پژوهش عملی است که اجراکننده آن، هم سوژه پژوهش است و هم کمک‌کننده به امر پژوهش. پژوهش عملی مشارکتی، مبتنی است بر گزاره کرت‌لویین که مدعی است: استنتاج‌های علی درباره رفتار آدمی احتمالاً زمانی معتبر و قابل اجراست که انسان مورد بررسی، خود در اجرای تحقیق و آزمودن نتایج مشارکت داشته



باشد. به همین جهت، هدف پژوهش عملی مشارکتی، خلق فضایی است که در آن مشارکت‌کنندگان اطلاعات معتبر را بدهند و بگیرند، حق انتخاب آزادانه و آگاهانه داشته باشند و نسبت به نتایج بررسی انجام شده احساس تعهد درونی کنند. در فرایند پژوهش مشارکتی، بیش از توجه به تصمیمات یا روش‌های خاص مورد استفاده، نحوه اتخاذ تصمیمات مهم است. در این پژوهش هیچ روش خاصی کنار گذاشته نمی‌شود و یا بهتر از روش‌های دیگر تلقی نمی‌شود. مناسب بودن یک روش به چهارچوب کار بستگی دارد. در پژوهش مشارکتی همه تصمیم‌گیرندگان سهیم هستند (همان: ۱۰۷).

## ۲- ویژگی‌های پژوهش عملی مشارکتی

پژوهش مشارکتی در مقایسه با سایر انواع پژوهش دارای محسنات متعددی می‌باشد:

تأکید بر دخالت سهامداران و تصمیم‌گیرندگان در ایجاد فرایند پژوهش و نتایج آن.

زمانی که افراد در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دارند با احساس بهتری همکاری می‌کنند که این امر امکان استفاده از نتایج را به شیوه‌های مختلف و در سطوح گوناگون افزایش می‌دهد.

شرکت‌کنندگان را در درک و استفاده از فرایند پژوهش برای حل مسائل در زمینه‌های مختلف توانمند می‌سازد.

این پژوهش با در هم آمیختن دیدگاه‌ها، اطلاعات، آگاهی‌ها و نظریات متفاوت، به تقویت موقعیت مطالعه می‌انجامد.

معایب پژوهش مشارکتی را نیز می‌توان به قرار زیر دانست:

هیچگاه نمی‌توان یک کتاب راهنما برای روش مشارکتی در نظر گرفت. موفقیت در پژوهش، به پژوهشگران و توان آنها در انتخاب و انطباق استراتژی و به‌کارگیری روش‌های مناسب با موقعیت بستگی دارد. در ابتدا زمان زیادی صرف می‌شود تا نقش‌های افراد در فرایند پژوهش مشخص شود.

منافع متضاد، نظام‌های ارزشی و داده‌های مورد نیاز ممکن است به سختی بتواند رضایت همه را جلب کند.

این نوع پژوهش به پژوهشگری با ویژگی‌های خاص نیاز دارد و در کنار تخصص، پژوهشگر باید مهارت‌های زیادی در ارتباطات فردی داشته باشد

درک و آگاهی از روش‌های پژوهش مشارکتی ممکن است از طرف افرادی که در کار دخالت ندارند، مشکل باشد، بنابراین خطر روایی پژوهش وجود دارد (فرشادگوهر و بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۵)

### ۲- نقش‌ها و ویژگی‌های پژوهشگر مشارکتی

تفاوت‌های بسیاری بین نقش پژوهشگر متعارف علوم اجتماعی و پژوهشگر مشارکتی وجود دارد.

۱- نوآوری پژوهشگر: پژوهشگر مشارکتی در جستجوی راه‌حل‌های مؤثر و خلاق برای حل مشکلات است. برای چنین کاری نیاز به ابتکار، سازش، اقتباس، نسخه‌برداری و نیز تفسیر انواع مختلف از شیوه‌های پژوهش می‌باشد.

۲- ابزار پژوهش انسانی: در هر یک از موقعیت‌ها، پژوهشگر به ابزاری برای انجام مشاهدات و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیاز دارد. بنابراین روایی نتایج به اعتبار، موقعیت پژوهشگر و نیز مقبولیت وی بستگی دارد.

۳- تسهیل‌کننده: پژوهشگر مشارکتی مسئولیت تسهیل کار در کلیه مراحل فرایند پژوهش را به عهده دارد. تجربیات نشان می‌دهد که سهمین شدن استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری از پژوهشگران مشارکتی باید توانایی لازم را برای برقراری و هماهنگی چنین بحث‌های گروهی و ایجاد فضای مناسب برای ارائه نقطه نظرات، انتقادات و نیز جلوگیری از بروز تضادها داشته باشد.

۴- مربی: اگر پژوهش را مجموعه‌ای از مسائل در نظر بگیریم و پژوهشگر را یک تحلیل‌گر، در این حالت پژوهشگر مشارکتی باید با توجه به سؤالات پژوهش و شیوه‌های مختلف ارائه اطلاعات، همواره در این کار نقش مربی را ایفا کند.

۵- مؤثر بودن: اصولاً پژوهشگران مشارکتی با توجه به موضوع، در ایجاد اطمینان در استفاده از نتایج و افزایش احتمال پیگیری فعالیت‌ها، نقش‌های مهمی را ایفا می‌کنند. هر پژوهشگر مشارکتی باید مسئولیت خود را در پیگیری و ترغیب استفاده‌کنندگان از یافته‌های پژوهش مشخص کند. پژوهشگر مشارکتی باید در مورد ابهامات و فقدان ساختارها، بردباری بسیار داشته باشد. شخصیت‌های اقتدارگرا نمی‌توانند نامزدهای خوبی برای رویکرد پژوهش مشارکتی باشند، زیرا هیچ دو وضعیت مشابهی وجود ندارد. پژوهشگران مشارکتی باید قدرت شناخت، خطرپذیری و شهامت در قبول نقطه نظرات انتقادی را داشته باشند (همان: ۳۰)

۶- تدوین طرح و برنامه: پژوهش‌نیازمند اطلاعات جزئی‌تری است که معمولاً از مطالعات انجام شده برای رسیدن به هدف پروژه کسب می‌شود. پژوهش مشارکتی می‌تواند برای کمک به تدوین و پیشبرد برنامه انجام

بگیرد. این پژوهش همچنین به طراحی اجزای خاص برنامه کمک می‌کند.

۷- کنترل پروژه: کنترل سبب اصلاح در فرایند کار و برنامه می‌شود. با مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در کنترل فعالیت‌ها، اطلاعات و مشاهدات بسیاری به دست می‌آید که ممکن است خارج از این چهارچوب امکان دسترسی به آن ممکن نباشد. بنابراین در رویکرد مشارکتی اعضای جامعه فعالانه در سراسر برنامه امکان کنترل دارند.

۸- ارزیابی عملکرد: ارزیابی در مشخص کردن فعالیت‌های بعدی و اندازه‌گیری تأثیر اجرای پروژه‌ها حائز اهمیت است. ارزیابی می‌تواند در هر نقطه بعد از شروع برنامه انجام گیرد.

۹- ارتباط بین اهداف و نتایج: میان هدف مطالعه، اطلاعات مورد نیاز و نتایجی که به دست می‌آید، ارتباطی اساسی وجود دارد. بیان هدف کلی از پژوهش از طریق پاسخ به مجموعه پرسش‌هایی انجام می‌شود که ممکن است به روشن شدن هدف و قلمرو کار کمک کنند.

۱۰- مرور مجدد مطالعه: بعد از اینکه فهرستی از پرسش‌ها تهیه شد، به‌منظور مشخص کردن هدف کار، می‌توانیم مطالعه را مجدداً مرور کنیم تا بر اساس آن نتایج، به اهداف دست بیابیم. به دیگر سخن، به‌جای تمرکز بر هدف، بهتر خواهد بود که تمرکز بیشتری بر نتایج پایانی تحقیق داشته باشیم. می‌توان پرسش‌هایی را که برای هدف اصلی مطالعه ضروری نیستند، حذف کرد.

۱۱- چگونگی استفاده از نتایج: اینکه چه کسی از نتایج استفاده می‌کند و در چه سطحی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌تواند در مشخص کردن این مطلب که پرسش‌ها و جزئیات آن چه باشند، کمک کند. آیا

پژوهش برای برنامه ریزی، امکان سنجی، ارزیابی یا آموزش استفاده خواهد شد؟

۱۲- محدوده و حوزه مطالعه: به محض اینکه هدف و نتایج و نیز استفاده مورد نظر از نتایج مشخص شد، باید محدوده و حوزه مطالعه مشخص شود. مطالعه بیش از حد سبب جمع شدن انبوهی از اطلاعات می شود که بعضی مهم، جالب و یا بی ارتباط با پروژه مورد بررسی هستند. جهت جلوگیری از صرف بیهوده زمان و منابع باید چهارچوب کار مشخص باشد.

۱۳- اولویت بندی اطلاعات مورد نیاز: رعایت اولویت اطلاعات مورد نیاز لازم است. پرسش های ساده ممکن است اولویت ها را مشخص کنند از جمله اینکه پرسیده شود: باید چه چیز را در پایان مطالعه دانست و چه چیزهایی می تواند به زمان دیگری موکول شود؟ (همان: ۴۹).

#### **۴- مراحل پژوهش مشارکتی**

##### **۴-۱- درخواست اطلاعات**

پژوهش مشارکتی معمولاً با یک درخواست از سوی جامعه یا یک سازمان یا مدیریت پروژه آغاز می شود. این نوع پژوهش معمولاً توسط کارمندان پروژه که با مدیریت پروژه ارتباط نزدیک دارند، یا توسط افرادی که برای تسهیل مطالعه به کار گرفته شده اند، هدایت می شود. اگر هیچ درخواستی وجود نداشته باشد، پژوهشگر می تواند با استفاده از فنون گوناگون مراحل مطالعه را تعیین کند تا از این طریق تفکر درباره جامعه و سازمان ها و نحوه برخورد با آن را برانگیزد (همان: ۵۶).

#### ۲-۴- سوالات پژوهش

آغاز یک مطالعه با سوالات زیاد بدون پاسخ از اتمام یک مطالعه با پاسخ‌های فراوان بدون سؤال بهتر است. اولویت پژوهش باید از طریق بحث‌ها مشخص و تعیین شود. این امر می‌تواند از راه‌های گوناگونی انجام گیرد. برای مثال، می‌توان فهرستی از مسائل مردم را تهیه و از طریق رأی‌گیری از مردم آنها را طبقه‌بندی کرد و یا در بحث‌های گروهی کوچک مردم می‌توانند آنچه می‌دانند و آنچه به درک آن نیاز دارند را به تصویر بکشند.

#### ۳-۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرایند سازمان دهی برای تشریح مساعی جهت گردآوری داده‌ها بین مصرف‌کنندگان ارتباط خاصی برقرار می‌کند و موجب از بین رفتن بسیاری از مشکلات می‌شود که پژوهشگران با آن مواجه هستند. زمانی که مردم با سؤالاتی از قبیل چه مواردی از تصمیم‌گیری را باید در نظر داشت؟ و یا با چه فردی باید مصاحبه شود؟ احتمال بروز اشتباه در انتخاب‌ها بیشتر خواهد بود. بدیهی است درک و شناخت درست از رفتار و عملکرد افراد نتیجه ارائه و تفسیر مطلوب است و برای تأیید مطلوبیت ارائه فرد باید با آنچه موجب شناخت درست شده است، موافق باشد. پژوهشگران مشارکتی مالکان انحصاری تجزیه و تحلیل داده‌ها نیستند، بلکه با همکاری دیگران حالات دیگر تجزیه و تحلیل نیز مشخص می‌شود. این فرایند نه تنها احتمال اشتباه در کار را از بین می‌برد، بلکه برای یافته‌ها ایجاد جهت و اعتبار می‌کند. (همان: ۶۰).

## ۵- ابزار پژوهش مشارکتی

در مورد تصمیم‌گیری برای انتخاب روش مطالعه مورد استفاده، نقطه شروع منطقی این است که نوع اطلاعات مورد نیاز را تعریف کنیم و سپس فنون گردآوری داده‌ها را که برای گردآوری آن اطلاعات خاص مناسب‌تر است، انتخاب نماییم. در اغلب مواقع، مفید آن است که هم اطلاعات کمی و هم اطلاعات کیفی به دست آید. استفاده از تکنیک‌های مرکب معمولاً مناسب‌تر از تکیه بر یک روش منفرد جمع‌آوری اطلاعات است. سؤال اساسی در انتخاب فنون اساسی این است که آیا اطلاعاتی که ما در پی آن هستیم حساس هستند؟ استفاده از روش‌های غیرمستقیم برای گردآوری اطلاعات حساس و استفاده از روش‌های غیرمستقیم برای گردآوری اطلاعات غیر حساس مفید است.

### ۱-۵- کارگاه‌های آموزشی و بحث‌های گروهی

با استفاده از این شیوه می‌توان اطلاعات با ارزشی در هر مرحله از چرخه برنامه‌ریزی ارائه داد. در یکی از کشورها، مدیران رده بالای یک وزارتخانه را برای مطالعه در یک کارگاه آموزشی گرد هم آوردند که هدف آن، شناسایی و جمع‌آوری نظریات و شاخص‌های مورد توجه طراحان، استخراج اطلاعات موجود، شناسایی منابع قابل دسترسی بخش‌های مختلف و بحث درباره روش‌های مورد پژوهش بود. در کشوری دیگر کارگاه، آموزشی جهت مشخص کردن مسائل و آموزش‌های مورد نیاز حفاران و تهیه طرح آموزش، برای تیم‌های حفاری تشکیل شد که در آن حفاران با تجربه و کارآموزان در یک روز گرد هم آمدند. اهمیت نقش رهبر یا هدایت‌کننده در بحث‌های گروهی حیاتی است و زمانی که تعداد

## ۱۲۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

زیادی از افراد حضور داشته باشند، بیش از یک هدایت‌کننده لازم است. احترام متقابل، فراسنجه‌ای است که اغلب مانع از صحبت افراد می‌شود. این احساس باعث می‌شود در افراد این احساس به وجود آید که به‌درستی صحبت نمی‌کنند و مورد خنده یا استهزای دیگران قرار می‌گیرند. که می‌توان با رفتاری گرم و تأکید بر همکاری و وجود دیدگاه‌هایی متفاوت و مثبت این حالت را از بین برد.

ترکیب جنسیت اعضای یک گروه می‌تواند بر اساس زمینه‌های فرهنگی و هدف جلسات بسیار مهم باشد. یک رهبر مؤنث می‌تواند در گروهی که اکثراً از زنان تشکیل شده‌اند، بسیار مؤثر باشد. در رابطه با موضوع مورد نظر هر عنوانی الزاماً با برگزاری کارگاه و یا برپا کردن بحث‌های گروهی نمی‌تواند قابل درک باشد. عنوان‌هایی که فوق‌العاده جدال برانگیز و یا محرمانه هستند، برای کارگاه‌های آموزشی مناسب نیستند.

### ۲-۵- روش‌های نیمه فراقکن

این‌گونه روش‌ها را می‌توان به‌عنوان ابزاری برای کمک به درک افراد یا گروه‌های دیگر به کار گرفت. این روش‌ها معمولاً توسط پژوهشگرانی که در زمینه روان‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم اجتماعی فعالیت دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. پژوهش توسعه کاربردی روش‌های نیمه فراقکن، توسط دست‌اندرکاران پژوهش مشارکتی به کار گرفته می‌شود. روش‌های نیمه فراقکن، برای مشارکت‌کنندگان انگیزه‌ای را ایجاد می‌کند که نظرات تصورات و ادراکات خود را ابراز کنند. در سال‌های اخیر انواع بازی‌ها، شبیه‌سازی‌ها و فعالیت‌های دیگر برای انطباق با موقعیت‌های



مختلف به کار گرفته شده است. اینها شامل نمایش عروسکی، ایفای نقش‌ها، داستان، تکمیل تصویر جملات، فعالیت‌های همراه با رأی‌گیری، ساخت تصویر و پوستر هستند.

به‌عنوان مثال در پژوهش‌های شنیداری، پژوهشگران با گوش دادن به گفتگوی مردم و نحوه صحبت آنها در مورد کارهای روزانه خویش، مسائل مورد توجه را شناسایی می‌کنند. این امر مستلزم گوش دادن به گفتگوی زنان در زمانی بود که مشغول کاری بوده یا در مکان‌های عمومی حضور داشتند. همچنین مستلزم گوش دادن به گفتگوی مردان در قهوه‌خانه‌ها یا محل برگزاری جلسات مختلف است. به علاوه می‌توان به مسائل مورد توجه کارکنان و مدیران سازمان‌ها گوش داد. پژوهش شنیداری می‌تواند با افراد بیگانه یا داخلی انجام گیرد. افراد بیگانه باید حتی‌المقدور به‌طور طبیعی در جریان زندگی مردم باشند. اگر پژوهش شنیداری توسط مردم در جامعه مورد نظر انجام گیرد، احتمال اختلال کمتر است. یافته‌های پژوهش شنیداری باید به جامعه مورد نظر معرفی شده و توسط آن جامعه مورد بحث و گفتگو قرار گیرد.

همچنین با ابزار تصاویر و نقاشی‌ها، عکس‌ها را می‌توان به گروهی از مردم یا به افراد مستقل نشان داد تا آنها در مورد زندگی اجتماعی پاسخ‌هایی را ارائه دهند. همچنین می‌توان از گروه‌ها و افراد مستقلاً درخواست کرد که مواردی را که امکان تحلیل آن از جانب خودشان یا پژوهشگران وجود دارد، به تصویر بکشند. نقاشی کردن تنش‌ها را از بین می‌برد، مردم را سرگرم می‌کند و علایق آنها را آشکار می‌سازد. در پژوهش مدل‌ها و تصاویر توسط جامعه‌شناسان به‌عنوان انگیزه ساختار یافته مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مسئله مهم است که افراد درک یا

احساس خود را در ارتباط با مشاهده یا عدم مشاهده تصاویر ابراز دارند. چنانچه تصویر، از ساختاری سازمان‌نیافته برخوردار نباشد، به مهارت بیشتری برای تفسیر نیاز دارد. از تصاویر می‌توان برای استخراج اطلاعات، آگاهی و طرق مشخص کردن طبقه‌بندی مفاهیم و موقعیت‌های آنها استفاده کرد. آنها می‌توانند کوچک یا بزرگ باشند، رنگی یا سیاه و سفید باشند، نقاشی یا عکس باشند، ویدئویی، اسلاید یا فیلم باشند. درک خود تصویر بخشی از وظیفه پژوهش است. زمانی که از تصویر مناسب با یک فرهنگ برای فرهنگ دیگری استفاده می‌شود، اشتباهات زیادی رخ می‌دهد، برای مثال در تیمور غربی تصویر یک پزشک مسلمان با یک عرقچین و محاسن بلند به‌عنوان شیطان معرفی شد. از طرفی تجربه نشان می‌دهد که زمینه شلوغ یا جزئیات بی‌ربط در یک تصویر، مانع از تمرکز بر روی تصویر یا مفهوم اصلی می‌شود. عکس‌ها برای شروع بحث، انگیزه بسیار مؤثری هستند، زیرا محیط شناخته شده مردم را بازگو می‌کنند. آنها توجه مردم را جلب و به حافظه کمک می‌کنند و دیدگاه‌های تازه‌ای را به وجود می‌آورند. به‌عنوان مثال، می‌توان یک عکس را به‌عنوان شاهدهی برای موقعیت‌های قبل و بعد از تغییر مورد استفاده قرار داد. از این رو یک عکس می‌تواند عامل با ارزشی در یادآوری و شناخت موقعیت قبلی محسوب می‌شود، البته در صورتی که داده‌هایی در مورد وضعیت تغییر یافته وجود نداشته باشد.

## ۶- اعتبار و پایایی پژوهش مشارکتی

در روش پژوهش مشارکتی نمی‌توان تعریف مطلق از مطالعه کامل یا بهترین روش داشت. آنچه پژوهشگران دقت خود را معطوف به آن

## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۲۳

می‌سازند، ارائه نتایج مناسب، مشخص کردن و استفاده از روش مناسب برای یک موقعیت و زمینه خاص است. بهترین مطالعات مشارکتی آنهایی هستند که به دلیل بیان نیازهای استفاده‌کنندگان در یک زمینه خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند و اطلاعات پایا و معتبری را ارائه می‌دهند. مهم‌ترین معیار برای طراحی یک مطالعه مشارکتی و انتخاب روش‌های به‌کار گرفته شده روایی، پایایی، ارتباطات و عملکرد مطلوب است. بررسی طرح و روش‌های مورد استفاده باید از نظر استفاده‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان معتبر باشد و نتایجی که باوری بر آنها جود ندارد، نباید مورد استفاده قرار گیرند. تصمیم‌گیرندگان به هم شبیه نیستند. برخی با مسئله عمیق برخورد می‌کنند. بعضی‌ها توضیحات بزرگنمایی شده را دوست دارند. بعضی‌ها به بیان آماری، هر قدر ناچیز، اهمیت می‌دهند، بعضی دیگر توجه زیادی نیز به محاسبات گسترده آماری و کامپیوتری دارند. روایی طرح و روش‌ها، از طریق مشارکت استفاده‌کنندگان با مسئله و ارزش‌گذاری روایی و روش‌های مختلف صورت می‌گیرد. ارائه هرگونه اطلاعات جدید جمع‌آوری شده باید با دقت انجام گیرد تا مشخص شود که چه میزان از اطلاعات مستقیماً به حل مسئله ارتباط دارد. زمانی که استفاده‌کنندگان خود در جمع‌آوری اطلاعات دخالت دارند، اطلاعات نسبت به زمانی که توسط دیگران جمع‌آوری می‌شود، روایی بیشتری دارد.

اعتماد به پژوهش از اعتماد به پژوهشگر ناشی می‌شود. اگر تصمیم‌گیرندگان سازمان، مدیران یا افراد جامعه به پژوهشگر اعتماد نداشته باشند، آنها تمایلی برای پذیرش قضاوت و یا صلاحیت فنی او از خود نشان نمی‌دهند. شخصیت فردی، نگرش انعطاف‌پذیر، ذهنیت باز و

صبر و تحمل به هنگام خشم و اضطراب، از مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهشگری است که می‌خواهد قابل اعتماد تلقی شود. زمانی که پژوهشگران مشارکتی در مورد محدودیت‌ها و روایی‌های یافته‌هایشان صادق هستند، قابلیت اعتماد افزایش می‌یابد و باعث ایجاد رابطه‌ای دوجانبه با مدیران خواهد شد.

## ۷- نتیجه‌گیری

موفقیت طرح‌هایی که به‌منظور ایجاد تحول در سازمان‌ها اجرا می‌شوند، در گرو برقراری رابطه سالم و مؤثر بین عوامل اجتماعی و عوامل فنی است. به دیگر سخن، در این میدان باید به‌صورت اجتماعی-فنی، فکر و عمل کرد. حال سؤال این است که رفتارشناسان و مورخان چگونه باید با این عوامل فنی روبه‌رو شوند؟ روش برخورد متداول این است که نخست خود را در جهت درک ابتدایی موضوع، آموزش داد و سپس به راهنمایی کارشناسان فنی پرداخت.

استراتژی پژوهش عملی مشارکتی به تحول در استراتژی‌ها و یافته‌های پژوهشی منتهی می‌شود. وقتی ما در جامعه‌شناسی از استراتژی پژوهشی متداول پیروی می‌کنیم، خود را در یک بازی حدس و گمان درگیر می‌سازیم که در آن با ساختن و طراحی فرضیه‌ها نسبت به نتایجی که قرار است از پژوهش حاصل شود، پیش‌بینی‌هایی به عمل می‌آید. با اتخاذ روش پژوهش عملی مشارکتی، به جای انجام آزمایش جهت کشف اینکه آنچه را حدس می‌زنیم قبلاً می‌دانسته‌ایم، خود را در معرض شگفتی‌های خلاقانه قرار می‌دهیم که برای مسائلی که اساساً از تشخیص آنها عاجز بوده‌ایم، پاسخ‌های مهمی به دست می‌دهند. بنابراین الگوی

#### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۲۵

تحقیق عملی مشارکتی، به‌عنوان راه‌حلی است که در آن بر مشارکت مردم و «تحقیق از طریق مردم» به جای «تحقیق برای مردم» تأکید شده است. این روش در واقع به دنبال بحث طراحی اجتماع یا معماری اجتماعی مطرح است. در این الگو، مردمی که به‌عنوان استفاده‌کننده از محیط، درگیر مسائل مرتبط با آن هستند و می‌توانند به خلق راه‌حل بپردازند، در تمامی مراحل تحقیق، با متخصصان رشته‌های مختلف علوم همگام می‌شوند. تحقیق عملی مشارکتی به‌عنوان الگویی جدید برای استفاده مؤثر از دانشی پیشنهاد می‌شود که توسط اجتماع از طریق تلفیق طراحی، برنامه‌ریزی تحقیق و مشارکت خلق می‌شود. این الگو حاصل رشد رهیافت‌های تحقیق سنتی است که قادر به پرداختن به اهداف، ارزش‌ها و حل مسئله نیستند.

۱۲۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

### فهرست منابع

۱. فرشادگهر، ناصر و محمد تقی ضیایی بیگدلی، پژوهش مشارکتی، تهران: پژوهشکده اقتصادی، ۱۳۸۰.
۲. فوت وایت، ویلیام، پژوهش عملی مشارکتی، ترجمه محمدعلی رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.

## مقدمه‌ای بر پژوهش کیفی

\* دکتر اسماعیل کاوسی

\* \* ماه‌منیر بیاناتی

### مقدمه

پیش از این پژوهشگران تمایل فراوانی جهت به‌کارگیری روش‌های کمی در پژوهش‌های اجتماعی و تبیین و تفسیر نتایج حاصل بر اساس نظریه‌های موجود داشتند. این رویکرد، موج اول روش‌شناسی و سرآغازی برای تکامل روش‌شناختی علوم اجتماعی، به معنی فراگیر آن بود. سال‌ها به طول انجامید تا پژوهشگران دریافتند، روش‌های کمی برای بررسی تمام ابعاد یک پدیده اجتماعی مناسب نیست. بنابراین، در پاسخ به نارسایی‌های روش‌شناسی کمی در شناخت واقعیت‌های اجتماعی، موج دوم روش‌شناسی پدید آمد، در موج دوم، پژوهشگران با به‌کارگیری روش‌های تحقیق کیفی، توجه خود را از لایه‌های بیرونی واقعیت

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قیام‌دشت.

\* \* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

اجتماعی به لایه‌های درونی‌تر منعطف کردند. بر این اساس، دانش اجتماعی نیز انعطاف‌پذیری بیشتری یافت. روش‌شناسی کیفی ابزارهای لازم را برای توجه به معنا، قدرت و تعامل در حیات اجتماعی فراهم می‌سازد و قدرت عاملیت بیشتری به سوژه‌های مورد مطالعه در تحقیقات می‌بخشد.

طرح مسائل و موضوعات متفاوت و جدیدی که به واسطه تحولات اجتماعی و فرهنگی در حال وقوع است، نیازمند انعطاف‌پذیری و تنوع بیشتری در روش‌شناسی علوم انسانی و اجتماعی است. یکی از مشکلات علوم انسانی در دوره معاصر، اتکای بیش از حد به روش‌های تجربی و دوری از تفکر است، تفکری که بتواند هم لایه‌های سطحی موضوعات را ببیند و هم به اعماق لایه‌های زیرین نفوذ کند. پژوهش، فعالیتی نظام‌دار و علمی پیرامون یک موضوع، همراه با بررسی جوانب مختلف آن است. بنابر تعریفی دیگر، پژوهش، فرایند تولید دانش است. پژوهشگر با ابزارها و روش‌های گوناگون، اطلاعات را فراهم و سپس آنها را پردازش و تحلیل می‌کند. یکی از موانع اساسی موفقیت پژوهشگر، به‌خصوص در زمان انتخاب بحث و تقدیم طرح‌های پژوهشی، ناکامی در گزینش اطلاعات و فقدان آگاهی لازم نسبت به شیوه‌های روشمند تحقیق است.

سطوح و ابعاد مختلف واقعیت اجتماعی، ماهیتی درهم‌تنیده دارند که مبنای نقشه‌های (طرح‌های) تحقیقاتی را باید شکل دهند. افراد، وضعیت و بلافصلی که در آن قرار گرفته‌اند و فهم فرایندی آنها از این وضعیت، از جلوه‌هایی است که به‌عنوان سهم پژوهش کیفی می‌تواند در کنار توجه به متن، شرایط کلی کنش و ضرورت‌های کلان اجتماعی (چون طبقه و جنسیت) چهارچوب مناسب‌تری را برای پژوهش در علوم انسانی و



اجتماعی به ارمغان آورد. با توجه به ضرورت شناخت و انجام پژوهش به روش کیفی در این مجال، به تعریف روش تحقیق کیفی، تفاوت کیفی و کمی، اجزای پژوهش کیفی و مواردی که در طرح پژوهش کیفی مطرح می‌شوند، پرداخته شده است.

### ۱- تعریف روش تحقیق کیفی

تحقیق کیفی عبارت است از: مجموعه فعالیت‌هایی (چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) که هرکدام به‌نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول، دربارهٔ موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب، تحقیق کیفی از اطلاعات جمع‌آوری شده و توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. در این روش دسترسی به اطلاعات به معنای زندگی کردن با مردم مورد پژوهش، یادگیری فرهنگ آنها، از جمله مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری، زبان آنان و تلاش برای درک احساس، انگیزش و هیجان‌های آنها می‌باشد. در روش تحقیق کیفی، محقق رفتار اجتماعی را به این دلیل درک می‌کند که خود را به‌جای دیگران قرار می‌دهد (دلور، ۱۳۸۵: ۲۵۹).

آنسلم استراس می‌گوید: «منظور ما از تحقیق کیفی عبارت از هر نوع تحقیقی است که یافته‌هایی را به دست می‌دهند که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب نشده‌اند. شیوه مذکور ممکن است به تحقیق دربارهٔ زندگی افراد، شرح حال‌ها، رفتارها و همچنین دربارهٔ کارکرد سازمانی، جنبش‌های اجتماعی یا روابط بین‌الملل معطوف باشد» (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷).

## ۲- تفاوت پژوهش کیفی و کمی

به پژوهش کمی،<sup>۱</sup> روش اثبات‌گر<sup>۲</sup> و به پژوهش کیفی، پسا اثبات‌گر<sup>۳</sup> گفته می‌شود. پژوهش اثبات‌گرا، ریشه در این فرض دارد که جلوه‌های محیط اجتماعی، واقعیتی مستقل را تشکیل می‌دهند و طی زمان و موقعیت‌ها، نسبتاً ثابت هستند. منظور از استقلال پدیده، این است که واقعیت، نزد پژوهشگر اثبات‌گرا عینی تلقی شده و جدا از پژوهشگر وجود دارد و توسط همگان دیده می‌شود. به دیگر سخن، واقعیت اجتماعی وجود خارجی دارد و توسط مشاهده‌گران ساخته نمی‌شود. برخلاف پژوهش‌های کیفی (پسا اثبات‌گرا) که در آن واقعیت اجتماعی به وسیله مشارکت‌کنندگان در آن ساخته می‌شود، فرض بر این است که واقعیت اجتماعی، به‌طور پیوسته و مداوم در موقعیت‌های محلی ساخته می‌شود. به عبارت دیگر، برای پژوهشگر کیفی واقعیت یگانه‌ای وجود ندارد، هر ناظر و مشاهده‌گری واقعیت را به‌صورت بخشی از فرایند پژوهشی خلق می‌کند. واقعیت، مبتنی بر ذهن است و تنها با ارجاع به یک ناظر موجودیت می‌یابد. پژوهشگر کمی عینیت را وجهه همت خود قرار می‌دهد و از داده‌ها جدا می‌ایستد، ولی پژوهشگر کیفی خود را بخشی ناگسستنی از داده‌ها می‌داند و در حقیقت بدون مشارکت فعال پژوهشگر، داده‌ای وجود ندارد.

پژوهشگر اثبات‌گرا، دانش را از طریق گردآوری داده‌های عددی و مشاهده نمونه‌ها و سپس عرضه این داده‌ها به تحلیل عددی فراهم

- 
1. Quantitative research
  2. Positivism
  3. Post positivism

می‌کند. در مقابل، پژوهش پسا اثبات‌گرا، ریشه در این فرض دارد که جلوه‌های محیط اجتماعی به‌عنوان تفسیرهایی به‌وسیلهٔ افراد ساخته می‌شود. این تفسیرها شکل گذرا و وابسته به موقعیت دارند. پژوهشگران پسا اثبات‌گرا، دانش را از درجهٔ اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی با مطالعهٔ جدی و عمقی<sup>۱</sup> موارد و عرضه این داده‌ها به استقرای تحلیلی فراهم می‌آورند (گال، ۱۳۸۲: ۵۹).

پژوهشگران کیفی بر نوعی تفسیر کل‌نگر تأکید می‌کنند. آنان واقعیت‌ها و ارزش‌ها را به‌صورتی غیر قابل تفکیک و آمیخته با یکدیگر در نظر می‌گیرند. از طرف دیگر پژوهشگران کمی به‌جای توجه بر تفسیرهای کل‌نگر، بر عوامل و متغیرهای فردی تأکید دارند. پژوهشگر کمی بر این باور است که واقعیت را می‌توان به مؤلفه‌هایش تقسیم کرد و با نگاه به این اجزا، شناختی از کل به دست آورد. در مقابل پژوهشگر کیفی بر اساس این باور که واقعیت، کلیتی است غیر قابل تقسیم، به بررسی کل فرایند می‌پردازد. اصطلاح دیگری که گاه به‌جای پژوهش کیفی به‌کار می‌رود، پژوهش مطالعهٔ موردی<sup>۲</sup> است. این اصطلاح بر این واقعیت تأکید می‌ورزد که پژوهش کیفی، متمرکز بر مطالعهٔ موارد است، نه جامعه‌ها و نمونه‌ها. البته پژوهش‌های کیفی و کمی می‌توانند از طریق کشف (توسط پژوهش‌های کیفی) و تأیید (توسط پژوهش‌های کمی) همدیگر را کامل کنند. با وجود همه تفاوت‌ها، بسیاری از پژوهشگران، ترکیبی از رویکردهای کمی و کیفی را برای فهم کامل پدیده مورد بررسی خود به کار می‌برند (خوی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

---

1. Intensive  
2. Case study

### ۳- اجزای عمده تحقیق کیفی

در تحقیق کیفی سه بخش عمده وجود دارد: بخش اول، داده‌های پژوهش است. داده‌ها می‌توانند از منابع مختلف گردآوری شده باشند. مصاحبه، مشاهده و مشارکت، معمول‌ترین منابع هستند. بخش دوم شامل روش‌های تحلیلی و تعبیر و تفسیری است که برای رسیدن به یافته‌ها یا نظریه‌ها به کار می‌رود. این روش‌ها شامل شیوه‌های مفهوم‌پردازی از داده‌هاست که به کدگذاری<sup>۱</sup> موسوم است. شیوه‌های دیگری مثل نمونه‌گیری غیرآماري، یادداشت‌برداری و نمایش روابط مفهومی، به صورت دیاگرام نیز بخشی از مرحله تحلیلی هستند. بخش سوم، عبارت است از گزارش‌های نوشته‌شده و شفاهی و ارائه آنها در مجله‌ها و کنفرانس‌های علمی.

### ۴- انواع تحقیق کیفی

دسته‌بندی مورد توافقی از تحقیقات کیفی وجود ندارد. استراس و جولیت کوربین شیوه‌های تحقیق کیفی را شامل موارد زیر می‌دانند (استراس و کوربین، پیشین: ۲۰):

۱- نظریه‌مبنایی: آنچه به‌طور استقرایی<sup>۲</sup>؛ (از جزء به کل) از مطالعه پدیده‌ای به دست آید و نمایانگر آن پدیده باشد. به عبارت دیگر، باید آن را کشف و کامل کرد و به‌طور آزمایشی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشئت گرفته است، اثبات

- 
1. Coding
  2. Grounded theory
  3. Induction

کرد.

۲- مردم‌نگاری یا قوم‌نگاری:<sup>۱</sup> پژوهش قوم‌نگاری معمولاً با انسان‌شناسی همبسته است. قوم‌نگاری، توصیفی عمیق و تحلیلی از موقعیت فرهنگی و در معنای وسیع از فرهنگ است. پژوهش قوم‌نگاری بر مشاهده، توصیف و داوری‌های کیفی یا تفسیر پدیده‌های مورد بررسی تأکید بسیار دارد (بازرگان، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

۳- پدیدارشناختی:<sup>۲</sup> استفاده از پدیدارشناسی، به‌منظور پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات می‌باشد. به‌عبارت دیگر، شناخت نسبت به پدیدارهایی است که بی‌واسطه در تجربه ما ظاهر می‌شوند (ورنو، ۱۳۷۲: ۱۱).

۴- وقایع زندگی یا تحقیق زندگی‌نامه‌ای:<sup>۳</sup> در این نوع تحقیق، مطالعه بر یک فرد متمرکز می‌شود و از طریق روایت زندگی او به‌صورت حکایت‌گونه، رویدادهای زندگی فردی در چهارچوبی وسیع‌تر نمایان می‌شود، سپس با ارتباط دادن این رویدادها، به‌عنوان نقطه‌های عطف و اطلاعات گردآوری شده مورد تفسیر قرار می‌گیرند. از پژوهش زندگی‌نامه‌ای به‌عنوان تاریخ شفاهی<sup>۴</sup> نیز یاد می‌شود (بازرگان، پیشین: ۴۶).

۵- تحلیل گفتمان:<sup>۵</sup> در این نوع تحلیل، داده‌ها در اصل به‌صورت گفتار تولید می‌شوند؛ ولی بعداً آنها را به‌منظور تحقیق با دقت و وسواس

- 
1. Ethnography
  2. Phenomenology
  3. Biographical
  4. Oral history
  5. Discourse analysis

فراوان و با استفاده از علائمی که تأکیده‌ها، مکث‌ها، خنده‌ها و سایر ظرایف غیرکلامی را هم بر کاغذ بیاورد، به نوشتار تبدیل می‌کنند. موضوع این دسته از مطالعات به یک معنا، «پیام» است. تحلیل گفتمان عمدتاً در علوم سیاسی ریشه دارد، ولی در شاخه‌های مختلفی از علوم دیگر، مانند زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نیز کاربرد دارد (رفیعی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

۶- تأویل‌شناسی یا هرمنوتیک<sup>۱</sup>: روشی است که فهم متون و چگونگی ادراک و فهم و روند آن را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر هرمنوتیک، هنر دستیابی به فهم کامل و تام عبارتهای گفتاری و نوشتاری است (نیچه و دیگران، ۱۳۸۱: ۹).

۷- کردارشناسی<sup>۲</sup>: این نظریه که از مطالعه رفتار حیوانات در محیط‌های طبیعی به دست آمده، بیان می‌کند که نوزاد انسانی به‌طور ژنتیکی آماده است تا به افرادی که از او مراقبت می‌کنند، دلبسته شود. این دلبستگی از لحاظ تکاملی دارای ارزش است؛ زیرا سبب سازش با محیط می‌شود. به عقیده جان بالبی، پایه‌های زیستی رفتارهای دلبستگی، در صورتی که از دیدگاه تکاملی مطالعه شود، آسان‌تر قابل درک خواهد بود (هنری‌ماسن، ۱۳۷۳: ۱۴۰). به‌طور کلی در این روش سعی می‌شود تا انواع رفتار انسان‌ها شناسایی و درک شود.

۸- نشانه‌شناسی<sup>۳</sup>: نشانه‌شناسی در درجه اول با آفرینش «معنا» در متون (فیلم، برنامه‌های تلویزیونی و دیگر آثار هنری) سروکار دارد. این

---

1. Hermeneutic  
2. Ethnology  
3. Semiotics

## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۳۵

علم نشان می‌دهد که نشانه و نقش آن چیست؟ نشانه‌ها و روابط، دو مفهوم کلیدی تحلیل نشانه‌شناختی هستند. در تحلیل نشانه‌شناختی تفکیکی موقتی و اختیاری بین محتوا و شکل قائل می‌شویم و تمام توجه خود را معطوف نظام نشانه‌هایی می‌کنیم که متن را می‌سازد. مثلاً غذا در برنامه تلویزیونی نباید فقط استیک، سالاد و... تلقی شود؛ بلکه نظامی است از نشانه‌ها که حاوی معانی مربوط به موضوعاتی مثل پایگاه، سلیقه، پیشرفت، ملیت و غیره است (آسابرگر، ۱۳۸۷: ۱۵).

۹- جامعه‌سنجی<sup>۱</sup>: این روش را مورنو در سال ۱۹۳۴ برای مطالعه و اندازه‌گیری روابط از نظر جذب و دفع متقابل یا یک طرفه در یک گروه طبیعی پیشنهاد کرده است (رفرس، ۱۳۶۹: ۱۴۲). به‌طور کلی این روش، وسیله‌ای برای تعیین درجه پذیرش افراد در یک گروه، کشف روابط این افراد و آشکار کردن ساخت خود گروه به کار می‌رود.

### ۵- فرایند پژوهش کیفی و مراحل آن

فرایند پژوهش کیفی با سه فعالیت مهم و مرتبط با هم تعریف می‌شود. این سه فعالیت مهم عبارتند از: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی. در واقع پژوهشگر در روش کیفی، با هر آنچه از سوابق فرهنگی خویش در توشه دارد، در چهارچوب هستی‌شناسی و نظریه‌های خود با پدیدارهای جهان روبه‌رو می‌شود. این هستی‌شناسی سلسله پرسش‌هایی را طرح می‌کند که وی جویای یافتن پاسخ آنهاست (و این در حوزه معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد) و پژوهشگر می‌کوشد به یاری

---

1. Sociometry

روش‌شناسی (شامل شیوه‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها) موضوع را مورد تحلیل قرار دهد و آنگاه تفسیرهایش را به نگارش درآورد. بنابراین، می‌توان پنج مرحله برای فرایند پژوهش کیفی برشمرد (مارشال، ۱۳۷۷: ۱۹۷):

مرحله اول: این مرحله با پژوهشگر آغاز می‌شود که فاعل شناسایی است با تکثر فرهنگی و واجد سنن تاریخی ویژه و دیدگاه‌هایی خاص نسبت به خود و آن دیگری که موضوع پژوهش است. این پژوهشگر، برخلاف گذشته که تصور می‌شد باید عینک بی‌طرفی به چشم بزند، فارغ از پایبندی‌های شخصی خود به اخلاق و آداب پژوهش نیست.

مرحله دوم: پارادایم‌های نظری و چشم‌اندازهاست که شامل اعتقادات هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و مراحل فرایند است. پژوهشگر در جستجوی پاسخ به سه پرسش اساسی است: نخست اینکه انسان و واقعیت چیست؟ دیگر اینکه چه رابطه‌ای بین پژوهشگر و دانسته‌هایش برقرار است؟ و سرانجام اینکه چگونه می‌توان جهان را شناخت؟ در مجموع چهار پارادایم عمده ساختار پژوهش کیفی را می‌سازد که عبارتند از:

۱- پارادایم‌ها و الگوهای پوزیتیویستی و پساپوزیتیویستی که قائل به هستی‌شناسی واقع‌گرایانه یا واقع‌گرایانه انتقادی و معرفت‌شناسی‌های عینی است و روش‌های پژوهش غالب و رایج در این پارادایم‌ها، روش‌های تجربی، نیمه‌تجربی، پیمایشی و روش‌های دقیقاً تعریف شده است.

۲- پارادایم‌های ساختارگرایانه و هرمنوتیکی که مبتنی بر هستی‌شناسی نسبی‌گرایانه و قائل به وجود واقعیت‌های چندگانه است. معرفت‌شناسی آن ذهنیت‌گراست، یعنی فاعل شناسا و آزمودنی، با هم به



ادراک و فهم جهان می‌رسند و روش‌شناسی آن طبیعت‌گرایانه است، به عبارت دیگر جهان طبیعی را چنان که هست، مورد بررسی قرار می‌دهد. در ارزشیابی پژوهش، از معیارهای نظریه‌زمینه‌ای بهره می‌گیرد و به جای ضوابط پوزیتیویستی، مثل روایی درونی و بیرونی و پایایی و عینیت‌گرایی، از اصطلاحاتی چون باورپذیری، رسانش‌پذیری، قابل اعتماد بودن و قابل تأیید بودن استفاده می‌شود.

۳- پارادایم‌های انتقادی (مارکسیسم و نظریه‌های آزادی‌خواهانه) شامل پژوهش‌های فمینیستی (دوره‌های آغازین فمینیسم) و مارکسیستی، مطالعات فرهنگی و نظریه‌غیرعادی که هستی‌شناسی آنها مادی‌گرایانه و واقع‌گرایانه است و بر این نظرند که همین جهان واقعی و مادی موجبات تبعیض‌ها و تفاوت‌های نژادی و طبقاتی و جنسی را فراهم می‌آورد. معرفت‌شناسی این دیدگاه‌ها، ذهنیت‌گرا و روش‌شناسی‌شان طبیعت‌گرایانه و قوم‌نگارانه است. در این پارادایم معیار ارزشیابی پژوهش‌های تجربی و مباحث نظری، دلالت‌های آزادی‌خواهانه آنها است و اینکه چقدر در این مطالعات، همدلی و تعامل انسانی به کار رفته است.

۴- پارادایم‌های فمینیستی و پساساختارگرایانه که تأکیدشان بر متن اجتماعی و امکان‌ناپذیری بازنمایی کامل تجارب انسانی است. در این گونه مطالعات، اثری از ضوابط ارزشیابی پوزیتیویستی و پساپوزیتیویستی نیست و به جای آن به متون چندصدایی و خودبازتابنده در تجارب مردم تحت ستم توجه می‌شود. همچنین مطالعات فرهنگی و نظریه‌غیرعادی، از انواع فلسفه‌ها و نگرش‌های مارکسیسم، فمینیسم و پسامدرنیسم تأثیر می‌پذیرند. بنابراین در یک نگاه کلی، شاهد تنشی بنیادی در پژوهش‌های کیفی هستیم: از یک سو مطالعات فرهنگی دارای وجه طبیعت‌گرایانه و

انسان‌مدارانه هستند و بر تجربه‌های انسانی تأکید می‌کنند و از سوی دیگر، بسیاری از مطالعات فرهنگی بر عوامل تعیین‌کننده مادی و ساختاری - مثل نژاد، طبقه، جنسیت و در واقع آثار تجربه‌های انسانی - تأکید می‌ورزند.

مرحله سوم: راهکارهای پژوهش شامل طرح پژوهش که در آن به دو مسئله مهم بازنمایی و مشروعیت می‌پردازد و پژوهشگر را با روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها آشنا می‌سازد. مثل مطالعه موردی که مبتنی بر روش مصاحبه و مشاهده و تحلیل مدارک است و یا فنون پدیدارشناسانه و اتنومتدولوژیکی، نظریه زمینه‌ای، روش‌های بالینی و ضمن عمل، تاریخی، زندگی‌نامه‌ای و خودقوم‌نگاری.

مرحله چهارم: روش‌های گردآوری و تحلیل منابع و مواد تجربی - شامل مصاحبه، مشاهده مستقیم، تحلیل بشرساخته‌ها (مصنوعات)، مدارک و پیشینه‌های فرهنگی و مواد بصری و تجربه شخصی - و نیز انواع روش‌های خواندن و تحلیل مصاحبه‌ها یا متون فرهنگی، مثل راهکارهای تحلیل محتوا، تحلیل روایت و نشانه‌شناسی و الگوهای تحلیل رایانه‌ای برای استفاده از نرم‌افزارهایی که برای مدیریت حجم زیادی از مدارک در پژوهش‌های کیفی طراحی شده است.

مرحله پنجم: هنر و سیاست تفسیر و ارزشیابی که مستلزم خلاقیت‌های ویژه‌ای است، چراکه پژوهش کیفی کاری تأویلی است و ماهیت آن به گونه‌ای نیست که پژوهشگر بتواند به سادگی یافته‌هایش را از تحلیل داده‌های بسیار به روی کاغذ بیاورد. برای این کار، پژوهشگر نخست به تهیه متنی می‌پردازد که شامل یادداشت‌های مقدماتی در محل انجام پژوهش است، آنگاه در نقش نویسنده و مفسر، این متن را به متنی

پژوهشی تبدیل می‌کند. این متن بازآفرینی شده که تلاش‌های نخستین نویسنده برای معنا بخشیدن به آموخته‌ها را دربردارد، متن نهایی است و می‌تواند به صورت اعترافات، متن رئالیستی، امپرسیونیستی، انتقادی، رسمی، ادبی، تحلیلی و یا مبتنی بر نظریه زمینه‌ای باشد. در واقع، کار معنا بخشیدن به یافته‌ها، هم هنری است و هم سیاسی. برای ارزشیابی پژوهش کیفی نیز ضوابط زیادی وجود دارد و چون تفسیر واحدی وجود ندارد، ضوابط آنها نیز بسیار است و هر تفسیر با ضوابط خود ارزشیابی می‌شود.

## ۶- طرح پژوهش کیفی

طرح پژوهش کیفی را می‌توان به دو بخش گسترده تقسیم کرد: الف) «طراحی و برنامه‌ریزی» که فرایند پیدایش و گسترش مسئله پژوهشی است و ب) «شروع تحقیق» که اجازه ورود به مکان تحقیق، شناخت درست و مناسب از افراد مورد تحقیق و استفاده از یک راهبرد نمونه‌گیری را برای محقق فراهم می‌آورد. تحقیق زمانی آغاز می‌شود که ابزار و وسایل تحقیق کاملاً موجود و در دسترس باشد. در واقع پژوهش کیفی چهارچوبی شکل‌یافته از پرسش‌ها و ابزار تحقیق است.

در این بخش طرح پژوهشی به عنوان عرصه‌ای متشکل از تصمیمات اتخاذ شده برای انجام کار میدانی (در شکل مقدماتی آن) در نظر گرفته می‌شود که مراحل جمع‌آوری داده‌ها تا نوشتن طرح را در بر می‌گیرد. مراحل برنامه‌ریزی پژوهش کیفی عبارتند از:

- ۱- یافتن منابعی برای ایده‌های پژوهش کیفی، ۲- بررسی مسائل خود محقق، ۳- مسائل موجود در صحنه‌ای که تحقیق در آن انجام

می‌شود، ۴- نوشتن طرح پژوهشی و ۵- حمایت از سوژه‌ها و نمونه‌های انسانی که در تحقیقات کیفی مشارکت کرده‌اند. در طول پژوهش کیفی ممکن است طرح تحقیق تغییر کند و تطبیق روش‌های مورد استفاده و همچنین تمرکز بر مشکلات تا آنجا که زمان و زمینه تحقیق اجازه می‌دهد، ادامه پیدا کند (Lindlof & Taylor, 2002: 150).

### ۷- مروری بر فرایند پژوهش کیفی

انجام طرح پژوهشی در پژوهشی کیفی و پژوهش کمی با استفاده از روش‌های فرضی - قیاسی متفاوت است. تحقیق کمی بر اساس یک نظم خطی انجام می‌شود. در این نوع تحقیق، پیش از هر کاری، دیدگاهی نظری اتخاذ می‌کنیم و از این دیدگاه نظری گزاره‌های قابل آزمایش را استنتاج می‌کنیم. تمام مراحل روش کمی (از نوشتن فرضیه‌های پژوهش تا انتخاب متغیرها و از انتخاب یک نمونه برای مطالعه تا هدایت و اجرای آزمایش بر آن نمونه)، باید کاملاً روشن، دقیق و از پیش طراحی شده باشد. محقق در این روش فقط از روش‌های ساده‌تر استفاده نمی‌کند (مگر اینکه برای طرح پژوهشی سازنده باشد). به ندرت پیش می‌آید که مراحل تحقیق در تحقیق کمی، از طرح اولیه منحرف شود. مهم‌تر از همه، اغلب پروژه‌های کمی منوط به کنترل زیادی است که محقق بر پروژه تحقیق دارد. اگر در پژوهش‌های کمی، محقق تسلط و کنترلی بر فاکتورها بخصوص در آزمایش رفتارها، ادراک، نگرش و دیدگاه‌های تحقیق نداشته باشد، پروژه تحقیقی به کاری عبث تبدیل خواهد شد و اعتبار و قابلیت اتکای پژوهش به زیر سؤال می‌رود.

پژوهش کیفی در اصل استقرایی (از جزء به کل)، در حال تکوین و تا

اندازه‌های بی‌قاعده است، همچنین غیرخطی بوده و کمتر می‌توان آن را با درکی دقیق کنترل کرد. لینکن و گوبا به درک طبیعت گرایانه در پژوهش‌های کیفی اشاره می‌کنند. آنها معتقدند: درک طبیعت گرایانه یعنی برنامه‌ریزی برای رویدادهای پیش‌بینی نشده گسترده و حتمی، بدون اشاره به اینکه دقیقاً در روابط هر کدام از متغیرها و موضوعات مورد مطالعه در تحقیق چه چیزی به دست خواهد آمد. به بیان دیگر، در پژوهش کیفی برای تصمیم‌گیری درباره مسائلی که هنوز کشف نکرده‌ایم برنامه‌ریزی می‌کنیم. در این روش به محض درک هدف تحقیق و داشتن چند سؤال وسیع، کار تحقیق شروع می‌شود. ممکن است با خواندن ادبیات پژوهش، تعدادی رابطه میان موضوعات بسازیم و راهی برای ورود به جهان اجتماعی پژوهشی پیدا کنیم، در غیر این صورت نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که مطالعه ما چطور انجام می‌شود و به چه نتایجی می‌رسد. در حقیقت در پژوهش کیفی از هر پیش‌گویی جلوگیری می‌شود.

بودان و بیکن، درباره مطالعه کیفی نمادین می‌گویند: شروع به کار مطالعه بسیار وسیع است؛ محققان به دنبال مکان و افرادی هستند که داده‌هایی را به تحقیق اضافه کنند. آنها فکر می‌کنند که با یافتن مکان و محل می‌توانند مطالعه‌شان را بدون حاشیه شروع کنند، در حالی که تازه به درون شبکه گسترده‌ای از موضوعات پرتاب می‌شوند. محققان در روش کیفی از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و مرور پژوهش‌ها و بررسی‌های قبلی شروع می‌کنند؛ می‌توانند تصمیم بگیرند که از چه مکان‌ها و افرادی می‌توان برای پیشبرد فرایند تحقیق استفاده کنند. می‌توانند تصمیم بگیرند که چطور وقت خود را با توجه به الزامات تحقیق، تقسیم‌بندی

کنند، با چه کسانی مصاحبه کنند و چه مسائل و موضوعاتی به بررسی عمیق‌تر نیاز دارد. ممکن است آنها از ایده‌ها و برنامه‌هایی استفاده کنند که قبلاً وجود داشته‌اند و در نهایت به نتایج جدیدی دست پیدا کنند. آنها با پژوهش‌های اولیه به سمت مجموعه اطلاعات، داده‌ها و تحلیل‌های کامل‌تر و درست‌تری پیش می‌روند. فرایند پژوهش کیفی روندی چرخشی و دایره‌ای دارد. بسیاری از مراحل، چندین بار تکرار می‌شود. محقق در برخی قسمت‌ها، تحقیق را بارها تکرار می‌کند تا به نتیجه درست و منطقی برسد و تفسیری آگاهانه‌ای به دست آورد.

در دیدگاه دیگر از یک طرح پژوهش کیفی، «اگر» به قوم‌شناسی اشاره کرده است. قوم‌شناسی به توصیف و تفسیر روابط مشاهده شده در میان اعمال اجتماعی و سیستم‌های معانی موجود در یک بافت فرهنگی می‌پردازد. چنین تحقیقی، نیازمند ارائه طرحی کلی (شماتیک) از فرم‌ها و چهارچوب‌ها، محتوا و معانی موجود در آن فرهنگ است. ناتوانی محقق در درک روابط و وقایع مشاهده شده باعث می‌شود اختلالی در این درک به وجود بیاید و این نشان می‌دهد که طرح کلی (شمای) ارائه شده توسط محقق و یا آن مدل تفسیری اثبات شده، کافی نبوده است. زمانی که محقق در مسیر اجرای تحقیق قرار می‌گیرد، ممکن است طرح‌های کلی که ارائه می‌دهد بارها کنار گذاشته شود و نمودارهای جدید (بر مبنای اطلاعات جدید) ساخته شود تا اعمالی که در زمینه (یا بافت) تحقیق انجام می‌شود، قابلیت فهمیده شدن (توسط محقق) را ممکن سازد.

محقق کیفی باید باهوش، نوآور و دارای قدرت استدلال بالایی باشد. در واقع او جهت‌یاب، هدف‌یاب و یک کارآگاه فرهنگی است. ظرافت‌های

#### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۴۳

شخصیتی پژوهشگران کیفی نشان می‌دهد آنها نکته‌سنج، منتقد، مبتکر و خلاق هستند. محقق کیفی از راهبردهای منعطفانه استفاده می‌کند، یعنی هر درک او منحصر به فرد و حاوی محتوای خاصی است. از هر تکنیکی به عنوان تکیه‌گاهی برای درک واقعیت‌های اجتماعی استفاده می‌کند تا طرح خود را پیش ببرد. محققان کیفی کنجکاو و منظم هستند و به صورت هدفمند به موضوعات می‌نگرند.

اگرچه تحقیق کیفی با سؤال آغاز نمی‌شود، اما ساخت و طرح سؤال، هسته اصلی اجرای پژوهش کیفی را تشکیل می‌دهد. در واقع، سؤال تحقیق دغدغه ذهنی محقق است. در مراحل اولیه، محقق سؤالاتی درباره ادبیات تحقیق و جهان اطرافشان می‌پرسد. او از سؤالاتی استفاده می‌کند که به توضیحی جدید از یک موقعیت و وضعیت منتهی شود. در تحقیق کیفی سؤال‌ها به مثابه تدابیر هدایت‌کننده و ابزار جهت‌یاب برای یافتن زمینه‌های اجتماعی عمل می‌کند. محققان مصرانه به دنبال یافتن پاسخ سؤالات می‌روند و فرایند پاسخگویی و سؤال و جواب منجر به ارائه ساختاری برای تحقیق می‌شود. سؤالات تحقیق کیفی به ندرت ممکن است تا پایان تحقیق ثابت باقی بمانند و ممکن است تغییر کرده و جرح و تعدیل شوند.

#### ۷-۱- منابع ایده‌های پژوهشی

آنچه محققان کیفی را هدایت می‌کند، کنجکاوی است. آنها می‌خواهند از ساختار معنایی که در اطراف ما در حال چرخش است چیزهایی بدانند. در نتیجه، به دنبال زمینه‌های معنایی یعنی نشانه‌ها، علامت‌ها و دلالت‌ها می‌روند و نشانه‌ها را تفسیر می‌کنند. آنها می‌خواهند

بدانند مردم چگونه نشانه‌های موجود در جهان را معنا می‌کنند تا به زندگی خود معنا دهند. منابعی که برای اغلب ایده‌های پژوهشی استفاده می‌شوند، عبارتند از: نظریه‌ها و متون پژوهشی، مشکلات و معضلات عمومی، تجربه‌ها و فرصت‌های شخصی و اولویت‌های سرمایه‌گذاری. در ابتدا ممکن است ایده‌های پژوهشی محقق کم، شکل نیافته، گسترده و نامنظم باشد. ویرایش بیشتر، می‌تواند این گستردگی را از بین برده و آن را هدفمند کند.

## ۲-۷- نظریه‌ها و متون پژوهشی<sup>۱</sup>

هدف اغلب پژوهش‌ها و مطالعاتی که از روش‌های کیفی استفاده می‌کنند، رسیدن به فهم نظری از ارتباطات است. تحقیق کیفی در استفاده از نظریه‌ها انعطاف‌پذیر است. یکی از دلایل این انعطاف‌پذیری به توانایی محقق در ساخت و استفاده از نظریه مرتبط است. همان‌طور که ذکر شد، تحقیق کیفی به فهم و نگرش محقق بستگی دارد. استفاده از هر مفهوم یا نظریه برای شرح اطلاعات زمینه تحقیق، نمونه دیگری از یافته‌های انعطاف‌پذیر در پژوهش کیفی است. محقق گاه می‌تواند از نظریه‌های متفاوت و گاه متناقض برای پیشبرد تحقیق استفاده کند. البته دیدگاه‌های نظری ممکن است یافته‌های تحقیق را محدود کنند. در تحقیق کمی استفاده از نظریه باعث می‌شود یافته‌های تحقیق علمی، شکلی جانبدارانه داشته باشد، ولی در پژوهش کیفی چنین نیست. مجلات علمی از دیگر منابع جمع‌آوری انتقادهای نظری و نظریه‌ها به حساب می‌آید. این مجلات گاه نظریه‌هایی را منتشر می‌کنند که ممکن

---

1. Theories and research literature



است در هدایت مباحث بسیار مفید باشند. همایش‌ها و جلسه‌های علمی از بهترین مکان‌هایی است که می‌توان در آن به تبادل نگرش‌ها و دیدگاه‌های نظری پرداخت. بعضی از این جلسات دستاوردهای علمی بسیار خوبی دارند. استفاده از نظریه در پژوهش کیفی ثابت نیست به این معنی که این نظریات، شرایطی را برای محقق کیفی به وجود می‌آورد که باعث می‌شود آسان‌تر فکر کند و به تأثیرگذاری زمینه‌های پژوهشی پی ببرد.

### ۳-۷- مشکلات عمومی<sup>۱</sup>

مسائل و مشکلات جامعه می‌تواند منبعی غنی برای ایده‌های پژوهشی باشد. جامعه‌شناسی کیفی محققان مکتب شیکاگو در اوایل قرن بیستم، بر طیف وسیعی از مشکلات شهری تمرکز داشت و مسائلی مانند بیمارستان‌های روانی، مسائل سیاهپوستان طبقه پایین و طبقه کارگر را مورد مطالعه قرار داده بود. همچنین مشکلات عمومی بسیار زیاد موجود در سیاست‌گذاری‌ها، مجادله‌ها و گفتمان‌های درون آن، مناقشه‌های حقوقی، موضوعات حقوق بشر، جنبش‌های اجتماعی، سیاست‌ها و بحران‌های سازمانی و... هستند. در این مشکلات، تضادها و تعارض‌هایی وجود دارد که محور اختلاف‌نظرها درباره اهداف، وضعیت، حقوق و تدابیر و راه‌حل‌ها قرار می‌گیرد. برای مثال مشکل سقط جنین شامل مجادله‌هایی میان مخالفان و موافقان سقط جنین درباره حقوق زنان، حقوق جنین، قانونگذاری‌های دولتی و حکومتی و امکانات پزشکی و... شده است (هر یک می‌تواند موضوع یک تحقیق کیفی باشد). رسانه‌های

---

1. Public problems

جمعی هم می‌توانند مشکلات بی‌شماری را که در جامعه قرار دارد، در اختیار محققان کیفی قرار دهند. البته توجه به رسانه‌های جمعی (به‌عنوان منبعی برای معرفی مشکلات) مانند شمشیر دو لبه است، از یک طرف می‌تواند مشکلات مهم را پیش روی محقق بگذارد و از طرف دیگر می‌تواند با روش‌های غیرمشهود محقق را گمراه کند.

#### ۴-۷- تجربه‌ها و فرصت‌های شخصی<sup>۱</sup>

ما در زندگی خود در مورد موضوعات مختلف تجربه‌های زیادی داریم. اما مهم این است که تجربیات خود را مسئله‌مند کرده و آن را به صورت یک سؤال مطرح کنیم. تحقیق کیفی اصولاً با یک سؤال آغاز می‌شود. بهترین تمرین برای توسعه و گسترش درک ما از محیط، جستجوی تجربه‌های آشکار زندگی افراد است. مواجهه با فرهنگ‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی، راه‌های جدیدی برای انجام کارها به محقق نشان می‌دهد که باعث شکسته شدن رفتارها و نگرش‌های قالبی در ذهن وی می‌شود و به او بینش و بصیرتی برای دیدن ابعاد دیگر زندگی می‌دهد. تعارض‌های هویتی، منبع دیگری برای ایده‌های پژوهشی هستند (مسائلی مانند اخلاق، جنسیت، سن، مذهب و سیاست که در متون محلی، اجتماعی و جهانی چالش‌برانگیز هستند).

#### ۵-۷- اولویت‌های سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup>

محققان برای انجام تحقیقات هم به منابع انسانی نیاز دارند و هم به

- 
1. Personal experiences and opportunities
  2. Funding priorities

دانشکده‌ها و دانشگاه‌هایی با قدرت مالی بالا (برای بر اینکه هزینه‌ها و مخارج تحقیق را به عهده بگیرند). مؤسسات آکادمیک (به خصوص آنهایی که به‌عنوان دانشگاه‌های پژوهشی در نظر گرفته شده‌اند) می‌توانند نقش حمایتی در زمینه تحقیقات و پژوهش‌ها داشته باشند. محققان باید بتوانند با توضیح ضرورت تحقیق، مؤسسات را برای تأمین هزینه‌های مالی تحقیق قانع کنند. پذیرش تحقیق برای محققان مزایای زیادی در بر دارد، از سویی موجب می‌شود آنها اعتبار و شهرت بیشتری در زمینه تحقیق خود کسب کنند و از سوی دیگر با مشارکت در جهان واقعی، مهارت‌های علمی و نظری خود را گسترش می‌دهند (Ibid: 160).

#### ۸- تردید و شک‌های محقق

محققان ایده‌های بسیاری در سر دارند که هنوز در ذهن بوده و مکتوب نشده‌اند. گاه ممکن است این ایده‌ها به طرح‌های پژوهشی تبدیل شود. اما واقعیت در مورد اکثر آنها چنین نیست، تعدادی از آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرند و تبدیل به پروژه‌های موفق می‌شوند و بسیاری نیز فراموش می‌شوند. ایده‌های پژوهشی با جستجوهایی که محقق در زندگی اطرافش انجام می‌دهد، پی‌درپی به وجود می‌آید. بسیاری از دانشجویان خارجی که در کشورهای آمریکایی و اروپایی درس می‌خوانند، به کشورشان برمی‌گردند و پژوهش‌های عمیقی از هویت ملی یا موضوعات اجتماعی سیاسی کشورشان انجام می‌دهند.

زمانی که تحقیقی را انجام می‌دهیم باید از خود بپرسیم که وقتی ایده پژوهشی ارائه و به چالش کشیده می‌شود تا به تولیدات پژوهشی منجر شود، چه اهداف حرفه‌ای در پشت آن نهفته است؟ بسیاری، تحقیق کیفی

را تنها به دلیل سرگرمی انجام داده و پیگیری جستجوها فقط به زمان فراغت اختصاص داده می‌شود. در نتیجه ممکن است با چنین هدفی به دلایل اشتباهی نیز برسیم. تحقیق‌های پژوهشی مستلزم صرف زمان زیادی است و ممکن است اطلاعاتی که در آن به دست می‌آید بسیار کم باشد. لیندولف معتقد است که درگیر شدن در پروژه‌های طولانی مدت، اطلاعات فراوانی می‌دهد و مفیدتر از پژوهش‌هایی است که با عجله انجام می‌شود و داده‌های اندک و تکراری دارد.

### ۹- صحنه‌های تحقیق

همهٔ فعالیت‌های ارتباطی می‌تواند سرآغاز یک مطالعه و تحقیق باشد. پژوهشگر باید بتواند در هر جا روش‌هایش را پیاده کند، به گروه‌ها ملحق شود و با افراد آن رابطه برقرار کند، گویش‌های محلی را یاد بگیرد و قوانین قبیله، شهر و هر جامعه را بیاموزد. اولین سؤالی که در هر پژوهش باید از خود پرسید، دربارهٔ صحنه تحقیق است. در اینجا واژه‌هایی وجود دارند که در عین اینکه به هم مرتبط هستند، معانی متفاوتی در پژوهش دارند. این واژه‌ها عبارتند از: زمینه تحقیق<sup>۱</sup>، مکان تحقیق<sup>۲</sup> و صحنه تحقیق<sup>۳</sup>.

زمینهٔ تحقیق به فصل مشترک کلی موضوع و زمینه‌ای که در تحقیق در آن انجام می‌شود اشاره دارد. زمینه، گستره وسیع نظری است از وقایعی که محقق باید به‌طور تخصصی و حرفه‌ای روی آن کار کند.

- 
1. Field
  2. Site/ Setting
  3. Scene

محققان معمولاً بیشتر از یک زمینه را برای مطالعاتشان انتخاب می‌کنند. مکان تحقیق به طور مشخص بر محل و مکان‌های مادی اشاره دارد که در آن پژوهشگر و بازیگر اجتماعی در کنار هم زندگی می‌کنند. صحنه تحقیق، بافتی است که کنش‌های بازیگران اجتماعی در آنجا روی می‌دهد و معنا پیدا می‌کند و در واقع دامنه‌ای است که بازیگران اجتماعی برای کنش‌های اجتماعی خودشان تعریف کرده‌اند.

زمینه تحقیق، مکان‌های تحقیقی بسیاری را شامل می‌شود، اما همه مکان‌های تحقیق برای مطالعه صحنه‌هایی که ساختار واقعیت یک گروه اجتماعی را شکل می‌دهند، ارزش برابری ندارد. پژوهشگران باید بررسی کنند که چه مکان‌هایی به سؤال‌های تحقیقشان پاسخ می‌دهد. مرحله اول در این فرایند، شناسایی صحنه‌ای است که قبلاً مطالعه و شناخته شده باشد. برای این کار هم باید به تعداد زیادی مکان‌های تحقیقی برای مطالعه بروند.

یک صحنه تحقیق مانند هر روش کار میدانی، همان نقشی را دارد که اعضای یک فرهنگ می‌توانند داشته باشند. اگر مکانی عمومی باشد محقق می‌تواند به سادگی با افراد مرتبط ارتباط برقرار کند. در بسیاری از مکان‌های عمومی می‌توان رفتارهای خاموش و پنهان افراد را برای تشخیص و شناسایی تغییرات اجتماعی پیدا کرد. در هر صحنه تحقیق مجموعه‌ای از قوانین نانوشته رفتاری وجود دارد. برای ورود به برخی محل‌ها محدودیت‌هایی برای محقق پیش می‌آید. اگر محقق خود عضو یک صحنه تحقیق است، باید خود را واسازی کرده و تعهدات ایدئولوژیک و احساسی خود را کنار بگذارد.

برای چهارچوب یک صحنه پژوهشی، محقق باید از دو منظر «امیک»

و «اتیک» به موضوع بنگرد. دیدگاه «امیک»، تبیین و تشریح وجوه مختلف فرهنگ توسط حاملان یک فرهنگ و کنشگران بومی است و به تحلیل پدیده‌های رفتاری یا زبان‌شناختی یک ساختار درونی و یا تحلیل کارکردی یک سیستم خاص مربوط می‌شود. در نگرش امیک، از میان معنایی که اعضا به فعالیت‌ها و کنش‌های ارتباطی خود نسبت می‌دهند، به موضوع نگاه می‌شود. دیدگاه اتیک که رویکردی برون‌موضعی برای درک و فهم فرهنگ است، به مشخصه‌های رفتاری یا زبانی (بدون توجه به دلالت ساختاری) مربوط می‌شود. هنگامی که از دریچه اتیک به موضوعی می‌نگریم، صحنه‌های پژوهشی را از میان دسته‌بندی‌هایی می‌بینیم که دانش‌ها و نظریه‌های قبلی آنها را دسته‌بندی کرده‌اند. با این روش محقق می‌تواند به جهان اجتماعی مانند ناظری هدفمند بنگرد، نه یک شرکت‌کننده.

در برخی مکان‌ها ممکن است وقایعی رخ دهد که غیرقابل پیش‌بینی هستند و نمی‌توان برای آن برنامه زمانی منظمی نوشت. کدهای فرهنگی از دیگر مقوله‌های قابل فهم در صحنه‌های تحقیق هستند. کدهای فرهنگی همان نوشته‌های علمی است که مردم از آن به‌عنوان یک الگو در صحنه استفاده می‌کنند.

### ۱۰- طرح تحقیق<sup>۱</sup>

محققان در طرح‌های پژوهشی اغلب سه هدف را دنبال می‌کنند:  
۱- اعلام مبنای منطقی، هدف، روش‌ها، استدلال‌ها و نتایج مورد نظر

---

1. The research proposal

محقق، ۲- قانع کردن مخاطبان تحقیق و ۳- طرح تحقیق، به مثابه یک هدف برای محقق. به عبارت دیگر، محقق چهارچوب‌های تحقیق را مشخص می‌کند و عناصری را که تا آن زمان فقط درباره‌شان صحبت شده، توضیح می‌دهد.

یک طرح پژوهشی از بخش‌های عنوان، چکیده یا خلاصه، منطق تحقیق، ناحیه‌های ادراکی پژوهش، فرضیات یا سؤالات تحقیق، روش‌شناسی، برنامه تحقیق و سازماندهی، تحلیل و برنامه تشکیل شده است. در زیر برای هر یک از این بخش‌ها به اختصار توضیحاتی آورده شده است:

- عنوان: یک عنوان خوب باید بازتابی از موضوع و بافت تحقیق باشد. بعضی از عنوان‌ها شامل اشاره‌ای به نحوه روش‌شناسانی و چهارچوب نظری یا فلسفی تحقیق نیز هستند.

- چکیده یا خلاصه: بعد از عنوان، نویسنده شرح مختصری از پروژه تحقیقی ارائه می‌دهد، اینکه چه چیزی مطالعه خواهد شد، چگونه بررسی می‌شود و انتظار می‌رود چه داده‌هایی در نهایت به دست آید. این چکیده با توجه به مخاطب تحقیق نوشته می‌شود. در ادامه چکیده، کلمات کلیدی تحقیق نوشته می‌شود.

- منطق تحقیق: در این بخش باید به روشنی به سؤال تحقیق پاسخ داده شود، یعنی «چرا این موضوع مطالعه می‌شود؟». محقق باید مسائل پژوهشی را به روشنی جمع‌آوری و ارائه کند.

- ناحیه‌های ادراکی پژوهش: خوانندگان تحقیق به دنبال این هستند که به منطق ادراکی تحقیق پی ببرند. این موضوع به‌ویژه در مورد افراد تصمیم‌گیرنده در اعطای کمک‌های مالی به تحقیق اهمیت زیادی دارد.

- فرضیات یا سوالات تحقیق: در تحقیق کیفی کمتر فرضیه رسمی داریم. محقق در روش کیفی به دنبال تفسیر کیفیت پدیده‌های اجتماعی است و دلیلی وجود ندارد که رابطه میان متغیرها را پیش‌بینی کنیم. این بدان معنی نیست که محقق توانایی دسته‌بندی تفاسیر و داده‌های جمع‌آوری شده را ندارد.

- روش‌شناسی، برنامه تحقیق و سازماندهی: مطالعات کیفی معمولاً طرح‌های چند روشی هستند. به دیگر سخن محقق از چندین روش برای پژوهش خود استفاده می‌کند، در عین حال باید توضیح دهد که چرا از این روش‌ها استفاده می‌کند. برای مثال اگر محقق برای تحقیق خود از روش‌های مشاهده، مصاحبه و تحلیل اسناد استفاده می‌کند، باید شرح دهد که هر کدام از این روش‌ها برای چه هدفی انتخاب شده است. روش‌شناسی، بهترین راهبرد در تحقیق است که با استراتژی‌هایی، هدف‌های تحقیق را به نتایجی که به دست می‌آید، پیوند می‌زند.

- برنامه تحقیق به راه‌هایی که در روش‌های مختلف تحقیق اجرا می‌شود، اشاره می‌کند. برای مثال اینکه چگونه وارد زمینه‌های تحقیق شویم؟ چگونه مکان‌های مختلف تحقیقی را ببینیم؟ و... این برنامه ممکن است در طول تحقیق تغییر کند.

- سازماندهی یا مدیریت و اجرای طرح نیز به مدیریت منابع (مثل رایانه‌ها، نوارها، دیسک‌ها، دستمزد افرادی که در پژوهش شرکت می‌کنند و غیره) مربوط است.

- تحلیل: خوانندگان در پی دانستن نظام‌های رمزگذاری یا رویه‌های تحلیلی هستند. حتی ممکن است بخواهند بدانند که نرم‌افزار تحلیل داده‌ها چه نقشی در اعتبار و قابلیت اعتماد خواهد داشت. در این بخش



گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۵۳

محقق به انتظارات پروژه و تحلیل و تفسیر داده‌ها در زمینه تحقیق می‌پردازد.

- برنامه: عنصر نهایی اغلب طرح‌ها، برنامه تکمیل پروژه است (Ibid: 172).

### ۱۱- حفاظت از موضوعات انسانی در تحقیقات کیفی

نوشتن یک طرح پژوهشی فرصتی را نیز برای تفکر درباره اخلاق پژوهش فراهم می‌کند. تصمیمات اخلاقی از نکات بسیار مهم برای افرادی است که به‌عنوان موضوعات و سوژه‌های انسانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این موضوع زمانی مهم است که مردم باید در زمینه تحقیق آشکار بوده و به‌صورت واضح و روشنی مورد مطالعه قرار گیرند. زمانی که محقق می‌خواهد ابزار تحقیق را به سازمان‌های نظارتی ارائه دهد، رعایت اخلاق پژوهش بیشتر نمایان می‌شود. برای این امر افراد مورد مطالعه باید هم به شکل شفاهی و هم کتبی از پژوهش رضایت آگاهانه داشته باشند. توجه به جمعیت‌های آسیب‌پذیر، حفاظت از داده‌ها و نحوه بازنمایی متنی سوژه‌ها از دیگر مواردی است که باید به آن توجه کافی شود (Ibid: 200).

### ۱۲- نتیجه‌گیری

امروزه روند پژوهش‌های کمی و کیفی (در عصر پسامدرن و رواج حوزه‌های بین‌رشته‌ای) در جهت تألیف، تلفیق و تعامل سیر می‌کند تا تقابل و تضعیف. هر دو دیدگاه کمی و کیفی با سنت‌های پوزیتیویستی و پساپوزیتیویستی در علوم طبیعی و اجتماعی شکل گرفته‌اند و هیچ یک

#### ۱۵۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

مصون از تأثیرات عصر پسامدرن و پسامدرن نیستند. علاوه بر این، هر دو روش ضمن قائل بودن به اینکه موضوع‌های مورد بررسی ارزش تحقیق دارند و تحقیق‌پذیرند، از انواع رسانه‌ها و ابزارها برای بیان هدف‌ها و یافته‌هایشان بهره می‌برند. واقعیت نیز این است که ملزومات زمان و زندگی امروز ایجاب می‌کند از هر دو روش کیفی و کمی در جای خود استفاده شود.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. آسابرگر، آرتور، روش‌های تحلیل رسانه‌ها، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۷.
۲. استراس، آنسلم و جولیت کوربین، اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۳. بازرگان، عباس، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران: دیدار، ۱۳۸۷.
۴. خوی‌نژاد، غلامرضا، روش‌های پژوهش در علوم تربیتی، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
۵. دلاور، علی، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد، ۱۳۸۵.
۶. رفرس، پل، روان‌شناسی تجربی، ترجمه سیروس ذکا، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۷. رفیعی، حسن و دیگران، روش‌های تحقیق بین رشته‌ای در اعتیاد، تهران: دانش، ۱۳۸۷.
۸. گال، مردیت و دیگران، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت، ۱۳۸۲.
۹. مارشال، کاترین و کرچن ب. راسمن، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
۱۰. نیچه، فریدریش و دیگران، هرمنوتیک مدرن، گزینه جستارها، ترجمه بابک احمدی و دیگران، تهران: مرکز، ۱۳۸۱.
۱۱. ورنو، روزبه و ژان وال، نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن، ترجمه یحیی مهدوی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۲.

۱۵۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

۱۲. هنری‌ماسن، پاول و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: مرکز، ۱۳۷۳.

**ب) منابع لاتین**

1. Lindlof, T.R. & Bryan C. Taylor, Qualitative Communication Research Methods, Second Edition, Sage, 2002.

## بررسی رابطه بین دانش علمی جامعه‌شناسی و دانش عامیانه

جمال ادهمی\*

دکتر سروش فتاحی\*\*

### مقدمه

تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است: علی‌رغم اینکه فهم و علم در زندگی روزمره دو رویه آگاهی را تشکیل می‌دهند، چه تفاوتی بین دانش علمی جامعه‌شناختی (علم جدید) و معرفت عامیانه وجود دارد؟ دانش و معرفت عامیانه عبارت است از: نظامی از عقاید و باورهای عامه و همچنین مجموعه فرایندهای معین شناخت طبیعی و نظام‌های عقاید ماقبل نظری - علمی و مسلم از جمله صحبت کردن، استدلال و مشاهده که افراد عامه آنها را به‌طور عامیانه و از راه تجربه خود و نظام‌های سنتی و مرسوم نیاکانی، جهت گذران زندگی روزمره در زیست‌جهان اجتماعی عامیانه ساخته و پرداخته می‌کنند نه از طریق

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار.

تحقیق و تفحص علمی. اما دانش و معرفت علمی جامعه‌شناختی در یک زیست‌جهان علمی شکل می‌گیرد که از زندگی عمومی و زیست‌جهان روزمره (دانش عامیانه) انفکاک یافته است و بر اساس طرح روشمند و دستگاه تئوریک با رعایت اصل عدم قطعیت و ابطال‌پذیری به بررسی تجربی، پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی در جهت تبدیل آگاهی عملی و مسلم روزمره به آگاهی استدلالی و علمی جهت ارائه تعمیمات معتبر می‌پردازد.

در طول تاریخ تمدن و فرهنگ بشری، رابطه تنگاتنگی بین دانش عامیانه و دانش علمی وجود داشته که به اختراعات و اکتشافات در زمینه‌های گوناگون منجر شده است. به عبارتی، نیاز زندگی روزمره به شکل‌گیری این دو حوزه معرفتی کمک کرد. اما در دوران‌های مختلف، انسان برای پاسخگویی به همه سؤالات و کشف مجهولات به دانش عامیانه یا به تعبیری به شعور یا عقل متعارف توسل می‌جست و منتظر نمی‌ماند تا با اختراعات علمی نیازهای خود را برآورده کند. به عبارت دیگر، بشر در طی قرون کسب مهارت‌ها و اطلاعات خود را بدون استفاده از تجربه در علوم و محاسبات علمی تکرار می‌کرد (Nagel, 1960).

زندگی روزمره در جامعه انسانی برخلاف جامعه حیوانی، دربرگیرنده ذخیره‌های اجتماعی شناخت مبتنی بر زبان است و با کمک زبان، ذهن و خودهای اجتماعی شکل می‌گیرند و این خودهای اجتماعی در کنش متقابل نمادین با یکدیگر و در یک مجموعه اعمال اجتماعی معنادار و بهم‌پیوسته برای ساخت اجتماعی واقعیات شرکت می‌کنند. در نتیجه واقعیات، شکننده و مدام در حال بازتولید و بازتفسیر هستند و کنشگران برای گذران زندگی روزمره همواره با نیت و پنداشت‌های خود درباره

خود، تصویر خود در نزد دیگران و تصور دیگران در نزد خود، ارتباطات انسانی و اجتماعی خود را تعریف و بازتعریف می‌کنند. این کنشگران مادامی که با تصورات و دستورالعمل‌های کنشی راهوار برخورد می‌کنند بدون چون و چرا به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند، اما وقتی با وضعیت کنشی بدیعی مواجه می‌شوند، هرچند در تفسیر و بازتفسیر آن ذخیره‌های اجتماعی شناخت و نمونه‌های موجود در جهان زیست زندگی روزمره را مرور کرده و به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند، هرگاه از عهده تطابق شقوق کنشی با نمونه‌های موجود در جهان زیست برنیابند با امید اینکه قضیه کنشی بدیعی در آینده شفاف و قابل فهم شود در «زمان حال و در اینجا» به تعاملات خود ادامه می‌دهند. شناخت امور مسلم و بدیهی در مقایسه با امور نامعلوم، منجر به شکافی معرفت‌شناختی بین فردی عامی که سرگرم زندگی روزمره بوده و محقق که درگیر واری تعاملات اجتماعی افراد در زندگی روزمره است، می‌شود (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵).

### ۱- دانش عامیانه

بسیاری از مردم به اشتباه معتقدند که جامعه‌شناسی، علم مطالعه بدیهیات است. آنها ادعا می‌کنند که جامعه‌شناسی حرف خاصی برای گفتن ندارد و همان دانش عامیانه است. اما باید دانست که دانش عامیانه از یک طرف عبارت است از: مجموعه فرایندهای معین شناخت طبیعی و نظام‌های عقاید ماقبل علمی، نظیر صحبت کردن، استدلال، مشاهده و غیره و از طرف دیگر، نظامی از عقاید و باورهای فیزیکی عامه، روان‌شناسی عامه، جهان‌شناسی عامه و غیره است که افراد عامه آنها را

به‌طور عامیانه و از راه تجربه خود و نظام‌های سنتی و مرسوم نیاکانی ساخته و پرداخته می‌کنند، نه از طریق تحقیق و تفحص علمی. بنابراین برابر دانستن هر علمی با دانش عامیانه صرف نمی‌تواند بیشتر از این حقیقت باشد که دانش عامیانه همیشه عام و عمومی، حساس و دارای تعمیمات معتبر نیست. گزاره‌هایی مانند «کبوتر با کبوتر پرواز می‌کند باز با باز» که مبتنی بر دانش عامیانه هستند، با یکدیگر متناقض هستند. زیرا دانش عامیانه همیشه واقعیات را دقیقاً پیش‌بینی نمی‌کند و افراد به چیزهای دیگری نیاز دارند (Kittel, 1995 & Smith, 1995).

بنابراین دانش فرد عامی ریشه در گفتگوها و فعالیت روزانه دارد و گفتگوی روزمره مبتنی بر تعاریف و ادراکات بدیهی و مسلم است و بر اساس سنخ‌بندی‌هایی صورت می‌گیرد که معرفت و رفتارهای روزمره کنشگران را انسجام و جهت می‌بخشد. به میزانی که نقش سنخ‌بندی‌ها و ادراکات بدیهی کاهش می‌یابد، گفتگوی عادی به سوی مباحثه یا مذاکره تغییر می‌یابد. در موقعیت‌های «مشکل‌آفرین» و نیز با افزایش تردید در جوامع جدید، میزان توافق افراد در مورد ماهیت مسائل کاهش می‌یابد و بنابراین شرکت‌کنندگان در این موقعیت‌ها موارد اختلاف را به بحث می‌گذارند و با مذاکره و چانه‌زنی جلو می‌روند (Schutz, 1962).

دانش عامی برحسب آگاهی روزمره افراد در متن زندگی اجتماعی ارزیابی می‌شود و آگاهی روزمره از یک سو، بیانگر جنبه ذهنی ارتباطات انسانی و از سوی دیگر، نشانه درک جهان بیرونی است. «جامعه حاصل دیالکتیکی بین داده‌های عینی و معانی ذهنی است. یعنی تعاملی دوسویه بین آنچه به‌عنوان واقعیتی بیرونی تجربه می‌شود و آنچه به‌منزله آگاهی درونی فرد به فهم درمی‌آید. به سخن دیگر، واقعیت تام اجتماعی دارای



مؤلفه اساسی آگاهی است» (برگر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵).

فهم در آمیزش با باورها، ارزش‌ها و هنجارها، روابط اجتماعی آدم‌ها را تنظیم می‌کند و نحوه تفاهم و شناخت متقابل آنها را بیان می‌کند. آگاهی روزمره به‌عنوان ذخیره گسترده‌ای از دانش، با مجموعه‌ای از تعاریف و ادراکات مرتبط با روابط و مناسبات انسانی، شناخت افراد از نقش‌ها و نهادهای گوناگون اجتماعی را تعیین می‌کند و شیوه‌های تعامل آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آگاهی روزمره، به دنیا از حیث عینیت و شیئیت آن نظر ندارد، بلکه آن را همچون موضوعی برای گفتگو، احساس، علاقه و رفتار خود می‌یابد و بدین ترتیب آن را در چهارچوب روابط متقابل بین آدم‌ها تفسیر می‌کند (قانع‌راد، ۱۳۸۱: ۱۰). آگاهی زندگی روزمره رشته‌ای از معانی است که به فرد مجال می‌دهد تا راه خود را از میان رویدادهای معمولی و برخوردهای زندگی‌اش با دیگران پیش گیرد. کل این معانی که فرد در آنها با دیگران سهیم است، یک زیست‌جهان اجتماعی خاص را شکل می‌دهد. آگاهی در این متن، نسبتی با اندیشه‌ها، نظریه‌ها یا ساخت‌های عالمانه معنایی ندارد. بیشتر اوقات، آگاهی زندگی روزمره، آگاهی ماقبل نظری است (برگر و همکاران، پیشین). درک طبیعت، به‌عنوان ادراکی تفسیری، با زندگی روزمره و مناسبات انسان‌ها رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. آگاهی روزمره این جهان را بیشتر در قالب علایق و ترجیحات فرهنگی بیان می‌کند و بنابراین در آن شناخت با آمادگی برای عمل پیوستگی دارد. در دانش ماقبل نظری و غیر مفهومی دنیای روزمره، بین سوژه و ابژه تمایزی وجود ندارد. آگاهی با نیتمندی خود معطوف به ابژه‌هاست و این ابژه‌ها قبل از اینکه واقعیت‌های شناختی بیرونی باشند، محتوای آگاهی را تشکیل می‌دهند. فهم به شیوه‌های

گونگون، بیانگر ارتباط بین افراد است. از یک سو در «میان ذهنیت» افراد شکل می‌گیرد و تغییر می‌یابد و بنابراین آنها را از حیث شناختی و کنشی به همدیگر مرتبط کرده و «یکپارچگی اجتماعی» را فراهم می‌سازد. فهم در میان ذهنیت افراد پس‌زمینه ادراکی، ارتباطی و اجتماعی را می‌سازد و گفتگو و توافق را ممکن می‌کند. تعامل اجتماعی و رویارویی آدم‌ها در وهله اول با «گفتگو» صورت می‌گیرد (قانع‌راد، پیشین: ۱۳).

از نظر شوتز، تفکر و تخیل دانش عامیانه، نظامی از ساخت‌ها یا معانی برای سازمان دهی جهان و کنش در درون آن را در بر می‌گیرد. اگرچه هریک از مجموعه ساخت‌های کلی مان منحصربه‌فرد است، اکثر ساخت‌های دانش عامیانه مان به‌طور اجتماعی به دست می‌آید. این ذخیره بینا ذهنیت مشترک از شناخت و پیش‌فرض‌هایی که ما از طریق تعاملات توسعه می‌دهیم، به ما اجازه می‌دهد در پروژه‌های مشترک با افراد دیگر شرکت کنیم (Schutz, op.cit.).

در این باره آلفرد شوتز ساختار دنیای اجتماعی را به سه حوزه واقعیت اجتماعی که عبارتند از: قلمرو معاشران با تجربه مستقیم، قلمرو معاصران با تجربه غیر مستقیم، قلمرو گذشتگان و آیندگان تقسیم می‌کند. واقعیت اجتماعی معاشران که به‌طور مستقیم تجربه می‌شود، دنیای گفتگو و تعامل چهره به چهره یا روابط مایی است و دنیای معاصران از روابط آنها بین آدم‌های ناشناس بر مبنای قواعد سنخ‌شناسی شکل می‌گیرد. تعامل و رویارویی از پویایی برخوردارند و گاه تجربه‌های جدیدی را ایجاد و محتوای شناختی و کنشی زیست‌جهان را دگرگون می‌کنند. رابطه مایی و رابطه آنهایی هر دو دارای هم‌زمانی بین عاملان اجتماعی هستند. رابطه

مایی اجتماع مکان را هم دارد، زیرا با حضور جسمانی افراد همراه است. رابطه مایی به تجربه مستقیم آزاد از زمان فیزیکی و زمانمندی و رابطه آنهايي به تفکر بازتابی و مبتنی بر سنخ‌بندی نزدیک‌تر است. تفکر، بازتابی معرفتی، گزاره‌ای و اسنادی<sup>۱</sup> است. در حالی که تجربه مستقیم ماقبل گزاره‌ای<sup>۲</sup> است و بدون وساطت سنخ‌بندی‌ها صورت می‌گیرد (همان: ۱۵). هرچه شریکان ما در کنش بی‌نام و ناشناخته‌تر باشند، بیشتر بر دستورالعمل‌های کنشی استاندارد شده متکی هستیم. ممکن است هم‌پیمانان را در روابط چهره به چهره به‌عنوان افراد منحصر به فرد و اما تنها به‌عنوان خودشان درک کنیم (Ibid).

ما با تلاش برای ورود به وضعیتی از امور در آینده (انگیزه به‌منظور یا تا آنکه) عمل می‌کنیم. وقتی کنشگر خود را می‌بیند، می‌تواند انگیزه «برای آنکه» را تعیین کند که او را با کنشی که در گذشته انجام داده است جهت می‌دهد. مردم با فرض انگیزه‌های «تا آنکه» به‌عنوان انگیزه‌های «برای آنکه» با یکدیگر تعامل دارند. معنای یک کنش برای یک کنشگر (بسته به اینکه چگونه درک می‌کند هر انگیزه معین تا آنکه با پروژه‌های دیگر مناسبت پیدا می‌کند) برای شریک کنشگر در کنش (که انگیزه‌های تا آنکه کنشگر را به‌عنوان انگیزه‌های برای آنکه می‌پذیرد) و برای یک مشاهده‌گر بی‌رغبت (که انگیزه‌هایش با کنشگر ارتباط ندارد) متفاوت است (Ibid).

تعامل عقلانی (شامل درک مشترک هدف، وسیله، و نتایج مترتب بر آن) غیر عملی به نظر می‌رسد. اما کنش عقلانی در واقع کنش درون یک

- 
1. Predictive
  2. Prepredictive

۱۶۴ ► روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

مجموعه مشترک از ساخت‌ها را در بر می‌گیرد.

## ۲- دانش علمی و تفاوت آن با دانش عامیانه

علمای اجتماعی به‌منظور درک رفتار بشر به دیدگاه کنشگر (با ساخت‌ها، انگیزه‌ها و برنامه‌هایش) نیاز دارند. بیشتر ساخت‌های علوم اجتماعی ساخت‌های دانش عامیانه هستند. اما مدل علمی جهان اجتماعی مدل‌های کنشگرانی را به کار می‌گیرد که در موقعیت زندگی نام‌های زندگی بشر در جهان اجتماعی زندگی روزمره قرار ندارد و وضعیتشان به‌وسیله علمای اجتماعی تعریف می‌شود نه خودشان (Ibid).

در فرایند عقلانیت با صوری و انتزاعی شدن ساختارهای زندگی روزمره، ابعاد شناختی (اندیشه‌ها) از ابعاد عملی (علایق) تمایز می‌پذیرند و آگاهی عملی روزمره به آگاهی استدلالی تبدیل می‌شود. پس پیدایش معرفت ناعامیانه و تخصصی، نشانه انفکاک از زندگی عمومی است و در عین حال زندگی خصوصی‌تری را دامن می‌زند (Ibid).

بنابراین دانش علمی در جستجوی ۱- گزاره‌های استنباطی و مبتنی بر اطلاعات تجربی، ۲- عملکردهای پژوهشی مبتنی بر بینادهنیت جهان زیست‌علم و محققان علمی، ۳- تأکید بر عدم قطعیت و ابطال‌پذیری یافته‌های علمی روشمند و مبتنی بر طرح تئوریک و دستگاه تئوری منسجم است (Kittel, 1995 & Smith, 1995). زیست‌جهان علم (دانش علمی) از زیست‌جهان روزمره (دانش عامیانه) ریشه می‌گیرد و در فرایند صوری و عقلانی‌شدن از آن تمایز می‌یابد و بر اساس منطق درونی خود توسعه می‌یابد. این توسعه منطقی به‌مثابه یک حرکت پویا و زنده با سه فرایند به هم پیوسته فرهنگ، جامعه و شخصیت رابطه دارد، بنابراین

نه پدیده‌ای شناختی، بلکه در عین حال پدیده‌ای اجتماعی و روان‌شناختی است. پس زیست‌جهان علم نیز نه به‌مثابه دانستن قواعد و سنخ‌بندی‌های شناختی، بلکه همچون درک زنده و مولد، مستلزم فهم انسان‌ها از یکدیگر است (قانع‌ی راد، پیشین: ۱۷).

همان‌طور که گفته شد، علی‌رغم اینکه نیاز زندگی روزمره عامل و بهانه شکل‌گیری معارف بشری به‌ویژه معرفت علمی و معرفت عامیانه است، بین آن دو حوزه معرفت بشری تفاوت‌هایی وجود دارد که باید آنها را شناسایی کرد تا قلمرو و حدود و ثغور هر یک از حوزه‌های شناختی جهت به‌کار بستن آنها در جهت تأمین نیازهای بشری و ارضای کنجکاوی‌های انسان اندیشمند روشن شود.

نخست اینکه برخلاف معرفت عامیانه که ادبیات و واژگان تخصصی برای تحلیل مسائل ندارد و مفاهیم آن به‌شکلی مبهم و نامعلوم با یکدیگر همپوشانی دارند، دانش علمی از واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی و مناسب برای هر پدیده بهره می‌جوید. به عبارتی، دانش علمی با اظهار واژگان تخصصی، به بیان کمی و دقیق در بررسی رابطه بین پدیده‌ها می‌پردازد. ولی معرفت عامیانه به کلی‌گویی و بیان غیر دقیق روابط امور گرایش دارد و از آزمون‌پذیری ناتوان است.

دوم اینکه در معرفت عامیانه برخلاف دانش علمی که در پی تبیین، بررسی و کنترل رابطه منظم و علت‌کاوانه بین پدیده‌هاست، علاقه کمی به توضیح در باب علل و رابطه منظم وقایع با یکدیگر وجود دارد، چراکه در زندگی روزمره هر چیزی به هر چیزی ربط پیدا می‌کند و به‌علت‌های دوردست نمی‌اندیشد. سؤال درباره یک امر در بطن زندگی روزمره و پاسخ به آن نیز در همانجا یافت می‌شود. بنابراین تفاوت این دو حوزه معرفتی

در صورت‌بندی روابط بین پدیده‌هاست.

سوم، بیشترین کاربرد معرفت عامیانه، زمانی است که تغییر و تحولی در عوامل پدیده‌ها وجود ندارد و تکرار تفکر و کنش در زندگی روزمره است که به باوری مسلم مبدل می‌شود. بنابراین معرفت عامیانه در برابر بحران‌ها و موقعیت‌های خاص عاجز می‌ماند. به عبارتی، دانش علمی قادر به کنترل و پیش‌بینی مسیر وقوع رخدادها بوده و در مقابل معرفت عامیانه تنها می‌تواند بر اساس تکرار تجربه به پیش‌بینی امور مسلم بپردازد، هرچند پیش‌بینی ممکن است نادرست از آب درآید و در موقعیت‌های متناقض و استثنایی هیچ کنترلی نمی‌تواند بر امور داشته باشد. پس معرفت عامیانه حاصل فرایندهای اتفاقی و آزمون و خطاست، بدین معنا قادر به کشف و شناسایی اصولی پدیده‌ها نیست و آن پدیده‌ها را مستقل از روابط اتفاقی آنها با یکدیگر نمی‌تواند تحلیل کند. در مقابل، دانش علمی، سرچشمه تناقضات و مغایرت‌ها را هدف می‌گیرد.

چهارم، در معرفت عامیانه کنترل تجربی باورها و اعتقادات دشوار است و به عدم تغییر در باورها تمایل دارد، بنابراین در برابر ابطال شدن باورها مقاومت می‌کند. حال آنکه علم به دنبال تحقیق روابط بین پدیده‌ها بدون جایگاه ارزشی آن برای انسان است از این‌رو امکان طرد و ابطال فرضیات در علم وجود دارد (Nagel, 1960).

بنابراین می‌توان گفت: دانش علمی دانش پارادایمیک و انگاره‌ای است، بدین معنا که به لحاظ روش، منظر و غرض مطالعه، از دانش عامیانه تفکیک می‌شود. روش دانش علمی در بررسی موضوعات مورد مطالعه اکتشاف، توصیف و تبیین است، در حالی که روش دانش عامیانه در مواجهه با موضوعات روزمره بیشتر توصیف محض و یا تبیین‌های

همان‌گونه بر اساس هم‌زمانی و هم‌مکانی پدیده‌هاست و یا تبیین‌های جبری، ماورایی و انتزاعی ارائه می‌کند. اغراض دانش علمی در جهت پیش‌بینی، کنترل و مهار و اغراض دانش عامیانه بیشتر توجیهی و مدافعه‌گرایانه، اصلاحی و در جهت گذران زندگی روزمره است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۳: ۸).

از طرف دیگر محتوا و شکل مواد دانش علمی به لحاظ اعتبار از دانش عامیانه متفاوت است. دانش علمی مدعی است به کمک عقل تجربه‌اندیش و ابزاری هم در محتوا و هم در شکل موضوعات به عینیت می‌رسد، بدین معنا بر رعایت اصول بی‌طرفی، به‌عنوان مطمئن‌ترین راه نیل به خرد تأکید دارد. اما معرفت عامیانه اعتبار موضوعاتش به لحاظ محتوا و شکل که حول تشخیص امور زشت از زیبا، اخلاقی از غیر اخلاقی، خوب از بد، درست از نادرست و غیره در جهت گذران زندگی روزمره شکل می‌گرفت، عاطفی، عادت‌ی، شرطی و یا حداکثر عقلایی و به‌عبارتی عقل محض بود و نه عینی و عقلانی (همان: ۱۵).

### ۳- دانش علمی جامعه‌شناسی

شاید بیشتر از هر شاخه‌ای از علوم، جامعه‌شناسی است که با معرفت عامیانه رابطه تنگاتنگی دارد، چراکه برای رفتار بشر تحلیل‌هایی به دست داده و برای سؤالات در ارتباط با رفتار بشر پاسخ‌هایی ارائه می‌کند و علوم طبیعی و زیستی به رابطه انسان و معرفت عامیانه کاری ندارند.

جامعه‌شناسی باید نوع شناخت و درکی را که از تکنیک‌های علمی و نوع شناخت موسوم به فهم عامیانه<sup>۱</sup> که درمیان افراد عملگرا رایج است به

---

1. Common sense

هم بیامیزد. شناخت حاصل از ترکیب این منبع، علم خالص نیست اما فاقد اعتبار هم نیست، یعنی در پیش‌بینی رفتار اجتماعی محتوایش معتبر است (Taylor, 1947: 1).

نه همه یافته‌های جامعه‌شناسی، بلکه اغلب یافته‌های جامعه‌شناسی به نظر می‌رسد که با دانش عامیانه سازگار باشند. جامعه‌شناسان با آزمون نظام‌مند عقاید دانش عامیانه در برابر واقعیات، می‌توانند به این نتیجه برسند که عقاید عامیانه درست هستند یا نه. جامعه‌شناسان برای این کار، انواع طرح‌ها و روش‌های تحقیق را به کار می‌گیرند.

جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته منظم فراتر از دانش عامیانه است. جامعه‌شناسی روش پرس‌وجوی کنجکاوانه است که نیازمند آزمون منظم عقاید در برابر شواهد است. بنابراین جامعه‌شناسان، تعیین می‌کنند که دیدگاه‌های علمی حرفه آنان واقعی است یا ساختگی و به دور از واقعیت. جامعه‌شناسی به مطالعه این امر می‌پردازد که چگونه افراد گروه‌بندی می‌شوند، و چگونه چیزها بر الگوهای روان‌شناختی توده تأثیر می‌گذارند. این یک روان‌شناسی بنیادی است، اما تفاوتش با آن در مطالعه افراد بسیار در آن واحد است. گرچه برخی از موضوعات جامعه‌شناسی مقدماتی به‌عنوان دانش عامیانه در نظر گرفته می‌شوند، اما بسیار عمیق‌تر از آن هستند.

فهم عامیانه، شناخت حاصل شده توسط افرادی است که در موقعیت‌های اجتماعی خاصی زندگی می‌کنند که جامعه‌شناسان درصدد درک و فهم آن هستند. این اصطلاح ممکن است مترادف شناخت عامیانه<sup>۱</sup> باشد یا ممکن است شناخت به‌دست‌آمده توسط مهندسان،

---

1. Folk knowledge



سیاستمداران عملگرا، گزارشگران و کسانی باشد که رفتار افراد و گروه‌ها را تفسیر و پیش‌بینی می‌کنند. این افراد شناخت عامیانه را برای توصیف ادراکشان از موقعیت‌ها و فرایندها به‌جای تئوری به کار می‌برند. یک بخش از شناخت آنها ممکن است علمی باشد، اما بخش عمده‌ای از آن علمی نیست. دانش عامیانه پیکره‌ای از دانش است که توسط گروه‌هایی از اشخاص که عمدتاً سالیان درازی را وقف کرده‌اند و نسل‌هایی که در فرایند زندگی و امرار معاش فعالیت داشته‌اند، به دست آمده است. این شناخت ممکن است در پاره‌ای از موارد کاملاً منطقی و حتی کمی و نه چندان دقیق مانند علم باشد (Nagel, op. cit.).

یکی از ویژگی‌های دانش عامیانه این است که کیفی و سازگار است. در بعضی موارد اندیشمندان قادر به تنظیم و مرتب کردن این شناخت یکنواخت در درون ساخت‌های منطقی و حتی تقلیل آن به نمادهای کمی و تبدیل آن به تعمیمات علمی دقیق هستند. به هر حال چنین تعمیماتی دانش عامیانه را کاملاً به علم تبدیل نمی‌کند، زیرا تعمیمات تقریباً معین و مشخص هستند تا اینکه انتزاعی باشند، به‌طوری که از بعضی از جنبه‌های درک مناسب و سودمند موجود در شناخت سازگار دانش عامیانه صرف نظر کند. این نه به خاطر نقص و ناتوانی و کوتاهی از جانب محقق اجتماعی، بلکه به دلیل ماهیت پدیده‌ای است که با آن تعمیمات منطقی سروکار دارد و همچنین به خاطر ضرورت انتزاع در رسیدن به انتزاع است (Taylor, op. cit.).

به همین دلیل تعمیمات به قدر کافی وسیع برای تشکیل قوانین جامعه‌شناختی می‌تواند با اضافه کردن و روی هم انباشتن تعمیمات دقیق متمرکز بر سطوح پایین‌تر و کمتر جامع و فراگیر تجربه انسان انجام شود.

یک تعمیم گسترده ممکن است درباره وجوه اشتراک عمومی یک پدیده معتبر باشد، اما نتیجه‌گیری‌ها به‌ندرت همه صفات روابط اجتماعی با اهمیت در زندگی روزمره را پوشش می‌دهند (Ibid: 2).

بحث بر سر این نیست که توسعه تعمیمات جامعه‌شناختی کمتر انتزاعی یا نظام‌های انتزاعی اندیشه جامعه‌شناختی سودمند نیستند، بلکه بحث بر سر این است که جامعه‌شناسان نمی‌توانند سهم خود را در ساخت جامعه‌شناسی دقیق خارج از ترکیب علم و دانش عامیانه انجام دهند، مگر اینکه به‌طور مداوم در زمینه نظریه اجتماعی فعالیت داشته باشند. جامعه‌شناسی کاربردی را برای کنش اجتماعی نمی‌توان ایجاد کرد، مگر اینکه تئوری‌ها گام به گام از طریق سطوح گوناگون رفتار انسانی که درباره آنها تعمیم انجام می‌دهیم منتقل شوند و در هر سطح با شناخت دانش عامیانه حاصل شده توسط افرادی که بسیاری از چیزهایی که نمی‌توانند در آمارها یا انتزاعیات بیان کنند ترکیب شوند (Ibid).

انسان‌های دارای دانش عامیانه، افرادی عملگرا هستند که در هر سطح از رفتار بشر در هر جهان از کنش اجتماعی که جامعه‌شناسان در پی تحلیل آن هستند، فعالیت می‌کنند. ترکیب آنچه آنها می‌دانند و آنچه علم آشکار می‌کند، قابل‌سازش نیست. آنها خلاقانه شناخت به‌اصطلاح تئوریک را گسترش می‌دهند؛ اگر تئوری‌ها صحیح باشند، آن را اثبات می‌کنند و اگر نادرست باشند، آن را تعدیل می‌کنند. اگر به‌طور منظم و مداوم این راه توسعه را دنبال کنند، تخیل اهمیت، پیشرفت و سودمندی جامعه‌شناسی دشوار است (Ibid).

جامعه‌شناسان نباید در همه زمینه‌های رفتار انسانی که آنها تحلیل می‌کنند، انسان‌های دارای دانش عامیانه باشند. هیچ دلیلی وجود ندارد

که معتقد باشیم جامعه‌شناس میانه‌رو زندگی خود را در یکی از حوزه‌های رفتاری وقف کرده است. او نمی‌تواند تعمیمات جامعه‌شناسی خود را برای حوزه‌ای از کنش عملی سازد. او در طول عمر خود زمان کافی ندارد تا تعمیمات در همه قلمروهای رفتاری را به دست دهد و در عین حال تحقیق نیازمند توسعه یا درک تعمیماتی است که علم را پدید می‌آورد. او می‌تواند با تخصصی‌سازی همراه شود اما اگر دانشمند دارای دانش عامیانه هم باشد، با مشکل مواجه شود (Ibid).

همچنین به نظر می‌رسد معرفت عامیانه درباره موضوعاتی که شیمی‌دان، فیزیکدان یا ستاره‌شناس بدان مشغولیت دارند، چیزی برای گفتن نداشته باشد. موضوعاتی که آنها با آن سروکار دارند در درون تجارب روزانه و دیدگاه‌های عادی مردان و زنان یک جامعه قرار نمی‌گیرد. بنابراین هیچ متخصصی طبیعتاً خود را قادر به ساخته و پرداخته کردن عقایدی درباره چنین موضوعاتی نمی‌بیند، مگر اینکه توسط دانشمندان دیگر حمایت شود. بدین معنا پروژه‌هایی که توسط دانشمندان علوم طبیعی کشف می‌شوند، به نظر می‌رسد که تنها تحت شرایطی خاص، مثلاً استفاده از لنز تلسکوپ‌های بزرگ ممکن هستند. محصولات چنین پردازش‌هایی مطالعه دقیق دانشمندان دیگر را می‌طلبد، بنابراین آنها مجبور نیستند با معرفت عامیانه بر سر موضوعات مورد تأکید آن بر نحوه استدلال رقابت کنند (Bauman & May, 2001).

#### ۴- تفاوت جامعه‌شناسی و دانش عامیانه

هر اصطلاح جامعه‌شناختی سرشار از مفاهیمی است که به‌وسیله معرفت عامیانه معنا پیدا کرده است. به این دلیل جامعه‌شناسی رابطه

تنگاتنگی با معرفت عامیانه دارد. بنابراین با توجه به مرزهای سیال بین آن دو، بررسی دقیق آنها را نمی‌توان تضمین کرد. اما چهار تفاوت عمده بین آن دو وجود دارد:

جامعه‌شناسی برخلاف دانش عامیانه، سعی دارد خود را تابع قواعد و منطق معتبر درآورد. این صفت علم است که خود را از دیگر صورت‌های شناخت متمایز می‌سازد. جامعه‌شناسان انتظار دارند به‌طور شفاف و ملموس بین گزاره‌های تأیید شده به‌وسیله مدارک موجود و قضایایی که مدعی شأن علمی، تنها از راه دیدگاه‌های آزمون نشده موجود هستند، تفکیک قائل شوند. بنابراین آنها به صفت کلام و منطق معتبر به‌عنوان استدلالی برای اعتبار و پایایی دانشی که آنها تولید می‌کنند اشاره می‌کنند (Ibid).

نکته سوم به زمینه‌ای مربوط می‌شود که مواد تخیل جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. برای بسیاری در زندگی روزانه این زمینه به جهان‌زیست محدود می‌شود. بدین معنا اعمالی را که انجام می‌دهیم، افرادی که ملاقات می‌کنیم، اهدافی که دنبال می‌کنیم و اهدافی که دیگران دنبال می‌کنند و نیز زمان‌ها و مکان‌هایی که در آنها به‌طور عادی تعامل داریم، به‌ندرت درمی‌یابیم که فراتر رفتن از سطح دغدغه‌های روزانه با هدف گسترش افق تجربیاتمان الزامی است. به این دلیل زمان و منابع ضروری است و بسیاری نمی‌توانند آن را فراهم کرده یا مایل نیستند بدان مبادرت ورزند. بنابراین انواع گسترده‌ای از شرایط و تجربیات زندگی در جهان وجود دارد و هر تجربه‌ای جزئی و یک‌جانبه است و تنها زمانی می‌توان این موضوعات را آزمون کرد که با یکدیگر تجربه کسب کنیم و تجربیات کسب شده از جهان‌زیست اکثریت را با یکدیگر مقایسه کنیم. تنها از آن

#### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۷۳

پس، واقعیات مرتبط با تجارب افراد آشکار می‌شود و همچنین شبکه پیچیده وابستگی‌ها و پیوندهای متقابل که آنها در آن درگیرند، یعنی شبکه‌ای که به فراتر از حوزه گسترش می‌یابد ممکن است از دیدگاه بیوگرافی فردی قابل دسترس باشد. نتایج کلی آن گسترش افق‌ها، کشف پیوند تنگاتنگ بین بیوگرافی فردی و فرایندهای اجتماعی گسترده است. بنابراین دانش جامعه‌شناختی برخلاف دانش عامیانه که در دسترس همگان بوده و همه می‌توانند از استفاده کنند، تنها به‌وسیله خودش فراهم می‌شود (Ibid).

جامعه‌شناسی و دانش عامیانه در شیوه درک و تبیین واقعیات و شرایط انسانی متفاوتند. ما از تجارب خود درمی‌یابیم که پدیدآورندگان واقعیات هستیم و می‌دانیم آنچه را که ما انجام می‌دهیم پیامد نیات ماست، ممکن است پیامدها آن‌گونه که ما قصد کرده‌ایم نباشند. ما به‌طور طبیعی برای دستیابی به یک حالت از امور خواه به‌منظور تملک یک شیء و یا جلوگیری از امور نامطلوب به کنش روی می‌آوریم. به‌طور طبیعی، شیوه‌ای که ما به کنش‌هایمان می‌اندیشیم، به‌عنوان مدلی برای درک کنش‌های دیگران به کار می‌رود. پس تنها شیوه‌ای که ما می‌توانیم از آن طریق جهان پیرامون خود را درک کنیم، گرفتن ابزارهای تحلیلمان از درون جهان زیستمان است. ما علاقه‌مندیم هر چیزی را که در جهان رخ می‌دهد تا اندازه‌ای درک کنیم. تخیل جامعه‌شناختی درک کنش انسانی از طریق تحلیل شبکه‌های گوناگون وابستگی متقابل است، یعنی دشوارترین واقعیاتی که ما به آنها به‌منظور تحلیل انگیزش‌هایمان و پیامدهای آنها اشاره می‌کنیم (Ibid).

قدرت دانش عامیانه به ویژگی بدیهی بودن آن برمی‌گردد. بدین معنا

که حکمش زیر سؤال نمی‌رود و در عمل خودتأییدکننده<sup>۱</sup> است. ما برای گذران زندگی به دانش عامیانه نیازمندیم. وقتی اغلب به قدر کافی تکرار می‌شود، امور آشنا تر می‌شوند و این آشنایی به صورت خوداکتشافی<sup>۲</sup> مشاهده می‌شود. این موضوع بیانگر هیچ مسئله‌ای نیست و ممکن است کنجکاوی را برانگیزد. اگر مردم از امور آن گونه که هست، خشنود باشند، سؤالی نمی‌پرسند (Ibid).

دیدگاه‌ها و تبیین‌های دانش عامیانه بیانگر شکلی از چشم‌انداز اجتماعی است، زیرا مدعی‌اند که بیانگر اموری هستند هر کس درباره جهان اجتماعی و رفتار بشر می‌داند. این دیدگاه‌ها لزوماً درست نیستند، اما از علم جامعه‌شناسی متمایز می‌شوند.

از آنجا که دیدگاه‌های دانش عامیانه درباره مسائلی هستند که همه بر درستی آن توافق داشته و درباره اعتبار آن تردید ندارند، در این راستا مسئله عمده دانش عامیانه این حقیقت است که آنها به طور مؤثر امکان هرگونه بحث را به نفع همگرایی عقیده خاتمه می‌دهند. جامعه‌شناسان استدلال می‌کنند که این دست‌ورعملی برای پیشرفت یا درک انسان نیست.

از سوی دیگر شناخت جامعه‌شناختی نسبت به بیشتر اشکال و صورت‌های دانش عامیانه معتبر است، چرا که ادعاهای جامعه‌شناسی به طریقی آزمون می‌شود. به زبان ساده‌تر، جامعه‌شناسان سعی می‌کنند گزاره‌هایشان را درباره رفتار بشری بر اساس شواهد استوار سازند، نه بر اساس پیش‌فرض‌های ساده. بنابراین جامعه‌شناسان بر استدلال و

- 
1. Self-confirmative
  2. Self-exploratory

دلایل متمرکزند تا بر دفاع و توجیه ساده‌انگارانه از واقعیات (Ibid). شناخت و دانش جامعه‌شناختی به‌طور مرتب در تضاد با آنچه همگان معتقدند، است. شناخت جامعه‌شناختی محصول توسعه تئوری و آزمون آن است، در صورتی که شناخت دانش عامیانه تنها محصول پیش‌فرض‌هاست.

دانش جامعه‌شناختی تنها بیان بدیهیات با استفاده از کلمات و واژگان بسیار طولانی و پیچیده است. دانش جامعه‌شناختی به‌طور مرتب بیانگر چیزهایی است که به‌طور بی‌واسطه آشکار نیستند. این همان چیزی است که موضوع بصیرت منحصربه‌فرد در درون جامعه، فرهنگ و رفتار انسانی است (Ibid).

از این دیدگاه، می‌توان گفت: آشنایی ممکن است در تنش با کنجکاوی باشد و این نیز می‌تواند باعث تحریک اختراع و دگرگونی شود. در یک مواجهه با دنیای آشنا تحت حاکمیت عادات که قدرت تأیید دوباره عقاید را دارد، جامعه‌شناسی ممکن است با آزمون آنچه مسلم فرض شده است، پتانسیل به هم زدن قطعیت‌های راحت زندگی را با زیر سؤال بردن اینکه هیچ‌کس نمی‌تواند به خاطر بیاورد داشته باشد و به‌عنوان فضول یا بیگانه ناراحت‌کننده ظاهر شود. جامعه‌شناس در یک مجادله پایدار با دانش عامیانه در پی غلبه بر محدودیت‌های آن از طریق ایجاد امکانات است که به سادگی موانع درک را از میان بردارد. جامعه‌شناسی با عنوان کردن و به چالش کشاندن دانش مشترک، ما را تشویق می‌کند که تجارب خود را دوباره سنجیده و امکانات جدید را دوباره کشف کنیم (Ibid).

## ۵- نتیجه‌گیری

دانش عامیانه در زبان روزمره به‌عنوان عقاید افراد معمولی یا عقایدی دقیق و سنجیده‌ای تعریف می‌شوند که اغلب با داوری ساده درک می‌شود. همچنان که دانش عامیانه دارای گزاره‌های اشتباه، متناقض و متعارض است، نوشته‌های جامعه‌شناسی نیز از این مشکلات مبرا نیست و متشکل از عقاید و اندیشه‌هایی است که در یک دوره زمانی مسلط و در دوره دیگر به‌وسیله عقاید دیگر به چالش کشیده می‌شوند. دفاع از جامعه‌شناسی را نباید به‌عنوان پذیرش نابرابری‌ها، پیش‌داوری‌ها و تبعیض‌های محیط پیرامون تلقی کنیم. دانش و معرفت عامیانه در یک زیست‌جهان اجتماعی خاص تحت عنوان زیست‌جهان عامیانه شکل می‌گیرد که ریشه در آگاهی زندگی روزمره و رشته‌ای از معانی و مقولات دارد که به فرد مجال می‌دهد تا راه خود را از میان فعالیت‌های عادی و ارتباطاتش با دیگران پیش گیرد. آگاهی در این متن نسبتی با اندیشه‌ها، نظریه‌ها یا ساخت‌های عالمانه ندارد. بیشتر اوقات، این آگاهی زندگی روزمره آگاهی ماقبل نظری است، بنابراین جامعه‌شناسی شناخت خود را فراتر از دانش عامیانه به دست می‌آورد. در فرایند عقلانیت با صوری و انتزاعی شدن ساختارهای زندگی روزمره، زیست‌جهان علم (دانش علمی) از زیست‌جهان روزمره (دانش عامیانه) ریشه می‌گیرد. هرچند جامعه‌شناسی و دیگر علوم اجتماعی متهم هستند که چیزی بیش از دانش عامیانه نیستند، با این حال می‌توان استدلال کرد که یقیناً تعدادی از یافته‌های جامعه‌شناسی، دانش عامیانه درباره جامعه را بر اساس بینادهنیت جهان‌زیست علم و تأکید بر عدم قطعیت و ابطال‌پذیری



گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۷۷

یافته‌های علمی و به‌طور روشمند و مبتنی بر طرح تئوریک و دست‌گاه  
تئوری منسجم تأیید می‌کند و احتمالاً دوباره به درون فرهنگ روزمره  
وارد می‌شوند.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. برگر، پیتر و توماس لاکمن، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۲. برگر، پیتر، بریجیت برگر و هانسفرید کلنر، ذهن بی‌خانمان؛ نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۳. شجاعی‌زند، علیرضا، «بررسی دانش جامعه‌شناختی و اندیشه اجتماعی»، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۱، ۱۳۸۳.
۴. قانع‌راد، محمد امین، «شیوه جدید تولید دانش، ایدئولوژی و واقعیت»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، ۱۳۸۱.

### ب) منابع لاتین

1. Bauman, Zygmunt & Tim May, Thinking Sociologically, Wiley-Blackwell, 2001.
2. Kittel, Bernhard, Some Reflections on Life, the Universe, and Everything, as well as a few other Petitesses, 1995.
3. Nagale , Robert, Sociology and Common Sense, 1960.
4. Schutz, Alfred, "Common-sense and Scientific Interpretation of Human Action" In The Collected Papers of Alfred Schutz, Vol. I. The Hague: Nijhoff, 1962.
5. Smith, Barry, "Formal Ontology, Common Sense and Cognitive Science", International Journal of Human-Computer Studies, 43 (1995) , 641-667.
6. Taylor, Carl C., "Sociology and Common Sense", American Sociological Review, Vol. 12, No. 1. pp1-9, 1947.

## نظریه شبیه‌سازی<sup>۱</sup> در علوم اجتماعی

دکتر مریم یارمحمد توسکی\*

### مقدمه

نظریه شبیه‌سازی به‌عنوان یکی از توانایی‌های ذهن انسان، در حیطه‌های علوم اجتماعی همچون روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و... و علوم پایه و فنی همچون، آمار، ریاضیات، کامپیوتر و... مطرح است. از طرف دیگر، ابزار و روش تحلیل نظری محسوب می‌شود. ساده‌ترین شکل به‌کارگیری این فن در زندگی روزمره انسان است که او را قادر می‌سازد تا از طریق ارتباط بین اذهان، به پیش‌بینی رفتار اطرافیان در کنش‌هایش بپردازد. این مطالعه در نظر دارد تا کاربرد شبیه‌سازی را با رویکردی علمی در مطالعات و تحقیقات اجتماعی مورد کنکاش قرار دهد.

در این راستا، تلاش شده است ابتدا تعریفی جامع از نظریه

---

### 1. Simulation theory

\* عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.

شبیه‌سازی ارائه شود، سپس به بحث در خصوص جایگاه و کاربرد آن در علوم اجتماعی و تحقیقات معاصر پرداخته و در پایان، مسائل پیش روی این نظریه و نتایج حاصل از آن تحلیل شود.

درک جامعه‌شناسانه «واقعیت» و «شناسایی»، جایی در حد فاصل میان درک انسان عامی و درک فیلسوف قرار می‌گیرد. انسان عامی معمولاً درباره آنچه در نظرش «واقعی» است یا درباره آنچه «می‌شناسد» زحمتی به خود نمی‌دهد، مگر آنکه نوعی مسئله در برابرش قد علم کند. او «واقعیت» و «شناخت» خود را اموری مسلم می‌انگارد. جامعه‌شناس نمی‌تواند چنین کند، زیرا به این حقیقت آگاهی اصولی دارد که انسان‌های عامی جوامع مختلف «واقعیت‌های» کاملاً مختلفی را امور مسلم فرض می‌کنند (لاکمن و برگر، ۱۳۷۵: ۸).

تحلیل رفتار انسان و پیش‌بینی آنچه او انجام خواهد داد و یا کنترل رفتار انسان همواره در طول تاریخ از دغدغه‌های اصلی فیلسوفان و متفکران اجتماعی بوده است. انگیزه اصلی این‌گونه مطالعات بر پایه این سؤال آغازین است که چگونه می‌توان دست به پیش‌بینی رفتار مردم زد؟ مردم در زندگی روزمره مسلح به توانایی خاصی به نام «همدلی» هستند که قادرند از این طریق عواطف و احساسات یکدیگر را بفهمند. نمونه کاملاً عینی همدلی را می‌توان در برخی شواهد، بیان کرد: کسی که احساس درد می‌کند و آنهایی که او را می‌بینند، هر دو درد را حس می‌کنند و یا وقتی کسی مغموم است و ما او را می‌نگریم، تظاهر صوری ناراحتی او در چهره ما هم ایجاد می‌شود.

«طی سه دهه اخیر گستره وسیعی از ظرفیت‌های شناختی انسان مورد مطالعه دقیق تجربی قرار گرفته است. یک هدف بنیانی در حوزه

معرفت‌شناسی معاصر، تبیین توانایی‌ها و ظرفیت‌های شناختی انسان است. از جمله این مطالعات: تولید و ادراک جملات طبیعی در زبان بزرگسالان، ظرفیت بالای کسب زبان طبیعی در کودکان، توانایی حل مسائل ریاضی، توانایی دستکاری و پیش‌بینی رفتار و بسیاری موارد دیگر. در بین همه اینها یک استراتژی تبیینی غالب در ساختار دانش مطرح است که همانا قواعد، اصول و یا قضایایی است که تحت عنوان «تئوری» برای پاسخ به یک پرسش غالب می‌تواند مطرح باشد. تئوری یکی از دستاوردهای مهم کارکرد و توانایی ذهن است» (Stich and Nichols, 1992).

تئوری به‌عنوان راهنمای عمل در «زندگی روزمره»<sup>۱</sup> هم به کار گرفته می‌شود. مردم توسط تئوری‌ها دست به تفسیر، توصیف و عمل می‌زنند. همچنین مردم قادرند نسبت به رفتار یکدیگر تبیین‌هایی را ارائه دهند. این توانایی روزمره در زندگی انسان، ناشی از یک ظرفیت ذهنی است که می‌تواند ارتباط بین اذهان مقابل را ایجاد کرده و از آن طریق پیش‌بینی رفتار صورت پذیرد. رابرت گوردون<sup>۲</sup> و الوین گلدمن<sup>۳</sup> با حساسیتی خاص به بحث و مطالعه پیرامون سازوکار شناختی نهفته در این توانایی انسان پرداخته‌اند.

«اندیشمندان حوزه معرفت‌شناسی بر این باورند که این توانایی ذهنی انسانی درونی نیست، بلکه ناشی از همدلی ذهنی خاصی است که افراد آن را در مدل‌های رفتاری خود با دیگران به کار می‌برند. استدلال نظری

- 
1. Daily Life
  2. Robert Gordon
  3. Alvin Goldman

همدلی در بحث «نظریه شبیه‌سازی» نهفته است. این نظریه شرحی است بر اینکه چگونه انسان‌ها می‌توانند به این درک و توانایی برسند. مردم به واسطه نظریه شبیه‌سازی به توصیف حالات ذهنی و پیش‌بینی و تبیین رفتار دیگران می‌پردازند. این نظریه به‌عنوان یک فرضیه تجربی در حوزه معرفت‌شناسی و هم به‌عنوان یکی از مفاهیم ذهنی در فلسفه ذهن توسعه یافته است. نظریه شبیه‌سازی بر روان‌شناسی و به‌ویژه زیبایی‌شناسی و فلسفه علوم اجتماعی تأثیرات قابل توجه داشته است» (Gordon and Cruz, 1996)

بدین ترتیب به نظر می‌رسد «نظریه شبیه‌سازی» در درک و فهم رفتار مردم از منظر مطالعات اجتماعی و آکادمیک از جمله در مطالعات کیفی، در خور توجه است و یکی از زمینه‌های قابل طرح در روش‌شناسی علوم اجتماعی می‌تواند قرار گیرد.

### ۱- مفهوم نظریه شبیه‌سازی

امروزه این نظریه در حوزه مطالعاتی فلسفه ذهن به‌عنوان یک عامل قوی و تأثیرگذار شناخته شده است. نظریه شبیه‌سازی نشانگر قابلیت احساس و درک رفتار دیگران است. یک فاکتور اصلی آن همانندسازی و مشارکت درون ذهنی است که منجر به شکل‌گیری رفتار در فرد می‌شود. یک «ذهن‌خوانی»<sup>۱</sup> موفق می‌تواند پیش‌بینی و تبیینی از آنچه دیگران قصد انجام آن را دارند، مهیا سازد. از این طریق پویایی زندگی اجتماعی غنی می‌شود.

---

1. Mind reading

نمود بارز نظریه شبیه‌سازی این است که فرد از طریق فعالیت‌های بین ذهنی، فرایندهای رفتاری دیگران را به واسطه «شبیه‌سازی ذهنی»<sup>۱</sup> دوباره می‌تواند در خود به نمایش بگذارد. فهم رفتار دیگران از طریق تبادل ذهنی اساساً بستگی به چگونگی ادراک ما از آن حالات ذهنی دارد. برای فهم واقعی رفتار باید ریشه‌یابی اساسی در ادراک و ذهنیت شخص اول صورت پذیرد (Ibid).

اگرچه نظریه شبیه‌سازی در قرن بیستم به‌عنوان یک نظریه غالب مبتنی بر رویکردهای همدلی و فهم در تبیین‌های علوم اجتماعی وارد شد، اما اغلب صاحب‌نظران این بحث نتوانستند چهارچوب نظری و روش‌شناختی مشخصی برای آن ارائه دهند. نظریه شبیه‌سازی در تولید فرضیات پیرامون یک موضوع مشخص نقش نظری مهمی دارد. به‌طور مثال، وقتی داروی جدیدی وارد بازار می‌شود، داروشناسان از طریق مشابهاات عکس‌العملی در مصرف دارو که در واقع نوعی شبیه‌سازی رفتار نسبت به محرک دارو است، می‌توانند عوارض جانبی دارو را تعیین کرده و پیش‌بینی در باب اثرات مفید داروی جدید را نیز داشته باشند. گلدمن (۱۹۸۹) از نظریه شبیه‌سازی دفاع می‌کند. به نظر او از قوانین ریاضی نمی‌توان در پیش‌بینی‌های مبتنی بر عقاید و آرزوها استفاده کرد. یکی از راه‌های پیش‌بینی رفتار، به اصطلاح «پا در کفش دیگران کردن» است که به معنای خود را جای دیگری قرار دادن به‌منظور یافتن تصورات و ذهنیات اوست. ما از طریق شبیه‌سازی، موقعیت دیگران را درک کرده و به تفسیر آن می‌پردازیم (Michlemayr, 2002).

---

## 1. Mental simulation

## ۲- تاریخچه شکل‌گیری نظریه شبیه‌سازی

تاریخچه این نظریه به گذشته‌ای دور برمی‌گردد. شبیه‌سازی و همدلی ریشه در روش‌شناسی تفسیری ویلهلم دیلتای و مباحث فلاسفه بزرگی چون هیوم و کانت دارد. پرنر و هوز<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) شبیه‌سازی را به‌عنوان یک نظریه قدیمی رشدیافته در چرخه‌های روان‌شناختی توصیف کردند. در این بحث ویژه روان‌شناسی پیازه مدخلیت دارد. به‌طور مشخص در بحث نقش‌گیری پیازه، شبیه‌سازی به کودک کمک می‌کند تا بر ابعاد خودمدارانه اش فائق آید.

فولر<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) معتقد است، شبیه‌سازی و همدلی توسط پوزیتیویست‌ها کشته و سوزانده شده است. پوزیتیویست‌ها معتقد بودند که بین متن یا زمینه اکتشاف با زمینه قضاوت و ادعا نمی‌تواند همدلی حضور داشته باشد و این مقوله تنها به متون گذشته تعلق دارد. پوتنام در خصوص ایفای نقش همدلی بر ارزیابی فرضیات تأکید دارد، زیرا از طریق همدلی می‌توان به توجیه رسید (Ibid).

سروش در بحث همدلی و نظریه از دید وبر معتقد است: نظریه گمانی است از راه همدلی. همدلی برای نظریه‌پرداز باید بر این اصل استوار باشد که به نیت درونی فاعل دست یابد. پس رفتن به سوی معنای رفتار برای وبر، گامی مهم در راه نظریه‌پردازی است و این ممکن نمی‌شود، مگر از طریق همدلی و فهم سوژه مورد شناسایی (سروش، ۱۳۷۶: ۳۶۰).

بنابراین شبیه‌سازی و همدلی در رویکرد تفسیری و یا معناکاوانه<sup>۳</sup>

- 
1. Perner & Howes
  2. Fuller
  3. Hermeneutic



جهت بازسازی معنا و محتوای اعمال و نظم‌های اجتماعی ابزاری در دست محقق است که او را به سوی هدف راهنمایی می‌کند. دانیل لیتل معتقد است: با همدلی، بازسازی خلاق<sup>۱</sup> امکان‌پذیر می‌شود. پدیده‌های اجتماعی همچون متنی هستند که عناصر مختلف مثل حوادث و اعمال اجتماعی را باید از درون آنها بیرون کشید. بررسی و بازسازی خلاق از طریق همدلی میسر می‌شود (لیتل، ۱۳۸۱).

### ۳- نظریه شبیه‌سازی و روان‌شناسی عامه

نظریه شبیه‌سازی بر تئوری روان‌شناسی عامه تأکید دارد. اساس این نظریه بر این است که فرد بتواند خود را جای دیگری قرار دهد و از زاویه دید او قضایا را پیش‌بینی و یا تبیین کند. بنابراین نظریه شبیه‌سازی اساساً با حوزه علم روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی عامه مدخلیت دارد. پیش‌بینی و تبیین رفتار از طریق شبیه‌سازی به‌گونه‌ای درونی صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، پیش‌بینی رفتار مقوله‌ای است که در قالب «شبیه‌سازی خارج سیستمی<sup>۲</sup>» که منظور سیستم فیزیکی و ارگانیکی است، عمل می‌کند (Michlemayer, op.cit).

روان‌شناسی عامه به‌عنوان «شبیه‌سازی ذهنی» معرفی شده است. این مقوله‌ای است که از ابتدا مورد بی‌مهری قرار گرفته و اساساً به‌عنوان نظریه‌ای ناقص و معیوب ارزیابی می‌شد. خاستگاه نظریه شبیه‌سازی در «عقل سلیم» و روان‌شناسی عامه است. بر پایه شبیه‌سازی در رفتارهای روزمره نیازی به ذخیره‌سازی اطلاعات وسیعی از پدیده‌ها و عکس‌العمل‌ها

- 
1. Imaginative
  2. Off-line simulation

نیست، کافی است با شبیه‌سازی تنها، همچون دیگران و از طریق ذهن خوانی دیگران، رفتاری تأیید و به عمل بینجامد. بسیاری از رفتارهای روزمره ما به شکل شبیه‌سازی با دیگران صورت می‌گیرد (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2004).

#### ۴- نظریه شبیه‌سازی در برابر نظریه - نظریه<sup>۱</sup>

از آنجا که نظریه شبیه‌سازی نتوانست به چهارچوب نظری و روش‌شناختی مشخصی به‌عنوان علم برسد، در اندیشه‌های معاصران حریفی جدید در مقابل آن قرار گرفت که نظریه-نظریه نام دارد.

گوردون (۱۹۹۶) نظریه - نظریه را به‌عنوان یک نظریه سرد با روش‌شناسی اساساً سرد که در فرایند روشنفکری کاربرد دارد، مطرح کرد. در مقابل، او به روش‌شناسی داغ اشاره دارد که شامل منابع عاطفی و انگیزشی یک فرد است و ظرفیت عملی و استدلالی او را می‌سازد. نظریه شبیه‌سازی نمونه یک روش‌شناسی داغ است (Ibid).

نظریه - نظریه مدعی است که می‌توانیم با استفاده از قابلیت روان‌شناسی عامه، همچون دیگر تئوری‌های عامه مثل فیزیک عامه، زیست‌شناسی عامه، آمار شهودی و... بر زندگی روزمره با موفقیت مسلط شد.

اگرچه ما در زندگی روزمره از این تئوری‌ها به‌طور ثابت استفاده می‌کنیم، اما در کل بر قوانین آن آگاه نیستیم و فقط در سطح «دانش ضمنی»<sup>۲</sup> آن را به کار می‌بریم. بلک برن<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) سعی کرد، توصیفی از

---

1. Theory - theory  
2. Tacit knowledge

ارتباط بین دانش ضمنی و تئوری‌ها بیان دارد. به عبارت دیگر، مطلوب آن است که ارائه‌ای نظری از شبیه‌سازی و همدلی صورت پذیرد و بتوان از تفسیری مبتنی بر شبیه‌سازی در سطح عامه به یک نظریه علمی رسید. واژه باور عامیانه به‌عنوان قسمتی از چهارچوب نظری روان‌شناسی عامه، می‌تواند در فهم باور عامیانه جای گرفته و در قالب تئوری که توانایی اتصال به وضعیت‌ها، کیفیت‌های مختلف را با عوامل تبیینی و مربوطه آنها ارائه کند. بدین ترتیب این قوانین بیانگر ارتباطات بین ویژگی‌ها و صفات متنوعی است که به‌صورت اصول بدیهی به‌وسیله یک تئوری بیان می‌شود (Gordon and Cruz, 1996).

چرچلند<sup>۲</sup> (۱۹۹۱ و ۱۹۹۵) یکی از حامیان نظریه - نظریه است. او روان‌شناسی عامه را به‌عنوان یک نظریه تجربی، در صورتی قابل ارزیابی و آزمون می‌داند که در قالب نظریه - نظریه درآید. به‌علاوه در قالب تئوری، تبیین و پیش‌بینی رفتار انسانی در سطحی وسیع امکان‌پذیر می‌شود. نظریه - نظریه بر پایه استدلال‌های منطقی و قوانین شکل می‌گیرد و فواید زیادی را در سطح یک دانش علمی ایجاد می‌کند. یکی از کاربردهای آن در بحث هوش مصنوعی<sup>۳</sup> است که کارکرد آن در کامپیوترها و روبات‌ها بر پایه فهم روان‌شناسی عامه (شبیه‌سازی با هوش انسانی) شکل گرفته، دیده می‌شود.

درنهایت نظریه - نظریه که بر پایه روان‌شناسی عامه شکل گرفت، به‌عنوان یک نظریه، امکان ابطال‌پذیری در اصول و قضایای تئوری را نیز

- 
1. Blackburn
  2. Churchland
  3. Artificial intelligence

برای روان‌شناسی عامه ایجاد می‌کند (Michemayr, op. cit.). بنابراین کاربرد نظریه-نظریه اگرچه از همدلی و شبیه‌سازی در سطح روان‌شناسی عامه استخراج شده، اما دیگر با منطق علمی و اصول بدیهی‌اش، در سطح عامه عمل نمی‌کند و در حیطه تحقیقات علمی کاربرد می‌یابد.

### ۵- اهمیت توجه به نظریه شبیه‌سازی در تحقیقات معاصر

در این قسمت برخی نتایج حاصل از تحقیقات در حوزه‌های مختلف که تأییدی بر حمایت‌های نظری از قابلیت نظریه شبیه‌سازی است، آورده شده است.

#### ۱-۵- خودگرایی (سندرم اوتیسم)<sup>۱</sup>

کوری (۱۹۹۶) دو نظریه شبیه‌سازی و نظریه-نظریه را روی سندروم اوتیسم آزمایش کرد. او نشان داد، قابلیت نظریه شبیه‌سازی بر چگونگی دانستن و قابلیت نظریه-نظریه بر چه دانستن است. او فهرستی از فقدان‌های نظری مردمی را که درگیر سندروم اوتیسم هستند، نشان داد. طبق نظریه-نظریه، اوتیسم نقص در دانستن است. بر این اساس مردم درگیر با این سندروم، برخی قضایا و اصول زندگی روزمره را نمی‌دانند و احتمالاً توانایی صورت‌بندی آنها را نیز ندارند. طبق نظریه شبیه‌سازی، اوتیسم نقص در توانایی تخیل انسان است. توانایی تخیل قادر است انسان

---

#### 1. Autism

تمایل مرضی به تمرکز افکار روی شخص خود و داشتن آرزوهای خیالبافانه و افسانه‌ای برخلاف واقعیت، همراه با کناره‌گیری شدید و دوری از مردم.

را در موقعیت‌های دیگر بر پایه یک وضعیت واقعی متصور شود. البته اوتیسم تنها نقص افراد در شبیه‌سازی و همدلی با دیگران نیست، بلکه افراد مبتلا به درجات مختلف در ارتباطات کلامی و غیر کلامی دچار مشکل هستند (Ibid).

## ۲-۵- سیستم نورون‌های آینه‌ای<sup>۱</sup>

با کشف وجود نورون‌های خاصی در کورتکس مغز میمون و فعال شدن آنها در زمان چنگ زدن و یا گرفتن چیزی، زیست‌شناسان متوجه شدند، در این زمان‌های خاص، نورون‌های مربوطه حساس شده و میمون‌ها قادر به تصویرسازی و یا شبیه‌سازی با آزمایشگر می‌شوند. این قابلیت به‌طور پیشرفته در انسان‌ها وجود دارد. انسان به‌طور طبیعی امکان بالقوه برای همدلی و شبیه‌سازی را در فیزیولوژیک بدن خود دارد. از این طریق توانایی «تجربید<sup>۲</sup>» و منتزع کردن مشاهدات توسط قواعد منطقی و عقلانی به شیوه «قیاس عملی<sup>۳</sup>» تأیید می‌شود. این سازوکار قدرت تطابق را از طریق شبیه‌سازی ایجاد کرده و ما را قادر می‌سازد تا استدلال‌های رفتاری خود را بر اساس مدل‌ها تنظیم و اقدام کنیم، تا زمانی که شرایط و یا عوامل محیطی دچار تغییر نشده باشند (Gordon and Cruz, op.cit.).

---

### 1. Mirror neuron system

اشاره به مجموعه‌ای از کانون‌ها در سطح پوسته مغز است که بر احساسات، عواطف و فهم کنش فرد اثر دارد.

### 2. Abstract

### 3. Practical Syllogism

### ۳-۵- صرفه‌جویی<sup>۱</sup>

گوردون و کروز این اصطلاح را به کار بردند. اکثر نویسندگان منشأ شکل‌گیری عقاید، باورها و تمایلات انسانی را روان‌شناسی عامه و همدلی و درک این موضوعات توسط مردم می‌دانند. علاوه بر این ارتباطات معنایی موجود در رفتار انسان‌ها باید چیز دیگری در موجود انسانی باشد که این توانایی را ممکن سازد و انسان را قادر سازد تا دست به قیاس عملی بزند. این توانایی عملی که با منشأ فیزیولوژیکی است، توسط سیستم نوروها ایجاد می‌شود.

گوردون و کروز با طرح ویژگی صرفه‌جویی در نظریه شبیه‌سازی نشان می‌دهند که نوعی خلاصه‌سازی و صرفه‌جویی در جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات و درک اطلاعات در رفتار انسانی صورت می‌گیرد که این فرایند صرفه‌جویی و خلاصه‌سازی با نظریه شبیه‌سازی تبیین می‌شود. نظریه شبیه‌سازی همچون روش‌شناختی پایه‌هایی در باورهای عامیانه توانایی شبیه‌سازی در سطح باورهای عامیانه برای پیش‌بینی و تبیین رفتار به کار گرفته می‌شود. در واقع، شبیه‌سازی روش کسب دانش عامیانه محسوب می‌شود. شبیه‌سازی که توسط همدلی و عاطفی و انگیزشی رخ می‌دهد، با ارزیابی اخلاقی توأم است. به عبارت دیگر، اگر فرد در همدلی به شبیه‌سازی خاصی نرسد، می‌تواند از این قابلیت با توجه به ارزیابی اخلاقی - ارزشی در هر راه دیگری استفاده کند.

---

1. Parsimony

## ۶- مسائل پیش روی نظریه شبیه‌سازی

از آنجا که شبیه‌سازی در حوزه فلسفه ذهن جایگاه مهمی دارد، بنابراین مباحث و نقدهای درخور توجهی هم در مقابل آن مطرح است که از جمله آنان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

### ۱-۶- نیاز شبیه‌سازی به یک تئوری

بسیاری از مباحث حول این محور است که شبیه‌سازی نیازمند یک تئوری است که بتواند به‌نحو موفقیت‌آمیزی به کار گرفته شود. البته اینکه شبیه‌سازی همراه تئوری باشد و یا بدون تئوری به کار گرفته شود قابل بحث است. اما جهت شکل دهی به تبیین‌ها و عقاید دیگران یک تئوری از قبل طراحی شده برای یک شبیه‌سازی ساده مفید به نظر می‌رسد. دنت<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) شبیه‌سازی را بدون وجود مبانی نظری عجیب می‌داند. در اینجا دو حالت مطرح می‌شود: ۱- تئوری راهبر<sup>۲</sup> و ۲- فرایند مشتق‌شده شبیه‌سازی<sup>۳</sup>.

گلدمن موافق اشتقاق تئوری شبیه‌سازی است. از نظر وی داشتن نظریه‌ای که بر اساس مشاهده واقعیت، دستگاه نظری تصمیم‌سازی را بسیار مشابه با آنچه فرد در عمل انجام می‌دهد، طراحی کند، ضروری است (Michemayr, op.cit.).

بنابراین اگرچه از طریق شبیه‌سازی می‌توان دست به پیش‌بینی و تبیین رفتار مردم زد، اما وجود یک تئوری در شکل دادن تبیین و

---

1. Dennet  
2. Theory- driven  
3. Simulation process- driven

۱۹۲ ► روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

پیش‌بینی‌های مستدل و منطقی قابل توجه است.

## ۲-۶- نقد شبیه‌سازی صوری

فولر (۱۹۹۵) معتقد است: در برابر نظریه شبیه‌سازی گوردون مسائلی قابل طرح است؛ از جمله اینکه انسان همیشه با همدلی و شبیه‌سازی دقیقاً همان رفتاری را انجام نمی‌دهد که ذهن‌خوانی کرده است. برای مثال وقتی فردی را می‌نگریم که غمگین است، برای اینکه حالت او به ما منتقل شود، باید زمینه‌ای از غم در ما وجود داشته باشد تا شبیه‌سازی رخ دهد و شبیه‌سازی یک توانایی ساده و مکانیکی از تحریک شدن نیست.

## ۳-۶- نظریه شبیه‌سازی بر پایه درون‌نگری<sup>۱</sup>

گلدمن و هریس معتقدند که درون‌نگری لازمه «انتقال»<sup>۲</sup> در فرایند شبیه‌سازی است. گوردون تلاش دارد که مفهوم انتقال را با مقوله «تحویل»<sup>۳</sup> مسلم فرض کند. نگرش انتقادی در شبیه‌سازی، نگاه گوردون را بدون توجه به درون‌نگری نمی‌پذیرد، زیرا فرایند شبیه‌سازی نیاز به درک نیت فرد دارد و درک نیت‌های دیگران بدون درون‌نگری امکان‌پذیر نیست (Ibid).

## ۷- نتیجه‌گیری

- نظریه شبیه‌سازی بر این فرض مسلم استوار است که همدلی یک

- 
1. Introspection
  2. Transfer
  3. Transformation



توانایی است و این توانایی بر «ذهنیت‌بافی»<sup>۱</sup> متمرکز است. توانایی ذهن‌یابی دیگران از طریق قرار دادن خود به‌جای دیگران امکان‌پذیر است. - شبیه‌سازی یک نوع نقش نفوذی در دیگران است که فرد از این طریق، سیستم تصمیم‌سازی خود را با عقاید، خواسته‌ها و گرایش‌های شخص مورد نظر تغذیه می‌کند. به عبارت دیگر، شبیه‌سازی نوعی گذارسانی ذهنی برای فردی است که از توانایی ذهنی خود استفاده می‌کند.

- شبیه‌سازی «روشی ابتدایی»<sup>۲</sup> در مطالعه رفتار انسان‌هاست. اگر در چهارچوب یک نظام تئوریک قرار گیرد، «توجیه‌پذیری»<sup>۳</sup> منطقی پیدا می‌کند و از سطح دانش عامیانه فراتر می‌رود.

- وابستگی نظریه شبیه‌سازی و روان‌شناسی عامه در حدی است که روان‌شناسی عامه مترادف شبیه‌سازی ذهنی معرفی شده است. شبیه‌سازی به روان‌شناسی عامه توانایی علمی می‌دهد، به‌گونه‌ای که با مسلح شدن به ویژگی‌های یک تئوری علمی همچون اصول: صدق و کذب، توجیه‌پذیری، ابطال‌پذیری و... قوانین و الگوهای رفتاری پیشین را به آزمون می‌کشاند.

گلدمن نشان داد تعادلی مطلوب با ارائه مسیری شفاف بین توانایی شبیه‌سازی و کاربرد دانش نظری توأم با تعمیم‌پذیری وجود دارد و باید حرکت به‌سوی یک تئوری منسجم که بتواند ابعاد متفاوتی از الگوهای رفتاری را در بر گیرد، صورت پذیرد.

- 
1. Mind reaming
  2. Primary method
  3. Plausibility

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. برگر، پیتر و توماس لاکمن، ساخت واقعیت اجتماعی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: نشر اندیشه‌های عصر نو، ۱۳۷۵.
۲. سروش، عبدالکریم، درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۳. لیتل، دانیل، تبیین در علوم اجتماعی؛ درآمدی به فلسفه علم الاجتماع، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: نشر صراط، ۱۳۸۱.

### ب) منابع لاتین

1. Gordon, Robert M. and Cruz, Joe, Simulation Theory, Nature pub. Group Encyclopaedia of Cognitive Science, 1996.
2. Michlemayr, Martin, Simulation theory versus Theory-Theory, Innsbruck, 2002.
3. Stich, Stephen and Nichols, Shaun, Folk psychology: Simulation or Tacit Theory?, Mind and Language. V. 7, No. 1, 1992.
4. Stanford Encyclopaedia of Philosophy, Folk psychology as mental simulation, 2004.

## تحقیق کیفی با تأکید بر روش گروه کانونی<sup>۱</sup>

\* فاطمه توحیدی اردهائی

\*\* الهه حیدری زاده

### مقدمه

تحقیق کیفی روشی است که در بسیاری از روش‌های آکادمیک (معمولاً در رشته‌های علوم اجتماعی) و همچنین در تحقیقات بازاریابی و زمینه‌های دیگر به کار می‌رود (Adler, 1987). هدف از تحقیق کیفی، به دست آوردن درکی عمیق از رفتار انسانی و دلایل پدیدآورنده رفتارهاست. تحقیق کیفی به سؤالاتی همچون چرا و چگونه، در زمینه تصمیم‌گیری پاسخ می‌دهد و تنها به پاسخ سؤالات چه چیزی، کجا و چه زمانی نمی‌پردازد. از این رو نمونه‌های کوچک‌تر و در عین حال متمرکزتر به جای نمونه‌های بزرگ مورد نیاز است.

---

#### 1. Focus Group Discussion (FGD)

\* دانشجوی دکترای مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

\*\* دانشجوی دکترای مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

روش‌های کیفی اطلاعاتی را تنها در زمینه موارد خاص مورد مطالعه به دست می‌دهد و هر گونه نتیجه‌گیری‌های کلی‌تر حاصل از آنها، تنها فرضیه (حدس‌های اطلاع‌دهنده) محسوب می‌شوند. روش‌های کیفی در راستای بررسی صحت این فرضیه‌ها به کار می‌روند.

## ۱- گام‌های اساسی تحقیق کیفی

### ۱-۱- شناخت مسئله پژوهش

درک و شناختی که به تعریف مسئله پژوهش می‌انجامد، معمولاً بیش از هر عامل دیگری، ارزش‌نهایی پژوهش را تعیین می‌کند (گال و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۳).

بنابر برداشت نادرستی که در مورد تحقیق رواج دارد، میان وسعت پرسش‌های مورد بحث و ارزش پاسخ‌های به‌دست‌آمده رابطه مستقیمی وجود دارد. برخلاف این پنداشت نادرست، هرچه پرسش تحقیق محدودتر باشد، بهتر می‌توان پاسخ قانع‌کننده‌ای را به دست آورد. البته در این قضیه نباید راه افراط و تفریط را در پیش گرفت (سیلورمن، ۱۳۸۱: ۲۳).

به‌طور کلی می‌توان گفت: ایجاد مسئله کلی مورد پژوهش باید بر اساس علاقه محقق باشد (Voce, 2002). فرایند پژوهش علمی مستلزم صرف وقت، کوشش مستمر، دقت ریزبینانه و قدرت تحمل بسیار است، از این رو در صورتی که پژوهش مورد علاقه پژوهشگر باشد، تحمل مشکلات کار بر وی آسان شده و با انگیزه بیشتری با مشکلات فرایند پژوهش روبه‌رو می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۹).

## ۲-۱- بیان هدف مطالعه

بخش اولیه یک مطالعه حاوی بیان کلی مسئله، اهمیت مسئله و گزاره‌های خاص مسئله تحقیق است. برای دستیابی به گزاره‌های مسئله از جمله فرضیه‌ها یا سؤال‌های تحقیق، پژوهشگر باید ابتدا به بررسی پیشینه تحقیق بپردازد. برای این منظور لازم است با توجه به مفاهیم و اصطلاحات تشکیل‌دهنده موضوع مورد بررسی، پژوهش‌های قبلی را که درباره این موضوع انجام شده است، مورد نظر قرار دهد. هدف از انجام این عمل، پی بردن به گزاره‌های پژوهش‌های قبلی است که در این زمینه یا زمینه‌های مشابه ارائه شده است. پژوهشگر ضمن بررسی گزاره‌های تحقیقات قبلی، روش گردآوری داده‌ها و نتایج حاصل از پژوهش‌های قبلی را مورد توجه قرار داده و به نقاط قوت و ضعف آنها پی برده و گزاره‌های مسئله خود را با توجه به آنها مشخص می‌کند (همان: ۳۲).

هدف پژوهش کیفی درک مفهوم پدیده‌های اجتماعی، در جایگاه طبیعی آنها، به‌ویژه برای مردم و مؤسساتی که با آنها درگیرند، است (میرمالک و دیگران، ۱۳۸۵: ۱).

کاپلان و ماکسول (۱۹۹۴) مدعی‌اند که هدف پژوهش کیفی، درک پدیده‌ها از نقطه نظر مشارکت‌کنندگان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آنهاست که این هدف هنگام کمی‌سازی یافته‌ها نادیده گرفته می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳).

پژوهشگر در تحقیق کیفی، حکم یک ابزار یا وسیله را دارد و حضور او در صحنه مورد تحقیق، بخشی از الگوی اصلی را تشکیل می‌دهد، چه اینکه او در میدان تحقیق حضوری فعال و پایدار داشته باشد، مشارکت و حضوری شخصی. به هر حال پژوهشگر وارد صحنه زندگی افراد مورد

تحقیق می‌شود. همین مسئله باعث بروز سلسله مسائلی استراتژیک، اخلاقی و شخصی می‌شود، که در تحقیقات کمی مشاهده نمی‌شود (Locke, Spirduso, Silverman, 1993).

به‌طور کلی می‌توان گفت هدف تحقیق کیفی باید:

- مبتنی بر تحلیل مسئله باشد؛
- از مطالعات پیشین برگرفته شده باشد؛
- توسط مرور ادبیات هدایت می‌شود؛
- با توجه به افرادی که از تحقیق استفاده می‌کنند، تعیین شود (Voce, op. cit.).

### ۳-۱- توسعه یک چهارچوب مفهومی / نظری یا تئوریک تحقیق

چهارچوب نظری به مجموعه‌ای از گزاره‌ها اطلاق می‌شود که به لحاظ نظری قادر به تبیین یا طبقه‌بندی متغیر وابسته یا اصلی تحقیق هستند. این گزاره‌ها ممکن است از یک نظریه خاص گرفته شده باشند یا تلفیقی از نظریات مختلف باشند که همگرایی آنها به لحاظ نظری توسط محقق ثابت شده باشد (حیدری، ۱۳۸۷: ۱).

در تحقیقات کیفی، تحقیق بالقوه از مشاهده شخص از دنیای واقعی مشکل آفرین یا وسوسه‌انگیز سرچشمه می‌گیرد و حرکت خود را آغاز می‌کند و به تئوری شخصی می‌رسد و سپس به تئوری رسمی، مفاهیم و اصول یا الگوهای می‌انجامد که در سایه مروری بر ادبیات حاصل می‌شود. این ترکیب یا ائتلاف باعث می‌شود که پرسش اصلی تحقیق شکل گرفته و مطرح شود (مارشال و راسمن، ۱۳۸۶: ۲۸).

#### ۴-۱- تدوین سؤالات کلی و خاص (اهداف اصلی و فرعی)

موضوع تحقیق و طرح پرسش‌های کلی در حالی صورت می‌گیرد که فرایند تحقیق مسیر پیشرفت و تکامل را پیماید. با تکیه بر مطالب و بحث‌های ادبیات و تئوری موجود، پژوهشگر می‌کوشد به موضوعی خاص توجه کرده و آن را شفاف کند. اغلب هدف اولیه پژوهش این است که پرسش‌هایی را مطرح کند که بیشتر جنبه آزمایشی داشته و از بینشی قوی برخوردار باشند. به احتمال بسیار زیاد، در فرایند تحقیق مفاهیم و اصول ذی‌ربط ارائه می‌گردند، ولی طرح تحقیق باید با توجه به دانش و ادبیات موجود بتواند مقصود یا مقصد اصلی را بیان کند (همان: ۳۹).

مسئله تحقیق در مطالعات کیفی و کمی می‌تواند به صورت سؤال بیان شود (سرمد و همکاران، پیشین: ۳۴). سؤالات تحقیق را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) سؤال‌های توصیفی: در این گونه سؤال‌ها معمولاً از کلمات «چه می‌باشد»، «چیسست» و «چگونه است» استفاده می‌شود.

ب) سؤال‌های رابطه‌ای: در این گونه سؤال‌ها، چگونگی رابطه دو یا چند متغیر مورد نظر قرار می‌گیرد.

ج) سؤال‌های تفاوتی: این سؤال‌ها با تفاوت سطوح متغیرها سروکار دارد (همان: ۳۵-۳۴).

#### ۵-۱- انتخاب یک طرح تحقیق کیفی

در تحقیق کیفی طرح‌های گوناگونی وجود دارد که عبارتند از: الف) مطالعه موردی: تحقیقات موردی به گونه‌ای طرح‌ریزی شده است که پژوهشگران بتوانند مسئله‌ها و نتیجه‌های اجرای طرح مزبور را

در زمینه یکپارچه کردن سیستم آموزشی مستند کرده و به تجزیه و تحلیل داده‌هایی که در هر ناحیه به دست می‌آید، توجه خاص نمایند (Rossman, Corbett, Dawson, 1986: 86).

می‌توان گفت: مورد مطالعه یک فرد است، داده‌ها می‌تواند کمی یا کیفی باشد و تمرکز بر این است که چه چیزی را می‌توان از یک مورد فردی آموخت. یک مورد می‌تواند ساده یا پیچیده باشد، مانند یک کودک به تنهایی یا طبقه‌ای از کودکان.

ب) قوم‌نگاری: ریشه آن در انسان‌شناسی است. همچنین تحقیق واقع‌گرایانه و مشاهداتی مشارکت‌کننده نامیده می‌شود (Voce, op.cit.). پژوهشگری که به روش تحقیق کیفی درصدد برمی‌آید درباره قوم‌ها پژوهش کند، وارد میدان تحقیقی می‌شود که بین فرهنگ او و فرهنگ جامعه مورد تحقیق تفاوت یا اختلاف است. هدف پژوهشگر این است که نمادها و ارزش‌های چنین فرهنگی را شرح دهد، بدون اینکه بر پایه محتوای فرهنگی خویشتن درصدد صدور رأی و قضاوت درباره آن فرهنگ برآید، هرچند انجام چنین کاری بسیار مشکل است (Soloway & Walters, 1977: 161).

ج) نظریه زمینه‌ای: نظریه زمینه‌ای به مثابه روش تحقیق، توسط دو جامعه‌شناس به نام‌های بارنی گلیزر<sup>۱</sup> و آنسلم اشتراس<sup>۲</sup> مطرح شد (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷). هدف اصلی آن تولید نظریه- و نه تصدیق آن- است. روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع شده و به تدریج موارد مرتبط پدیدار می‌شوند (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۷). می‌توان گفت که

---

1. Glaser  
2. Strauss



نظریه زمینه‌ای:

- ریشه در علوم اجتماعی دارد؛

- بر توسعه تئوری تأکید دارد؛

- زمینه آن داده‌هایی است که به‌صورت سیستماتیک جمع‌آوری و تحلیل شده است.

د) پدیدارشناسی: پدیدارشناسی ریشه در فلسفه دارد و سؤال کلی آن این است که مفهوم، ساختار و اساس تجربه موجود در مورد این پدیده برای شخص یا گروه مورد نظر چیست و واقعیت ذهنی هر فرد چگونه در معنی دار کردن تجربیات به کار می‌رود؟ همچنین به تحلیل زبان یا بیانی که به کار می‌رود (شیوه بیان) می‌پردازد.

ه) تحقیق مشارکتی: بسیاری از مردم‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان از روش پژوهش مشارکتی استفاده کرده‌اند. کسانی که درگیر کار پژوهش میدانی می‌شوند، به زودی درمی‌یابند که همه آنهایی که برای جمع‌آوری اطلاعات به آنها مراجعه می‌کنیم، یکسان خلق نشده‌اند. بعضی از آنها تنها می‌توانند نام، سمت و شماره مسلسل و داده‌های ابتدایی و آشکاری از این قبیل را در اختیار ما بگذارند، در حالی که در نقطه مقابل اینها، افرادی وجود دارند که نه تنها فرهنگ سازمان متبوع خود را عمیقاً جذب کرده‌اند، بلکه افراد و رویدادهای اطراف خود را نیز متفکرانه تحت نظر و مشاهده قرار می‌دهند. این گروه از اعضای یک سازمان می‌توانند علاوه بر تأمین اطلاعات مهم و اساسی، از طریق عرضه اندیشه‌های با ارزش و سازنده نیز به کار تحقیق و پژوهش کمک کنند. بنابراین می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- تمرکز بر روی جنبه‌های سیاسی تولید دانش است؛

## ۲۰۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

- قدرت و ضعف توانمندسازی از طریق رضایت مربوط می‌شود (ایجاد خودآگاهی و تولید دانش)؛
- اهمیت تجربیات موجود افراد (ارج نهادن به عقلانیت افراد)؛
- با همکاری خالص افراد مرتبط است؛
- ارزش دموکراتیک دارد.

### ۶-۱- انتخاب استراتژی نمونه‌گیری

طرح تحقیق بیانگر برنامه‌ای است که باید اجرا شود و همین باید شیوه نمونه‌گیری را مشخص کند و پژوهشگر نباید این نکته را از یاد ببرد که طرح تحقیق باید از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار باشد. بنابراین پرسش‌های تحقیق حول محور مکان و نمونه‌گیری می‌گردند (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱: ۷۷).

نمونه‌گیری در روش‌های تحقیق کیفی بر اساس تعیین محل تحقیق و تعیین مشارکت‌کننده‌ها صورت می‌گیرد. اما پژوهشگرانی که از روش تحقیقات کمی استفاده می‌نمایند، تلاش می‌کنند از طریق مطالعه گروهی بسیار کوچک، در مورد یک گروه بزرگ از افراد اطلاعات به دست آورند. گروه بزرگ که قصد دارند در مورد آن اطلاعات کسب کنند، جامعه و گروه کوچک که در واقع مورد مطالعه قرار می‌گیرد، نمونه نامیده می‌شود. در تحقیق کمی، به فرایند انتخاب یک نمونه از جامعه تعریف شده، با این هدف که نمونه دقیقاً معرف جامعه مورد نظر باشد، نمونه‌گیری گفته می‌شود (گال و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۶۹).

#### ۷-۱- اطمینان از قابلیت اعتماد تحقیق

همه پژوهشگران ناگزیر به رعایت شاخص یا معیارهایی هستند که بتوان بدان وسیله قابل اعتماد بودن طرح را ارزیابی کرد. آنها باید معیارهایی را به کار گیرند: نخست میزان قابل اعتبار بودن نتیجه یا دستاورد تحقیق و اینکه با چه معیاری می‌توان آن را ارزیابی کرد؛ دوم، میزان قابل انتقال نتایج حاصل از تحقیق در محیط یا بر روی گروه دیگر؛ سوم، اگر قرار باشد این تحقیق بر روی همین جامعه و با همین محتوا یک بار دیگر به اجرا درآید، تا چه اندازه دلیل وجود دارد که بتوان به همان نتایج دست یافت؛ و چهارم، تا چه اندازه می‌توان مطمئن بود که دستاوردها و نتایج تحقیق بازتابی از واقعیت‌هاست و تحت تأثیر تعصبات و یکسو نگرایی‌های پژوهشگر قرار نگرفته است.

#### ۸-۱- تعیین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و تعیین ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات کیفی عبارتند از:

- ۱- مشاهده: در این روش محقق در جستجوی الگوهای رفتاری افراد در یک محیط یا فرهنگ خاص است. مشاهده مستلزم توجه منظم و ثبت رویدادها، رفتارها و موضوعاتی است که در محیط اجتماعی و مکان یا محل مورد تحقیق وجود دارد (مارشال و راسمن، پیشین: ۱۱۰).
- ۲- مرور اسناد: با مروری بر اسناد پژوهشگر می‌تواند ارزش‌ها و باورهای جامعه یا افراد مورد مشارکت را به تصویر بکشد (همان: ۱۱۸).
- ۳- مصاحبه: مصاحبه پایه و اساس روش تحقیق کیفی را تعیین می‌کند، یعنی دیدگاهی که افراد یا جامعه مورد تحقیق درباره پدیده مورد نظر دارند باید نشان‌دهنده دیدگاه آنان باشد، نه دیدگاه پژوهشگر

(همان: ۱۱۲).

۴- گروه کانونی (FGD):

- برای بحث در مورد خاصی به کار گرفته می‌شوند؛
- یک گروه کانونی یک واحد تحلیل است؛
- پیمایش‌های تکاملی است و اغلب اولین گام برای تأکید بر روی سؤالات حیاتی است که باید در پیمایش استفاده شود؛
- شناسایی می‌کند که چرا افراد حس خاصی نسبت به یک موضوع دارند و گام‌های فرایند تصمیم‌گیری آنها را مشخص می‌کند؛
- اندازه ایده‌آل گروه کانونی ۱۲-۶ نفر به علاوه یک فرد میانجی به‌عنوان کسی که یادداشت‌برداری می‌کند، می‌باشد؛
- مجموعه گروه‌ها برای سنجش اعتبار لازم است؛
- گروه‌ها باید همگن و در عین حال ناشناس باشند؛
- معمولاً این گروه‌ها به طبق تفاوت‌های معنی‌دار مورد انتظار بخش‌بندی می‌شوند، به‌عنوان مثال از روی بیماری یا جنسیت و... (Hayden, 2006).

مزایای FGD را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- مقرون به صرفه است.
  - ۲- کیفیت داده‌ها توسط مشارکت‌کننده‌های گروهی افزایش پیدا می‌کند.
  - ۳- سریع می‌توان ارزیابی کرد که چه میزان توافق یا اختلاف در مورد یک موضوع وجود دارد.
  - ۴- برای مشارکت‌کننده‌ها لذت‌بخش است.
- محدودیت‌های FGD نیز به قرار زیر است:

## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۰۵

- ۱- تعداد سؤالاتی که می‌شود مطرح کرد، محدود است.
- ۲- پاسخ‌هایی که هر مشارکت‌کننده می‌دهد ممکن است محدود باشد.
- ۳- نیازمند مهارت فرایند گروهی است.
- ۴- دیدگاه‌های اقلیت را نادیده می‌گیرد.
- ۵- اعتماد به نفس مشارکت‌کننده‌ها تضمین نمی‌شود.
- ۶- به موضوعات اصلی می‌پردازد و تفاوت‌های جزئی را در نظر نمی‌گیرد.
- ۷- خارج از محیط طبیعی انجام می‌شود.

### ۹-۱- تعیین چگونگی کنترل و تحلیل داده‌ها

فرایند ارائه داده‌ها را به نمایش گذاردن را تحلیل داده‌ها می‌نامند. در مورد داده‌های مربوط به تحقیق کیفی، معمولاً به نمایش گذاردن داده‌ها به شکل داستان سرایی است و شکل حکایت‌گونه دارد. همچنین می‌توان داده‌های کیفی را به صورت رسم نمودار، ماتریس، شکل و جدول به نمایش گذاشت. به هر حال با وجود چنین ساختاری و به نمایش گذاردن داده‌ها، پژوهشگران مجبور می‌شوند تا با ابعاد معلوم و مجهول پدیده مورد بحث آشنا شوند و ناگزیر، روابط و دلایل بیشتری ارائه کنند که موجب تحلیل‌های افزون‌تر می‌شود.

### ۱۰-۱- بحث و تفسیر یافته‌ها

تحلیل داده‌ها در تحقیق کیفی یک فرایند غیرخطی است که دوره‌های متعددی از پرسش، واکنش، بازگفتن (بیان دوباره)، تحلیل،

## ۲۰۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

نظریه پردازی، بازبینی پس از هر مشاهده، مصاحبه یا بحث گروه کانونی (FGD) را در بر گرفته و در دو مرحله انجام می‌شود:

الف) در حین جمع‌آوری داده‌ها: از طریق خواندن، تعمق و بازخوانی داده‌ها و کدگذاری متونی که حاوی موضوعاتی جدید هستند.

ب) پس از جمع‌آوری داده‌ها:

- نمایش موضوعات و اطلاعات
- توسعه فرضیه، سؤالات و اعتبارسنجی
- کاهش در شکل دادن به داده‌های نمایش داده شده و شناسایی نکات اصلی.

به هنگام تحلیل در همه مراحل باید به دنبال مفاهیم اصلی افکار، احساسات و رفتارها بوده و رابطه موضوعات با یکدیگر را شناسایی کرد. همچنین باید نحوه پاسخ دادن تحقیق به سؤالات توجه کرده و به شرح مفهوم واقعی یافته‌ها فرای مفهوم تحقیق پرداخت.

### ۱۱-۱- تهیه گزارش تحقیق

برای نوشتن گزارش چندین الگو وجود دارد. تیلر و باگدان (۱۹۸۴) پنج روش ارائه می‌کنند: نخست تاریخچه‌ای که کاملاً توصیفی از زندگی است. در این روش، نویسنده شرح حال زندگی خود را ارائه می‌دهد. او در این شرح نقاط در خور تحلیل زندگی خود را که از نظر اجتماعی اهمیت دارند، برمی‌شمارد. روش دوم، ارائه داده‌هایی است که با مصاحبه جامع و از طریق مشاهده مشارکتی به دست می‌آید. در این روش، دیدگاه‌های افراد با جامعه مورد تحقیق ارائه می‌شود. این دیدگاه‌ها چهارچوب ساختاری گزارش را تعیین می‌کنند. در روش سوم، رابطه بین عمل و

تئوری نشان داده می‌شود. مقصود از عمل واقعیت پدیده‌های اجتماعی است. در این روش داده‌ها خلاصه می‌شوند و سپس به ساختارهای نظری (تئوریک) کلی‌تر مرتبط می‌گردند. چهارمین روشی که این دو پژوهشگر ارائه کردند، بیشتر جنبه نظری یا تئوریک دارد. برای نمونه، آنها مثالی ارائه می‌کنند که شامل تحقیقی است که در سازمان‌ها انجام شد. این تحقیق در مورد افرادی بود که از نظر شناختی با مسائلی مشکل روبه‌رو بودند. در این گزارش، با توجه به فرایند نهادی شدن تئوری جامعه‌شناسی و مدیریت نمادین، درباره شرایط کل سازمان‌ها بحث می‌شود. آخرین روشی را که آنها ارائه می‌کنند، تلاشی است در ارائه تئوری و بر داده‌هایی مبتنی است که از چندین سازمان و نهاد و تحت شرایط مختلف تحقیق به دست آمده است. گزارشی که آنها ارائه می‌کنند، نمونه‌ای است که در آن شخص تحت شرایط مختلف قرار دارد و می‌کوشد با توجه به انواع مختلف سازمان‌ها، افراد و شرایط به نتیجه‌های نظری (تئوریک) دست یابد (Taylor & Bogdan, 1984).

## ۲- نتیجه‌گیری

تحقیق کیفی با همه گستردگی، دارای گام‌های شناخته شده‌ای برای انجام آن است و به پژوهشگرانی که می‌خواهند با استفاده از روش کیفی درصد درک و حتی تغییر یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی برآیند، راه‌هایی ارائه می‌دهد.

ارائه طرح تحقیق کیفی و بررسی‌هایی که لازم است در این باره انجام شود، باعث خواهد شد تا محصول نهایی به‌گونه‌ای باشد که مخاطبان را متقاعد سازد و دلیلی محکم برای راهی که پژوهشگر در پیش گرفته

## ۲۰۸ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

است، ارائه کند. درک و شناختی که به تعریف مسئله پژوهش می‌انجامد، معمولاً بیش از هر عامل دیگری، ارزش نهایی پژوهش را تعیین می‌کند. پژوهشگر در تحقیق کیفی، حکم یک ابزار یا وسیله را دارد و حضور او در صحنه مورد تحقیق بخشی از الگوی اصلی را تشکیل می‌دهد، چه اینکه او در میدان تحقیق حضوری فعال و پایدار داشته باشد یا اینکه مشارکت و حضوری شخصی. به هر حال پژوهشگر وارد صحنه زندگی افراد مورد تحقیق می‌شود. همین مسئله باعث بروز سلسله مسائلی استراتژیک، اخلاقی و شخصی می‌گردد که در تحقیقات کمی مشاهده نمی‌شود.

در تحقیقات کیفی پژوهشگر با طرح‌های گوناگونی از جمله تحقیقات موردی، قوم‌نگاری، نظریه زمینه‌ای، پدیدارشناسی و تحقیق مشارکتی مواجه است و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهده، مرور اسناد، مصاحبه و بحث گروه کانونی صورت می‌گیرد. این گروه برای بحث در موارد خاصی به کار گرفته می‌شوند.



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. استراس، آنسلم، جولیت کوربین، اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
۲. حیدری چمروده، مجید، تدوین چهارچوب نظری، سایت پنجره‌ای رو به جامعه، ۱۳۸۷.
۳. دانایی‌فرد، حسن، سید مهدی الوانی و عادل آذر، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، تهران: انتشارات صفار اشراقی، ۱۳۸۳.
۴. سیلورمن، دیوید، روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان، ۱۳۸۱.
۵. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه، ۱۳۸۷.
۶. گال، مردیت، والتر بورگ و جویس گال، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، جلد اول، ۱۳۸۷.
۷. مارشال، کاترین و راسمن، گرچن ب.، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
۸. محمدپور، احمد، محمدتقی ایمان، «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۳۸۷.
۹. میرمالک، سیدعباس، لیلا پرورش، شقایق تهرانی، پوریا حسینی، پاتنه رضاییان و مریم سعیدیان، «پژوهش در جراحی: پژوهش کیفی» (ترجمه و تخلص)، نشریه جراحی ایران، دوره ۱۴، شماره ۴، ۱۳۸۵.

**ب) منابع لاتین**

1. Adler, P. A., Membership Roles in Field Research. Newbury Park, CA: Sage, 1987.
2. Locke, L. F., Spirduso, L. F., & Silverman, S.J., Proposals that work: A Guide for Planning Dissertations & Grant Proposals, 1993.
3. Hayden, Mary H., Qualitative Research Methods, 2006.
4. Rossman, G. B. , Corbett, H. D. , Dawson, J. L., Intentions & Impacts: A Comparison of Sources of Influence on Local School Systems. Urban Education, 21, 1986.
5. Soloway, I. & Walters, J., Workin the Corner: The Ethics & Legality of Ethnographic Fieldwork Among Active Heroin Addicts, 1977.
6. Taylor, S. J. & Bogdan, R. Introduction to Qualitative Research: The Search For Meanings (2nd ed.). New York: John Wiley, 1984.
7. Voce, Anna, An Introduction to Qualitative Research, 2002.

## روش تحقیق میدانی در مطالعات علوم انسانی

جمیله فدوی\*

### مقدمه

روش تحقیق کمی و یا تجربی از جمله شیوه‌های تحقیقاتی است که پیشینه‌ای طولانی دارد. پژوهشگران از این شیوه، برای انجام بسیاری از تحقیقات، از جمله تحقیقات اجتماعی و فرهنگی استفاده کرده و می‌کنند. پژوهشگران دلیل استفاده نسبتاً زیاد از چنین شیوه‌ای را تعمیم‌پذیری، آسان بودن، سرعت در نتیجه‌گیری، وقت‌گیر نبودن، مورد تأیید مجریان و برنامه‌ریزان مختلف قرار گرفتن و... بیان می‌کنند. لیکن جهت انجام تحقیقات بسیار پیچیده، خاص و ویژه و نیز امور و مسائلی که بیشتر صورت ناشناخته، مبهم و پنهانی دارند، همچنین تحقیق بر روی افراد و مکان‌های خاص و نیز انجام برخی از مطالعات مقایسه‌ای و تطبیقی و...، شیوه‌های کمی چندان مناسب نبوده و عملاً پژوهشگران را

---

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

یا به نتیجه نمی‌رساند و یا اگر هم نتایجی در پی داشته باشد، چندان دقیق و مستدل نیستند. از این‌رو در کنار شیوه‌های کمی، استفاده از شیوه‌های کیفی برای انجام تحقیقات ژرف و عمیق و نیز کاربردی پیشنهاد می‌شود.

البته پژوهش‌های کیفی به نسبت تحقیقات کمی، گستره کمتری داشته و انجام آنها با مشکلات بسیاری از جمله مقاومت مسئولان، تعمیم‌پذیری نسبی، محدود بودن، سخت و وقتگیر بودن و... روبه‌رو است.

### ۱- تحقیق کیفی و اهداف آن

تحقیق کیفی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی همچون مشاهده، مصاحبه و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در صحنه کنش، در جهت درک ویژگی‌های آشکار و پنهان پدیده و رفتار کنشگران در راستای یافتن اطلاعات دست اول در مورد موضوع تحقیق توسط محقق. در این روش، محقق باید بتواند خود را به جای افراد مورد مطالعه قرار دهد و دنیا را از دریچه چشم آنها ببیند. در روش تحقیق کیفی، هدف تحقیق توصیف واقعیت‌های اجتماعی از نظر افراد مورد پژوهش است و نه از نظر پژوهشگر.

«تحقیق کیفی مدعی است که زندگی مردم جهان را از درون به بیرون، از دیدگاه مردمی که در آن مشارکت دارند توصیف می‌کند. بنابراین با اجرای آن سعی در فهم بهتر واقعیت‌های اجتماعی تأثیرگذار شده و در توجه به فرایندها، الگوهای معنایی و مشخصه‌های ساختاری ترسیم شوند» (Flick et al, 2004).

در حقیقت، تحقیق کیفی انجام عملی تحقیق در دنیای واقعی است و

بسیار ظریف و عمیق مسائل را مورد شناسایی قرار می‌دهد. با استفاده از این روش می‌توان پیچیدگی مسئله‌های اجتماعی را شناسایی کرد و به نتایج غیر منتظره سیاست‌ها پی برد. همچنین با به‌کارگیری این روش در تحقیقات می‌توان هرچه بیشتر شرایط را واقعی نمود و از شرایط مصنوعی و غیر واقعی (اتفاقی که بیشتر در تحقیقات کمی رخ می‌دهد)، فاصله گرفت. دامنه ارزش روش تحقیق کیفی تا به آنجا کشیده می‌شود که انواع تحقیقات زیر را در برمی‌گیرد:

- ۱- تحقیقی که لازم است برای کسب اطلاعات مربوط به آن در گردابی از پیچیدگی‌ها و فرایندها غوطه‌ور شد.
- ۲- تحقیقی که درباره نظام‌های نوآور یا پدیده‌های ناشناخته (یا کمتر شناخته شده) است.
- ۳- تحقیقی که در آن پژوهشگر می‌کوشد تا محل و علت متفاوت بودن سیاست و جنبه‌های اجرایی (گفتار و کردار مقامات) را کشف کند.
- ۴- تحقیقی که در مورد روابط غیر رسمی و بدون ساختار بین فرایندهای سازمانی است.
- ۵- تحقیقی که درباره شناخت علت مغایر بودن هدف‌های ابراز یا اعلان شده سازمان با هدف‌های واقعی است.
- ۶- تحقیقی که نتوان آن را به سبب مشکلات اجرایی یا مسائل اخلاقی به شیوه تجربی به اجرا درآورد.
- ۷- تحقیقی که متغیرهای آن هنوز ناشناخته مانده‌اند. تحقیق کیفی در رشته‌های مختلف، چون علوم اجتماعی، علوم تربیتی، مدیریت و برنامه‌ریزی و به‌طور کلی علوم کاربردی می‌تواند مفید واقع شود.

## ۲- مبانی نظری

برخی از شاخه‌های علمی تا کنون بر روش کیفی تأکید داشته‌اند و به این ترتیب نام خود را به روش‌های کیفی مختلفی داده‌اند که برخی از آنان عبارتند از:

۱- رفتارشناسی انسانی: در این روش سعی می‌شود تا انواع رفتار انسان‌ها شناسایی و درک شود. داده‌ها از مجرای مشاهده و تجزیه و تحلیل مقادیر کمی جمع‌آوری شده کسب می‌شوند و گاهی از ضبط صوت و فیلم در آن استفاده می‌شود.

۲- روان‌شناسی: به رابطه متقابل انسان و محیط در شکل دادن به رفتار توجه می‌کند. در این روش بر داده‌های ورودی مشاهده تأکید شده و در مواردی هم از نوار و ضبط صوت استفاده می‌شود. هدف اصلی روش کیفی در اینجا شرح یا توصیف این‌گونه رفتارها و تجزیه و تحلیل اثراتی است که عوامل محیطی بر این رفتارها می‌گذارند.

۳- مردم‌نگاری کل‌گرا: در این روش فرهنگ انسانی نقش اساسی دارد و این همان چیزی است که پژوهشگران در اجرای روش مربوطه درصدد شرح، توصیف و تجزیه و تحلیل آن برمی‌آیند. پژوهشگران روش مزبور می‌کوشند تا با به‌کارگیری روش مشاهده مشارکتی، داده‌هایی را جمع‌آوری کرده و سپس بدین وسیله دیدگاه‌های افراد مورد تحقیق را مستند سازند.

۴- انسان‌شناسی شناختی (انسان‌شناسی مبتنی بر تفسیر مقوله‌های شناخت): در اینجا اساس بر این فرض گذارده می‌شود که دیدگاه‌های افرادی که در تحقیق مشارکت می‌کنند بر دو دسته است: الف) گروه‌هایی

که به شکل توجه می‌کنند و ب) گروه‌هایی که درصدد شناخت معانی و مفاهیمی برمی‌آیند که به‌طور منظم بین افراد رد و بدل می‌شود. مصاحبه‌های آزاد و عمیق در این روش کاربرد بسیار دارد.

۵- مردم‌نگاری ارتباطات: در این روش، مردم‌نگار تحقیقات خود را برپایهٔ زبان‌شناسی گذارده و با توجه به روابط متقابل گفتاری و غیرگفتاری (با استفاده از روش مشاهده مشارکتی)، داده‌هایی را جمع‌آوری و برای ثبت این روابط از فیلم و ضبط صوت استفاده می‌کنند.

۶- کنش متقابل نمادین: در اینجا پژوهشگر می‌کوشد دریابد که افراد، مقصودشان از ایجاد ارتباط متقابل چیست و چه معنا یا برداشتی از این ارتباط دارند. مشاهدهٔ مشارکتی و مصاحبهٔ عمیق در این روش به کار می‌روند. پژوهشگران دیگری چون جامعه‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، جرم‌شناسان، متخصصان مردم‌شناسی و انسان‌شناسی، دانشمندان علوم سیاسی و برنامه‌ریزان و... نیز از شیوه محققان کیفی به‌منظور انجام تحقیقات خود سود می‌جویند.

از بین مجموعه علوم فوق «انسان‌شناسی» یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علمی به شمار می‌رود که به‌طور ویژه نیازمند استفاده از روش‌های کیفی است، چراکه انسان‌شناس قبل از هر چیز محتاج ورود به میدان و مکان محققان و برخورد مستقیم و رویارو با عوامل و افراد موجود در آنجاست. انسان‌شناس باید همه چیز را از نزدیک مشاهده، لمس و حس کند تا از این طریق مسائل بسیار نهفته و پنهانی را دریافته و در نهایت به تبیین توضیح و نتیجه برسد.

از نظر مکتب کنش متقابل نمادین، پدیده‌ها، اشیا و فرد یک بار معنایی را حمل می‌کنند که برای ما در قالب نماد ظاهر می‌شود. وظیفه

محقق کشف بار معنایی آن نماد است.

«بلومر» معتقد بود که شناخته‌های گوناگون برای افراد متفاوت معانی گوناگونی دارند. برای مثال، یک درخت برای یک گیاه‌شناس با یک باغبان، چوب‌فروش و یا شاعر دارای شناخته عینی متفاوتی است. در مکتب کارکردگرایی نیز «رابرت مرتن» با بیان «کارکرد پنهان» ابعاد پنهان کنش یا پدیده را روشن کرد.

### ۳- ویژگی‌های پژوهش کیفی

- ۱- پژوهش کیفی کل نگر است.
- ۲- تجربی است، بنیاد آن بررسی میدانی است و طبیعت‌گرا بوده و مداخله‌گر نیست.
- ۳- تفسیری است، پژوهشگر در این روش بیشتر شهودی عمل می‌کند.
- ۴- تأکیدی است، به قصدمندی کنشگر توجه دارد.
- ۵- مشاهدات و تفسیرهای بی‌واسطه آن دارای اعتبار هستند.
- ۶- لحن موعظه‌وار ندارد و در برابر دستکاری طرح ارائه شده متخصص مقاوم است.
- ۷- نسبت به خطراتی که در فرایند پژوهش متوجه سوژه‌های انسانی است، حساس است (اصول اخلاقی پژوهش روی انسان‌ها را رعایت می‌کند).
- ۸- پژوهشگران آن تنها روش‌شناس نیستند، بلکه در رشته‌های دیگر مرتبط با موضوع تحقیق صاحب‌نظر هستند.



#### ۴- تحقیق میدانی چیست؟

تحقیق میدانی می‌تواند به‌عنوان یک رهیافت کلی و وسیع تحقیق کیفی یا روشی برای جمع‌آوری داده‌های کیفی در نظر گرفته شود. ایده اصلی این است که محقق به داخل میدان یا فیلد می‌رود تا پدیده‌ها را در وضع طبیعی خود مشاهده کند. از این رو، احتمالاً بسیار به مشاهده مشارکتی نزدیک است. محقق تحقیق میدانی نوعاً نکات مهم را یادداشت و بعد جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند.

استفاده از این روش به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد. هرودوت که گاهی او را پدر مردم‌شناسی نیز می‌خوانند، از روشی شبیه مشاهده مشارکتی برای به دست آوردن داده‌هایش استفاده می‌کرد. همچنین باید به سنت گسترده‌ای که بین مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان رایج بود، اشاره کرد. ابن بطوطه، ادریسی، ابن حوقل، ابن خلدون و... نیز روشی مشابه به‌کار می‌بردند.

البته باید به این نکته اشاره کرد که میزان مشارکت این افراد در زندگی مردمانی که توصیف می‌کردند، بسیار ناچیز بود. از آغاز رنسانس در غرب و حتی کمی پیش از آن، دو دسته افراد از اروپا به سمت جوامع و سرزمین‌های دوردست و ناشناخته روانه شدند. دسته اول میسیونرها و مبلغان مذهبی بودند که برای تبلیغ آیین مسیح و ترویج آن به سرزمین‌های دیگر می‌رفتند. دسته دوم، جهانگردان بودند که بر اساس حس کنجکاوی و جهت ارضای این حس، مخاطره‌های سفر و زندگی در میان اقوام ناشناخته، «وحشی» و حتی آدم‌خوار را به جان می‌خریدند. جامعه‌شناسانی مانند دورکیم و مردم‌شناسانی همانند تایلر و فریزر،

نیازی به مراجعه به میدان پژوهش نمی‌دیدند و به جای آن، بر مشاهدات و شهادت‌های غیرحرفه‌ای میسیونرها و جهانگردان تکیه می‌کردند. با وقوع «انقلاب مالینوفسکی»، حضور پژوهشگر در میدان و مشاهده مشارکتی به ارزش‌هایی مطلق تبدیل شد.

مالینوفسکی، طی جنگ اول جهانی، به‌عنوان تبعه کشور دشمن، تحت نظر قرار گرفت، اما توانست مجوز بگیرد تا به‌صورت تبعیدی، به جزایر تروبریاندر شمال استرالیا برود و در فاصله سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸، مجموعاً دو سال در میان بومیان زندگی کند. حاصل این چند سال اقامت، چندین کتاب درباره زندگی مردمان بدوی بود که داده‌های این کتاب‌ها را بر اساس مشاهده مشارکتی گردآوری کرده بود. اما اهمیت این روش، بیش از آن است که تنها مردم‌شناسان از آن استفاده کنند. مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو اولین مکتبی بود که به‌طور گسترده از تحقیق میدانی و مشاهده مشارکتی در انجام پژوهش‌های اجتماعی استفاده کرد. این مسئله تا حد زیادی تحت تأثیر حضور رابرت پارک در این مکتب بود که قبلاً حرفه روزنامه‌نگاری داشت و توانست مشاهدات توأم با مشارکتش را به این‌گونه پژوهش‌ها وارد کند.

در دهه ۱۹۳۰ که اوج انجام این‌گونه پژوهش‌ها توسط پژوهشگران مکتب شیکاگو بود، مردم‌شناسان هنوز علاقه‌مند به پژوهش در میان مناطق دور افتاده بودند؛ در حالی که علاقه پژوهشگران مکتب شیکاگو، متوجه انواع شیوه‌های زندگی در شهر خودشان بود.

این پژوهش‌ها معمولاً در چهارچوب نظریه کنش متقابل نمادین صورت می‌گرفتند و پژوهشگران در آن بر مشاهده آدم‌ها در زیستگاه طبیعی‌شان، گفت و شنود با آنها و گردآوری و ثبت سرگذشت‌هایشان

تأکید داشتند. این کار در فیلد یا میدانی انجام می‌شود که محیط مطالعه سوژه تحقیق اجتماعی است. این میدان ممکن است، آموزش و پرورش، یا محیطی صنعتی و یا جنگل‌های بارانی آمازون باشد.

به هر حال امروزه این شیوه، کاربرد بسیاری در پژوهش‌های اجتماعی اعم از جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (از جمله در پژوهش‌های رادکلیف براون و مالینوفسکی) دارد و کمتر پژوهشگری است که به اهمیت این شیوه آگاه نباشد.

تحقیق میدانی در زمینه‌ای طبیعی انجام می‌شود که این زمینه دست اول فرض می‌شود. تحقیق میدانی اغلب از طریق مصاحبه و مشاهده اجرا می‌شود. مردم‌نگاری نوعی از آن است که توصیفی از زندگی اجتماعی و فرهنگ اجتماعی در یک نظام اجتماعی معین به دست می‌دهد و مبتنی بر روش‌های کیفی است، از جمله مشاهدات جزئیات، مصاحبه‌های غیرساختاری، تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک. این روش به وسیله مردم‌نگاران در مطالعه فرهنگ‌های غیر غربی و مطالعه زیرساخت‌های درون جوامع غربی و نهادهایش مثل سیاست به کار می‌رود.<sup>۱</sup>

یک نمونه از مطالعه مردم‌نگاری، کاری از گافمن، تحت عنوان «تیمارستان» است. اروینگ گافمن نیز ماه‌ها به‌عنوان کارمند در یک بیمارستان روانی اقامت گزید و از طریق روش مشاهده، گزارش دقیق و باارزشی از نتایج تحقیقاتش را در مورد اینکه چگونه سیستم بیمارستان روانی شخصیت انسان‌ها را از بین می‌برد و حتی ممکن است مشکلات و مسائل روانی بیماران را تشدید کند، منتشر کرد (ساروخانی، ۱۳۸۵).

---

1. <http://www.lib.washington.edu/uwill/cycle/sociology/research.htm>.

۲۲۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

(۳۰۵).

در حال حاضر تحقیق میدانی برای گستره وسیعی از مسائل و موضوعات اجتماعی در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله می‌توان از تحقیق میدانی در زمینه‌های زیر استفاده کرد:

- سیاست، علوم اجتماعی و مدیریت دولتی.
- روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی.
- تحقیقاتی که در زمینه مدیریت و سازمان انجام می‌شود.
- تحقیقاتی که در زمینه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای انجام می‌شود.
- تحقیقاتی که در زمینه مردم‌شناسی و انسان‌شناسی اجتماعی - فرهنگی صورت می‌گیرد (از کیا، ۱۳۸۲: ۳۵۵).

## ۵- مزایا و معایب تحقیق میدانی

### ۵-۱- مزایا

- ۱- نزدیک‌تر بودن به شرایط جهان واقعی.
- ۲- این نوع تحقیق می‌تواند بهترین راه برای کشف اطلاعات خاص مورد نیاز باشد.
- ۳- محقق می‌تواند مطمئن باشد که اطلاعات به‌دست‌آمده به‌روز است.
- ۴- امکان محرمانه بودن وجود دارد.
- ۵- دارای قابلیت تعمیم داده‌های به‌دست‌آمده، به دلیل کسب از

محیط طبیعی است.

۶- امکان استخراج فرضیه‌ها و آزمایش آنها وجود دارد.

## ۲-۵- معایب

۱- احتمال رسیدن به رابطه علت و معلولی بین پدیده‌ها قطعی نیست.

۲- حضور محقق در جامعه ممکن است در روند طبیعی زندگی آن جامعه اختلال یا تغییری ایجاد کند.

۳- به احتمال قوی، مطالعه حتی در نمونه‌ای کوچک، هزینه و وقت زیادی می‌گیرد.

۴- تحقیق را نمی‌توان فراتر از آنچه مطالعه شده، تعمیم داد.

۵- تکرار تحقیق سخت است، مگر اینکه فرایند و پروژه کاملاً آشکار و روشن شود.

## ۶- ویژگی‌های تحقیق میدانی

ویژگی‌های زیر را برای تحقیق میدانی می‌توان برشمرد:

محقق محیط خاصی را برمی‌گزیند.

طرح مطالعه میدانی دارای آزادی خاصی است و محقق با رشته‌ای از سؤالات مبهم و کلی وارد محیط می‌شود و عنان و اختیار را به تجربیات می‌دهد که در روند تحقیق به دست می‌آید.

محیط اجتماعی را به دلیل مسائل اخلاقی نمی‌تواند دستکاری کند.

برنامه‌ریزی قبلی برای پیشبرد تحقیق لازم است، ولی این روش با طرح کاملاً حساب شده و برنامه‌ریزی شده آزمایش یا پرسشنامه دقیق و قطعی تفاوت دارد.

## ۲۲۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

محیط اجتماعی در مطالعات میدانی می‌تواند ساخت یافته و با حدود و مرزی مشخص یا ساخت نیافته باشد. محقق بسته به هر نوع محیط از شیوه‌های خاص برای گردآوری اطلاعات استفاده می‌کند. انتخاب محیط مطالعه میدانی باید معرف موردی خاص باشد. با وجود اینکه مطالعه میدانی بر محیط یگانه‌ای متمرکز است، اما هدف آن توصیف بسیاری از این دست محیط هاست. مطالعات میدانی بیش از سایر مطالعات، بر خصوصیات محققان آن متکی است و بیشتر علایق محقق است که جریان کار را هدایت می‌کند. محقق میدانی برای درک مناسبات داخلی یک محیط اجتماعی باید به آن بپیوندد، اما نباید از موقعیت ممتاز خود غافل باشد و اثری بر محیط نگذارد، یعنی محل آن نشود. مطالعه میدانی متمرکز و موشکافانه است.

### ۷- انسان‌شناسی، مردم‌نگاری و قوم‌نگاری، علوم مبتنی بر روش تحقیق میدانی

انسان‌شناسی فرهنگی به‌مثابه یک علم، بیش از هر چیزی بر کار میدانی و نتایج و داده‌های حاصل از آن مبتنی است. در سنت علم انسان‌شناسی، واژه اتنوگرافی یا مردم‌نگاری با کار میدانی و تحقیق دست اول از جوامع انسانی پیوند خورده است. معنای تحت‌اللفظی واژه قوم‌نگاری، نوشتن درباره مردم یا فرهنگ‌هاست و از واژه ethnos به معنی مردم و graphi به معنی نوشتن ساخته شده است» (Marvasti, 2004). واژه مردم‌نگاری در معنای ریشه‌ای خود، مفهوم توصیف را می‌رساند. Graphen در یونانی به معنی توصیف، به مفهوم ترسیم یا نگاشتن

نزدیک است (فکوهی، ۱۳۸۵). عموماً در تقسیم‌بندی درونی علم، انسان‌شناسی وظیفه توصیف را به مردم‌نگاری و وظیفه توضیح و مقایسه و طبقه‌بندی مشابهت‌ها و تفاوت‌های رفتار فرهنگی انسان‌ها را به مردم‌شناسی منتسب کرده‌اند. به عبارت دیگر، غایت مردم‌نگاری، توصیف فرهنگی است که امروزه این توصیف را از خلال تجربه میدانی به دست می‌دهند. به‌عنوان اولین برآورد، فرد می‌تواند بگوید که روش‌شناسی قومی نوع خاصی از تحقیق اجتماعی می‌باشد و پایبند به شرح راه‌هایی است که به وسیله اعضای مشترک به وجود می‌آید و مفهومی از نظم و روشنی در زندگی اجتماعی را حفظ می‌کند.

روش‌شناسی قومی به‌عنوان دیدگاهی متفاوت و شیوه‌ای از تحقیق اجتماعی در آموزش‌ها و آثاری از هارولد گارفینکل شکل می‌گیرد. او بینش جدیدی از آنچه تحقیق اجتماعی می‌تواند باشد، به وجود آورده است» (Ten Have, 2004).

اما در تعریف محدودتر می‌توان مردم‌نگاری را به‌مثابه تحقیق میدانی یا کار میدانی<sup>۱</sup> دانست. در این تعریف مردم‌نگاری یک شیوه خاص در انجام پژوهش‌های کیفی است. عموماً در مباحث مربوط به مردم‌نگاری، بر وجه دوم آن یعنی تعریف محدوده مردم‌نگاری تأکید می‌شود. در این تعریف میدان تحقیق اهمیت بسیار کلیدی در کار مردم‌نگاری دارد.

بنابراین مردم‌نگاری هم به‌عنوان یک روش پژوهش، هم به‌عنوان یک تکنیک یا ابزار اندازه‌گیری و هم به‌عنوان یک نظریه یا تئوری مطرح است. «به عبارت دیگر، قوم‌نگاری متعهد به استفاده از مجموعه متنوعی

---

1. Field work

از روش‌ها بوده و همواره شامل مشاهده مستقیم از فعالیت‌های واقع شده، به‌منظور درک حقیقت واقعاً زنده از یک جمعیت هدف است» (Ibid).

از سویی با استفاده از مجموعه ابزارها و یا تکنیک‌هایی مانند مشاهده، مصاحبه، عکس‌برداری، فیلم‌برداری و غیره به بررسی جامعه یا گروهی که قصد مطالعه آنان را داشته می‌پردازد و از سوی دیگر، این داده‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

از نظر تکنیک برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌هایی پیرامون فرقه، گروه یا دسته مورد بررسی از مشاهده یا مصاحبه غیررسمی استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، مصاحبه شونده دقیقاً نمی‌داند که فرد مقابل او یک پژوهشگر مردم‌نگار است، بنابراین از هدف او نیز بی‌اطلاع خواهد بود. در این حالت نه گفته‌ها ضبط می‌شوند و نه کاغذی در میان است که یادداشتی برداشته شود. مصاحبه به‌صورت یک گفتگوی دوستانه در محل طبیعی مورد مطالعه انجام می‌شود. در ضمن مردم‌نگار در حین گفتگو فقط به محتوای صحبت‌ها توجه نداشته، بلکه هم به اصطلاحات و فرهنگ خاص شخص و هم به نوع برخورد و رفتارهای اجتماعی او توجه دارد. همچنین به فرهنگ ظاهری شخص، شامل پوشش و نوع آرایش او توجه می‌کند. در واقع، کلیه عناصر فرهنگی موجود در فرد و در آن محیط از نظر مردم‌نگار به دور نخواهد ماند.

مردم‌نگار فرضیه مشخصی را قبل از ورود به میدان پژوهش مطرح نمی‌کند. این گفته بدان معنی نیست که مردم‌نگار فاقد فرضیه است. در واقع، هیچ پژوهشگری در هیچ رشته علمی نیست که تحقیقش را به سان یک لوح ننوشته آغاز کند (بیتس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۵۸). در این روش، داده‌ها هستند که مردم‌نگار را هدایت می‌کنند. به باور فکوهی در امتداد



## گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۲۵

تفکر مالینوفسکی، «زمین پژوهش است که تعیین کننده کل پژوهش می‌شود و در نتیجه قبل از ورود به زمین پژوهش نمی‌توان نظری‌های خاص را پردازش کرد. در اصل ما اجازه می‌دهیم زمین آنچه را اهمیت دارد به ما دیکته کند (فکوهی، ۱۳۸۵: ۴۸۱).

هدف مردم‌نگاری، تهیه مونوگرافی و گزارش‌های نسبتاً کاملی از همه مسائل مربوط به یک واحد اجتماعی و قابل تفکیک است و نیز سبب می‌شود، مردم‌شناسی با روش «مقایسه‌ای» و ترکیب آنها به نتیجه‌گیری کلی برسد (فربد، ۱۳۷۶).

به دلیل جایگاه کلیدی مردم‌نگاری در انسان‌شناسی است که بینش انسان‌شناختی را حاصل کار میدانی می‌دانند. تجربه میدانی یا واقعیت‌های مردم‌نگارانه، مهم‌ترین مبنا و معیار در نظریه‌پردازی انسان‌شناختی است. البته باید دقت کرد که بنیانگذاران انسان‌شناسی مثل دورکیم، فریزر و تایلور، مردم‌نگاری در مفهوم کار میدانی را چندان مهم نمی‌دانستند و آن را امری مقدماتی و کم‌اهمیت تلقی می‌کردند که می‌توانست توسط افراد غیرحرفه‌ای نیز انجام شود. به همین سبب هم دورکیم در کتاب صور ابتدایی حیات دینی (۱۳۸۳) و فریزر در کتاب شاخه زرین (۱۳۸۴)، از داده‌های دست دوم حاصل از کار دیگران (عمدتاً میسیونرها، سفرنامه‌نویسان و...) استفاده کرده‌اند. به عبارتی، در نسل اول انسان‌شناسان نوعی مردم‌نگاری کتابخانه‌ای وجود داشته است. با تحولات علم انسان‌شناسی و به‌ویژه در قرن بیستم، مردم‌نگاری در مفهوم دقیق و علمی آن تدوین شد. ظهور نسل دوم انسان‌شناسانی مثل مالینوفسکی و چرخش‌های پارادایمی دیگری که در علوم اجتماعی و انسان‌شناسی رخ داد، سبب مرکزیت یافتن کار میدانی و مشاهده مشارکتی در علم

انسان‌شناسی شد. تأکید مالینوفسکی بر رسیدن به «چشم‌انداز بومی» از خلال «مشاهده مشارکتی»، مردم‌نگاری را در کانون مطالعات انسان‌شناختی قرار داد. این دیدگاه مالینوفسکی، بیانگر لزوم حضور فیزیکی در میدان تحقیق و مشارکت در زندگی مردم و آمیختگی با حیات آنان بود و هدف این پژوهش‌ها را رسیدن به جهان‌بینی و زیست‌جهان فرهنگی بومیان تعریف می‌کرد.

در باب مردم‌نگاری و کم و کیف انجام آن و اعتبار و روایی داده‌های حاصل از آن، بحث‌ها و چالش‌های بسیاری در جریان است. به عبارتی، در باب مردم‌نگاری رویکردهای متعددی از جمله رویکردهای پوزیتیویستی تا رویکردهای هرمنوتیکی‌تر و رویکردهای پست‌مدرن وجود دارد. در میان این رویکردها، چالش اصلی بر سر درک از موضوع و نسبت و رابطه محقق با واقعیت مردم‌نگارانه حاصل از مردم‌نگاری است. در مردم‌نگاری‌هایی که میسیونرها و جهانگردان انجام می‌دادند، موضوع‌شناسی در حیطه جوامع قبیله‌ای و بیگانه و متفاوت از غرب تعریف شده بود، تعریفی که عمدتاً آنها را ذیل واژه‌های «وحشی»، «بومی» و «ابتدایی» طبقه‌بندی می‌کرد. رابطه نویسندگان این گزارش‌های مردم‌نگارانه نیز عموماً در ساختار نابرابر قدرت و در زمینه‌ای از سلطه استعماری و سیاسی غرب بر این جوامع شکل می‌گرفت.

در ابتدا غربی‌ها مردم‌نگاری را در جوامع غیر خودی یعنی در جوامع دوردست و غالباً ابتدایی و یا سنتی انجام می‌دادند. در مورد جوامع اولیه، استفاده از روش مردم‌نگاری در کارهای کلاسیک انسان‌شناسانی مانند: روث بندیکت، کلیفورد گیرتز، مارگاریت مید، برانیسلاو مالینوفسکی و غیره وجود دارد. از این رو، قرن‌ها شرق و کشورهای آفریقایی و آسیایی،

زمینه‌های پژوهشی انسان‌شناسان غربی محسوب می‌شدند. ولی به مرور زمان به جامعه‌های خود روی آورده و به موضوع‌های داخلی با روش مردم‌نگاری به پژوهش پرداختند. بدین ترتیب، مسائل جامعه‌های غربی موضوع‌های مورد مطالعه آنها واقع شدند. در این رابطه می‌توان به کارهای مردم‌نگاری هوارد بکر، خانم ژان فاوره سادا، پیتر وودز، پاسکال دیبی و ژرژ لاپاساد اشاره کرد.

مردم‌نگاری به‌عنوان یک روش کیفی (منادی، ۱۳۸۴) بیشتر و یا فقط در رشته انسان‌شناسی مرسوم بوده و هست. به‌تازگی تعدادی از جامعه‌شناسان حوزه‌های دیگر مانند حوزه آموزش و پرورش نیز به این روش روی آورده‌اند. مردم‌نگاری ایجاب می‌کند تا پژوهشگر مردم‌نگار مدت زمانی را با افراد مورد مطالعه خود به نوعی یا زندگی کرده (مانند مطالعه قبیله‌ای) و یا با او ارتباط مستمر (مانند مطالعه روش مدیریت در ارتباط با معلمان) داشته باشد. بنابراین مردم‌نگاری نیازمند مشاهده است. به تجربه ثابت شده است که مردم‌نگاران در گذر از این روش به اطلاعات بسیار دقیق و عمیق علمی دست یافته‌اند، به طوری که این نوع داده‌ها قابل مقایسه با داده‌هایی که به کمک روش‌های دیگر به دست آمده‌اند، نیستند. در مواقعی این اطلاعات فقط جنبه شناخت داشت بنابراین، برای جامعه علمی مفید بودند. برای مثال جهانشمولی نظریه‌های فروید در زمینه بلوغ، توسط مارگریت مید در قبایلی آزمایش شد و تأیید نشد. در مواقعی نیز از این اطلاعات به زعم ادوارد سعید، سوءاستفاده و یا استفاده‌های سیاسی شده است. به عبارت دیگر، سیاستمداران با استفاده از دستاوردهای مردم‌نگاران (بدون اینکه آنان در جریان باشند) در انجام فعالیت‌های خود از نقاط ضعف مردم نهایت

سوءاستفاده را جهت استعمارگری خود کرده‌اند. البته در مواقعی نیز شناخت دقیق موضوعی به روش مردم‌نگاری، باعث شناخت علل وجود آن موضوع شده است که در گذر از این شناخت، مسئولان جامعه بهتر توانسته‌اند آن مشکل را برطرف کنند.

از این رو، مردم‌نگاری در صورت خوب اجرا شدن می‌تواند از سویی در فهم بسیاری از نکات خوب فرهنگ جامعه که صورت می‌گیرد (بدون اینکه کنشگران آن عمل‌شناختی در مورد علل وجودی آنها داشته باشند) و از سوی دیگر، نکات منفی که باعث بی‌هنجاری و ناامنی و در نهایت مانع پیشرفت و توسعه جامعه می‌شود، مفید باشد.

به پیروی از اندیشه ادوارد سعید، می‌توان گفت: در صورتی که ما نیز مردم‌نگاری را خوب بیاموزیم و پژوهش‌های خود را با روش مردم‌نگاری انجام دهیم، می‌توانیم به مانند غربی‌ها، جامعه آنان را مورد مطالعه دقیق قرار داده و بدون اینکه شیفته پیشرفت‌ها و فرهنگ جامعه آنان شویم، به نکات مثبت و منفی جامعه آنان پی برده و در صورت لزوم از این شناخت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و شکل ارتباط با غرب استفاده کنیم.

## ۸- روش تحقیق موردی

این روش از جهاتی بسیار حائز اهمیت است:

۱- شناخت کل واقعیت: تنها با استفاده از این روش می‌توان کل یک واقعیت را فهمید. روش موردی بهترین شیوه برای پیاده کردن دیدگاه‌های کل‌نگر، نظریه گشتالت و همچنین اندیشه آنانی است که بر پیکربندی واقعیت تکیه دارند. برای شناخت ابعاد نهان پدیده اجتماعی، تحقیق موردی، پرده ظاهر را بالا می‌زند و به اعماق دست می‌یابد و

واقعیت را در کنه آن بررسی می‌کند، همچنین به مطالعات ژرفانگر می‌پردازد و شبکه محلی را کشف می‌کند.

۲- دستیابی به کلیت منحصربه‌فرد: همیشه در جامعه، آینده‌ای خاص و کلیتی بی‌نظیر وجود دارد که شناخت آن تنها از طریق مطالعات موردی امکان‌پذیر است.

### ۹- نقاط ضعف و قوت روش تحقیق موردی

از جمله نقاط قوت تحقیق موردی آن است که به شناخت تمامی ابعاد یک واحد اجتماعی می‌پردازد. مطالعه موردی نقطه اوج هر شناخت تام، کل و همه‌جانبه است. از ویژگی‌های منحصر به فرد تحقیق موردی این است که می‌تواند بر دانش فردی، سازمانی، اجتماعی و سیاسی ما بیفزاید. تحقیق موردی این امکان را فراهم می‌کند تا یک مفهوم کلی و جامع به رویدادهای زندگی حقیقی بدهیم؛ رویدادهایی مثل چرخه زندگی فرد. فرایندهای سازمانی و مدیریت، تغییراتی که در همسایگی ما رخ می‌دهد و روابط بین‌المللی و رشد یا پیشرفت صنایع.

زمانی تصور می‌شد که تحقیق موردی برای پژوهش‌های اکتشافی مناسب است. تحقیقات پیمایشی برای قضایای توصیفی مناسب است و از شیوه آزمایش برای تحقیقات تبیینی و علی باید استفاده کرد. در حالی که امروز ما می‌دانیم برای تأمین هر سه هدف می‌توان از هر یک از سه روش موردی (اکتشافی، توصیفی یا تبیینی) استفاده کرد. تحقیق موردی حتی در زمینه پژوهش‌های تبیینی و علی هم کاربرد دارد و کاربرد آن تنها به تحقیقات اکتشافی محدود نمی‌شود. هدف پژوهشگر باید این باشد که استدلال‌های موافق و مخالف را نسبت به یک مجموعه رویداد

برشمارد و مشخص کند که این نوع استدلال‌ها در کجای دیگر کاربرد دارد.

نقطه قوت و منحصربه‌فرد تحقیق موردی در توانایی‌های آن است که می‌تواند از انواع مدارک (مثل اسناد، آثار فرهنگی و تاریخی، مصاحبه و مشاهده) استفاده کند. فراتر اینکه، در برخی شرایط، شخص پژوهشگر با مشارکت در تحقیق شاهد رویداد است و بدین وسیله می‌تواند در فرایند پژوهش تغییرات غیررسمی ایجاد کند. و پژوهشگر زمانی تحقیقات آزمایشی انجام می‌دهد که بتواند رفتار رویداد را به‌صورتی دقیق، مستقیم و منظم تغییر دهد. در پاره‌ای شرایط می‌توان بیش از یک روش تحقیق را مورد استفاده قرار داد. برای مثال، می‌توان در درون یک تحقیق موردی، تحقیق پیمایشی (زمینه یابی) به اجرا درآورد، یا بالعکس. بنابراین روش‌های گوناگون تحقیق مانع‌الجمع نیستند، ولی شرایطی نیز وجود دارند که در آنها روش تحقیق خاصی، مزیت دارد. در رابطه با رویدادهای کنونی که پژوهشگر بر آنان کنترل اندکی دارد یا هیچ‌کنترلی ندارد و پرسشی با کلمه‌های «چگونه» و «چرا» مطرح است، تحقیق موردی دارای مزیت می‌شود.

تحقیق موردی تنها به کسب داده‌هایی که محقق در تهیه آنها مشارکت کرده بستگی ندارد، بلکه می‌توان حتی در یک کتابخانه نشست و با استفاده از یک خط تلفن (با توجه به موضوع مورد تحقیق) یک تحقیق موردی معتبر و با کیفیت بالا انجام داد. شایان ذکر است که انجام یک تحقیق موردی بسیار مشکل است و مسئله این است که برای آزمودن توانایی یک پژوهشگر برای انجام تحقیق موردی خوب، راه شناخته‌شده‌ای نداریم.

کاربرد مسئله «چگونه و چرا» در شرایط پیچیده زندگی انسانی یک نمونه کلاسیک از کاربرد تحقیق موردی است. خواه به وسیله روزنامه‌نگاران انجام شود و یا به وسیله دانشمندان علوم اجتماعی. در تحقیق موردی مدارک و شواهد کمی نیز وجود دارد. در واقع مدارک کمی یا کیفی، نوعاً ملاک تعیین روش تحقیق نیست. به‌عنوان مثال، در برخی تحقیقات آزمایشگاهی یا پیمایشی به جنبه‌های کیفی توجه می‌شود، نه جنبه‌های کمی. به عبارتی، تحقیق کمی را نباید با تحقیق کیفی اشتباه بگیریم. تحقیق کیفی همیشه منجر به تحقیق موردی نمی‌شود. تحقیقات موردی می‌توانند به‌صورت کامل بر اساس شواهد کمی استوار باشند. در پژوهش‌هایی که برای قضاوت و ارزیابی انجام می‌شوند، تحقیقات موردی جایگاه ممتاز و مشخصی دارند.

از جمله نقاط ضعف مطالعه موردی نیز آن است که:

الف) فاقد قدرت تعمیم است. هرچند که ابزاری ارزشمند است و با استفاده از آن می‌توان متغیرهای معنادار را کشف کرد، اما امکان تعمیم داده‌ها را فراهم نمی‌سازد، زیرا فقط بر روی یک مورد صورت می‌گیرد و در یک مقطع زمانی است.

ب) دیگر آنکه فاقد اعتبار درونی نیست، چراکه در یک مقطع زمانی و برای یک‌بار صورت می‌گیرد. روابط علی را مورد شناخت و تحلیل قرار نمی‌دهد، بسیاری از دانشمندان، آن را برای مراحل ماقبل تجربی تحقیق مفید می‌دانند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۳۰۰-۳۰۷).

تحقیق موردی زمانی اولویت دارد که فرد پژوهشگر درصدد برآید رویدادهای کنونی را بررسی کند، ولی نتواند در رفتار ذی‌ربط هیچ نوع دستکاری انجام داده یا آن را تغییر دهد. از این رو، تحقیق موردی بیشتر

## ۲۳۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

بر تکنیک‌ها و روش‌هایی متکی است که در تحقیق تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد، با این تفاوت که برای کسب مدارک و شواهد از دو منبع مشاهده مستقیم و مصاحبه منظم استفاده می‌شود که معمولاً در گزارش‌های تاریخی گنجانده نمی‌شود.

### ۱۰- تفاوت تحقیق میدانی و مورد پژوهی

اگرچه هر دو روش به مطالعه محیط می‌پردازند، ولی لزوماً مطالعات میدانی به موارد منفرد محدود نمی‌شود. تحقیق میدانی ممکن است در مقایسه محیط‌های اجتماعی مختلف باشد به همین دلیل تحقیق میدانی عام‌تر از مورد پژوهی است.

### ۱۱- فرایند تحقیق میدانی

فرایند تحقیق میدانی دارای مراحل مشخصی است که باید با طراحی پروژه تحقیق دنبال شود. این مراحل به طور عمده عبارتند از:

#### ۱-۱- انتخاب موضوع و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های پژوهشگر تعریف مسئله مورد نظر است. وقتی مسئله‌ای درست تعریف شود، تحقیق نیز برای فراهم آوردن اطلاعات مناسب مطرح می‌شود. بخشی از فرایند تعریف، تعیین هدف‌های خاص پروژه‌های تحقیقی است. هر پروژه باید یک یا چند هدف داشته باشد و تا این اهداف به طور دقیق مشخص نشود، نمی‌توان به مرحله بعد رفت. طرح تحقیق و منابع اطلاعاتی با هم ارتباط تنگاتنگی داشته و به میزان شناخت ما از مسئله بستگی دارند. اگر میزان شناخت ما از پدیده



گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۳۳

مورد تحقیق نسبتاً کم باشد، تحقیق جنبه اکتشافی خواهد داشت و در صورت شناخت دقیق مسئله، پژوهش جنبه توصیفی یا عملی می‌یابد.

#### ۲-۱۱- تعیین گزاره‌های پژوهش

اصولاً در کلیه روش‌های تحقیق کیفی، اهداف و فرضیات ثابت نبوده و مرتباً در جریان تحقیق اصلاح و یا تکمیل می‌شوند. ممکن است برخی از فرضیه‌ها حذف و یا فرضیه‌های جدیدی اضافه شوند.

#### ۳-۱۱- تعیین مورد تحقیق

تعیین مورد تحقیق یکی از مهم‌ترین و مشکل‌ترین مراحل تحقیق میدانی است. قانون کلی در این زمینه، تعیین مورد یا واحد تجزیه و تحلیل، با توجه به پرسش‌های نخستین تحقیق است. معمولاً در تحقیق میدانی، هدف اصلی آن است که مشخص کند چرا یا چگونه یک رویداد یا پدیده ظاهر می‌شود؟ یا اینکه چه رخ داد، چرا رخ داد؟ و چگونه رخ داد؟ از این رو، با توجه به نوع سؤال پژوهشی می‌توان ابتدا واحد تحلیل را مشخص و مورد را انتخاب کرد (ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۶۲).

#### ۴-۱۱- گردآوری داده‌ها

مشاهده (به‌ویژه مشاهده مشارکتی) و مصاحبه، دو روش اصلی گردآوری داده‌های کیفی به شمار می‌آیند. در پژوهش‌های مبتنی بر مشاهده مشارکتی نیز به همین صورت است. اما در میدان ممکن است موارد بسیاری مشاهده شود که اتفاقاً همه با موضوع تحقیق در ارتباط باشند. محقق ضمن آنکه نگاهی خاص به هر یک از آنها دارد، باید نظم و

## ۲۳۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

ارتباط میان آنها را نیز بفهمد.

در پژوهش‌های کیفی باید هنگام جمع‌آوری داده‌ها به نکات زیر توجه

کرد:

همواره نسبت به داده‌های جمع‌آوری شده طبق برنامه مشکوک باشید.  
موضوعات تحقیق باید برای مردم قابل فهم باشد.  
داور علمی مشاهده، باید فردی باشد که اخیراً تجربه واقعی در زندگی را  
با توجه به مقدم بودن موضوع داشته باشد.  
اعتماد و تردید مطلق هر دم، منجر به شکست در میدان می‌شود.  
همه‌چیز در میانه‌روی خلاصه می‌شود، به‌ویژه اعتماد و تردید  
(Quin Patton, 2002).

## ۵-۱۱- تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش‌های بسیاری برای انجام تحلیل کیفی وجود دارد. تیش (۱۹۹۰) بیش از بیست روش مجزا را شناسایی کرد که در بین آنها طیف وسیعی از جنبه‌های روش‌شناسی و معرفت‌شناسی وارد می‌شود. همچنین متن‌های بسیاری وجود دارند که راهنمایی‌های مفصلی برای امکانات انجام تحلیل کیفی اطلاعات را ارائه می‌دهد. در حالی که روش‌های مختلف زیادی برای تحلیل کیفی اطلاعات وجود دارند، در عمل اغلب روش‌ها شامل مراحل مشابهی هستند. برای هر هدف تحقیق و پرسش، گزینش‌های تحلیلی معین باید صورت گیرد: چه اطلاعاتی جمع‌آوری شوند، از چه کسی، چگونه بر روی تحلیل تمرکز کنیم و چگونه گزارش تحقیق را تشکیل دهیم.

داده‌ها ممکن است از منابع بسیاری به دست آید و در شکل‌های

متعددی باشد. احتمال دارد داده‌ها از مصاحبه‌ها، مشاهدات، یا محتوای تحلیل یا منابع موجود کسب شود و ممکن است شامل نوارهای مصاحبه یا رونوشت‌ها، توضیحات زمینه‌ای مشاهده، یادداشت‌هایی بر اساس متن‌ها و فرایند مصاحبه، یادداشت‌ها و نامه‌های تحلیلی، یا مدخل‌های مجله باشد. سطح و گسترش تحلیل اطلاعات از منابع گوناگون بستگی به هدفی خواهد داشت که داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند و انتخاب‌هایی را در بردارد که نیاز می‌باشد برای هر پروژه به حساب آورده شود (Darlington & Scott, 2002).

پژوهشگران گاه با انبوهی از داده‌ها روبه‌رو می‌شوند، اما این داده زمانی سودمند خواهد بود که همه یافته‌ها تجزیه و تحلیل شده و نتایج به‌دست‌آمده در ارتباط با مسئله مورد نظر تفسیر شود. کار مهم در تجزیه و تحلیل داده‌ها، نمایش جدول‌ها و نمودارهاست که معمولاً به کمک نرم‌افزارهای کامپیوتری مانند SPSS انجام می‌شود.

#### ۶-۱۱- تهیه گزارش تحقیق

نتایج تحقیق معمولاً به‌صورت گزارش کتبی یا شفاهی به مدیران ابلاغ می‌شود. یافته‌های تحقق باید به‌طور ساده و در خصوص نیازهای اطلاعاتی مربوط به موقعیت تصمیم‌گیری ارائه شود. اگر همه مراحل مذکور درست انجام پذیرد، می‌توان با اطمینان کامل از یافته‌های تحقیق استفاده کرد.

#### ۱۲- روش‌های گردآوری اطلاعات

در پژوهش‌های میدانی از روش‌های مختلفی برای جمع‌آوری اطلاعات

استفاده می‌شود. مشاهده (به‌ویژه مشاهده مشارکتی) و مصاحبه دو روش اصلی برای گردآوری داده‌های کیفی به شمار می‌آیند.

#### ۱-۱۲- مشاهده

مشاهده را به حق، می‌توان روش کلاسیک تکنیک علمی نامید. معرفت زیست‌شناسان، فیزیک‌دانان، علمای علم نجوم و دیگر علوم طبیعی بیشتر از راه مشاهده منظم در پدیده‌های محیط طبیعی حاصل شده است تا در نتایج آزمایشات و آزمایشگاه‌ها (در تعریف دقیق کلمه، مشاهده از چشم بیش از گوش و زبان استفاده می‌شود).

فرهنگ کوچک آکسفورد، مشاهده را به صورت نگاه کردن صحیح و یادداشت کردن پدیده‌ها، آن‌طور که در طبیعت و روابط علت و معلولی یا روابط متقابل اتفاق می‌افتد، تعریف کرده است (کالتون، ۱۳۷۳: ۲۰۸). به‌طور کلی، هر علمی با مشاهده و ملاحظه شروع می‌شود و یک مشاهده ساده، اولین قدم هر علم و هر مبحث علمی است و از مهم‌ترین، طبیعی‌ترین و پرکاربردترین شیوه‌ها و ابزار تحقیق است، در همه دانش‌ها جای دارد، اما در دانش انسان از اهمیت خاصی برخوردار است. «دانش جدید اجتماعی بر پایه مشاهده استوار است، دانشمندان سیاسی در بین پدیده‌های دیگر، رفتار سیاست‌مردان را مشاهده می‌کنند، انسان‌شناسان به مشاهده جوامع ساده و کوچک دست می‌زنند و روان‌شناسان اجتماعی به مشاهده رفتار انسان‌ها در گروه‌های کوچک می‌پردازند. به تعبیر وب، تمامی تحقیقات اجتماعی با مشاهده آغاز می‌شود، و با آن نیز پایان می‌پذیرد. به بیان دیگر، مشاهده جزئی اجتناب‌ناپذیر از هر مطالعه در باب هر پدیده اجتماعی است. مشاهده شخصی، امری عمری و مستمر است و

از این مشاهده است که محقق به نکته‌های بسیاری می‌رسد، اندیشه اش روشنی می‌یابد، همچنان که کارش دقت و صراحت می‌پذیرد. محقق با استفاده از این ابزار، نظرات اولیه خود را بازبینی می‌کند و فرضیه‌های موقت را مورد آزمون قرار می‌دهد. مهم‌ترین جنبه مثبت مشاهده این است که به‌طور مستقیم پدیده را به بررسی می‌نهد، این امکان را فراهم می‌سازد که رفتار آن‌طور که واقع می‌شود مشاهده شود. در این حال محقق از افراد نمی‌پرسد در این زمینه خاص چگونه عمل می‌کنند؟ زیرا او آنان را در حین گفتگو یا عمل می‌بیند. این امر خود موجبات پیدایی داده‌های مستقیمی را فراهم می‌سازد که توسط عواملی که معمولاً با استفاده از دیگر شیوه‌های تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرند، آلوده نمی‌شوند. به‌عنوان مثال، زمانی که از گروهی می‌خواهیم تا در باب رفتار گذشته خود توضیح دهند، عدم یادآوری درست می‌تواند موجب بسیاری از سوگیری‌ها یا انحراف‌ها در دستاوردها شود و حال آنکه تمامی این مسائل در کاربرد مشاهده مستقیم از بین می‌روند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۴-۱۷۳).

مشاهده دارای تاریخچه‌ای طولانی در کار عملی قوم‌نگاری در رشته مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی است. مطالعات کلاسیک بسیاری با استفاده از روش‌های قوم‌نگاری شامل تحقیقات لی باو از مردان گوشه خیابانی آمریکایی آفریقایی (۱۹۶۷) و زنان بی‌خانمان (۱۹۹۳)، مطالعه دالتون (۱۹۵۹) از جنبه‌های رسمی و غیر رسمی مدیران جهان، و تحقیق بیکرات ال (۱۹۶۱) از پرورش حرفه‌ای دانشجویان پزشکی انجام شده است.

برای انجام مشاهده توجه به موارد زیر ضروری است:

## ۲۳۸ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

- به هدف تحقیق مربوط باشد.
  - برنامه و نحوه عمل آن از قبل مشخص شده باشد.
  - به‌طور دقیق و منظم ثبت شود.
  - میزان اعتبار و صحت انجام آن قابل سنجش و بررسی باشد.
- مشاهده به دو صورت مشارکتی و غیر مشارکتی انجام می‌شود. در مشاهده مشارکتی شخص مشاهده‌کننده در موضوع مشاهده شرکت دارد. در مشاهده غیرمشارکتی، مشاهده‌گر پدیده مورد مشاهده را بدون آنکه خود دخالتی در آن داشته باشد، ملاحظه می‌کند که این روش خود به دو صورت انجام می‌شود. در روش اول، مشاهده‌گر پدیده‌ها را به‌صورت آشکار ثبت می‌کند و در نوع دوم، مشاهده‌گر به صورت مخفیانه مورد مشاهده را ملاحظه و به ثبت آن می‌پردازد.
- موارد مشاهده را می‌توان چنین برشمرد:
- مشاهده محیط؛
  - مشاهده مناسبات میان مردم؛
  - مشاهده مناسبات و رفتارهای بین گروه‌ها و نهادهای اجتماعی؛
  - مشاهده رفتارها، فعالیت‌ها و کنش‌ها؛
  - مشاهده رفتارهای کلامی؛
  - مشاهده اندام‌های حرکتی و حرکت اندام (رفتارهای حرکتی)؛
  - مشاهده شیوه استفاده از فضا؛
  - مشاهده نامرئی (مشاهده وضعیت روانی - اشیای مادی)؛
  - مشاهده به روش تصویری و آزمون روان‌شناسی (آزمون رورشاخ و تی‌ای تی در روان‌شناسی بالینی)؛
  - مشاهده آداب و مناسک عمومی - مذهبی؛

- مشاهده رفتارها و بازی‌های کودکان.

منظور از عوامل مؤثر در مشاهده عبارت است از: تعدادی از عواملی که در مشاهده هر محقق اثر می‌گذارد. بر محقق واجب است که این عوامل را بشناسد و بر تأثیر هر یک از آنها در مسائل تحقق و اثرپذیری خویش از این عوامل، آگاه و هوشیار باشد. مهم‌ترین این عوامل عبارت است از:

۱- تمایلات شخصی: درک و استنباط محقق در عواملی که مورد مشاهده قرار می‌دهد، بسته به آنکه نسبت بدان دارای نظر خاصی باشد، اعم از نظر مثبت یا منفی، متفاوت و متغیر خواهد بود. این موضوع به دو شکل تحقق می‌یابد: الف) محقق تحت تأثیر عواملی، آگاهانه بعضی مسائل را نسبت به بعضی مسائل دیگر رجحان می‌دهد یا به عبارت دیگر، در مشاهده بعضی مطالب دچار اغراق می‌شود و ب) شعور باطن یا ناخودآگاه نسبت به بعضی از عوامل نیز موجب می‌شود مشاهده محقق با عمق بیشتری انجام گیرد یا به عکس کوتاه و گذرا باشد.

۲- زیرکی و تیزهوشی: زیرکی و تیزهوشی اشخاص، یا گوش‌به‌زنگ بودن آنان نیز از عوامل بسیار مهمی است که در امر مشاهده اثر می‌گذارد. عوامل فرهنگی عامل بسیار مهمی است که عامل زیرکی و تیزهوشی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسته به اینکه محقق در چه محیطی به دنیا آمده، تربیت وی چه باشد، دوستان او چه کسانی باشند، سن و روال زندگی اجتماعی وی چگونه باشد و به‌طور خلاصه از چه عوامل فرهنگی متأثر باشد، مشاهده‌اش با دیگران تفاوت پیدا می‌کند.

۳- حدود اطلاعات و زمینه قبل محقق: هر محقق، در پاره‌ای از موارد تحقیق دارای اطلاعات و زمینه قبلی است، این آشنایی قبلی موجب

می‌شود که محقق در مشاهده اش به مراتب موفق‌تر از کسانی باشد که بدون معلومات قبلی در راه تحقیق مسئله خاصی قدم می‌گذارند. هدف تحقیق در مشاهده مشاهداتی که محقق را در راه رسیدن به هدف مطلوب خویش یاری می‌دهد، به مراتب دقیق‌تر و عمیق‌تر از مشاهداتی است که در زندگی روزمره پیش می‌آید. بسته به اینکه هدف تحقیق چه باشد، دقت و تعمق شخص محقق نیز کاهش می‌یابد (نبوی، ۱۳۷۰: ۹۶-۹۲).

#### ۱-۱-۱۲- مشاهده مشارکتی

مشاهده مشارکتی یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای جمع‌آوری داده‌های کیفی و نیز یکی از سخت‌ترین روش‌ها است. نیاز است که محقق در فرهنگ یا زمینه و محیطی که می‌خواهد مشاهده کند، شرکت نماید. ادبیات مشاهده مشارکتی بحث می‌کند که محقق چگونه وارد محیط شود، نقش محقق به‌عنوان مشاهده‌گر چگونه است، جمع‌آوری و ذخیره داده‌ها و نکات و تجزیه و تحلیل داده‌ها به چه صورت باشد. مشاهده مشارکتی اغلب به ماه‌ها و سال‌ها کار نیاز دارد، زیرا محقق نیاز دارد که به‌عنوان یک عضو طبیعی آن فرهنگ پذیرفته شود تا بتواند ادعا کند که مشاهداتش در مورد پدیده طبیعی است. مشاهده مشارکتی بیشتر در مردم‌شناسی و قوم‌نگاری به کار می‌رود. در این شیوه پژوهشگر به عضویت از جامعه تبدیل شده و با جلب اعتماد مردم و صرف زمان زیاد، به ثبت وقایع می‌پردازد و این در شرایطی است که خود عملاً در میدان مشارکت دارد و می‌تواند نقش‌های متفاوتی را اختیار کند. حضور محقق نه باید مختل‌کننده باشد و نه ایجاد مزاحمت کند تا اینکه افراد صادقانه پاسخ



دهند و مخفی کاری نکنند. قصد محقق فائق آمدن بر قوم‌مداری یا پیش‌داوری‌ها و نیز درک و فهم مبانی و علل عمیق رفتار گروه یا نظام تحت بررسی است.

در این روش مشاهده‌گر در زندگی روزمره گروه یا سازمان مورد مطالعه، شرکت‌جسته و رویدادهایی که برای اعضای آن اجتماع رخ می‌دهد و چگونگی رفتار آنان را زیر‌قطر می‌گیرد، با آنان گفتگو و تبادل نظر می‌کند تا واکنش‌ها و تفسیرهایشان را از رویدادهایی که اتفاق افتاد بشناسد (کالتون، ۱۳۷۳: ۲۱۳-۳۱۴). یکی از مطالبی که باید در چنین مواردی مورد توجه محقق باشد، این است که عقاید خود را در اجتماع مورد مطالعه نفوذ و دخالت ندهد و اظهار نظری ننماید که موجب انحراف وضع یا مورد تحقیق را فراهم کند (نبوی، پیشین: ۹۸). در این روش محقق از پندارهای پیشین که می‌توانست مانع دیدار و درک درست واقعیت باشد، فاصله می‌گیرد. نحله‌هایی چون پدیدارشناسی، روش تأویل جامعه‌شناسی تفهیمی و... به این شیوه، تمسک می‌جویند، آنان درصدد ایجاد همدلی بین محقق و افراد مورد تحقیق هستند، همدلی به معنای احساس مشترک است و مستلزم آن است که فرد بتواند خود را جای مخاطب (موضوع مورد تحقیق) قرار دهد. با شادی‌ها و آلام او آشنا شود و با درک درست و همراه با درون‌فهمی صورت‌پذیر شود (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۸۸-۱۸۹). زندگی مردم آن اجتماع را به صورت یک کل می‌بیند و همبستگی بین اعضا، فعالیت‌ها و نهادهای آن را مطالعه می‌کند، یعنی مطالعه نوعاً انسان‌شناسی اجتماعی است. این اجتماع می‌تواند در حرکت خانواده کوچک یا در حرکت شهر بزرگ باشد ممکن است بسته، مثل خانواده و ایل یا باز مانند کارخانه، شهر یا یک روستای بزرگ باشد.

تفاوت عمده در اجتماع باز و بسته در این است که در دومی گاهی مشاهده‌گر می‌تواند خود را از نظرها پنهان سازد. در حالی که در اجتماع بسته این کار تقریباً غیر ممکن است. در روش مشاهده مشارکتی، مشاهده‌کننده باید سعی کند خود را در موقعیتی قرار دهد تا بتواند تصویر کامل و بدون انحرافی از موضوع مورد مطالعه به دست آورد. برای نیل به این هدف، نقشی که مشاهده‌گر در اجتماع مورد مطالعه ایفا می‌کند، بسیار مهم است. نقشی که او می‌پذیرد، به طبیعت و بزرگی اجتماع مورد بررسی موضوع در زندگی و در انجام کارهای آن سهیم شود ولی در نهایت نمی‌تواند عضو آن خانواده شود و در مواردی باید خارجی بماند. در اجتماع بزرگ‌تر و کمتر محدود شده، نحوه مشارکت پژوهشگر تا حد زیادی جنبه انتخابی دارد. اگر مشاهده‌گر بتواند به‌عنوان عضوی از آن اجتماع، چنان پذیرفته شود که افراد مورد مطالعه متوجه مورد مشاهده قرار گرفتن خویش نشوند، طبیعتاً به‌دلیل همین عدم آگاهی اطلاعات معتبری از رفتار و گفتار خود، ارائه خواهد داد. در اجتماعات کوچک این خطر احتمالی وجود دارد که معرفی یک فرد خارجی، به‌ویژه هنگامی که به او نقش خاص پژوهشگری محول شود، فرایند کارها را در این جهت که او برای مطالعه رفتار و گفتارشان در آنجا زندگی می‌کند، تغییر دهد. اگر مشاهده‌گر در اجتماع مورد نظر ناآشنا باقی بماند، خطر چنین انحرافی کاهش می‌یابد، برای مثال، در آن محل خود را به کاری مشغول دارد و قصد حقیقی خود را پنهان کند (کالتون، پیشین: ۲۱۴-۲۱۳).

البته گرفتن جواب صحیح بستگی زیادی به چگونه معرفی کردن پژوهشگر در اجتماع مورد نظر و رابطه حسنه‌ای که با اعضای آن برقرار

می‌کند، دارد. پژوهشگر باید بتواند هدفش برای افراد کلیدی آن اجتماع به نحو قابل درک و قبولی نیست و علاقه وافر به آنچه در دست انجام دارد را نشان دهد. در مشاهده مشارکتی این خطر وجود دارد که نقش محول، مشاهده‌گر را در درک درست وضعیت محیط اطرافش دچار اشکال ساخته و در نتیجه، نقطه نظرات انحرافی به دست آید. ایفای نقش کاملاً روشن در اجتماع مورد بررسی، موجب می‌شود که درک مشاهده‌گر از وضعیت موجود به محدوده و موارد خاصی منحصر شود. او فقط به منابع وابسته به آن وظیفه تقرب خواهد داشت. دوستی او با برخی از اعضای آن اجتماع، احتمالاً بین او و سایرین فاصله ایجاد می‌کند. به علاوه اگر نقش محول چنان باشد که او را نسبت به آن اجتماع متعهد سازد، احتمال دارد دید او سایه‌دار شود. از مطلبی که جدید و اساساً قابل بیان و مطالعه است بعد از یک دوره برخورد عمیق با اجتماع مورد بررسی، به‌عنوان امری پیش پا افتاده از آن، چشم‌پوشی کند. به همین دلیل در مواردی سعی می‌شود تا از مشاهده‌گران غیربومی استفاده شود، چراکه حداقل در شروع تحقیق افراد را از دریچه تازه‌ای می‌بیند (همان، ۲۱۵).

مشاهده مشارکتی دارای مراحل زیر است:

- ۱- تعیین اهداف فعالیت مشاهده مشارکتی که به تمامی موضوعات تحقیق مرتبط است.
- ۲- تعیین جمعیت مشاهده شده.
- ۳- در نظر گرفتن دسترسی جمعیت و محلی که علاقه‌مند به مشاهده آنها هستید.
- ۴- بررسی مکان‌های ممکن برای انجام مشاهده مشارکتی.
- ۵- انتخاب مکان(ها)، زمان(ها) در یک روز و تاریخ(ها) و پیش‌بینی

- اینکه داده‌ها چه مدت در هر جلسه جمع‌آوری خواهند شد.
- ۶- تصمیم بگیرید که چگونه کارکنان حوزه‌ها برای پوشش دادن مؤثرتر تمامی مکان‌ها، تقسیم‌بندی شوند.
- ۷- توجه داشته باشید چگونه شما خودتان را ارائه خواهید کرد، هم به لحاظ ظاهر و هم اینکه چگونه در صورت ضرورت، برای دیگران اهدافتان را توضیح خواهید داد.
- ۸- برنامه‌ریزی کنید که شما در طی فعالیت مشاهده مشارکتی چگونه یادداشت برداری خواهید کرد.
- ۹- دفترچه و مداد را به خاطر داشته باشید (Mach et al, 2004).
- بحث مزایا و معایب به‌کارگیری این روش، تا حد زیادی به کیفی بودن آن بازمی‌گردد، یعنی همان درگیری قدیمی بین روش کمی و روش کیفی. روش‌های بررسی کمی که هدفشان یافتن علت‌هاست، بر اهمیت بی‌طرفی و عینیت در پژوهش تأکید می‌ورزند. اما در روش‌های کیفی بیشتر توصیف، تحلیل و تفسیر واقعیت‌ها مد نظر است و بنابراین طرفداران این روش‌ها، در پی دستیابی به معانی زندگی انسان‌ها هستند. استفاده‌کنندگان از روش‌های کیفی و به‌ویژه مشاهده مشارکتی، متهم هستند که معیارهای دقیقی برای اثبات درستی معنایی که از زندگی انسان‌ها به دست می‌دهند، ندارند. در مقابل، استفاده‌کنندگان از روش‌های کمی نیز به خاطر ماندن در سطح و عدم آگاهی از ژرفای زندگی انسان‌ها، مورد سرزنش قرار می‌گیرند.
- لازم به ذکر نیست که همه روش‌ها دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند و دلیل استفاده از یک روش در پژوهشی خاص، متناسب‌تر بودن آن روش برای پژوهش مورد نظر است.

- مزایای روش مشاهده مشارکتی:

- ۱- مالینوفسکی خاطر نشان کرده که بسیاری از موقعیت‌ها را فقط از طریق مشاهده مشارکتی می‌توان به دست آورد. مهم‌ترین ویژگی مشاهده مشارکتی که آن را به‌عنوان مزیت در این روش در نظر می‌گیرند، این است که با به‌کارگیری آن، پژوهشگر این توانایی را به دست می‌آورد تا ساختار فرهنگی را از درون آن بنگرد و بدین‌وسیله، به درکی نزدیک به درک بومیان از زمینه فرهنگی آنان دست یابد.
- ۲- چون خود محقق در محیط اجتماعی مورد مطالعه شرکت می‌کند، حجم اطلاعاتی که به یکباره کسب می‌کند، زیاد است.
- ۳- چون محقق در حین بروز حوادث و وقایع به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد، به این اطلاعات اعتماد بیشتری می‌توان داشت.
- ۴- محقق در بسیاری از موارد از طریق پرسشنامه و شیوه‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات، به کشف حقایق و واقعیات قادر نیست، حال آنکه در روش مشاهده می‌تواند اطلاعات مورد نیاز را به سهولت جمع‌آوری کند.
- ۵- مشاهده بهترین شیوه جمع‌آوری اطلاعات در مورد کودکان، بیسوادان و کم‌سوادان، بیماران روانی، مجروحین و امثال آنان است.
- ۶- در بسیاری از موارد افراد مورد مطالعه به علل مختلف (نداشتن اوقات بیکاری) مایل به همکاری با محقق نیستند، در این‌گونه موارد مشاهده ساده‌ترین شیوه جمع‌آوری اطلاعات خواهد بود.
- ۷- محقق می‌تواند درستی مطالب و اظهارات را تشخیص بدهد.
- ۸- محقق در این شیوه به فراهم آوردن موجبات همکاری افراد مورد تحقیق نیازی ندارد (نبوی، ۱۳۷۱: ۱۰۰-۹۹).

- معایب روش مشاهده مشارکتی:

۱- چنانچه مشاهده‌کننده به عللی نتواند خود را با محیط مطالعه هم‌رنگ سازد و وجود وی به‌عنوان یک محقق برای همه روشن و آشکار باشد، غالباً این اشکال پیش می‌آید که دیگران از وجود وی متأثر می‌شوند و همین عامل موجب می‌شود که رفتار و گفتار خود را کنترل کنند. به همین دلیل آگاهی بر واقعیات قضا یا برای محقق امری بعید و مشکل خواهد بود.

۲- محیط دید مشاهده‌گر محدود است، کلیه اطلاعات جمع‌آوری شده محدود به همان محیط دید یا مطالعه است. چون زمان وقوع و حدوث بسیاری از وقایع اجتماعی قابل پیش‌بینی نیست، امکان اینکه محقق بتواند در کلیه موارد تحقیق از شیوه مشاهده استفاده کند، وجود ندارد.

۳- در پاره‌ای موارد که مشاهده‌کننده خود را با جامعه مورد مطالعه هم‌رنگ می‌سازد، چنان با محیط خود مرتبط می‌شود که بی‌طرفی خویش را از دست می‌دهد. به این ترتیب، امکان به دست آوردن اطلاعات قابل اعتماد نقصان می‌یابد.

۴- اطلاعاتی که محقق از این طریق به دست می‌آورد، غالباً از نوع کیفی است. تبدیل مطالب کیفی به کمی از مشکلاتی است که از اهمیت و ارزش اطلاعات کیفی جمع‌آوری شده می‌کاهد. تحقیقات محققانی که اطلاعات مورد نیاز را به این طریق جمع‌آوری می‌کنند، جنبه شخصی و انحصاری پیدا می‌کند (همان: ۱۰۲-۱۰۱).

## ۲-۱-۱۲- مشاهده مستقیم

مشاهده مستقیم از چندین جنبه با مشاهده مشارکتی متفاوت است: نخست، مشاهده‌گر مستقیم نوعاً سعی ندارد عضوی از محیط شود. هرچند، او سعی می‌کند که مشاهده خود را بی‌سرو صدا انجام دهد تا در مشاهداتش خللی صورت نگیرد. دوم، فرض می‌شود که مشاهده‌گر مستقیم، دیدگاه بی‌طرفانه‌تری دارد. محقق بیشتر نگاه می‌کند تا در فعالیت‌ها شرکت کند. در نتیجه، فناوری می‌تواند قسمت مفیدی از فرایند مشاهده مستقیم باشد، برای مثال استفاده از تصویربرداری و فیلم‌برداری از پدیده‌ها. سوم، مشاهده مستقیم، بیشتر از مشاهده مشارکتی تمرکز دارد.

محقق، افراد یا وضعیت‌های نمونه‌ای خاص را بیشتر مشاهده می‌کند تا اینکه در داخل وضعیت و متن غوطه‌ور شود. مشاهده مستقیم به اندازه مشاهده مشارکتی وقتگیر نیست.<sup>۱</sup>

مشاهده مستقیم انواع مختلفی دارد که عبارتند از:

- ۱- مشاهده ناپیوسته: در مطالعات طولی نظیر پانل یا روند پژوهی در فاصله زمانی تکرار می‌شود.
- ۲- مشاهده جزئی (تحقیق پیرامون نظام پارلمانی): عناصر تشکیل‌دهنده یک کل را مورد مشاهده قرار می‌گیرد.
- ۳- مشاهده کانونی (رفتار جنایی نوجوانان): با تمرکز بر بعدی خاص از رفتار، در مقابل مشاهده کلی یا آزاد قرار می‌گیرد.
- ۴- مشاهده کلی یا آزاد: مشاهده ساخت‌نیافته و غیر منتظم است.

---

1. <http://polar.alaskapacific.edu/gregb/Es601/ch6notes.html>.

## ۲-۱۲- مصاحبه

مصاحبه یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات است که در آن به صورت حضوری یا غیر حضوری از افراد یا گروهی از آنان پرسش می‌شود. نکته مهم آن است که سؤالات مصاحبه از پیش اندیشیده شده و تعیین شده است. آنچه مصاحبه را به صورت‌های مختلف طبقه‌بندی می‌کند، میزان انعطاف‌پذیری آن و یا نحوه اجرای آن است. انواع مصاحبه به شرح زیر عنوان است:

۱- مصاحبه انعطاف‌پذیر یا آزاد: در این نوع، چهارچوب و حدود پرسش برای مصاحبه‌گر مشخص است، ولی زمان و توالی پرسش به سلیقه مصاحبه‌گر بستگی دارد. در این حالت، رفتار آزمودنی طبیعی‌تر است و اطلاعات واقعی‌تری به دست می‌آید. مصاحبه‌گر می‌تواند سؤالات اضافی نیز طرح کند. این روش برای تحقیق‌هایی با مقیاس کوچک، مطالعات کیفی و یا مصاحبه با اشخاص و گروه‌هایی که اطلاعات اصلی از آنها به دست می‌آید، مناسب است. هدف در این‌گونه مصاحبه‌ها جمع‌آوری اطلاعات عمیق و کیفی است.

۲- مصاحبه با انعطاف‌پذیری متوسط یا منظم: در این نوع مصاحبه، مصاحبه‌گر از پرسشنامه‌ای با پرسش‌های مشخص و با توالی ثابت استفاده می‌کند، اما معمولاً پرسش‌ها به صورت باز هستند. تلاش می‌شود شرایط برای همه یکنواخت نگه داشته شود. هدف در اینجا جمع‌آوری اطلاعات کمی و سطحی است.

۳- مصاحبه انعطاف‌ناپذیر یا پرسشنامه همراه با مصاحبه: مصاحبه‌گر از پرسشنامه‌ای با پرسش‌های مشخص و با توالی استاندارد استفاده می‌کند. پاسخ‌ها ثابت و از قبل پیش‌بینی و طبقه‌بندی شده‌اند و معمولاً



پرسش‌ها به صورت بسته هستند. این روش در مطالعات بزرگ و زمانی که پژوهشگر از تنوع پاسخ‌ها اطلاع دارد به کار می‌رود.

«به منظور کار با مطالبی که از مصاحبه به وجود می‌آید، محقق نخست باید با سازماندهی آن را قابل دسترسی سازد. با حفظ نشانی از شرکت‌کنندگان از طریق فرم‌های اطلاعات شرکت‌کننده، اطمینان حاصل کند که فرم‌های رضایت کتبی کپی می‌شوند و در یک محل امن بایگانی شدند، نوارهای صوتی از مصاحبه‌ها به دقت برچسب زده می‌شوند. مدیریت پوشه‌های زیادی که در جریان کار با رونوشت‌هایی از مصاحبه‌ها به وجود می‌آید و حفظ نشان‌هایی از نتایج تصمیم‌گیری در کل فرایند، همگی نیازمند توجه به جزئیات، نگرانی برای امنیت و سیستمی برای حفظ اطلاعات در دسترس هستند. هدف از این کار اجرایی توانایی یافتن اطلاعات مصاحبه از منبع اصلی بر روی نوار مصاحبه در کلیه مراحل تحقیق است» (Seidman, 2006).

نکات مهمی که در مورد انجام مصاحبه باید خاطر نشان کرد، عبارتند

از:

- آشنایی مصاحبه‌گر با اهداف و روش طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری پاسخ‌ها.
- دخالت ندادن تمایلات شخصی مصاحبه‌گر.
- ایجاد شرایط یکسان برای همه.
- کسب اجازه در هنگام استفاده از دستگاه ضبط صدا.
- جلب اعتماد مصاحبه‌شونده.
- رعایت مقام و موقعیت اجتماعی افراد.
- بیان توضیحات کافی قبل از شروع مصاحبه.

۲۵۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

- ارائه آموزش به مصاحبه‌گران، پیش از انجام مصاحبه.

### ۱۳- ثبت داده‌ها

ابزارهای گردآوری و ثبت وقایع عبارتند از:

#### ۱-۱۳- یادداشت‌برداری

پژوهشگران در میدان پژوهش یا بلادرنگ پس از ترک آن، مطالبی یادداشت می‌کنند که اصطلاحاً پیش‌نویس، یادداشت‌های مشاهده و تحلیل‌های فشرده نامیده می‌شوند.

یادداشت‌های میدانی شامل رویدادها، مشاهدات و گفتگوهای رخ داده در میدان پژوهش، توصیف‌های گردآوری و ثبت شده به ترتیب زمانی و ماحصل مشاهده و مشارکت در محیط پژوهش و تأملات پژوهشگر پس از ترک میدان می‌باشد و به‌گونه‌ای نوشته می‌شوند که تحلیلگر بتواند بعدها با خواندن آنها خود را در عرصه کنش‌ها و میدان پژوهش حس کند. درست است که پژوهشگر گزارش حاصل از مشاهده مشارکتی را پس از اتمام کار میدانی می‌نویسد، اما برای عدم فراموشی مشاهدات باید اقدام به یادداشت‌برداری آنها در میدان کند.

یادداشت‌برداری در موقعیت مشارکت پنهان نیاز به توجه ویژه‌ای دارد، چراکه محقق در زمان مشاهده نمی‌تواند یادداشت بردارد و باید بلافاصله بعد از مشاهدات، آنچه را در ذهن دارد یادداشت کند. در مشاهده میدانی محقق نه تنها آنچه را که اتفاق افتاده است را یادداشت می‌کند، بلکه برداشت‌های شخصی و تفسیرها و احساسات خود را نیز جدا از داده‌های خام می‌نویسد.

هرچه نقش مشاهده‌گر بودن پژوهشگر در میدان بیشتر باشد، امکان یادداشت برداری در میدان بیشتر است و بر عکس، هرچه نقش مشارکت‌کنندگی او بیشتر باشد، این امکان برایش کمتر فراهم می‌شود. یادداشت برداری باید تا حد امکان در یک مکان آرام و خلوت صورت بگیرد تا پژوهشگر با آرامش خاطر اقدام به ثبت مشاهداتش کند.

همچنین در بسیاری موارد، یادداشت برداری در مقابل دیدگان مردم تحت مطالعه، باعث ایجاد حساسیت در آنها می‌شود؛ به‌ویژه هنگام گفتگو با فرد، یادداشت برداری می‌تواند باعث به هم خوردن حالت طبیعی فرد مصاحبه‌شونده شود. بنابراین توصیه می‌شود که تا حد امکان، یادداشت‌برداری به دور از نگاه‌های مردم صورت بگیرد. ضمن آنکه در یادداشت‌برداری که در میدان صورت می‌گیرد، لازم نیست همه مشاهدات جزء به جزء یادداشت شود، بلکه کافی است نکات و مطالب مهم و کلیدی را ثبت کرد که در هنگام پاک‌نویس کردن یادداشت‌ها، در یادآوری مشاهدات به محقق کمک کنند.

این یادداشت‌های کلیدی، در اولین فرصت ممکن باید به یادداشت‌های کاملی تبدیل شوند تا خطر فراموشی مشاهدات، کاهش یابد. در یادداشت‌هایی که ثبت می‌شود، باید تاریخ، ساعت، مکان و احیاناً اطلاعاتی دیگر که لازم است را درباره آن پدیده، فرایند یا... یادداشت شود نیز نوشته شود.

یادداشت‌برداری از مشاهدات میدانی مورد نقد قرار گرفته است که به برخی از آنها در زیر اشاره شده است:

۱- محقق به هنگام جمع‌آوری و ثبت اطلاعات، عینی برخورد می‌کند؛ و این چگونگی تعبیر و تفسیر بعدی است که از تعصبات وی متأثر

می‌شود.

۲- مهم‌ترین تحریفات در مطالعات علمی رفتار اجتماعی، در حین جمع‌آوری اطلاعات رخ می‌دهد. همیشه مشاهدات انتخابی و تعبیر و تفسیر انتخابی در کار است.

گزینشی بودن مشاهدات، غیر قابل انکار است. باید به این نکته نیز توجه کرد که پژوهشگر ناچار به گزینشی عمل کردن است؛ چراکه در یک زمان نمی‌تواند در همهٔ نقاط میدان تحت مطالعه‌اش باشد و ناچار است در هر زمان، تنها در یک نقطه باشد. ضمن آنکه تمام پدیده‌ها، روندها و... را که در همان نقطه روی می‌دهند هم نمی‌توان مشاهده کرد، بنابراین پژوهشگر ناچار به گزینشی عمل کردن است.

نکته آخر دربارهٔ گردآوری داده‌ها این است که پژوهشگر نباید تنها به آنچه اتفاق می‌افتد یا وجود دارد توجه کند، بلکه باید در پی آنچه وجود ندارد و اتفاق نمی‌افتد نیز برآید و چرایی آن را دریابد، این موارد را شواهد منفی می‌نامند.

## ۲-۱۳- عکس و فیلم

استفاده از عکس در کار پژوهش به قرن نوزده می‌رسد و از همان آغاز، انسان‌شناسان تمایل داشتند یافته‌ها و مشاهدات خود را به تصویر بکشند. با این وجود نخستین عکس‌ها، بیشتر از آنکه حاصل کار انسان‌شناسان باشد، ثمره اقامت غربی‌ها در مستعمراتشان است.

عکس‌های اولیه بیشتر از آنکه به ما درباره سوژه مورد عکاسی اطلاعات بدهند، راجع به خود عکاس اطلاع می‌دهند. همین امر البته بعدها، عکس و به خصوص عکس یادگاری را به یکی از مواد اتنوگرافیکی

تبدیل کرد که انسان‌شناسان می‌توانستند روی آنها کار کنند تا درباره جامعه مورد مطالعه خود اطلاعاتی به دست بیاورند.

«عکس‌برداری به‌مثابه یک فن در انسان‌شناسی هر روز بر اهمیت خود افزود و توانست به یکی از ابزارهایی تبدیل شود که از طریق آن بتوان دست به ضبط و ثبت مشاهدات در میدان تحقیق زد. در این مورد باید توجه داشت که عکس نمی‌تواند و شاید حتی بتوان گفت، نباید (هرچند در این مورد نباید مطلق بود) در هیچ کار پژوهشی جنبه تزئینی داشته باشد، بلکه باید خود به‌مثابه نوعی شیوه بیان به کار گرفته شود. با این همه، نباید دچار این تصور شد که عکس یا فیلم به تنهایی بتوانند جایگزین متن شوند، چه در قالب تشریح و توصیف و چه در قالب تحلیل و نقد. به همین دلیل جایگاه عکس در یک کار پژوهشی باید کاملاً مشخص بوده و پایه و اساسی برای تولید متن قرار بگیرد. نکته دیگر آنکه به همان اندازه که باید در تولید متن به شفافیت و قابل انتقال بودن آن بیندیشیم، درباره عکس نیز باید روشن و واضح بودن، تمرکز داشتن بر موضوعی که عکس در پی به نمایش در آوردن آن است و همچنین گروهی از اطلاعات اصلی مانند عنوان، زمان و محل دقیق گرفته شدن، نام عکاس و غیره را در نظر داشته باشیم و این اطلاعات را در کنار آن قید کنیم»<sup>۱</sup>.

### ۳-۱۳- استفاده از ضبط صوت

«ضبط گفتگوهای مصاحبه به دو طریق امکان‌پذیر است:

---

1. <http://anthropology.ir/node/2081>

یادداشت‌برداری یا ضبط صدا. مزیت یادداشت برداری عدم اتکا به ابزارهای مکانیکی است و مزیت ضبط صدا پیاده کردن کامل متن مصاحبه است و در عین حال مشارکت در مصاحبه در حال اجرای آن، ولی مصاحبه حالتی رسمی پیدا می‌کند و مصاحبه شونده خودسانسوری می‌کند»<sup>۱</sup>.

«تردیدی نیست که مصاحبه‌های کامل باید ضبط شده باشند، هرچند، نوشته‌ها نظرات متفاوتی را درباره این نکته منعکس می‌کند. روش اولیه ایجاد متن از مصاحبه‌ها ضبط نوار مصاحبه‌ها و نسخه‌برداری از آنها است. هر کلمه‌ای که یک شرکت‌کننده بیان می‌کند آگاهی او را نشان می‌دهد.

افکار شرکت‌کنندگان در کلامشان نمود پیدا می‌کند. جایگزین‌سازی، تفسیر یا خلاصه‌هایی از آنچه شرکت‌کنندگان با توجه به کلام واقعی خود می‌گویند، جایگزین ساختن خودآگاهی محقق نسبت به آن شرکت‌کننده است. اگرچه به‌ناچار هشیاری محقق نقش عمده‌ای را در تفسیر اطلاعات مصاحبه بازی می‌کند، آن خودآگاهی باید با کلمات ضبط شده شرکت‌کننده به‌طور کامل و با دقتی که ممکن است، تعامل پیدا کند. ضبط نوار مزایای دیگری نیز دارد. با حفظ کلام شرکت‌کنندگان، محققان اطلاعات اصلی خود را دارا می‌باشند. چنانچه چیزی در یک رونوشت شفاف نباشد، محققان می‌توانند به منبع بازگردند و در مورد صحت آن بررسی کنند. چندی بعد اگر آنها متهم به به‌کار بردن اطلاعات مصاحبه‌شان شوند، می‌توانند به منابع اصلی برای آشکار ساختن

---

1. <http://research-method.blogfa.com>

مسئولیتشان نسبت به اطلاعات بازگردند. به علاوه، مصاحبه‌کنندگان می‌توانند نوارها را برای مطالعه تکنیک‌های مصاحبه خود به کار برند و از آنها به بهترین نحو استفاده کنند. ضبط نوار همچنین مزایایی را برای شرکت‌کنندگان دربر دارد. تضمینی که یک صفحه از آنچه آنها گفته‌اند نسبت به آنهاست که دست یافته‌اند می‌تواند به آنها اطمینان بیشتری دهد که با کلامشان مسئولانه برخورد خواهد شد (Seidman, 2006).

#### ۱۴- نیازمندی‌های کار میدانی

در تحقیق کیفی، پژوهشگر حکم ابزار یا وسیله‌ای بسیار مهم را دارد که حضور او در صحنه تحقیق، بخش اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد. بنابراین، یک محقق از ابتدا تا انتهای تحقیق، چه در بخش ملاحظات فنی نظیر تدوین جدول زمانی و طرح تحقیق، انتخاب میدان و مکان تحقیق، طرح سؤالات، حضور در بخش میدانی تحقیق چون مشاهده، مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها و... چه در بخش ملاحظات انسانی نظیر مهارت در ایجاد رابطه با دیگران، جلب اعتماد افراد مورد تحقیق، رازداری حرفه‌ای، احترام گذاردن به هنجارهای جامعه مورد تحقیق، حساسیت داشتن نسبت به مسائل و یا اصول اخلاقی، قدرت تحمل دیگران و گوش کردن به حرف آنها، وارد حریم خصوصی افراد نشدن و رعایت حد و مرزها و نیز پرهیز از پیش داوری و قضاوت در باره رفتار افراد و... باید نقش و حضوری فعال داشته باشد.

تحقیق میدانی موفق مستلزم خلاقیت بالایی در طرح‌ریزی مطالعه و کشف معنای امور مورد مطالعه است. مهم‌تر از همه ذهنیت علمی محقق است که طرح تحقیق را هدایت می‌کند و به اهداف اصلی آن رهنمون

می‌کند.

پژوهشگر مشارکتی در جستجوی راه‌حل‌های مؤثر و خلاق برای حل مشکلات است، برای چنین کاری نیاز به ابتکار، سازش، اقتباس، نسخه برداری و نیز تفسیر انواع مختلف از شیوه‌های پژوهش است. ابزار پژوهش انسانی: در هر یک از موقعیت‌ها پژوهشگر به ابزاری برای انجام مشاهدات و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیاز دارد. بنابراین روایی نتایج به اعتبار و موقعیت پژوهشگر و نیز به مقبولیت وی بستگی دارد. تسهیل کننده: پژوهشگر مشاهده مشارکتی مسئول تسهیل کار در کلیه مراحل فرایند پژوهش را به عهده دارد. پژوهشگران مشارکتی باید توانایی لازم را برای برقراری و هماهنگی چنین بحث‌های گروهی و ایجاد فضای مناسب برای ارائه نقطه نظرات انتقادات و نیز جلوگیری از بروز تضادها داشته باشد. مربی: اگر پژوهش را مجموع‌های از مسائل در نظر بگیریم و پژوهشگر را یک تحلیلگر، در این حالت پژوهشگر مشارکتی باید توجه به سؤالات پژوهش و شیوه‌های مختلف ارائه اطلاعات همواره در این کار نقش مربی را ایفا کند.

اصولاً پژوهشگران مشارکتی با توجه به موضوع، در ایجاد اطمینان در استفاده از نتایج و افزایش احتمال پیگیری فعالیت‌ها، نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند. هر پژوهشگر مشارکتی باید مسئولیت خود را در پیگیری و ترغیب استفاده‌کنندگان از یافته‌های پژوهش، مشخص نماید (فرشاد گوهر و بیگدلی ۱۳۸۰: ۳۸).

پیشبرد مطالعات میدانی مستلزم مراحل خلاقانه‌ای است. خلاق بودن در هر مرحله مستلزم وجود این ویژگی هاست:  
۱- بصیرت: با درک و فهم دیدن؛



- ۲- علاقه‌مندی: با گشاده‌رویی و اشتیاق به میدان وارد شدن؛
- ۳- خودشناسی: توانایی درک واکنش‌های شخصی خود و تمایزشان از واکنش‌های دیگران.
- طرح‌ریزی تحقیق میدانی علاوه بر موارد ذکر شده مستلزم توجه دقیق به ابعاد علمی طرح میدانی است. برای اجرای بعد علمی تحقیق میدانی باید:

  - ۱- با طرح و برنامه و آمادگی وارد محیط شد.
  - ۲- موضوع و مسئله تحقیق را پرورد و در پی پاسخ به آن بود.
  - ۳- برای گردآوری اطلاعات و مشاهدات از رهنمود خاصی پیروی کرد.
  - ۴- رابطه صمیمانه و بدون پشداوری با محیط برقرار کرد.
  - ۵- محقق در محیط با وجود اینکه وارد آن شده است، ولی نباید لحظه‌ای از نقش محققانه خود غافل باشد.
  - ۶- نباید در پی دگرگونی وقایع محیط مورد مطالعه بود.
  - ۷- از ابزار کم و بیش نظام‌مندی در مشاهده وقایع سود برد.

## ۱۵- تجزیه و تحلیل

در تجزیه و تحلیل، برخی محققان با مسئله عمیق برخورد می‌کنند و به بیان آماری به قدر ناچیز، اهمیت می‌دهند. بعضی دیگر نیز توجه زیادی نیز به محاسبات گسترده آماری و کامپیوتری دارند. در این مرحله محقق ابتدا یادداشت‌های پراکنده را منظم می‌کند. برای اطمینان از کامل و به هم پیوسته بودن فرم‌های گردآوری اطلاعات و اجرای درست دستورها و آموزش‌ها، فرم‌ها باید به دقت تصحیح و تنظیم شوند. منظور

از تصحیح در اینجا بررسی و اصلاح هر یک از پرسشنامه‌ها یا فرم‌های مشاهده است. سپس باید فرم‌ها تنظیم و کدگذاری شود که مشتمل بر شماره‌گذاری پاسخ‌ها برای تحلیل کامپیوتری است. کدگذاری روندی فنی است که از طریق آن می‌توان اطلاعات را برای تحلیل کامپیوتری آماده کرد.

صرف نظر از تکنیک خاص مورد استفاده در مطالعه میدانی، تحلیل داده‌ها عموماً مشتمل بر طبقه‌بندی اطلاعات و تحلیل آنهاست. پژوهشگران گاه با انبوهی از داده‌ها روبه‌رو می‌شوند، اما این داده زمانی سودمند خواهد بود که همه یافته‌ها طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل شده و نتایج به‌دست‌آمده در ارتباط با مسئله مورد نظر تفسیر شود. کار مهم در تجزیه و تحلیل داده‌ها، نمایش جدول‌ها و نمودارهاست که معمولاً به کمک نرم‌افزارهای کامپیوتری مانند SPSS انجام می‌شود.

## ۱۶- اعتبار و پایایی در مطالعات میدانی

مطالعات میدانی بیشترین اعتبار را دارند. بهترین مطالعات تحقیقی آنهايي هستند که به‌دلیل بیان نیازهای استفاده‌کنندگان در یک زمینه خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد و اطلاعات پایا و معتبری را ارائه می‌دهند. بررسی طرح و روش‌های مورد استفاده باید از نظر استفاده‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان معتبر باشد و نتایجی که باوری بر آنها وجود ندارد، نباید مورد استفاده قرار گیرند. همه تصمیم‌گیرندگان شبیه هم نیستند؛ برخی با مسئله عمیق برخورد می‌کنند، بعضی دیگر توجه زیادی نیز به محاسبات گسترده آماری، هر قدر ناچیز، اهمیت می‌دهند. بعضی دیگر نیز توجه زیادی نیز به محاسبات گسترده آماری و

کامپیوتری دارند. ارائه هرگونه اطلاعات جدید جمع‌آوری شده باید با دقت انجام گیرد تا مشخص شود که چه میزان از اطلاعات مستقیماً به حل مسئله ارتباط دارد. زمانی که استفاده‌کنندگان خود در جمع‌آوری اطلاعات دخالت دارند. اطلاعات نسبت به زمانی که توسط دیگران جمع‌آوری می‌شود روایی بیشتر دارد (همان: ۲۲-۲۱).

اعتماد به پژوهش از اعتماد به پژوهشگر ناشی می‌شود. اگر تصمیم‌گیرندگان سازمان، مدیران یا افراد جامعه به پژوهشگر اعتماد نداشته باشند، آنها تمایلی برای پذیرش قضاوت و یا صلاحیت فنی او از خود نشان نمی‌دهند، شخصیت فردی، نگرش انعطاف‌پذیر، ذهنیت باز و صبر و تحمل به هنگام خشم و اضطراب از مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهشگری است که می‌خواهد قابل اعتماد تلقی شود.

## ۱۷- نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد مطالعات میدانی، تحقیقاتی هستند که موضوع مورد مطالعه در اختیار محقق قرار داشته است و یا به عبارت دیگر، محقق بدان دسترسی دارد. در تحقیقات میدانی محقق هیچ‌گونه دستکاری در محیط انجام نمی‌دهد، بلکه بدون هیچ دخالتی در جریان طبیعی رویدادها تا آنجایی که می‌تواند اطلاعات جمع‌آوری می‌کند. در تحقیقات میدانی، مشاهده عنصر اصلی را تشکیل می‌دهد. امروزه تحقیقات میدانی کاربردهای بسیاری در پژوهش‌های اجتماعی دارد که کمتر پژوهشگری است که به اهمیت این شیوه آگاه نباشد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه، روش‌های کاربردی تحقیق، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۲.
۲. بیتس دانیل و فرد پلاک، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۳. ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۴. ضیایی فرشاد گوهر، ناصر، محمد تقی ضیایی بیگدلی، پژوهش مشارکتی، تهران: پژوهشکده اقتصادی، ۱۳۸۰.
۵. فرید، محمد صادق، مبانی انسان‌شناسی. تهران: عصر جدید، ۱۳۷۶.
۶. فکوهی، ناصر، «پاره‌های انسان‌شناسی»، مجموعه مقاله‌های کوتاه، نقدها و گفتگوهای انسان‌شناختی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۷. کالتون، اس. او. ج، روش تحقیق در علوم اجتماعی ترجمه کاظم ایزدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۳.
۸. منادی مرتضی، «به‌هم‌ریختگی روانی و فرهنگی در موقعیت‌های میان فرهنگی، بررسی وضعیت جوانان در مقابل تلویزیون و ماهواره»، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی سازماندهی خدمات روان‌شناسی و مشاوره (دانش افزایی بالینی)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، به کوشش دکتر روشنگر خدابخش، جلد دوم، ۱۳۸۴.
۹. نبوی، بهروز، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کتابخانه فروردین، ۱۳۷۰.

### ب) منابع لاتین

1. Darlington, Yvonne and Dorothy Scott, Qualitative Research in

Practice, Open University Press, 2002.

2. Field research: Naturalistic Observation and Case . study Research: chapter6: <http://polar.alaskapacific.edu/gregb/ES601/ch6notes.html>.

3. Flick, Uwe, Ernst Von Kardoff & Ines Steinke, A Companion to Qualitative Research, SAGE Publication Ltd, 2004.

4. <http://anthropology.ir/node/2081>.

5. <http://research-method.blogfa.com>.

6. Mack, Natasha, Cynthia Woodsong Kathleen. Macqueen GreGGust. FamilyName, Qualitative Research Methods; A Data Collect's field Guid, 2004.

7. Marvasti, Amir B., Qualitative Research in Sociology, London: SAGE Publication, 2004.

8. Quinn Patton, Michael, Qualitative Research & Evaluation Methods, Sage Publication, 2002.

9. Seidman, Irving, Interviewing as Qulitative Research, Third edition, 2006.

10. Sociological Research and Its Data Sources:

<http://www.lib.washington.edu/uwill/cycle/sociology/research.htm>.

11. Ten have, Paul, Understanding Qulitative Research. Sage publication. Loondon: Housand Oaksk, NewDehli, 2004.



## کاربرد روش فراتحلیل در مطالعات اجتماعی

دکتر هوشنگ ظهیری\*

### مقدمه

در سال‌های اخیر با رشد تحقیقات در حوزه‌های مختلف علوم و مواجه شدن جامعه علمی با انفجار اطلاعات، دانشمندان در عمل به این نتیجه رسیده‌اند که اطلاع رسانی و تسلط بر تمامی ابعاد یک رشته و به‌روز بودن در این زمینه تا حدود زیادی امکان‌پذیر نیست، بنابراین انجام پژوهش‌های ترکیبی (که عصاره تحقیقات انجام شده در یک موضوع خاص را به شیوه نظام‌دار و علمی فراروی پژوهشگران قرار می‌دهند) گسترش روزافزون یافته است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۲، صدیق سروسستانی، ۱۳۷۹: ۶۸).

در حوزه علوم اجتماعی نیز حجم زیاد و فزاینده پژوهش‌ها، نیاز به تلخیص و ترکیب نتایج این پژوهش‌ها، جهت کاربست یافته‌ها، بیش از هر

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار.

زمانی احساس می‌شود. به این ترتیب می‌توان با انتقال یافته‌ها، راهکارها و پیشنهادها یکسان شده و همگرا که دارای مصادیق تجربی عدیده می‌باشند، به مدیران، جهت برنامه‌ریزی بهتر کمک شایانی انجام داد. اساساً کاربرد فراتحلیل در ترکیب و یکپارچه‌سازی پژوهش‌هایی است که به صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. فراتحلیل روشی است که به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده را استنتاج کرد و در رسیدن به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست. در روش فراتحلیل از طریق اجزا به فراتر از کل می‌رسیم، یافته‌های نامناسب در چهارچوبی قابل قبول قرار می‌گیرند و سرانجام، تحلیل‌های ترکیب شده اطلاعاتی را نشان می‌دهند که اطلاعات اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج و سپس با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سرانجام یک کل جدید را تشکیل می‌دهند (دلاور، ۱۳۷۶: ۲۸۸).

### ۱- واژه‌شناسی و تعریف فراتحلیل

واژه فراتحلیل، ترجمه واژه مرکب Meta-analysis بوده و جزء نخست آن یعنی واژه Meta، ریشه یونانی داشته و به معنای فرا و یا ورای است (Glass, 2000).<sup>۱</sup>

این مفهوم تا قبل از سال ۱۹۷۶ در حوزه ادبیات روش تحقیق کاربرد چندانی نداشت تا اینکه گلاس، روان‌شناسی که دستی در آمار نیز داشت، در این سال در مقاله‌ای این واژه را در راستای ترکیب یافته‌های پژوهشی

---

1. <http://glass.ed.asu.edu/gene/papers/meta25.html>.



به کار برد. وی استدلال کرد که مرور ادبیات تحقیق درباره هر موضوعی باید به همان اندازه نظام‌مند صورت گیرد که تحقیق اولیه صورت می‌گیرد. از آن زمان به بعد، فراتحلیل تبدیل به یک ابزار تحقیق شده که به‌طور گسترده‌ای مورد پذیرش محققان قرار گرفته و مجموعه‌ای از رویه‌ها را در برداشته که در رشته‌های علمی متعدد مورد استفاده قرار گرفته است.

گلاس فراتحلیل را تحلیل تحلیل‌ها می‌داند، تحلیلی که به قصد ادغام نتایج تحلیل‌های منفرد انجام می‌شود. در این روش به کمک فنون آماری نتایج پژوهش‌های مستقل یکپارچه‌سازی می‌شود و به کمک آن می‌توان نتایج پژوهش‌ها را با هم ترکیب نموده و روابط تازه‌ای میان پدیده‌های اجتماعی کشف کرد (Glass, 1986).

## ۲- انواع فراتحلیل

### ۲-۱- فراتحلیل رأی شماری

بر اساس این شیوه، تحقیق‌های انجام شده را می‌توان به سه دسته پژوهش‌هایی که اثر تدبیر آزمایشی آنها (فرضیات) به‌گونه معنی‌داری مثبت است، پژوهش‌هایی که اثر تدبیر آزمایشی آنها به‌گونه معنی‌داری منفی است و پژوهش‌هایی که این اثر در آنها بی‌معناست، تقسیم کرد. هرکدام از این سه طبقه که فراوانی بیشتری داشته باشد، بهترین معرف تلقی می‌شود. این رویکرد، رویکرد دقیقی جهت یکپارچه کردن پژوهش نیست.

## ۲-۲- فراتحلیل بعد اثر ثابت در مقابل اثر تصادفی

پژوهشگر با استفاده از مدل اثرهای ثابت به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا اثر تدابیر آزمایشی در مطالعات موجود سودمند واقع شده یا خیر؟ در حالی که مدل اثرهای تصادفی، هر دو حالت تغییرات بین مطالعه‌ها و تغییرات درون مطالعه‌ها را بررسی می‌کند، پیش‌فرض این مدل آن است که این مطالعات یک نمونه تصادفی انتخابی از جامعه همه مطالعات ممکن بوده و پژوهشگر به این پرسش پاسخ می‌دهد که به‌طور کلی تدبیر آزمایشی سودمند واقع می‌شود یا خیر؟ (پاشا شریفی و شریفی، ۱۳۸۰).

## ۲-۳- فراتحلیل کلاسیک یا گلاسی<sup>۱</sup>

الگوی فراتحلیل اولیه معرفی شده توسط گلاس، الگوی فراتحلیل سنتی را به وجود آورده و دستور کار آن چنین است که در ابتدا به دنبال تعریف پرسش محوری می‌باشد. در گام بعد مطالعات را جمع‌آوری کرده، ویژگی‌ها و نتایج مطالعات را کدگذاری نموده و رابطه بین ویژگی‌های مطالعه و نتایج را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

## ۳- مفاهیم مرتبط با روش فراتحلیل

### ۳-۱- اندازه اثر<sup>۲</sup>

اندازه اثر مهم‌ترین واژه کلیدی در فراتحلیل است. کوهن در کتاب «تحلیل توان آماری برای علوم رفتاری»، اندازه اثر را چنین تعریف می‌کند: بدون آنکه قصد داشته باشیم، مفهوم علیت را مراد کنیم،

---

1. Glasian  
2. Effect size

راحت‌تر آن است که عبارت «اندازه اثر» را به یکی از دو معنای زیر به کار بریم: «حدی که پدیده مورد نظر در جمعیت موجود است» یا «حدی که فرضیه صفر، نادرست است». هرچه این مقدار بیشتر باشد، میزان بروز پدیده مورد مطالعه در جمعیت هم بیشتر خواهد بود (ایمان و خواجه نوری، ۱۳۸۵: ۸۸).

اندازه اثر برابر است با نسبت سطح معناداری به شاخصی از حجم نمونه:

$$\text{اندازه اثر} = \frac{\text{سطح معناداری آزمون}}{\text{شاخصی از حجم نمونه}}$$

با توجه به فرمول بالا بین سطح معناداری آزمون و اندازه اثر همبستگی وجود دارد. اما هر کدام از این شاخص‌ها اطلاعات جداگانه‌ای در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. به کمک سطح معناداری، تعیین می‌کنیم: آیا نتیجه به دست آمده ناشی از شانس و تصادف بوده یا خیر؟ چنانچه سطح معناداری از نظر آماری معنادار باشد، فرضیه صفر رد می‌شود. فرضیه صفر به ما می‌گوید که اندازه اثر برابر با صفر است. هرگاه فرضیه صفر رد شود، اندازه اثر در جامعه مساوی صفر نیست. اندازه اثر نشان‌دهنده میزان پدیده‌ای در جامعه است. به عبارت دیگر، اندازه اثر میزان نادرست بودن فرضیه صفر را نشان می‌دهد. کوهن می‌گوید: تکیه بر محاسبه سطح معناداری (P) به تنهایی گمراه‌کننده است، زیرا آزمون معناداری در علوم رفتاری ریسک بالای خطای نوع دوم را به همراه دارد. برای کاهش خطای نوع دوم یا افزایش توان آزمون، علاوه بر افزایش حجم نمونه سایر تدابیر روش‌شناسی برآورد اندازه اثر و استفاده از آن در زمان

## ۲۶۸ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

تصمیم‌گیری درباره فرضیه صفر می‌تواند کمک‌کننده باشد (Cohen, 1988).

روزنتال بر اساس اطلاعات موجود در جدول زیر نشان می‌دهد: چنانچه در تصمیم‌گیری‌ها به اندازه اثر توجه نشود، احتمال خطای نوع دوم بیشتر از احتمال ارتکاب به خطای نوع اول خواهد شد (Rosenthal, 1991).

نتایج آزمون معناداری		اندازه اثر در جامعه
معنادار	عدم معنادار	
خطای نوع اول	بدون خطا	صفر
نوع دوم خطا	خطای نوع دوم	کم
بدون خطا	خطای نوع دوم	زیاد

- اگر اثر واقعاً کم باشد، خطای نوع دوم قابل چشم‌پوشی است. در صورتی که توان تحقیق برای دستیابی به اثر واقعی کم باشد، در این صورت این خطا مهم است.

- در شرایطی که اندازه اثر خیلی کوچک باشد و  $N$  خیلی بزرگ، خطای نوع اول اتفاق خواهد افتاد.

- در صورتی که توان آزمون کم باشد، این خطا (نوع دوم) مهم است.

### ۲-۳- محاسبه اندازه اثر

روش‌های گوناگونی برای محاسبه اندازه اثر وجود دارد. در اینجا سعی می‌شود این روش‌ها به صورت مختصر مورد بحث قرار گیرند، اما متداول‌ترین شاخص‌های برآورد اندازه اثر عبارتند از: تفاوت‌های استاندارد میانگین و همبستگی‌ها. وُلَف اظهار می‌کند که تمامی فراتحلیل‌ها را

می‌توان بر مبنای محاسبه ضرایب همبستگی، به‌عنوان شاخص اندازه اثر انجام داد (Wolf, 1987).

چنانچه در پژوهش‌های انجام شده، آماره‌های معناداری مانند  $t$ ،  $f$  یا  $Z$  گزارش شده باشد، می‌توان ES را از روی آنها برآورد کرد. چنانچه هیچ یک از آماره‌ها را نداشته باشیم، با داشتن مقدار  $P$  (سطح معناداری) و  $N$  می‌توانیم آنها را در فرمول زیر قرار داده و  $Z$  معادل آنها را پیدا کنیم که فرمول زیر برای شاخص  $Z$  هم کاربرد دارد.

$$r = \sqrt{\frac{Z^2}{n}}$$

گلاس برای مطالعاتی که موقعیت‌های آزمایشی و کنترل را مقایسه می‌کنند، شاخص‌های تفاوت‌های استاندارد شده بین میانگین دو گروه را به‌عنوان شاخص اندازه اثر پیشنهاد می‌کند (Glass, 1986). در این موقعیت‌ها در محاسبه اندازه اثر نمره  $Z$  با استفاده از میانگین و انحراف استاندارد گروه کنترل به‌عنوان برآورد انحراف استاندارد جامعه به کار می‌رود. اگر میانگین و انحراف استاندارد در دسترس باشند، حتی در شرایطی که بیش از یک گروه آزمایش وجود داشته باشد، هر یک از آنها را می‌توان با گروه کنترل مقایسه کرد و استفاده از این شاخص بر سایر شاخص‌ها ترجیح داده می‌شود:

$$ES = t \sqrt{\frac{1}{n_E} + \frac{1}{n_C}}$$

در صورتی که نتایج آزمون  $F$  مهیا باشد:

$$ES = (2) \sqrt{\frac{F}{n_E + n_C}}$$

۲۷۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

اگر نسبتی که ملاک معینی دارد وجود داشته باشد:

$$ES = Z_C - Z_E$$

برای آزمون t هم‌بسته:

$$ES = t \sqrt{2(1 - r_{xy}) \frac{1}{n_E} + \frac{1}{n_C}}$$

دومین شاخص که برای محاسبه اندازه اثر توسط فراتحلیل‌گران به کار برده شده است، شاخص d نامیده می‌شود.

۳-۳- تفسیر اندازه اثر

برای تفسیر اندازه اثر معیار دقیقی وجود ندارد. این عمل بستگی به شرایطی دارد که پژوهش در آن اجرا می‌شود. چنانچه پژوهش در یک موقعیت کاملاً کنترل شده انجام شده است، اندازه اثر باید بهترین معیار درباره اندازه (r و d) باشد. کوهن معیار زیر را برای تفسیر اندازه اثر پیشنهاد می‌کند:

تفسیر اندازه اثر	مقدار d	مقدار r
اندازه اثر کم است	۰/۲۰	۰/۱
اندازه اثر در حد متوسط است	۰/۵	۰/۳
میزان اندازه اثر زیاد است	۰/۸	۰/۵

دومین معیار قضاوت درباره اندازه اثر محاسبه حدود اطمینان برای r محاسبه شده است. به این ترتیب که ابتدا با استفاده از جدول، Z فیشر مقدار r محاسبه شده به ZI فیشر تبدیل می‌شود. سپس حدود اطمینان مورد نظر را انتخاب می‌کنیم. برای مثال، با اطمینان ۹۵ درصد یا ۹۹ درصد، در مرحله بعد به جدول توزیع طبیعی مراجعه شده و Z حدود اطمینان تعیین شده استخراج می‌شود. چنانچه حدود اطمینان ۹۹ درصد

گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۷۱

انتخاب شده، z آن برای یک آزمون دو دامنه، مساوی  $2/57$  می‌شود (Cohen, 1988).

#### ۴- تکنیک‌های روش فراتحلیل

روش‌ها و تکنیک‌های گوناگونی جهت فراتحلیل ارائه شده است. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان این روش‌ها را به سه دسته تقسیم نمود: رویکرد ترکیب نتایج، رویکرد عوامل بحرانی و رویکرد بی‌زین (دلاور، ۱۳۷۲: ۲۸۹).

در میان روش‌های فوق، رویکرد ترکیب نتایج به دلیل آنکه از آزمون‌های آماری نیرومندی جهت ترکیب نتایج سود می‌برد و اندازه اثر را بیان می‌کند، مقبولیت بیشتری یافته است (عابدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

##### ۴-۱- روش‌های مقایسه و ترکیب نتایج پژوهش‌های انجام شده

روش‌های مقایسه و ترکیب نتایج را می‌توان بر اساس عملیاتی که انجام می‌شود (مقایسه یا ترکیب) و تعداد پژوهش‌ها به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

##### ۴-۱-۱- مقایسه دو مطالعه برحسب اندازه اثر

در این حالت هدف تعیین میزان همگنی دو پژوهش است، به این معنی که آیا دو مطالعه متجانس هستند یا خیر. برای دستیابی به این هدف، ابتدا برای هر یک پژوهش‌ها مقدار  $I$  محاسبه می‌شود، سپس به جدول فیشر مراجعه می‌شود و برای هر یک از  $I$ های محاسبه شده  $zI$

۲۷۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

استخراج و در فرمول زیر قرار داده می‌شود:

$$Z = \frac{z_1 - z_2}{\sqrt{\frac{1}{n_1 - 3} + \frac{1}{n_2 - 3}}}$$

سپس این Z با Z استخراج شده از جدول توزیع طبیعی مقایسه می‌شود. در صورتی که Z محاسبه شده، مساوی یا بزرگ‌تر از Z جدول باشد، بین دو پژوهش انتخاب شده تفاوت معنادار وجود دارد، در نتیجه پژوهش‌ها مورد مطالعه همگن یا متجانس نیستند.

#### ۲-۱-۴- مقایسه دو مطالعه برحسب سطح معناداری

Z معادل هر یک از p‌های (سطوح معناداری) دو پژوهش از جدول توزیع طبیعی استخراج می‌شود. سپس تصاویر به‌دست‌آمده در فرمول زیر جایگزین می‌شود و سپس Z استخراج شده از جدول مقایسه می‌شود.

$$Z = \frac{z_1 - z_2}{\sqrt{2}}$$

در صورتی که Z محاسبه شده بزرگ‌تر یا مساوی Z استخراج شده از جدول باشد، نتیجه می‌گیریم که بین سطوح معناداری پژوهش‌های انتخاب شده تفاوت معناداری وجود دارد و می‌توان ادعا کرد دارای جهت یکسانی نیستند.

#### ۳-۱-۴- تلفیق دو پژوهش با استفاده از برآورد اندازه اثر

برای هر یک از پژوهش‌ها اندازه اثر برحسب I محاسبه می‌شود سپس ZI معادل هر یک از پژوهش‌ها را از جدول Z فیشر استخراج کرده و در



فرمول زیر جایگزین می‌کنیم.

$$Z = \frac{Z_{y1} - Z_{x1}}{2}$$

## ۴-۲- روش‌های ترکیب احتمالات

روزنتال هفت روش برای ترکیب احتمالات در مقاله‌ای که به همین منظور تدوین نموده و مورد بحث قرار داده است. او علاوه بر این روش‌ها به روش شمارش و بلوک‌بندی نیز اشاره می‌کند. روزنتال پیشنهاد می‌کند این روش‌ها، به غیر از موارد استثنایی، به تنهایی به کار برده نشود. او توصیه می‌کند که هر یک از این روش‌ها به همراه  $p$  تلفیقی و برآورد اندازه اثر مورد استفاده قرار گیرند (Rosenthal, 1991).

### ۴-۲-۱- روش فیشر<sup>۱</sup>

این روش به حاصل جمع لگاریتم‌ها معروف است. در این روش مجذور  $\chi^2$ ، مطابق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\chi^2 = \sum (-2 \log p)$$

پس از محاسبه  $\chi^2$ ، با درجات آزادی  $df=2N$  به جدول مجذور  $\chi^2$  مراجعه و مقدار از جدول استخراج می‌شود. در صورتی که  $\chi^2$  محاسبه شده بزرگ‌تر از  $\chi^2$  استخراج شده از جدول باشد، نتیجه می‌گیریم که  $\chi^2$  محاسبه شده معنادار است. مروری بر تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که این روش، در موارد زیادی مورد استفاده قرار گرفته است، اما

---

1. Fisher

#### ۲۷۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

با این وجود دارای معایبی است:

الف) نتایج این روش با نتایج آزمون‌های ساده اولیه هم‌جهت نیست. چنانچه بیشتر نتایج در یک جهت باشند، حتی اگر مقادیر آنها کمتر از  $0/5$  هم نباشد، آزمون نشانه فرضیه صفر را رد می‌کند. اما  $P$  تلفیقی با استفاده از روش فیشر معنادار نمی‌شود.

ب) اگر نتایج دو مطالعه که هر دو به یک اندازه معنا دارند، اما دارای جهت‌های مختلفی باشند، چنانچه با این روش تلفیق شوند معناداری هر دو نتیجه حمایت می‌شود. برای مثال چنانچه در رابطه،  $B < A$  است، مقدار  $P$  مساوی  $0/001$  باشد و برای رابطه  $B < A$  مقدار  $P$  برابر  $0/001$  شود،  $P$  مرکب آنها  $0/01$  می‌شود که هر دو را تأیید می‌کند.

#### ۲-۲-۴- روش واینر<sup>۱</sup>

این روش مجموع  $t$ ها است. از این روش زمانی استفاده می‌شود که  $t$ ها کمتر از ۳ نباشند. ضمناً چنانچه  $df$  کوچک‌تر از ۱۰ باشد، تقریب خوبی از نرمال حاصل نمی‌شود.

#### ۲-۲-۳- روش استافر

این روش جمع کردن  $Z$ ها می‌باشد.

#### ۲-۲-۴- روش ادینگتون<sup>۲</sup>

این روش که آزمون میانگین  $p$  نیز نامیده می‌شود، بر پایه توزیع

- 
1. Winer
  2. Edington

گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۷۵

منحنی نرمال Pها قرار دارد و هنگامی مناسب است که تعداد پژوهش‌ها مساوی یا بزرگ‌تر از ۴ باشد. عدد ۱۲ در این فرمول به علت آن است که واریانس جامعه مورد آزمون مساوی است.

#### ۵-۲-۴- روش ماستلر و بوش<sup>۱</sup>

در این روش میانگین Z بر اساس فرمول‌های زیر محاسبه و مورد بحث قرار می‌گیرد:

$$t = \frac{\sum Z}{\sqrt{\frac{S_Z^2}{N}}}$$
$$F = \frac{(\sum Z)^2}{(N)(S_Z^2)}$$

در روش مورد بحث، ابتدا P را به کمک جدول توزیع طبیعی به Z تبدیل می‌کنیم، سپس میانگین Zهای استخراج شده از جدول محاسبه می‌شود. در مرحله بعد t جدول با درجات آزادی (N-1) تعداد Zهاست) از جدول t استودنت استخراج و معنادار بودن آن تعیین می‌شود. از این روش زمانی استفاده می‌شود که تعداد Zها مساوی یا بیشتر از ۵ باشد.

#### ۳-۴- شمارش

زمانی که فراتحلیلگر قصد دارد پژوهش‌های زیادی را فراتحلیل کند،

---

1. Mosteller & Bush

می‌تواند از روش‌هایی استفاده کند. در این روش ابتدا یک جدول توافقی یا متقاطع به اندازه  $2 \times 2$  تدوین می‌شود. سپس به منظور تعیین معنادار بودن اطلاعات جمع‌آوری شده، از آزمون مجذور خی دو استفاده می‌شود. در این جدول تعداد P‌هایی (سطح معناداری) که به سطح معینی رسیده‌اند در یک خانه و بقیه P‌ها، یعنی آنها که به سطح بحرانی مورد نظر نرسیده‌اند، در خانه دیگر ثبت می‌شوند. فراوانی مورد انتظار برای یک خانه و برای خانه دیگر است. سپس با استفاده از فرمول  $X^2$  این شاخص محاسبه می‌شود. سرانجام برای محاسبه Z از فرمول استفاده می‌شود. باید توجه داشت، فراوانی مورد انتظار هر خانه نباید از ۵ کمتر باشد. بر اساس تجارب به دست آمده،  $p=0/05$  در شرایطی که حداقل ۱۰۰ مطالعه و  $p=0/1$  را نیز مواردی که حداقل ۵۰۰ مطالعه وجود دارد، به کار برده می‌شود. به عنوان یک راهنمایی کلی، هرگاه تعداد پژوهش‌ها کمتر از ۱۰۰ و بیشتر از ۹۰ باشد، ابتدا پژوهش‌هایی را که به سطح معناداری نرسیده‌اند، در خانه دیگر پژوهش‌هایی که به این سطح رسیده‌اند قرار می‌دهیم.

#### ۴-۴- بلوک‌بندی<sup>۱</sup>

در این روش میانگین‌ها، حجم‌های نمونه‌ها و میانگین مجموع مجذور انحراف از میانگین هر یک از گروه‌های آزمایشی یا مورد پژوهش را محاسبه و سرانجام به کمک آنها تأثیر هر یک از عوامل و متغیر بلوک‌بندی شده را با استفاده از تحلیل واریانس تعیین می‌کنیم. سؤالی

---

1. Blocking

که در این روش مطرح است، اینکه آیا متغیر مورد آزمایش در گروه‌های مختلف متفاوت است؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤال گفته می‌شود: در صورتی که نسبت  $F$  محاسبه شده بزرگ‌تر یا مساوی  $F$  استخراج شده از جدول  $F$  باشد، می‌توان نتیجه گرفت که  $P$ های تلفیق شده از پژوهش‌های انجام شده دارای تفاوت معناداری هستند.

#### ۵-۴- روش بیزین<sup>۱</sup>

در برآورد الگوی بیزین که یک روش «جمع پذیر» است، از تبدیل ریاضی و تخصیص ضرایب مختلف به داده‌ها استفاده می‌کنند. در روش بیزین سه مرحله به شرح زیر وجود دارد:

۱- محقق باید باور خود را از واقعیت بیان کند و آن را از فیلتر آماری میانگین مورد انتظار، واریانس مورد انتظار و قدرت اعتقادات در باور اولیه، عبور دهد. این سه ملاک می‌توانند بر اساس تجربه پیشین، تحقیقات گذشته یا ترکیبی از آنها باشند. در صورتی که تجارب گذشته به صورت میانگین، انحراف استاندارد و حجم نمونه فرضی بیان شوند، چیزی وجود ندارد که مانع مراجعه به تحقیقات گذشته شود.

۲- جمع‌آوری نتایج آزمایش‌ها یا مشاهدات است. این مرحله را می‌توان از طریق کسب خلاصه آمارهایی که مشابه آنهایی هستند که از قبل تعیین شده‌اند، انجام داد.

۳- عبارت است از ترکیب درست نمایی و اعتماد اولیه و شکل دادن اطلاعات پسین<sup>۲</sup>.

---

1. Bayesian  
2. Posterior

اطلاعات پسین می‌توانند جدید و بیشتر از اطلاعات اولیه آگاه‌کننده باشند. ترکیب اطلاعات پسین با تحقیقات دیگر، درست‌نمایی جدیدی را به وجود می‌آورد. در این روش نمونه‌گیری می‌تواند تا زمانی که تمام جامعه را تحت پوشش قرار دهد یا تا وقتی که آخرین مغایرت‌ها توجیه شوند، ادامه داشته باشد. این روش در استفاده از ضرایب متفاوت و تبدیل‌های ریاضی، انعطاف‌پذیر است (عابدی و همکاران، ۱۳۸۵).

### ۵- مراحل انجام فراتحلیل

ورای شیوه نگاه به فراتحلیل و نوع آن، در فراتحلیل، هدف اولیه هر پژوهشگر، مسئله تحقیق است که باید به روشنی تعریف شود. دیگر آنکه از بین مطالعات موجود، آنهایی که با ملاک‌های پژوهش مورد نظر هماهنگی دارند نمونه‌گیری به عمل می‌آید (به‌طور معمول، فراتحلیل بررسی جامع تمامی جامعه مطالعات مربوط است). سوم، داده‌های تحقیق‌ها جمع‌آوری و ویژگی آنها بر اساس هدف تحقیق فراتحلیل کدگذاری و طبقه‌بندی شده و نتایج مطالعه به یک مقیاس کمی مشترک تبدیل شود، به طوری که قابل مقایسه باشند (یک مقیاس نوعی در پژوهش، حجم اثر و تفاوت استاندارد شده بین میانگین‌های گروه گواه و آزمایشی است).

در نگاهی کلی، در روش اجرا فراتحلیل به چهار نکته اساسی توجه شود:

- شناسایی: نخستین گام در روش فراتحلیل، یافتن همه مقاله‌ها و گزارش‌های تحقیقی مرتبط بوده و باید توجه داشت که راهبردهای مختلف جستجو و یافتن منابع، به نتایج متفاوت می‌انجامد.

- انتخاب: پس از آنکه پژوهشگر تعدادی از منابع پژوهشی را جمع‌آوری کرد، باید مناسب‌ترین منابع را با توجه به ملاک‌های برخورداری منبع از اطلاعات کافی برای تحلیل، استفاده از طرح پژوهشی مناسب، معرف بودن حجم نمونه مورد مطالعه و روش نمونه‌گیری برای جامعه، مناسب بودن زمان و شرایط انجام تحقیق با پرسش پژوهشی فراتحلیل مورد توجه قرار گیرد.

- انتزاع: پس از انتخاب منابع مناسب، پژوهشگر باید داده‌های مناسب را از هر منبع استخراج و انتزاع کند. در این مرحله، ممکن است در استخراج و طبقه‌بندی داده‌ها خطا رخ دهد. نخستین منبع خطا، به طبقه‌بندی نادرست یا خطای طبقه‌بندی مربوط است. دومین منبع خطا، تفسیر نادرست جداول است. سومین خطا، زمانی رخ می‌دهد که داده‌های استخراج شده از منابع وارد کامپیوتر می‌شود، یعنی خطای امور دفتری تحقیق.

- تجزیه و تحلیل: در مورد تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیق‌های فراتحلیل، مناقشه‌های زیادی وجود دارد. بر این اساس ابتدا بعضی اصطلاحات مهم را باید تعریف کرد. یکی از این اصطلاحات همگونی و ناهمگونی است که میزان تغییرپذیری بین مطالعه را در پژوهش‌های مورد بررسی توصیف می‌کند. شاید ترکیب کردن نتایج حاصل از مجموعه‌ای از مطالعات همگون مناسب‌تر باشد، زیرا بسیاری از متخصصان استدلال می‌کنند که نتایج حاصل از مطالعات ناهمگون را نباید با یکدیگر ترکیب کرد. برای آزمون همگونی تحقیقات انجام شده از روش آماری (q) که بر اساس توزیع مجذور خی تفسیر می‌شود، استفاده می‌کنند.

همان‌گونه که ذکر شد، فراتحلیل نیز مانند همه تحقیقات نظام‌مند دارای مراحل مشخصی اما با زوایای دید گوناگون است و در واقع از یک مدل فرایندی خاص تبعیت می‌کند. در اینجا به ذکر این مراحل از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران اشاره می‌شود. سانچز و ویزواران معتقدند که چهار مرحله در یک فراتحلیل خوب وجود دارد: ۱- تعیین تحقیقات؛<sup>۱</sup> ۲- انتخاب تحقیقات؛<sup>۲</sup> ۳- چکیده نمودن آنها<sup>۳</sup> و ۴- تحلیل<sup>۴</sup> (زاهدی، محمدی، ۱۳۸۴).

دلاور مراحل انجام فراتحلیل را در پنج مرحله به شرح زیر بیان نموده است:

۱- انتخاب حوزه‌ای که نتایج پژوهش‌های انجام شده در آن حوزه دوپهلوی و یا مشتبه‌کننده باشد. به عبارت دیگر، نتایج پژوهش‌های انجام شده یکدیگر را تأیید نکنند، بلکه این نتایج متفاوت و متعارض باشند.

۲- شناسایی منابع و تحقیقات انجام شده در آن حوزه.

۳- ارزیابی نتایج پژوهش‌های به عمل آمده.

۴- ترکیب نتایج پژوهش‌های انجام شده و مقایسه آنها با یکدیگر.

۵- ارزشیابی نتایج فراتحلیل به منظور کاهش خطا.

#### ۱-۵- انتخاب حوزه قابل تحقیق

این مرحله، اولین گام در شروع یک فراتحلیل است. شاید بتوان گفت

- 
1. Identification
  2. Selection
  3. Abstraction
  4. Analysis



که فراتحلیلگر نباید به دلخواه خویش موضوعی را در نظر بگیرد و به انجام یک فراتحلیل در آن موضوع بپردازد؛ بلکه انتخاب یک موضوع جهت انجام فراتحلیل، خود مستلزم فعالیت‌های زیر است:

- مطالعه نتایج تحقیقات انجام شده در یک موضوع پژوهشی.
- احساس و ادراک وجود اختلاف و یا تعارض و تناقض در نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده.
- احساس ضرورت درک علت وجود و بروز اختلاف و تعارض در نتایج پژوهش‌های به‌عمل آمده.
- انتخاب این حوزه پژوهشی در مقایسه با سایر حوزه‌های پژوهشی دیگر جهت انجام فراتحلیل و نشان دادن حقیقت و نقشه کلی تحقیقات انجام شده.

برخی صاحب‌نظران انتخاب حوزه قابل تحقیق را به‌طور مشخص به‌عنوان یک مرحله ذکر نکرده‌اند، ولی با کمی تأمل به نظر می‌رسد که انتخاب حوزه یک مرحله محسوب می‌شود و فرایند خاص خود را دارد؛ زیرا چنانچه از فراتحلیلگر سؤال شود که چرا این موضوع را انتخاب کرده است؟ احتمالاً این پاسخ را خواهد داد: تحقیقات متعددی در این حوزه به عمل آمده است و نتایج این تحقیقات یکسان نبوده و تفاوت و تعارض‌هایی بین آنها مشاهده می‌شود که توجه مرا به خود جلب کرده و می‌خواهم بدانم:

- نتایج کدام‌یک از تحقیقات انجام شده، حقیقت دارد و یا به حقیقت نزدیک است؟
- ریشه و علت این تفاوت‌ها چیست؟ آیا متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای موجب بروز این تفاوت‌ها شده است؟

## ۲۸۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

- به‌طور کلی نتایج کلیه تحقیقات روی هم رفته چه چیزی را نشان می‌دهد؟
- بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فراتحلیلگر و محقق قبل از انتخاب یک حوزه خاص برای انجام فراتحلیل:
  - با آن حوزه پژوهشی آشنایی پیدا کرده است.
  - از نتایج تحقیقات انجام شده و یا از نتایج بخشی از آنها اطلاع دارد.
  - از وجود تفاوت در نتایج آنها نیز مطلع شده است.
  - علاقه‌مند به درک علل این تفاوت‌ها و حقیقت مطلب است.

### ۲-۵- شناسایی منابع

- این بخش شامل دو قسمت پیدا کردن منابع و در گام دوم خلاصه کردن آنها است.
- الف) شناسایی منابع و پیدا کردن پژوهش‌های انجام شده: پس از اینکه پژوهشگر موضوع پژوهش و حوزه مربوطه را انتخاب کرد باید پژوهش‌هایی را که تاکنون در زمینه موضوع مورد پژوهش او انجام شده است، شناسایی و مطالعه کند. منابعی که از طریق آنها می‌توان به پژوهش‌های انجام شده دست یافت، عبارتند از:
- منابع مقدماتی که به کمک آنها می‌توان پژوهش‌های انجام شده را شناسایی کرد و برخی از آنها عبارتند از چکیده‌ها و نمایه‌ها.
  - منابع اصلی که پژوهش‌های مورد نظر محقق به‌طور کامل در آنها درج شده است.
- در یک طبقه‌بندی کلی منابع را می‌توان به چهار طبقه ۱- کتاب‌ها، ۲- نشریات شامل نشریه‌های تخصصی، روزنامه‌ها، خبرنامه‌ها و غیره،

۳- پایان نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری و در نهایت پژوهش‌های منتشر نشده از قبیل گزارش‌های علمی، طرح‌های پژوهشی، مقاله‌های چاپ نشده، زندگی‌نامه‌ها، فیلم‌ها و ۴- سایر منابعی که منتشر نشده‌اند، تقسیم‌بندی کرد (در تحقیق حاضر، تنها به گزارش‌های تحقیقاتی موجود و ارائه شده توسط کارفرما پرداخته می‌شود).

ب) تهیه خلاصه: پس از شناسایی پژوهش‌های انجام شده، فراتحلیلگر باید تصمیم بگیرد، چه اطلاعاتی را از هر یک از آنها استخراج نماید. از هر پژوهش باید اطلاعات زیر را استخراج و ثبت کرد:

- سطح معناداری؛

- اندازه اثر؛

البته علاوه بر استخراج سطح معناداری و اندازه اثر از هر یک از پژوهش‌های انجام شده اطلاعات دیگری نیز به تناسب هدف محقق و فراتحلیلگر می‌توان استخراج و ثبت کرد که عبارتند از:

- سؤال، هدف و فرضیه‌های پژوهش؛

- جامعه، نمونه، ابزار اندازه‌گیری و روش‌های ارزشیابی آن نظیر پایایی و اعتبار؛

- نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌ها.

البته بر اساس نظر گلاس باید در هر یک از پژوهش‌های انجام شده، نوعی طرح کدگذاری شده که در آن اطلاعات زیر مشخص شده باشد، مورد استفاده قرار گیرد:

- شماره شناسایی تحقیق؛

- شماره شناسایی آزمودنی؛

- ابزار؛

#### ۲۸۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

- ویژگی‌های طرح تحقیق؛
  - اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد آزمایش؛
  - متغیرهای عمده و اساسی و متغیرهای وابسته یا نتیجه؛
  - نتایج آماری؛
  - محاسبه اندازه اثر.
- برای کسب اطمینان از اینکه منابع شناسایی شده به درستی با موضوع پژوهش ارتباط دارد یا خیر، باید پایایی‌های زیر محاسبه شده و مورد توجه فراتحلیل‌گر قرار گیرد:
- پایایی شناسایی: نحوه محاسبه پایایی شناسایی منابع این است که دو یا چند فراتحلیل‌گر انتخاب پژوهش‌های شناسایی شده را به‌عنوان پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار دهند و در این مورد با یکدیگر توافق داشته باشند. برای تعیین میزان پایایی شناسایی باید نسبت توافق محاسبه شود.
  - پایایی کدگذاری: پایایی کدگذاری عبارت است از: نسبت توافق دو داور در مورد استفاده از اعداد خاص برای کدگذاری. علاوه بر این، باید پایایی سطوح معنا داری و اندازه اثر را نیز جهت کسب اطمینان از دقت فراتحلیل محاسبه کرد و مورد توجه قرار داد. برای محاسبه پایایی سطوح معناداری و اندازه اثر، میزان توافق دو فراتحلیل‌گر را که دارای تجربیات تقریباً یکسان هستند، در مورد قضاوت و محاسبات اندازه اثر و سطح معناداری را محاسبه می‌کنیم.

#### ۳-۵- ارزشیابی نتایج پژوهش‌های انجام شده

این مرحله از سه مرحله فرعی تشکیل شده است که عبارتند از:

- ارزشیابی کیفیت نتایج پژوهش؛

- تصحیح نتایج؛

- محاسبه پایایی داوری‌های انجام شده در مورد کیفیت پژوهش.

در مرحله ارزشیابی کیفیت نتایج پژوهش، فراتحلیلگر باید کارهای زیر

را برای هر یک از پژوهش‌های شناسایی شده انجام دهد:

- آیا پژوهشگر کلیه مراحل پژوهشی را مطابق با اصول روش‌شناسی

انجام داده است یا خیر. این معیارها برای کلیه پژوهش‌ها اعم از قوی

یا ضعیف باید به کار برده شود.

- پس از انجام مرحله قبل، فراتحلیلگر باید تعیین کند که قصد دارد

از هر پژوهش چقدر استفاده کند. به عبارت دیگر، در این مرحله باید

به پژوهش‌های انتخاب شده وزن داده شود و ارزیابی کیفیت بر اساس

وزن یا ضریب داده شده انجام شود.

برای پیشگیری از هر نوع سوگیری در وزن دادن، باید عمل وزن دادن

توسط چند نفر انجام شود، به این ترتیب که پرسشنامه‌ای ساخته شود

که در آن از داوران خواسته شود هر یک از پژوهش‌های انجام شده را بر

روی مقیاسی که دارای درجات صفر تا هفت است، ارزشیابی کنند.

در مرحله تصحیح نتایج باید بیان داشت که بی‌تردید در هر پژوهشی

احتمال ارتکاب خطا وجود دارد؛ زیرا ممکن است محقق در تهیه و تدوین

ابزار اندازه‌گیری، تحلیل داده‌ها، ثبت مشاهدات دچار خطا و سوگیری

شود. بنابراین فراتحلیلگر باید به تصحیح نتایج حاصل در هر یک از

پژوهش‌های انجام شده (در صورت لزوم) بپردازد.

در خصوص مرحله تعیین پایایی داوری‌های انجام شده در مورد

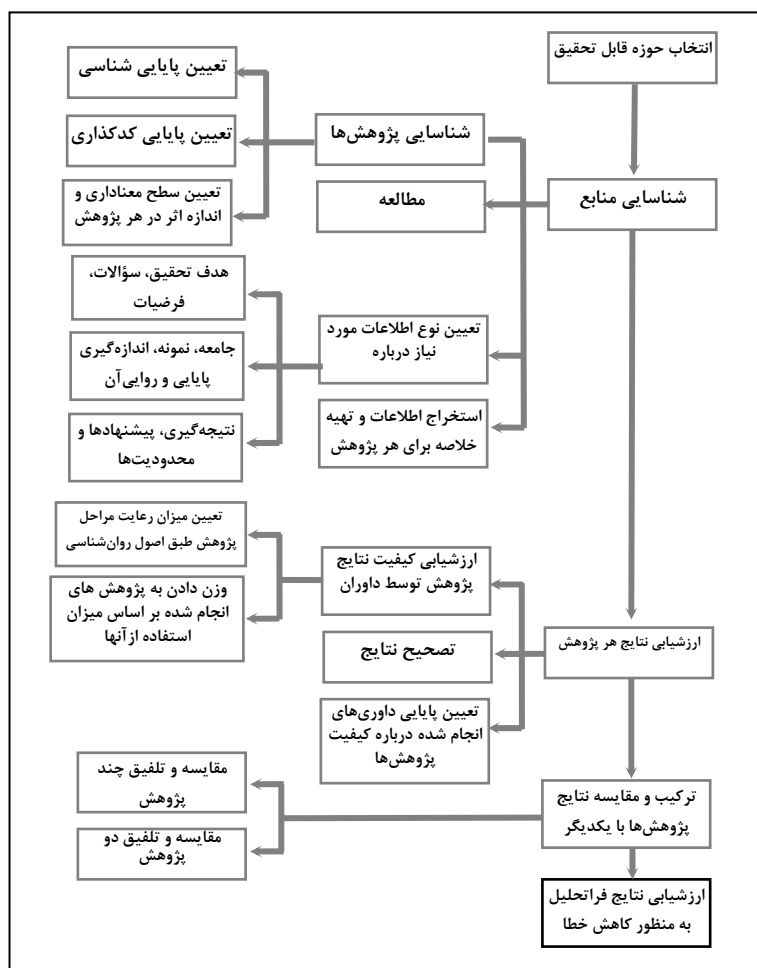
کیفیت پژوهش‌ها باید متذکر شد که پس از ارزیابی کیفیت پژوهش‌های

۲۸۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

انجام شده توسط داوران، فراتحلیلگر باید خود، آنها را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهد. این عمل به وسیله محاسبه پایایی انجام می‌شود. فراتحلیلگر می‌تواند از انواع پایایی‌های زیر استفاده کند:

- پایایی مؤثر؛
  - پایایی استفاده از روش تحلیل واریانس؛
  - پایایی به روش مؤلفه‌های اصلی.
- با توجه به توضیحات ارائه شده، به‌طور کلی می‌توان مراحل انجام فراتحلیل را به شکل زیر به تصویر کشید:

گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۸۷



## ۶- مزایا و محدودیت‌های فراتحلیل

برخی از مهم‌ترین مزایای این روش عبارتند از:

- روش فراتحلیل در هنگام مرور پیشینه از روش‌های عینی برای یافتن مطالعات استفاده می‌کند. محققى که با روش فراتحلیل مرور می‌کند، باید تمام پژوهش‌های مرتبط با یک زمینه خاص را پیدا کرده و آنها را در نظر بگیرد، به همین دلیل احتمال کمی وجود دارد که به مطالعات هماهنگ و پیشداوری‌های خود اهمیت بدهد (صدقی و منتظر قائم، ۱۳۸۴).

- روش فراتحلیل به دلیل دقت و ظرافت آن و استفاده از روش‌های آماری نیرومند به ارتباطات خاص دست پیدا می‌کند و به آزمون فرضیات می‌پردازد که در مطالعات گسترده نمی‌توان آن را بررسی کرد.  
- فراتحلیل نتیجه‌گیری مطمئنی را فراهم کرده، شکاف‌های موجود بین پیشینه موضوعات پژوهشی را مشخص ساخته و در نتیجه محقق را متوجه می‌سازد که زمینه پژوهش‌های بعدی بهتر است چه چیزی باشد (همان).

- فراتحلیل خصوصیات مطالعات خود را به اصطلاح کمی و یا شبه کمی توصیف می‌کند (همان).

- فراتحلیل قابل تکرار است، زیرا مراحل تعریف شده‌ای را دنبال و در گزارش نهایی خود جای می‌دهد (واعظ موسوی، ۱۳۸۵).

- توانایی مطالعه متغیرهای اثر گذار بالقوه را دارد (همان).

- روش‌های کمی فراتحلیل به بررسی برخی چالش‌های ناشی از وجود پاسخ‌های متعدد به یک پرسش پژوهشی واحد کمک می‌کند.



روش فراتحلیل در کنار مزایا، محدودیت‌های نیز دارد، بر همین اساس مطلق پنداری کاربردها و قدرت روشی فراتحلیل اشتباه بوده و امکان بهره‌گیری حداکثر از امکانات موجود را فراهم نخواهد ساخت.

برخی از مهم‌ترین محدودیت‌های فراتحلیل عبارتند از:

- هیچ نوع روش واحدی برای انجام فراتحلیل وجود ندارد.

- در فراتحلیل برخی از یافته‌های تحقیقات گوناگون چاپ و منتشر نمی‌شوند، به‌ویژه اگر نتایج آنها معنادار نباشند (تورش در نمونه‌برداری).

- داده‌ها از لحاظ واحد نمونه‌برداری، روش‌های اندازه‌گیری، عملیاتی کردن متغیرهای مستقل و وابسته، روش‌های تحلیل و یافته‌های آماری بسیار متغیرند.

- فراتحلیل بیش از حد بر اثرهای انفرادی تأکید دارد و به‌گونه‌ای نظام‌دار تنها روابط انفرادی بین متغیرهای مستقل و وابسته را ارزیابی می‌کند.

- عدم استقلال بین مطالعه‌ها می‌تواند مشکل‌زا باشد.

- جستجوهای ناقص پیشینه پژوهش می‌توانند نتایج فراتحلیل را منحرف کنند، به‌ویژه اگر بسیاری از گزارش‌های منتج به تأیید فرضیه صفر منتشر نشده باشند. از آنجایی که احتمال انتشار نتایج تأیید فرضیه صفر به مراتب کمتر است، بنابراین به دست آوردن این‌گونه گزارش‌ها بسیار دشوار است. چنانچه گزارش‌هایی که فرضیه صفر آنها تأیید شده گردآوری و در فراتحلیل گنجانده شوند، ممکن است میانگین اندازه اثر را به مقدار قابل اغماض کاهش دهند، یا موجب شوند این نتایج جهت را معکوس جلوه‌گر سازند (سهرابی فرد،

(۱۳۸۵).

در مجموع فراتحلیل با محدودیت‌ها و مسائل حل نشده‌ای روبه‌رو است. در واقع اکثر انتقاداتی که به آن وارد شده، مخالفت با سوءاستفاده‌های بالقوه و عملی از آن است، اما به هر حال ابهام‌هایی در مورد آن وجود دارد. فراتحلیل به ساده کردن بیش از حد نتایج حوزه تحقیق خاصی، با تمرکز بر اثرات کلی و نادیده گرفتن اثرات تعاملی یا میانجی متهم شده است.

- در هر فراتحلیلی منابع خطایی وجود دارد که می‌تواند اعتبار و دقت این روش را زیر سؤال ببرد. تمام پژوهش‌هایی که فراتحلیلگر برای انجام فراتحلیل انتخاب می‌کند، نمی‌تواند معرف و نماینده واقعی کل جامعه مورد پژوهش باشد، زیرا اغلب پژوهش‌هایی به چاپخانه راه پیدا می‌کنند که اولاً مشکل روز باشند و در ضمن مطابق ذوق و سلیقه سردبیر باشد و پژوهشگر، ضمناً از شهرت یا تجربه برخوردار باشد. ولی گاه پژوهش‌های قوی و مناسبی انجام می‌شود که پژوهشگر آن از شهرتی برخوردار نیست و به همین جهت به چاپخانه راه پیدا نمی‌کند. از طرف دیگر، گزارش یافته‌های غیر معنادار غالباً منتشر نمی‌شود، زیرا پژوهش‌های زیادی برای سردبیران می‌رسد که دارای نتایج معناداری هستند.

- در فراتحلیل اغلب میانگین پژوهش‌ها محاسبه می‌شود که نحوه اندازه‌گیری، تعریف متغیرها و یا واحد تحلیل، آزمودنی، با هم تفاوت دارند. گلاس این مشکل را مسئله سیب و پرتقال نامیده است، به این معنی که گرچه سیب و پرتقال هر دو میوه هستند، ولی آنها را نمی‌توان با هم جمع کرد. به عبارت دیگر، درست است که در فراتحلیل پژوهش‌هایی مورد پژوهش قرار می‌گیرند که دارای فرضیه‌های یکسانی

هستند، اما بین آنها در زمینه برخی از فعالیت‌های پژوهشی اختلاف‌هایی وجود دارد که ترکیب آنها را غیر منطقی می‌کند.

- در بازننگری نتایج فراتحلیل، معیارهای دقیق و واحدی برای ارزشیابی و سرانجام تصمیم‌گیری وجود ندارد.

- گاهی پیش می‌آید که دو یا چند مطالعه، از نظر محقق یا تیم تحقیق، گروه آزمودنی‌ها، روش یا حتی آزمایشگاه تحقیق و... مشترک باشند ولی به ازاء هر مطالعه یک آزمون فرضیه صورت گرفته، بنابراین آزمون‌های فرضیه از هم مستقل نیستند. این مسئله هم بر روایی بیرونی و هم بر اطمینان ما از نتایج فراتحلیل اثر می‌گذارد.

- گاهی برای اندازه‌گیری متغیر وابسته از سنجش‌های متفاوت استفاده شده و گاهی مطالعه‌ای چند متغیر وابسته دارد، لذا بیش از یک آزمون معناداری یا ES، در مورد یک فرضیه واحد گزارش می‌شود. این مسئله بیشتر با نام مسئله نتایج مرکب یا همبسته شناخته شده است که ممکن است باعث پیش‌برآورد اثر و افزایش احتمال خطای نوع اول شود. روزنتال توصیه می‌کند: برای هر متغیر وابسته تحلیل جداگانه‌ای انجام شود و از یکجا آوردن آنها در یک تحلیل پرهیز شود.

## ۷- مسائل پایایی و روایی

الف) داده‌های ناقص: به‌ندرت پیش می‌آید که تمام مطالعاتی که در فراتحلیل وارد و تلفیق می‌شوند، همه شاخص‌های لازم برای تحلیل‌ها را گزارش کرده باشند. مسئله گزارش دهی ناقص، محدودیتی است که از سوی مؤلفان و ناشران گزارش‌های تحقیق بر فراتحلیلگر، تحمیل می‌شود و امکان انجام تحلیل‌های پیچیده و غنی‌تر را کاهش می‌دهد.

ب) پراکندگی فنون: نتایج فراتحلیل، بسته به فنون خاصی که استفاده می‌شود، ممکن است متفاوت باشد.

یکی از بزرگ‌ترین خطرها، مسئله همگنی و ناهمگنی نتایج و اینکه وقتی نتایج یک مجموعه مطالعات ناهمگن هستند، چه باید کرد، مشکلی است که حل نشده باقی مانده است، آیا چنین مجموعه‌ای را می‌توان نمونه یک حوزه تحقیقی واحد دانست؟

- مسئله دیگر پیچیدگی تنظیم سیستم کدگذاری در فراتحلیل همراه با مسئله اطلاعات ناقص است که باعث ایجاد اشتباه در طبقه‌بندی مطالعات در محاسبه ESها می‌شود.

- مسئله چگونگی پرداختن به نتایج مرکب در یک مطالعه واحد و عدم استقلال، مسائلی هستند که هنوز راه‌حل قطعی نیافته و مهار نشده‌اند.

- انتقاد دیگر وارد بر روش فراتحلیل، به سوگیری بالقوه‌ای که ناشی از تأثیر معایب طرح است برمی‌گردد. این مسئله می‌تواند در تجزیه و تحلیل عامل مورد مطالعه، به صورت ترتیبی از توصیف طرح و تحلیل آن در نظام کدگذاری و سرانجام مداخله دادن آن دو، مؤثر واقع شود. در نهایت اینکه کاربرد روش‌های کمی در بازنگری پیشینه، سریع‌تر از رشد تئوری آماری زیربنای آن روش‌ها پیش رفته است (زاهدی و محمدی، ۱۳۸۴، ایمان و خواجه‌نوری، ۱۳۸۵).

## ۸- نمونه‌های از فراتحلیل مطالعات اجتماعی

در این بخش جهت اطلاع خوانندگان محترم چند نمونه از فراتحلیل‌های انجام شده توسط محققان علوم اجتماعی در دو بخش

فرا تحلیل کیفی و کمی ارائه می‌شود.

### ۱-۸- فرا تحلیل‌های کیفی

۱- رحمت‌الله صدیق سروسستانی (۱۳۷۹) در فرا تحلیل تحقیقات آسیب‌های اجتماعی گونه‌ای از روش فرا تحلیل کیفی را معرفی و انجام داده است. محقق، فرا تحلیل را کوششی برای تحلیل مجدد (بیشتر روش‌شناختی) مجموعه‌ای از پژوهش‌های آسیب‌شناختی و نقدی بر آنچه انجام شده است می‌داند، تا ضمن برشمردن نقاط قوت و ضعف این پژوهش‌ها، پیشنهادها و راهکارهایی را نیز ارائه دهد. محقق پس از فرا تحلیل پژوهش‌های مربوط در حوزه آسیب‌های اجتماعی، پیشنهادهایی را ارائه داده است. وی به‌طور خلاصه بیان می‌کند، این پژوهش‌ها از روش معینی پیروی نکرده و بیشتر تابع علاقه و پژوهشگر و شرایط تحقیق بوده است.

۲- محمدجواد ناطق‌پور و سید احمد فیروزآبادی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فرا تحلیل عوامل مؤثر بر آن، به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند و با روش فرا تحلیل کیفی تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در مورد سرمایه اجتماعی در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. این محققان در بیان استفاده از روش فرا تحلیل کیفی چنین بیان می‌کنند که اقدام به ترکیب و تلفیق اطلاعات، پدیده جدیدی نیست. در این تحقیق به تحلیل توصیفی کمی پژوهش‌های گذشته پرداخته نشده و به تحلیل کیفی مبانی نظری و رابطه متغیرها پرداخته شده است. این امر به سابقه مفهوم سرمایه اجتماعی و جدید بودن این مفهوم در ایران برمی‌گردد که کمتر تحقیقی بر روی این مفهوم

به تنهایی انجام شده و بیشتر تحقیقات بر عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی مانند: اعتماد، مشارکت، و... صورت گرفته است. همچنین به کمبود سابقه پیمایش‌های ملی و طولی و انجام تحقیقات با شرایط جغرافیایی، جامعه آماری و ملاحظات روشی گوناگون و ناهمگن برمی‌گردد که امکان مقایسه و انجام عملیات‌های آماری و کمی را غیرممکن می‌سازد. بنابراین فراتحلیل کمی آنها به لحاظ گوناگونی و تفاوت‌های روشی، نمونه‌گیری، جامعه آماری، سطح تحلیل و واحد تحلیل امکان‌پذیر نیست.

۳- غلامرضا ذاکر صالحی (۱۳۸۶) در فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان؛ گونه‌ای از فراتحلیل را تحت عنوان فراتحلیل کیفی ارائه کرده است. محقق، تلاش کرده است تا از طریق فراتحلیل مطالعات انجام شده در داخل کشور، به نظریه مشترک و بنیادین آنها دست پیدا کند. در این تحقیق اطلاعات توصیفی کاملی در قالب دو مؤلفه روش‌شناسی مربوط به آثار علمی مورد مطالعه و چهار مؤلفه محتوایی آنها ارائه شده است. بر اساس موارد تشریح شده، تمرکز این فراتحلیل بر درک محوریت مبانی نظری خاص و استخراج راه‌های عمده تفسیر پدیده مهاجرت است.

## ۲-۸- فراتحلیل‌های کمی

۱. محمدرضا طالبان در تحقیقی با عنوان افول دینداری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت (تأملی در یافته‌های پژوهشی) با فراتحلیل ۱۴ پژوهش انجام گرفته در ایران نشان می‌دهد که نظریه افول دینداری با مشکلات جدی روبه‌رو است. به نظر می‌رسد، بسیاری از آنچه تاکنون

#### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۹۵

راجع به دینداری جوانان (و مردم) و نگرانی‌های مربوط به آن گفته شده است، فراتر از مرز ادراکات حاصل از زندگی یا مشاهدات و شنیده‌های شخصی نیست. بسیاری از داعیه‌ها و اظهارنظرهای مربوط به ضعف و افول دینداری مردم و به‌ویژه نسل جدید، بیش از آنکه مبتنی بر پژوهش‌هایی روش‌شناختی باشد، بیان تصورات و توقعات گویندگان است. البته شواهدی نیز به‌صورت گزینشی و همسو با ادعاها و نادیده گرفتن سایر موارد مشاهده‌ای ارائه می‌شود.

جامعه آماری این مطالعه عبارت است از کلیه تحقیقاتی که لااقل از یکی از دو شاخص دینداری (اعتقاد به خداوند و پایبندی به نماز) استفاده کرده‌اند. به‌علت پراکندگی تحقیقات انجام گرفته و فقدان بانک اطلاعات مرجع در این حوزه مطالعاتی، چهارده مطالعه به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شده است.

نتایج این فراتحلیل به قرار زیر است:

الف) میزان اعتقاد جوانان به خداوند: از میان تحقیقات مورد بررسی، تنها شش پژوهش از این معرف استفاده کرده‌اند که نتایج آن در جدول شماره ۱ منعکس شده است:

۲۹۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

جدول ۱. نسبت معتقدین و غیرمعتقدین به خداوند به تفکیک تحقیقات انجام شده در سال‌های مختلف

پژوهشگر	زمان جمع‌آوری اطلاعات	جامعه آماری	درصد کسانی که اظهار نموده‌اند به خداوند اعتقاد دارند	درصد کسانی که اظهار نموده‌اند به خداوند اعتقاد ندارند	نمونه تحقیق
سراج‌زاده	۱۳۷۴	دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران	۸۷	۸ / ۸۲	۳۹۱ نفر
گیویان	۱۳۷۶	شهروندان پانزده تا بالای ۶۵ سال شهر تهران	۹۸ / ۹	۰ / ۵	۹۸۵ نفر
سادبی	۱۳۷۶	دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران	۹۵ / ۸	۰ / ۸	۱۲۶۰ نفر
طالبان	۱۳۷۷	دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه ۵ تهران	۹۳	۱	۷۳۳ نفر
طالبان	۱۳۷۸	دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان‌های منطقه ۵ تهران	۹۶ / ۱	۰ / ۵	۳۸۴ نفر
طالبان	۱۳۷۹	دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های کل کشور	۹۸ / ۵	۰ / ۲	۵۳۵۴ نفر

\* تفاوت جمع درصدی با ۱۰۰ ناشی از نسبت بی‌جواب‌ها و بی‌نظرهاست.

ب) میزان پایبندی جوانان به نماز: تحقیقاتی که از معرف پایبندی به نماز استفاده کرده‌اند، در مجموع سیزده پژوهش بود که یافته‌های آن در جدول شماره ۲ منعکس شده است:



گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۹۷

جدول ۲: وضعیت پایبندی به نماز به تفکیک تحقیقات انجام شده در

سال‌های مختلف

تعداد نمونه	درصد کسانی که اظهار نموده‌اند نماز نمی‌خوانند	درصد کسانی که اظهار نموده‌اند نماز می‌خوانند	جامعه آماری	زمان جمع‌آوری اطلاعات	پژوهشگر
۷۰۰ نفر	۱۲ / ۶	۸۱ / ۸	شهروندان از ۱۵ سال به بالای شهر تهران	۱۳۵۸	اسدی وهمکاران
۱۸۵۰ نفر	۴ / ۲	۹۴ / ۹	دانشجویان روزانه دانشگاه‌های دولتی مرکز استان‌های کشور	۱۳۷۳	طالبی
۶۶۰ نفر	۱۳ / ۵	۸۶ / ۵	دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی و دختر و پسر دوره متوسطه استان مرکزی	۱۳۷۳	سادبی
۳۹۱ نفر	۱۰ / ۷	۸۹ / ۱	دانش‌آموزان سال سوم متوسطه شهر تهران	۱۳۷۴	سراج‌زاده
۲۲۷ نفر	۲ / ۶	۹۳ / ۹	صاحبان مغازه در بازار تهران	۱۳۷۴	رونقی
۹۰۰ نفر	۱۵ / ۳	۸۴ / ۷	جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال مجرد شهر تهران	۱۳۷۶	جوادی یگانه
۳۸۴ نفر	۱۳ / ۸	۸۶ / ۲	دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه ۵ تهران	۱۳۷۷	طالبان
۱۲۶۰ نفر	۲۰	۸۰	دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران	۱۳۷۷	سادبی
۳۸۴ نفر	۱۳ / ۸	۸۶ / ۲	دانش‌آموزان سوم متوسطه منطقه ۵ تهران	۱۳۷۸	طالبان
۲۰۰۰ نفر	۱ / ۵	۹۵ / ۸	دانشجویان دانشگاه تهران و کرمان	۱۳۷۹	نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها
۵۳۵۴ نفر	۶ / ۸	۹۳ / ۲	دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های مناطق شهری کشور	۱۳۷۹	طالبان
۲۳۱۵ نفر	۹ / ۹	۸۷ / ۲	دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران	۱۳۷۹	مقنی‌زاده (۲)
۴۰۰ نفر	۳ / ۸	۹۵ / ۶	دانشجویان ترم اول دانشگاه‌های علوم پزشکی، دولتی و آزاد اراک	۱۳۷۹	آغاز

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. ازکیا، مصطفی و محمود توکلی، «مطالعات رضایت شغلی در سازمان آموزش و پرورش، بررسی و ترکیب نتایج پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۵.
  ۲. ایمان، محمدتقی و بیژن خواجه نوری، «فراتحلیل: روشی برای مطالعه مطالعات»، تهران: فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۹، ۱۳۸۵.
  ۳. پاشاشریفی، حسن و نسترن شریفی، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: سخن، ۱۳۸۰.
  ۴. دلاور، علی، مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۲.
  ۵. زاهدی، شمس السادات و ابوالفضل محمدی، «فراتحلیل راهی به سوی شناسایی ارزشیابی ترکیب و تلخیص پژوهش‌های گذشته»، تهران: فصلنامه مطالعات مدیریت شماره ۴۷، ۱۳۸۴.
  ۶. سهرابی‌فرد، نسرین، «مروری بر مبانی فراتحلیل»، مجله روان‌شناسان ایرانی، شماره ۱۰، زمستان ۸۵.
  ۷. صدیق سروستانی، رحمت الله، «فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵، صص ۱۰۳-۶۷، ۱۳۷۹.
  ۸. عابدی، احمد، حسن عریضی و فرزاد محمدزاده، «درآمدی بر روش پژوهش فراتحلیل در تحقیقات آموزشی»، تهران: فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۹، ۱۳۸۵.
  ۹. منتظر قائم، محمد و سهراب صدقی، فراتحلیل، تهران: انتشارات طرح آینده، ۱۳۸۴.
- واعظ‌موسوی، محمد، «اضطراب و فعالیت بدنی مروری بر فراتحلیل‌های انجام شده تا سال ۲۰۰۰»، فصلنامه المپیک، سال نهم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۵.

ب) منابع لاتین

1. Cohen, J., Statistical Power Analysis For The Behavioral Sciences (Second ed), Hillsdale, N J: Lawrence Erlbaum Associates, 1988.
2. Glass, G. V., Meta-analysis, Arizona state University: college of education, online document available at:  
<http://Glass.ed.asu.edu/Gene/papers/meta25.html>.
3. Glass, G., Primary, Secondary and Meta Analysis Of Research. Educational Research, Vol. 5. 3-80, 1986.
4. Rosenthal, R., Meta-analytic Procedures For Social Research. (Revised), Applied social research methods series, volume 6. Newbury Park, CA: Sage, 1991.
5. Wolf, F. M., Meta-analysis: Quantitive Methods for Research Synthesis, Beverly Hills, 1987.



## تیپ ایده‌آل و کاربرد آن در تحقیقات اجتماعی

زهرا زارع\*

دکتر سروش فتیحی\*\*

### مقدمه

علوم اجتماعی غالباً در حیطه تئوری و پژوهش تجربی متمرکز است؛ جهان اندیشه‌ها، تئوری‌ها و مدل‌های نظری و یا جهان مشاهده و تجربه. سطح تئوری ساختاری نمادی و بسیار انفرادی دارد و سطح مشاهده و سطح عمل، آزمون و مشاهده است. اگرچه تئوری دارای درجه بالایی از دانش علمی است و پژوهش تجربی درک عینی از واقعیات مشاهده‌ای جهان اجتماعی ایجاد می‌کند، اما ابزارهای دیگری لازم است تا بتوان پلی بین تئوری و تحقیق تجربی ایجاد کرد، ابزارهایی که دانش علمی و درک ما را از جهان پیرامون بیفزاید و امکان بهره‌برداری از تئوری‌ها، داده‌ها و اطلاعات بسیار را در اطراف ما فراهم آورد.

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قیامدشت و دانشجوی دکتری واحد علوم و تحقیقات تهران.

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار.

تیپ ایده‌آل به‌عنوان یک الگوی مفهومی، روابط و حوادث خاص زندگی اجتماعی - تاریخی را در یک مجموعه در کنار هم قرار می‌دهد و در نهایت یک سیستم از درون دارای ثبات شناخته می‌شود و از این منظر حائز اهمیت زیادی است. این ساختار پیشینه آرمان شهری است که از طریق برجسته‌سازی تحلیلی، عناصر خاصی از واقعیت را نشان می‌دهد. بنابراین با تیپ ایده‌آل می‌توان واقعیت اجتماعی را بهتر مطالعه کرد و به درک جامع‌تری در خصوص آن دست یافت. در این مقاله سعی شده است تا ضمن توجه به اهمیت تیپ ایده‌آل به‌عنوان یک ابزار در تحقیقات اجتماعی و مروری بر ویژگی‌ها و شیوه ساخت آن و خصوصاً و توجه به کار و بر در ابداع این ابزار، تیپ ایده‌آل زن مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱- ضرورت تیپ ایده‌آل در تحقیقات اجتماعی

تیپ ایده‌آل مهارت ما را در اسناد دادن در تحقیق توسعه می‌بخشد، ساختن فرضیه را هدایت می‌کند و معانی روشنی از توصیف واقعیت ارائه می‌دهد. یک تیپ ایده‌آل با برجسته‌سازی یک‌جانبه یا چند نظر گاه با ترکیب ویژگی‌های مطلق شکل گرفته، در یک ساختار تحلیلی متحد قرار می‌گیرد. این ساختار ذهن در شکل خالص خود می‌تواند از لحاظ تجربی در هر جایی در واقعیت یافت شود که این یک آرمان‌شهر است.

تیپ ایده‌آل مرکب از مفاهیم محدود شده ایده‌آلی است که یک واقعیت یا کنش با آن مقایسه می‌شود و تبیینی در مورد اهمیت اجزای آن ارائه می‌دهد. هرچند ممکن است ایده‌های ارائه شده با آنچه در واقعیت تجربی ارائه می‌شود، به میزان قابل ملاحظه‌ای تفاوت داشته باشند.

ویژگی تیپ ایده‌آل ناشی از سنتز ایده‌های مؤثر تاریخی، زمانی روشن می‌شود که اصول، مبنا، اساس و گزاره‌های دیگر در اذهان افرادی که تحت آن ایده‌ها هستند، وجود نداشته باشد، زیرا این ایده‌ها از بین رفته‌اند یا چنان کاربرد وسیعی پیدا کرده‌اند که باعث در هم ریختن معنای آنها شده است.

باید در نظر داشت، تیپ‌های ایده‌آل مفاهیمی نیستند که واقعیت با آنها مقایسه می‌شود، بلکه ایده‌آل‌هایی هستند که واقعیت به کمک آنها به نحو سنجیده‌ای مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

تیپ ایده‌آل خلأهای موجود بین تئوری‌ها و تحقیق تجربی را پر می‌کند، چراکه نقطه تلاقی چندین گرایش از گرایش‌های اندیشه محقق است. بنابراین لازم است تا جهت درک بهتر واقعیت‌های اجتماعی، از آن به‌عنوان ابزاری که هم زیربنای تئوری و هم مشاهده‌ای دارد، در مطالعات اجتماعی استفاده شود.

## ۲- تیپ ایده‌آل به‌عنوان ابزار

همان‌طور که گفته شد، به‌هنگام تحقیق اگر نتوان مسئله مورد تحقیق را صورت‌بندی کرد و یا تئوری مناسبی جهت تحلیل در اختیار نباشد، برای عبور از سطح توصیف باید از یک مرجع نظری که فراتر از مشاهده نظری است، استفاده کرد (سرایبی، ۱۳۸۶). این مرجعی است که جهان تجربی را با آن مقابله می‌کنند (یعنی واقعیات با آن سنجیده می‌شوند) و به همین وسیله است که می‌توان از سطح توصیف گذشت و به سطح تبیین و تفهیم رسید.

تیپ ایده‌آل برای «وبر» ابزار طبقه‌بندی است و می‌توان از آن برای

تنظیم و آرایش نظام‌مند مقولات متعددی استفاده کرد که در هر یک از آنها تمام مشاهدات کمی و کیفی که در قالب توصیف‌های آن می‌گنجد، در یک گروه قرار می‌گیرند (نوابخش، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

به عبارت دیگر، تیپ ایده‌آل تنها حکم ابزار و وسایلی را دارد که در دادن صراحت و یکنواختی معنادار به موضع تحقیق ما را یاری می‌دهد (تنهایی، ۱۳۷۴: ۲۸۰). بنابراین آفریدن یک الگوی مجازی (تیپ ایده‌آل) فی نفسه هدف نیست، بلکه هدف از آن تنها تسهیل تحلیل تجربی است و سود کاربردی دارد (شیخاوندی ۱۳۸۳: ۱۲۰).

### ۳- تعریف تیپ ایده‌آل

قلمرو مفاهیم و تعاریف تیپ ایده‌آل در علوم اجتماعی به دلایل بسیاری پیچیده و از سطح انتزاعی بالایی برخوردار است. به همین منظور در یک نظام علمی دانشمندان مجموعه مفاهیم مورد نظر خود را توسعه می‌دهند و همین نکته است که زبان مشترک میان دانشمندان یک رشته علمی را به وجود می‌آورد (سرمد، ۱۳۷۶: ۲۹).

بر همین اساس مترجمان و جامعه‌شناسان برای واژه Ideal Type معادل‌های متفاوتی انتخاب کرده‌اند که بر اساس تفسیر برخی دیگر، این معادل‌ها درون‌مایه اصلی این اصطلاح را نشان نمی‌دهد و می‌توان ریشه این سوء تعبیرها را بیشتر در واژه (Ideal) نشان داد، چراکه گاه برای واژه‌های «آرمان»، «پندار»، «اندیشه» و «تمثیل» انتخاب می‌شود که وافی مقصود نیست در حالی که منظور وبر از سرشت ایده‌آل و کاربرد آن «منطقاً» ریشه در یک موضع معرفت‌شناختی دارد (شیخاوندی، پیشین: ۱۱۹).



در این راستا تیپ ایده‌آل «شبکه یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های ناشی از تجربیات محسوس است که با هم نمونه‌ای ناب، خالص، اصلی و ذهنی را تشکیل می‌دهند» (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۳۸۰). در تعریفی دیگر، نمونه تیپ ایده‌آل قالب و کلیتی است شامل مجموعه مفاهیمی که یک محقق علوم فرهنگی آنها را تنها به‌منظور دسته‌بندی واقعیات پراکنده تنظیم می‌کند. در واقع نمونه آرمانی گزینش دیگری است که جامعه‌شناس با ارجاع به ارزش‌ها به‌منظور بررسی واقعیت از برخی دیدگاه‌ها به عمل آورد (تنهایی، ۱۳۷۴: ۲۷۹).

آرمانی بودن این بنای مفهومی از آن روست که مبین یک یوتوپی (آرمان)، یا بهتر است گفته شود، عقلانی کردن آرمانی است که هرگز در کیفیت نابخش در واقعیت تجربی و ملموس دیده نمی‌شود و یا بسیار به‌ندرت دیده می‌شود (فروند، ۱۳۶۲: ۶۹).

در نهایت تیپ ایده‌آل عبارت است از: نوعی تجسم‌انگاری که برآمده از یک کل تاریخی منفرد است که از راه عقلانی کردن آرمانی و تشدید یک‌سویه صفات ویژه و اصیل به‌منظور دادن معنایی صریح و مبهم به آنچه در تجربه خالصاً وجودی ما مبهم و آشفته می‌نماید، ساخته می‌شود (همان: ۷۰).

#### ۴- ویژگی‌های تیپ ایده‌آل

برخی از ویژگی‌های تیپ ایده‌آل عبارتند از:  
۱- گاه ممکن است معنای مجموع خصوصیات مشترک (نمونه، میانگین) را به خود بگیرد. اما در واقع هدف از آن حد متوسط یا میانگین ویژگی‌های یک جمعیت نیست.

- ۲- گاه ممکن است در معنای حک و اصلاح‌شدگی<sup>۱</sup> باشد که عناصر مشخص و ممیزه یا نمونه‌ای را آشکار می‌کند (همان: ۶۸).
- ۳- تیپ ایده‌آل چکیده صفات مشترک افراد، پدیده‌ها و حالت‌ها نیست، بلکه شخص یا پدیده زیاد و کم شده‌ای است که صفات نمونه‌ای موجود در رفتار موضوع را به‌صورت آرمانی آشکار می‌کند.
- ۴- تشدید یک سوبه دیدگاه‌هایی است که می‌توان آنها را در یک تابلوی فکری همگن صفات و خصوصیات یک واقعیت منفرد گرد هم آورد.
- ۵- به‌ندرت می‌توان ایده‌آل را در واقعیت تجربی و ملموس نشان داد و یا هرگز چنین نمی‌شود.
- ۶- در تشکیل یک تیپ ایده‌آل فراوانی یک عنصر اهمیت کمتری دارد تا خصوصیت ویژه و اصیل آن که فردیت و یکتایی آن را تعیین می‌کند.
- ۷- تیپ ایده‌آل «طرح» عقلانی و ساخت منطقی مستقل از نوسانات امر واقعی را ارائه می‌کند (همان: ۷۰).
- ۸- تیپ ایده‌آل در برابر «جوهر شناختی» قرار دارد زیرا مدعی است واقعیت چیزها را در درون سلسله مراتب انواع و اجناس، خواه در یک نظام قوانین طبیعی، خواه در یک مجموعه عناصر ترکیبی عمومی که بازتاب صحیح واقعیت است، می‌فهمد.
- ۹- نباید تیپ ایده‌آل را با واقعیت به‌عنوان حقیقت «مسلم» یکی دانست، بلکه به‌دلیل غیر واقعی بودنش ما را از حقیقت بالفعل دور

#### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳۰۷

می‌کند تا از لحاظ عقلی و علمی بهتر بر آن اشراف پیدا کنیم، هرچند این اشراف ضرورتاً عام و شامل نباشد (همان).

۱۰- هر قدر تیپ ایده‌آل ارجاع به ارزش‌ها داشته باشد، با این حال تیپ ایده‌آل ارائه شده از یک موقعیت، آیین، نظام، پدیده و... لزوماً با تصور معاصران آن حوزه متناظر نیست. بنابراین می‌توان تیپ ایده‌آل را با عطف به ارزش‌های مختلف ساخت.

۱۱- ایده‌آل بودن این نمونه ساختگی با «کمال مطلوب» در معنای اخلاقی وجه مشترکی ندارد.

۱۲- با ساختن تیپ ایده‌آل نمی‌توان انتظار داشت که سرمشق امور فراهم شود.

۱۳- ارزش و اهمیت و فضیلت تیپ ایده‌آل در منطق آن است، نه مسائل اخلاقی. به عبارت دیگر، نباید با ساختن تیپ ایده‌آل انتظار مشاهده آنچه باید باشد در امور و پدیده‌ها را داشته باشیم.

۱۴- از آنجا که محتوای مفاهیم تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و... متغیرند، بنابراین ساختن تیپ ایده‌آل با عنایت به زمان مورد نظر دانشمندان می‌تواند تیپ‌های ایده‌آل متفاوتی از یک پدیده بسازد تا در بهتر فهمیدن آن کمک کند.

#### ۵- تیپ ایده‌آل و ماکس وبر

اولین بار افلاطون در خصوص تیپ ایده‌آل سخن گفت. جهان مثلی او یک تیپ ایده‌آل است که شکل ناب آن در جهان دیگری محقق می‌شود و آن جهان ایده‌هاست.

ماکس وبر برای اولین تیپ ایده‌آلی از بروکراسی، سرمایه داری،

سرمایه دار ریسک‌کننده ساخت و مبنایی برای استفاده از این ابزار در تحقیقات اجتماعی فراهم کرد.

### ۶- زمینه تاریخی تیپ ایده‌آل

- مطالعات تجربی نیاز به اساسی مبتنی بر ترکیبات روش‌شناسانه داشت. دانشمندان طبیعی شیوه‌های تعریف شده‌ای از روش علمی دارند. این در حالی است که در مطالعات تاریخی و علوم اجتماعی باید، استحقاق نام علمی را به‌واسطه استفاده از روش‌های علمی داشته باشند.

- جامعه‌شناسان اولیه چون کنت سعی داشتند جامعه‌شناسی را به‌عنوان علم انسانیت بنا کنند که به نوعی مبتنی بر فلسفه تاریخ و تئوری‌های فیلسوفانه بود و بعضی از این جامعه‌شناسان، به‌شدت متأثر از علوم دقیق، به‌ویژه تئوری تکاملی بودند.

- وبر بسیار سعی داشت تا جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی را علم تجربی سازد، برای او فلسفه همانند متافیزیک و فلسفه تاریخ علم نبود.

- وبر آگاه از تفاوت بزرگی بود که در خلق برنامه مفهوم‌سازی در علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی وجود دارد. واقعیت تاریخی - اجتماعی تفاوت‌های عمده‌ای برای درک مفهومی و علمی فراهم می‌کند، چراکه این مقوله‌بندی، پیچیده و به اتفاقات انسانی مرتبط است و همچنین کنترل رفتار انسانی سخت است و منوط به درک معانی کنش است. همواره دانشمندان اجتماعی با مشکلاتی در عینیت بخشیدن در مطالعاتشان از موضوعاتی انسانی دارند.

- وبر بر عینیت در علوم اجتماعی تأکید داشت، او معتقد بود که علوم اجتماعی باید شیوه‌های خاصی را برای مطالعه واقعیت اجتماعی - تاریخی

گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳۰۹

فراهم کند و بر همین اساس شکل جدیدی از مفهوم را ابداع می‌کند که آن را تیپ ایده‌آل می‌نامد.<sup>۱</sup>

دو مثال از تیپ ایده‌آل وبر عبارتند از:

الف) کاپیتالیسم (خصیصه‌های سیستم کاپیتالیست با توجه به

شکل‌بندی تیپ ایده‌آل):

۱- تسخیر کالاهای تولید؛

۲- بازار آزاد؛

۳- تکنیک عقلانی تولید؛

۴- قانون وابسته و عقلانی؛

۵- کار آزاد؛

۶- پولی شدن تجارت؛

۷- جدایی تجارت از خانه؛

۸- سیستم‌های حسابداری؛

۹- کار به‌خاطر کار؛

۱۰- زهدگرایی این جهانی؛

۱۱- روابط غیر شخصی؛

۱۲- فردگرایی؛

۱۳- نگرش‌های مبتنی بر روش و نظام‌مند.

ب) ساختار بروکراسی (وجهه‌ای از ساختار بروکراسی عقلانی):

۱- سازمان روزمره مرز کارکردهای اداری به وسیله قوانین؛

۲- فضای خاص قابل رقابت؛

---

1. <http://ualr.edu/jdrobson/idealtypes.htm>

- ۳- سازمان ادارات از اصول سلسله مراتبی پیروی می‌کند؛
- ۴- قواعدی که شرایط یک اداره را تنظیم می‌کند، مبتنی بر هنجارها و قواعد تکنیکی است؛
- ۵- اعضای اجرایی باید کاملاً از خودشان در روند تولید یا اجرا متمایز باشند؛
- ۶- عدم حضور کامل تسخیر موقعیت اداری به‌وسیله مقام مسئول؛
- ۷- تقسیمات و قواعد در نوشته‌ها صورت‌بندی و ثبت شده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۷- چگونه ایده آل تایپ ساخته می‌شود؟

وبر بسیار به کاپیتالیسم مدرن علاقه‌مند بود. وی هم‌عقیده با مارکس بود که نیروی تعیین‌کننده در شکل دادن مدنیت غربی، کاپیتالیسم است. برخلاف بررسی انتزاعی، قوانین غربی برای توضیح دادن کاپیتالیسم، وبر این پدیده را در فرهنگ و رویکردهای تاریخی مختلف مطالعه کرد. او کشف کرد که کاپیتالیسم صنعتی وقتی فاکتورهای عقلانی اصلی در این اقتصاد در جامعه ظاهر می‌شوند، بهترین کارکرد را دارد. او این ابزارها و فاکتورها را در یک کلیت به‌عنوان تیپ ایده‌آل جمع کرد و مدلی را ارائه داد که قابل سنجش و یا تفسیر بوده و یا تصویری از طبیعت کاپیتالیسم در زمان و مکان در جایی که واقعیت شناخته می‌شود، باشد. این مدل یا تیپ خصوصیت‌هایی دارد که عبارتند از:

- ۱- ابزارهای این تیپ از واقعیت، تصویری را ارائه می‌دهند که در تاریخ و یا جامعه قابل مشاهده است و ۴ پروسه دارد:

---

1. Ibid.

الف) متفاوت: این پروسه برآمده از آگاهی باقیمانده‌هایی است که از تجربه عمومی غیر متفاوت ناشی می‌شود.

ب) منسجم: این پروسه اجزای تجربیات را به‌طور نظام‌مند جمع می‌کند که متفاوت از همدیگر هستند و می‌توان به هر چیز دیگری به شیوه‌های گوناگون آن را مرتبط کرد.

ج) انتزاعی: این پروسه به وسیله مقوله‌بندی و عینیت‌های خاص و شناخته شده به‌عنوان وجه‌های کیفی موفقیت متفاوت بسیار متمایز می‌شود.

د) عمومی‌سازی: این پروسه شامل تعداد زیادی از تجربیات است که معانی مهم را در بر می‌گیرد. بنابراین به وسیله تجربه اضافی تغییر نمی‌کند.

۲- خصیصه‌ها حول یک کل منطقی جمع می‌شوند، بنابراین مقوله‌ها، از یک عینیت یا کنش ترکیب با سایرین ترکیب شده است.<sup>۱</sup>

## ۸- تیپ ایده‌آل زنانگی و مردانگی

تیپ ایده‌آل زنانگی و مردانگی با توجه به جوامع مختلف و هنجارهای جنسیتی مرسوم متفاوت است. بنابراین اگرچه نمی‌توان تیپ ایده‌آلی برای تمام زنان و مردان ارائه کرد، اما در کلیت می‌توان تیپ ایده‌آلی از صفات مشترک ارائه کرد.

باید توجه داشت، ویژگی‌های متفاوتی که در هر جامعه بر اساس جنسیت از افراد انتظار می‌رود دارای آن باشند، محصولی از فرایند

---

1. Ibid.

اجتماعی شدن جنسی است که بر اساس آن «مردان برای مردانگی و زنان برای زنانگی، مطابق با تعریف‌های موجود در هر جامعه، اجتماعی می‌شوند» (Scanzoni, 1988: 3).

با القای این نظر که زنان و مردان متفاوتند، کوشش می‌شود تا با تعیین ویژگی‌های به اصطلاح زنانه و مردانه، حوزه‌های متفاوتی برای آنها رقم زده شود. بحث ویژگی‌های زنانه و مردانه مسلماً غیرقابل تفکیک از پدیده جنسیت، تبعیض جنسی و کلیشه‌های جنسیتی است.

همان‌گونه که خمسه در تحقیق خود در خصوص طرحواره‌های نقش جنسیتی مطرح می‌کند، مسئله ویژگی‌های زنانه و مردانه مطلق به دکتترین دو قلمرو است که بر اساس آن، این باور شکل می‌گیرد که علائق زنان و مردان متفاوت است و زنان و مردان حیطه‌های جداگانه اثربخشی دارند. «برای زنان حیطه‌های اثربخشی، خانه و فرزندان است در حالی که دنیای مردان کار و جهان بیرون از خانه است. این دو حیطه کاملاً متفاوت هستند و همپوشانی ندارند و دو سوی متفاوت یک بعد را تشکیل می‌دهند. این مفهوم‌سازی دوقطبی، پایه و اساس دیدگاه‌های اجتماعی جنسیت و پایه و اساس فرمول‌بندی روان‌شناسی سنجش مردانگی و زنانگی را تشکیل می‌دهد» (خمسه، ۱۳۸۳: ۷).

بی‌گمان تعریف و تصویری که از مردانگی و به‌ویژه زنانگی وجود دارد، نزد همه تطبیق کاملی ندارد، اما مسلماً نزدیک‌های زیادی وجود دارد. ویژگی‌هایی که عمدتاً مردانه محسوب می‌شوند عبارتند از: قوی، محکم، فراهم‌کننده امکانات مالی، پیش قدم در برقراری رابطه با غیر همجنس، مستقل، نیرومند، جاه‌طلب، پرخاشگر، شجاع، منطقی، موفق، غیر احساساتی، فعال، ماجراجو، صریح، اندیشمند، قدرتمند، تأثیرگذار،



### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳۱۳

عامل در وقوع رویدادها و... (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۲: ۱۵، ۱۶، ۲۷، ۲۹) و (Scanzoni, 1988: 17).

ویژگی‌هایی که عمدتاً زنانه محسوب می‌شوند عبارتند از: وابسته، عاطفی، مهربان، محافظه‌کار، خلاق، دلسوز، صمیمی، نگران کنش و واکنش‌های اجتماعی، لطیف، ظریف، آشپز، علاقه‌مند به رسیدگی و مراقبت از دیگران، منفعل، تحریک‌پذیر، فقدان علایق انتزاعی، زیردست نجیب، ناتوان، صبور، مکار، ناقص‌العقل، بی‌قدرت، وابسته اقتصادی، عادت ماهیانه و... (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۲: ۱۵، ۱۶، ۲۷، ۲۹؛ مهاجر، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۲؛ نجم‌عراقی، ۱۳۸۱: ۸۳؛ بلوتی، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

در کشورهای مختلف تیپ ایده‌آل زنانگی و مردانگی متفاوت است چنانکه آمریکایی‌ها عموماً معتقدند مردان و زنان ویژگی‌های زیر را دارند: ویژگی‌های مردانه‌ای که از لحاظ اجتماعی مطلوب هستند:

- بسیار پرخاشگر؛
- بسیار مستقل؛
- به هیچ وجه عاطفی نبودن؛
- تحت تأثیر قرار نگرفتن؛
- بسیار سلطه‌جو؛
- بسیار علاقه‌مند به ریاضی و علوم؛
- در مواجهه با یک بحران کوچک به هیچ وجه هیجان‌زده نشدن؛
- بسیار فعال؛
- بسیار رقابت‌جو؛
- بسیار ماهر در تجارت؛
- دارای دانش راه و رسم جهانی؛

#### ۳۱۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

- بسیار ماجراجو؛
  - توانایی تصمیم‌گیری سریع؛
  - تقریباً همیشه مثل یک رهبر عمل کردن؛
  - بسیار با اعتماد به نفس؛
  - به هیچ وجه از پرخاشگری ناراحت نشدن؛
  - بسیار جاه‌طلب.
- ویژگی‌های زنانه‌ای که از لحاظ اجتماعی مطلوب هستند:
- بسیار ظریف؛
  - بسیار ملایم؛
  - از احساسات دیگران بسیار آگاه بودن؛
  - بسیار مذهبی؛
  - در عادات بسیار آراسته و منظم؛
  - نیاز بسیار شدید به امنیت؛
  - از هنر و ادبیات بسیار لذت بردن؛
  - بیان راحت احساسات مهرانگیز (خمسه، ۱۳۸۶).

در فرانسه چهار صفت مردانه مهم، مردان و پسران را مشخص می‌کند: استقلال، کامیابی، شایستگی و دوستی. در مقابل صفات زنان در بیشتر موارد منفی یا دست کم مبهم است: پسرها دنیا را زیر پا می‌گذارند و آگاهی می‌اندوزند، دختر بچه‌ها در خانه می‌مانند و نقش آینده خود را در قالب زنان خانه‌دار و فرمانبر یاد می‌گیرند.

در تحقیقات خانم روشلاو - سپاتله نیز نقش‌های زنان و ویژگی‌های زنانه در فرانسه ذکر شده است. بر این اساس «انتظارهای شوهران در برابر زنان روی هم‌رفته قرینه انتظارهای زنان در برابر شوهران است، در واقع

زن و شوهر تقریباً هر دو یک نظر دارند، با این همه نظر آنان درباره نقش زن کاملاً یکسان نیست: مردان فرانسوی مایلند علاوه بر هوش، دارای تسلط و استقلال باشند. آنان در وجود زن خواستار همین کیفیات هوشی هستند. اما مهربانی، بلندنظری و دیگر کیفیات عاطفی را در وجود زن بر صفات قبلی مقدم می‌دانند. زنان فرانسوی نیز مردانی را می‌خواهند دارای شخصیت قوی، هوش سرشار و درمورد صفات خودشان بیشتر از آنچه به امکانات عاطفی می‌اندیشند درصدد کسب استقلال، اثبات اراده و روح مدیریت هستند» (مندراس و گورویچ، ۱۳۶۹: ۱۴۴).

تحقیقات همچنین نشان می‌دهد این مسئله در آلمان نیز مطرح است. مندراس اشاره می‌کند «در آلمان تصویر آرمانی زن و مرد در عاطفه نمودار می‌شود. با وجود این، این تصویر با کیفیات هوشی نیز همراه است که در همه جا - مگر در تصویر آرمانی زن از نظر خودش - می‌توان دید. در واقع زن آلمانی به نظر می‌رسد که بیشتر به صداقت و شرافت علاقه‌مند است تا به هوش. در بین آلمانی‌ها افراد هر دو جنس در مورد تصویر مرد کامل با هم توافق دارند، اما در تصویر زن کامل، انتظارهایشان کاملاً یکسان نیست» (همان).

## ۹- تیپ ایده‌آل مردانگی و زنانگی و قومیت

جنسیت و قومیت در کنش متقابل هستند؛ بر این اساس مردانگی و زنانگی مطلوب ممکن است از نظر گروه‌های مختلف، متفاوت باشد. چنانکه کلیشه‌های مربوط به مردانگی و زنانگی در گروه‌های مختلف در آمریکا به شرح زیر است:

آمریکایی - انگلیسی تبار

مرد	زن
باهوش	جذاب
خودخواه	باهوش
طبقه بالا	خودخواه
خوش‌برخورد/ دوستانه	خوش‌برخورد/ دوستانه
نژاد پرست	موی طلایی/ روشن
پیشرفت‌گرا	اجتماعی

آمریکایی - آفریقایی تبار

مرد	زن
نیرومند	نیرومند
خصمانه	خصمانه
پوست تیره	پوست تیره
ظاهر عضلانی	خوش‌برخورد/ دوستانه
فعالیت‌های غیر اخلاقی	اجتماعی
صحبت کردن با صدای بلند	صحبت کردن با صدای بلند
	بی‌نزاکت (گستاخ)

آمریکایی - آسیایی تبار

مرد	زن
باهوش	باهوش
کوتاه	کوتاه
پیشرفت‌گرا	صحبت کردن با صدای آهسته
صحبت کردن با صدای آهسته	خوش‌برخورد/ دوستانه
سخت‌کوش	

### آمریکایی - مکزیکی تبار

مرد	زن
طبقه پایین	موی سیاه/ قهوه‌ای تیره
خصمانه	طبقه پایین
پوست تیره	پوست تیره
سختکوش	خوش‌برخورد/ دوستانه
تحصیلات غیر دانشگاهی	جذاب
خوش‌برخورد/ دوستانه	چاق
موی سیاه/ قهوه‌ای تیره	بچه‌زا
جاه‌طلب	خانواده‌گرا

### ۱۰- اندازه‌گیری زنانگی و مردانگی

ساندرا بم، روان‌شناس (۱۹۷۴)، آزمونی تهیه کرد که دو جنسیتی بودن را اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون شامل ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی است. از پاسخ دهندگان درخواست می‌شود برای هر مورد نشان بدهند که در مقیاسی از ۱ (هرگز یا تقریباً درست نیست) تا ۷ (همیشه یا تقریباً همیشه درست است) آن صفت تا چه حد می‌تواند آنها را توصیف کند. از ۶۰ صفت موجود، ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای زنانه، ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای مردانه و ۲۰ صفت نیز خنثی است، یعنی وابسته به جنس نیست (خمسه، ۱۳۸۴: ۱۴۵). این صفات تیپ ایده‌آل زنانگی و مردانگی را نشان می‌دهد. بر این اساس صفتهای کلیشه‌ای زنانه و مردانه به شرح زیر است:

صفت‌های کلیشه‌ای

مردانه	زنانه	ردیف
متکی به نفس	تسلیم‌پذیر	۱
مدافع باورهای خود	بشاش	۲
مستقل	خجالتی	۳
ورزشکار	بامحبت	۴
قاطع	تملق‌پذیر	۵
قوی	وفادار	۶
سمج	زنانه	۷
تحلیلگر	همدرد	۸
توانایی‌های رهبری	حساس به نیازهای دیگران	۹
مایل به ریسک کردن	درک دیگران	۱۰
به‌راحتی تصمیم گرفتن	دلسوز	۱۱
خودکفا	مشتاق به تسکین احساسات دیگران	۱۲
سلطه‌گر	متین	۱۳
سرحرف خود ایستادن	ملایم	۱۴
پرخاشگر	زودباور	۱۵
مردانه	صحبت با صدای ملایم	۱۶
عمل کردن مانند یک رهبر	کودکانه	۱۷
فردگرا	عدم به‌کارگیری سخنان خشن	۱۸
رقابت‌جو	بچه‌دوست	۱۹
بلندپرواز	نجیب	۲۰

آنچه مشخص است، اینکه ممکن است در دنیای واقعی زن و یا مردی با صفات آرمانی فوق وجود نداشته باشد؛ بلکه از آن می‌توان به‌عنوان ابزاری برای بررسی مردانگی و زنانگی استفاده کرد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. ابوالحسن تنهایی، حسین، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد: نشر مردیز، ۱۳۷۴.
۲. بلوتی، النا جانینی، اگر فرزند دختر دارید (جامعه‌شناسی و روان‌شناسی شکل‌گیری شخصیت در دخترها)، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۳. خمسه، اکرم، «مطالعه و بررسی مقدماتی طرحواره‌های نقش جنسیتی به‌منظور هنجاریابی مقدمات پرسشنامه نقش جنسیتی بم و مقدمه تدوین پرسشنامه نقش جنسیتی بر اساس فرهنگ ایران»، پژوهشکده زنان، دانشکده الزهرا، ۱۳۸۳.
۴. ساروخانی، باقر، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶.
۵. سرایی، حسن، جزوه درس روش تحقیق در دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۶.
۶. سرمد، زهره، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: آگه، ۱۳۷۶.
۷. شبیلی‌هاید، جانت، روان‌شناسی زنان، سهم زنان در تجربه بشری، ترجمه اکرم خمسه، تهران: آگه، ۱۳۸۴.
۸. شیخاوندی، داور، جامعه‌شناسی تجدد ماکس وبر، تهران: قطره، ۱۳۸۳.
۹. فروند، ژوینینی، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نیکان، ۱۳۶۲.
۱۰. گولومبوک، سوزان و رایین فی‌وش، رشد جنسیت، مترجم: مهرناز شهرآرای، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.
۱۱. مندراس، هانری و ژرژ گورویچ، مبانی جامعه‌شناسی (همراه با تاریخ مختصر جامعه‌شناسی)، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹.

## ۳۲۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

۱۲. مهاجر، فیروزه، «رهایی از نقش‌های سنتی»، فصل زنان، ۱۳۸۱، صص ۱۳۶-۱۲۰.
۱۳. نجم‌عراقی، منیژه، «شخصیت زن، از پندار تا واقعیت»، مجله نگاه زنان، ۱۳۸۱، صص ۸۹-۸۳.
۱۴. نوابخش، مهرداد، مبانی نظریه در جامعه‌شناسی، تهران: پردیس دانش، ۱۳۸۶.

## ب) منابع لاتین

1. <http://ualr.edu/jdrobson/idealtypes.htm>
2. Scanzoni, Lethadawson, Men, Woman and Change: A Sociology of Marriage and family, New York: Mc Graw . Hill, 1988.



## تاریخ شفاهی؛ روش و یا ابزار تحقیق کیفی

دکتر مریم یارمحمد توسکی\*

### مقدمه

این مطالعه درآمدی بر تاریخ شفاهی به‌عنوان روش و یا ابزاری در تحقیقات کیفی است. هدف اصلی از این مطالعه با توجه به امتیازات و کارکردهای خاصی که این روش دارد، جلب توجه و گرایش محققان کیفی به کاربرد این روش در جوامعی است که اطلاعات ثبت شده مکتوب از پدیده‌ها و وقایع اجتماعی، انعکاسی ناکامل از حقایق تاریخی است. در این راستا تلاش شده است مفهوم تاریخ شفاهی با جایگاه آن در مطالعات کیفی، چگونگی شکل‌گیری تاریخ شفاهی در روند تکامل خود، از سنت‌گرایی تا رویکرد پسامدرن، تکنیک اصلی و مراحل اقدام به عمل آن و بالاخره امتیازات و نقد این روش مورد مطالعه قرار گیرد. در برخی متون، تاریخ شفاهی معادل تاریخ زنده<sup>۱</sup> (Giles, 2006) و یا

---

\* عضو هیئت علمی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.

1. Alive history

تاریخ کلامی<sup>۱</sup> (باقی، ۱۳۷۳) آورده شده است. اما در تعریف و کاربرد، همگی با یک مضمون به کار گرفته شده‌اند. تاریخ شفاهی توسط بسیاری از محققان اجتماعی در رشته‌های مختلف به کار گرفته شده است. به‌طور مشخص، عرصه‌هایی همچون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، ادبیات، تجارت، بهداشت روانی، آموزش پزشکی و غیره را شامل می‌شود. میزان قابل توجهی از تاریخ‌های شفاهی، داستان‌هایی از رانده‌شدگان<sup>۲</sup> یا افراد حاشیه‌ای<sup>۳</sup> هستند که داشته‌های زنده و حضوری خود را در باب مسائلی چون نژادپرستی، تبعیض‌های جنسی، نابرابری‌های طبقه اجتماعی، نسل‌کشی‌ها، اختلاس‌ها، فساد اداری در باندهای زیرزمینی و غیره پرداخته‌اند.

«راینهارتز»<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) به‌صورتی فصیح تاریخ شفاهی فمینیست‌ها را با هدف کسب اطلاعات جدید و دقیق با جمع‌آوری تجربیات و داده‌های معتبر ارائه داده است، در این مطالعه صداهای زنان از طریق ضبط تاریخی، به‌عنوان اسناد عدالت اجتماعی دوباره‌سازی شده است. او همچنین در جهت غنی کردن این مطالعه، از حوزه‌های شناختی همچون انسان‌شناسی و روش‌شناسی به‌طور خاص اقدام پژوهی<sup>۵</sup> بهره برده است» (Janesiek, 2007).

تاریخ شفاهی همچنین در هنر نیز در قالب هنر داستان‌گویی<sup>۶</sup> در

- 
1. Verbal history
  2. Outsiders
  3. Peripheral members
  4. Reinharz
  5. Action research
  6. Story telling

تفسیر فعال ارتباطی به کار می‌آید. از منظر پسامدرنیست‌ها نیز تاریخ شفاهی در قالب مصاحبه‌های عمیق برای رسیدن به داده‌های ماهوی مورد توجه جدی قرار گرفته است.

بدین ترتیب با توجه به کاربرد تاریخ شفاهی در مجموعه روش‌های کیفی که قادر است داده‌های واقعی‌تری را در مطالعات پدیده‌های اجتماعی به دست دهد، در این نوشتار سعی شده است، حوزه‌های معنوی، تاریخچه‌ای، روشی و زمینه‌های کاربردی این روش را با استفاده از متون تخصصی مورد مطالعه قرار دهد.

### ۱- مفهوم تاریخ شفاهی

گریم هیچکاک تاریخ شفاهی را در سال ۱۹۹۵ این‌گونه تعریف کرده است: تاریخ شفاهی پژوهشی گذشته‌نگر است که به‌وسیله اظهارات افراد خاص از طریق جمع‌آوری مجدد خاطرات، داستان‌های زندگی، تجارب، نگرش‌ها و ارزش‌های آنها در باب پدیده‌ای خاص به مدد پژوهشگران می‌آید.

تحلیل‌های تاریخ شفاهی تا حد زیادی ریشه در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد. این روش انعطاف بیشتری نسبت به دیگر روش‌ها دارد و با رویکردی متفاوت از رویکرد اثباتی<sup>۱</sup> در جهت درک واقعی پدیده‌ها است. بدین ترتیب، انتظار می‌رود تاریخ شفاهی در پارادایم انتقادی<sup>۲</sup> و در حوزه‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فمینیسم به‌خوبی به کار رود.

---

1. Positivism approach  
2. Critical paradigm

به گفته کارل مارکس، مردان تاریخ را می‌سازند اما نه تحت شرایطی که خود انتخاب می‌کنند. بنابراین برای شناخت شرایط زمینه‌ساز پدیده‌ها و وقایع اجتماعی، نیاز به بازسازی<sup>۱</sup> و شناخت مجدد<sup>۲</sup> گذشته در حال حاضر از طریق منابع دست اول است.

اعمال گذشته به‌عنوان عوامل ساختی و مهیاگر زمینه‌ساز در بروز واقعیات، در زمان حال هستند. تاریخ شفاهی قادر است به‌صورت غیر رسمی، به بسط و گسترش مباحث رسمی بپردازد. یونگ (۱۹۷۱) چگونگی نظم سلسله مراتبی جامعه را از طریق انعکاس ارزش‌های شناختی نشان می‌دهد.

به عقیده واگن، مورخان و تحلیل‌گران نیاز دارند تا حافظه را به‌عنوان ابزار اکتشافی و بخشی از سازوکار جهان توسط افراد گذشته به‌کار گیرند (Vaughen, 2001).

ماهیت پیچیده دانش، ساخت تاریخی - اجتماعی و انعکاس و القای وقایع مکتوب، انگیزه‌هایی برای به‌کارگیری تاریخ شفاهی است. فوکو یک تحلیل جامعه‌شناختی خوب را منوط به تلاش برای شنیدن صدای دیگران در حاشیه می‌داند. طبق تعریف گوردون مارشال: «تاریخ شفاهی رویکردی است که تاریخ را بر اساس مجموعه‌ای بزرگ از مصاحبه‌ها با افراد قدیمی می‌نگارد. این روش گذشته‌نگر<sup>۳</sup> است و داده‌ها را به شکل وقایع، نگرش‌ها و فعالیت‌های دوران کودکی، بلوغ و بزرگسالی در یک دوره انتقالی از طریق مصاحبه با روش جامعه‌شناسی - تاریخی و یا در

- 
1. Reconstruction
  2. Recognition
  3. Retrospective

قالب تاریخچه ای- زندگی نامه‌ای ارائه می‌دهد» (Gordon, 1998). استفان هومفری بین سال‌های ۱۹۳۹-۱۸۸۹، مطالعه‌ای گسترده به شکل تاریخ شفاهی درباره دوران کودکی و جوانی شورشیان و یا اوباشان خیابانی انجام داد. او متوجه شد، رفتار این افراد وقایعی ساده بوده و محصول تغییرات اجتماعی اخیر جوامع معاصر نیست. تا مارا گیلز معتقد است، تاریخ شفاهی می‌تواند ابعدی از موضوع مورد مطالعه را نشان دهد که از طریق روش‌های تحقیقاتی دیگر، از جمله بایگانی<sup>۱</sup> و یا فنون و منابع آماری به دست نیامده باشد. در بسیاری از موارد که اسناد مربوط به یک واقعیت سست و یا مشکوک است، می‌تواند منجر به روشنگری‌ها و حصول اطلاعات پنهان مانده ذی‌قیمتی برای دانشمندان شود، این طریق، شکل مفیدی از طرح شفاف اشکال زندگی در گذشته، تضادها، اقتدار سیاسی، ادراکات فردی و فعالیت‌های اجتماعی است. به طور مثال، تاریخ شفاهی به عنوان یک منبع و روش در مطالعات توسعه‌ای آفریقا مورد استفاده قرار گرفته است. تاریخ شفاهی به عنوان قدرتمندترین ابزار در فهم موضوعاتی از اجتماع، سیاست، اقتصاد، روشنفکری و تغییرات فرهنگی استفاده می‌شود.

## ۲- تاریخ شفاهی به عنوان روش و یا ابزاری قوی در مطالعات کیفی

در اوایل قرن گذشته، تاریخ شفاهی بر مصاحبه با برگزیدگانی چون ژنرال‌ها، هنرپیشگان معروف، دانشمندان، رهبران ملی و یا هر کسی که به دلیلی برجسته بود، تأکید داشت، در حالی که در همان زمان، افراد

---

1. Archival

بومی به‌عنوان یک حافظه قوی برای یک شهر، روستا یا کشور اطلاعاتشان مستور باقی می‌ماند. امروزه تاریخ شفاهی به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، باورها و عقاید کلیه افرادی که در رابطه با یک واقعه یا پدیده اجتماعی، نسل حاضر و شاهد بوده‌اند، اطلاق می‌شود.

«تاریخ شفاهی می‌تواند بر مجموعه بزرگی از مخاطبان متمرکز شود. تاریخ شفاهی را می‌توان به‌صورت پیوستار زیر نشان داد:

×—————×—————×  
شهروندان مشارکت‌جو ترکیبی از مشارکت‌جویان نخبگان مشارکت‌جو  
(برخی نخبگان و افراد معمولی)

بدین ترتیب تاریخ شفاهی مشارکت‌کنندگان از یک سو، حضور و مشارکت نخبگان و از سوی دیگر با شهروندان عادی میسر می‌شود. فنون تخصصی تاریخ شفاهی همان فنونی است که محققان روش‌های کیفی به‌کار می‌گیرند که با تأکید بر استفاده از زبان معمولی برای انعکاس واضح داستان بر پایه یک تحقیق کیفی است. به عبارت دیگر، این روش همچون ابزاری معتبر و با ارزش برای محقق کیفی است که شاهد انتقال تجربیات مختلف از یک رویکرد سنتی به یک رویکرد بازسازی شده از مفاهیم هستیم که امروزه آن را پسامدرن می‌نامیم» (Janesiek, 2007).

تاریخ شفاهی مطالعه‌ای عمیق و کیفی است. تکنیک اصلی تاریخ شفاهی مصاحبه از نوع نیمه ساخت‌یافته، بر پایه نمونه‌گیری نظری<sup>۱</sup> (غیر تصادفی) صورت می‌گیرد. تاریخ شفاهی، تاریخ زنده و معاصر از بعد

---

#### 1. Theoretical sampling

جامعه‌شناختی است و شرط آن انجام مصاحبه‌های متعدد و نه موردی<sup>۱</sup> از افراد در معرض واقعه است (سرایبی، ۱۳۸۷).

### ۲- ویژگی‌های مشترک روش‌های کیفی و تاریخ شفاهی

۱- تکنیک‌های به‌کار گرفته شده، همچون مصاحبه عمیق، مشاهده و اسناد، در تبیین یک واقعه در هر روش یکسان است. به‌کارگیری این فنون در تاریخ شفاهی بستگی به هدف مطالعاتی، نظریه راهنمای مطالعه و نقش محقق دارد.

۲- هدف اصلی در تاریخ شفاهی، بیان داستان واقعی مشارکت‌جویان در یک رویداد از طرق اتفاقاتی است که با آنها تجربه زیستی داشتند. بنابراین روش تاریخ شفاهی باید مبتنی بر درک و فهم و آموزش روش میدانی<sup>۲</sup> باشد.

۳- به‌کارگیری زبان معمولی برای داستان در تاریخ شفاهی و برقراری رابطه توأم با درک و همدلی<sup>۳</sup> همچون روش‌های کیفی حاکم است.

۴- در تاریخ شفاهی معمولاً تفسیر و یا تبیینی غالب در تحلیل مصاحبه‌ها حاکم نیست و واقعه با رویکرد و دیدگاه‌های مختلف از جمله مشارکت‌جویان به حاشیه رانده شده تحلیل می‌شود. به عبارتی دیگر رویکردی اثباتی و مبتنی بر الگوهای ثابت و از قبل تعیین شده در این روش جاری نیست و همچون روش‌های کیفی این انعطاف حاکم است.

۵- تاریخ شفاهی همچون دیگر روش‌های کیفی، متوجه به درون

---

1. Case study  
2. Field research  
3. Empathy

است، بنابراین مشارکت‌جویان در توصیف و تبیین خاطرات میل مفرط و قدرتمندی به حفظ و نگهداری خاطره در «خود»<sup>۱</sup> دارند. بنابراین به زعم سرایی (۱۳۸۷)، اهلیت محقق در این روش‌ها و هنرمندی او در حفظ اخلاق علمی و به‌کارگیری فنون به شکلی مطلوب در تحصیل اطلاعات واقعی‌تر تعیین‌کننده است.

#### ۴- روند تکاملی تاریخ شفاهی

جین‌سیک روند تکاملی به‌کارگیری تاریخ شفاهی را در سه دوره تقسیم‌بندی کرده است (Janesick, 2007):

##### ۴-۱- دوره تاریخ شفاهی با شیوه سنت‌گرایان<sup>۲</sup>

در این دوره محققان تنها بر ضبط مصاحبه از طریق نوار تأکید دارند. آنها مصاحبه را طی زمانی طولانی برای هر مشارکت‌جو انجام می‌دادند. غالباً مصاحبه‌ها خالی از تفسیر و تمرکز آنها تنها بر مشارکت‌جویان نخبه بوده است. در این نوع از تاریخ شفاهی، بازسازی مفاهیم صورت نمی‌گرفته است، به عبارت دیگر، نوعی مصاحبه با رویکرد اثباتی بوده است. این دوره با داستان‌گویی‌ها در قالب مطالعات رسمی در قرون گذشته از دانشگاه کلمبیا شروع شد.

##### ۴-۲- دوره تکاملی تاریخ شفاهی با رویکرد مفهوم‌سازی مجدد<sup>۳</sup>

در این رویکرد، محققان تاریخ شفاهی از فنون متعددی در یک

- 
1. Self
  2. Traditionalists oral history
  3. Re-conceptualization



مصاحبه همچون ضبط ویدئویی - دیجیتالی، تنظیم صورت جلسه‌های کتبی مشارکت‌جویان و تعداد مصاحبه‌های بیش از یک مورد با مشارکت‌جویان استفاده کردند. به این ترتیب، با تنظیم مصاحبه‌های عمیق و کیفی در یک تاریخ شفاهی، محققان با تفاسیر مقایسه‌ای و تحلیل‌های تطبیقی، مطالعه خود را انجام دادند. به‌طور مثال، تفسیر مقایسه‌ای بالاترین فرد درجه‌دار ارتش با پایین‌ترین فرد نظامی از نظر سلسله مراتب در یک مقوله مورد مطالعه در تاریخ شفاهی است. مشخصاً به‌کارگیری چهارچوب نظری در تحلیل مصاحبه‌های تاریخ شفاهی وجه ممیزه این دوره با دوره سنت‌گرایان است. مفهوم‌سازی مجدد با تأکید بر اینکه مفاهیم باید در زمینه فرهنگی-اجتماعی موضوع تحلیل و مطالعه شوند. در این حالت ممکن است تاریخ شفاهی حاصل از این رویکرد توأم با عدالت باشد و یا منجر به نگرشی غیر عدالت‌جویانه شود.

### ۳-۴- دوره تاریخ شفاهی با رویکرد پست‌مدرنیست‌ها<sup>۱</sup>

این دسته در تاریخ شفاهی از همه راه‌های موجود، ممکن و قابل دسترس در مصاحبه‌های متعدد استفاده می‌کنند. پست‌مدرن‌ها، تاریخ شفاهی را راهی برای تبارشناسی و دیرینه‌شناسی تاریخ می‌دانند و هدفشان اصلاح تاریخ از طریق صداهای جاری و زنده در هر جامعه است. بنابراین مفهوم‌سازی مجدد قطعاً در مطالعه این دسته وجود دارد. پست‌مدرن‌ها در تاریخ شفاهی قبل از هرگونه تفسیر و تحلیل از تاریخ شفاهی با تلاش همه نقطه نظرات متضاد، موافق، همگرا و متقابل را در

---

1. Postmodernists

۳۳۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهند. از ویژگی‌های مشخص این رویکرد، توجه به زمینه فرهنگی-اجتماعی واقعه، نگاه موشکافانه و متوجه به درون (درون‌گرا)<sup>۱</sup>، توجه خاص به گروه‌های حاشیه‌ای و رانده شده و تلقی مشارکت‌جو به‌عنوان همکار تحقیق<sup>۲</sup> است.

چین‌سیک رویکرد پست‌مدرن‌ها را در به‌کارگیری تاریخ شفاهی به‌عنوان یک پروژه توأم با عدالت اجتماعی می‌داند. مراحل تاریخ شفاهی از رویکرد پست‌مدرنیسم شامل مراحل زیر است:

ضبط داده‌ها از طرق مختلف شنیداری - تصویری - دیجیتالی و یادداشت‌برداری.

تحلیل و تفسیر داده‌ها بر اساس منابع جمع‌آوری اطلاعات. تقسیم نقش تفسیرگر داده‌ها بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده و شکل‌گیری مفاهیم جدید و بازسازی مفاهیم. ارائه تحلیل تاریخ شفاهی توافقی حاصل مشارکت تعاملی (ارائه تاریخ شفاهی حاصل رویکردها و نظریات مختلف و ساخته شده در فرایند تحقیق).

## ۵- تکنیک مصاحبه در تاریخ شفاهی

مصاحبه هم‌مانند روش‌های کیفی، به‌صورت عمیق - مشارکتی و بر پایه همدلی است. توجه به نکات زیر در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی مهم است:

مهارت‌های شنیدن فعال برای مصاحبه‌گر تاریخ شفاهی بسیار اساسی

- 
1. Introspection
  2. Co-researcher

است.

کسب مهارت‌های ارتباط در مصاحبه و مشارکت‌جو از فنون ضروری است که مصاحبه‌گر تاریخ شفاهی باید بر آن مسلط باشد.

فهم - درک و ایجاد رابطه توأم با همدلی ضروری است. مصاحبه، نمایش دانش و دایره لغات مصاحبه‌گر و مفتون‌سازی مصاحبه‌شونده نیست.

اجازه رفت و برگشت اطلاعات، مفهوم‌سازی، کشف، خلاقیت و دوباره‌سازی تئوری - روشی، لازمه ذهنیت مصاحبه‌گر و محقق تاریخ شفاهی است.

انعطاف‌پذیری، عمل و جلوگیری از القای نظرات مصاحبه‌گران ضروری است.

مصاحبه‌ها در تاریخ شفاهی متعدد و با مشارکت جوان متنوع و متعدد صورت می‌پذیرد.

در هر مصاحبه با مشارکت‌جو، درج تاریخ، مکان، طول زمان مصاحبه، مصاحبه‌شونده و برخی ویژگی‌های خاص زمانی - مکانی ضروری است. استفاده از فرصت‌های رسمی یا غیر رسمی برای مصاحبه با توجه به هنر و اهلیت محقق تحقق می‌پذیرد.

## ۶- تاریخ شفاهی همچون یک پروژه عدالت اجتماعی<sup>۱</sup>

نقل هر داستانی توسط افراد از گذشته همچون یک «صدا»<sup>۲</sup> تلقی می‌شود. صدایی که نه تنها چیزی غیر از جریان‌های جاری را به ما می‌آموزد، بلکه شرایط اجتماعی مربوط را فراتر از آنچه به نظر می‌رسد و

---

1. Social Justice  
2. Voice

یا وانمود شده است، نشان می‌دهد.

از طریق یادگیری زندگی‌ها، راه‌های داشتن، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و رفتار افرادی که در حاشیه جامعه زندگی می‌کنند، اطلاعات مهم و درست نسبت به اجتماع و زیست انسانی به‌عنوان یک کل حاصل می‌شود. در واقع با تاریخ شفاهی نسبت به عدالت اجتماعی برای دیگرانی که طرد شده‌اند آگاهی بیشتری به دست می‌آوریم. از این طریق، خارج و فراتر از اطلاعات مکتوب (واقعیات از زبان مردم حاضر در صحنه گذشته) تعادل در حافظه تاریخ ایجاد می‌شود.

هر فردی داستانی برای بیان دارد و این کار محقق تاریخ شفاهی است که ضبط و ثبت و نقل روایات آنها برای روشننگری و گسترش آگاهی جامعه بپردازد.

## ۷- شهادت<sup>۱</sup> در قالب تاریخ شفاهی

کمیسیون‌های رفع اختلاف و حقیقت‌یاب<sup>۲</sup> در آفریقای جنوبی که روش تحقیق آنها، تاریخ شفاهی بوده است، از نمونه‌های کارکرد تاریخ شفاهی است.

این کمیسیون‌ها در رژیم تحت تبعیض نژادی آفریقای جنوبی از طریق تاریخ شفاهی، کمک فراوانی به روشن شدن واقعیت‌ها و اتفاق‌ها در این سرزمین کرده است. در این تحقیق، شهروندان معمولی داوطلب در روبه‌رو شدن با مجرمان و افرادی که نقش مهمی در نسل‌کشی این سرزمین داشتند، ابتدا آنها را بخشیده و سپس به واقعیات زیادی که در

---

1. Testimony

2. Truth and Reconciliation Commissions (TRC)

جریان آن نسل‌کشی رخ داده بود، شهادت می‌دادند (شعار ببخش، اما فراموش نکن). در این شهادت‌ها شکنجه‌کنندگان و قاتلان نیز داوطلبانه شرکت کردند و مصیبت‌ها و وقایع را نقل کردند. در جریان این تاریخ شفاهی، فضای حاکم مبتنی بر درک و مفاهیم، طی مصاحبه‌های مکرر و متنوع، حفظ امانتداری و محرمانه بودن اسامی مشارکت‌جویان انجام شد. طی این تاریخ شفاهی که همچون یک پروژه عدالت‌جویانه عمل کرد، نسل‌کشی قریب هشتصد هزار آفریقایی از تبار TUTU گوشه‌ای مهم از تاریخ آفریقای جنوبی را روشن کرد.

«آنچه دزموند توتو<sup>۱</sup> به‌عنوان یک مشارکت‌جوی کلیدی بر آن تأکید داشت، این بود که این فرایند حل اختلاف، حقیقتاً اتفاق نمی‌افتاد، اگر گذشته را انکار می‌کردیم. از طریق کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، حقایق زیادی از دل تاریخ به دست آمد که جزء اسناد دست اول نورنبرگ قرار گرفت. خاطرات دزموند توتو (۱۹۹۹) حاصل این تاریخ شفاهی و کمیسیون است. این اطلاعات هرگز قبلاً در جایی درج نشده بود» (Janesick, 2007).

«شهادت» یکی از نمونه‌های نخستین و مفید تاریخ شفاهی است. با شهادت دادن و تصدیق کردن یک واقعه توسط افراد و یا فرد حاضر در صحنه، همچون سندی معتبر، حافظه تاریخ اصلاح، تکمیل و غنی می‌شود. قدرت شهادت دادن در سادگی و مشارکت مردمی آن است و این ویژگی اجازه می‌دهد، حقایق با افراد دفن نشده و از طریق نقل آن نسل به نسل و یا به شکل اسناد تاریخی معتبر حفظ شود.

---

1. Desmond Tutu

## ۸- امتیازات روش تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی شیوه‌ای غیر رسمی برای کشف حقایق از طریق بازگوکنندگان حقیقی صحنه‌هاست. به عبارت دیگر، تاریخ شفاهی خارج از نظم سلسله مراتبی غالب عمل می‌کند و به واسطه همین ویژگی کلیدی است که دارای امتیازاتی می‌شود که دیگر روش‌ها کمتر دارند. از جمله این امتیازها عبارتند از:

تاریخ شفاهی محدودیت‌های اسناد نوشته شده را جبران می‌کند. اصلاح اسناد تاریخی یکی از کارکردها و امتیازات مهم این روش است.

هر تاریخ شفاهی به جهت زنده بودن و واقعی بودن یک بیان سودمند تلقی می‌شود.

از طریق تاریخ شفاهی، انتقال فرهنگ از نسل گذشته به نسل آتی امکان‌پذیر است.

تاریخ شفاهی با توجه به افراد و یا گروه‌های رانده شده اجتماعی و در حاشیه قرار گرفته‌ها، نگاهی جامع از یک جامعه را برای مشاهده‌گران و محققان اجتماعی و تاریخی ایجاد می‌کند.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تاریخ شفاهی در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، آشنایی با سنت‌های قدیمی و تعاملات نمادین میان انسان‌ها است.

تاریخ شفاهی به‌عنوان روش و ابزار تحقیق کیفی دارای انعطاف بیشتری نسبت به دیگر روش‌ها است.

تاریخ شفاهی قادر است از طریق مصاحبه‌های عمیق و همدلی اطلاعات پنهان مانده، مورد غفلت قرار گرفته و فراموش شده را به حافظه تاریخ برگرداند.

تاریخ شفاهی روش غیراثباتی و توأم با رویکرد انتقادی در کشف حقایق

تاریخی است.

از طریق تاریخ شفاهی، امکان بازسازی و دوباره‌سازی مفاهیم میسر می‌شود.

### ۹- نتایج و نقد به‌کارگیری تاریخ شفاهی در مطالعات اجتماعی

تاریخ شفاهی به‌خصوص در جوامعی که فرایند کسب اطلاعات، درج، ثبت و انعکاس آن به‌عنوان یک یافته علمی و یا دانش همگانی دارای نقص و محدودیت‌هایی است، روش سودمندی است که قادر است به اصلاح، تکمیل و یا رد آنچه از وقایع اجتماعی مکتوب شده است، بپردازد. تاریخ شفاهی در صورتی که دارای مفهوم<sup>۱</sup> مورد مطالعه و سنجش باشد، به‌عنوان یک روش کیفی تلقی می‌شود و همچون دیگر روش‌های کیفی با ساخت نظریه<sup>۲</sup> و ساخت روش<sup>۳</sup> در فرایند تحقیق به‌عنوان یک روش علمی محسوب می‌شود، در غیر این صورت به‌عنوان ابزاری برای محقق کیفی به‌کار گرفته می‌شود (سرایی، ۱۳۸۷).

تاریخ شفاهی به جهت امکان دسترسی به جامعه زنده و اطلاعات واقعی دارای پایایی<sup>۴</sup> و ارزشمندی<sup>۵</sup> برای محقق کیفی است. تاریخ شفاهی با یکنواخت کردن<sup>۶</sup> و ایجاد تعادل<sup>۷</sup> در اطلاعات ضبط شده تاریخی، مانند پروژه‌ای توأم با عدالت اجتماعی عمل می‌کند.

- 
1. Concept
  2. Theory construction
  3. Method construction
  4. Reliability
  5. Valuable
  6. Equalization
  7. Balance

## ۳۳۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

در نهایت تاریخ شفاهی به‌عنوان یک روش، نیازمند بهره‌گیری از مفاهیم و تئوری‌های مناسب همچون دیگر روش‌های علمی است. در این حالت همان محدودیت‌ها و ویژگی‌های خاصی که برای تحقیقات کیفی مطرح است، در اینجا نیز باید مورد نظر قرار گیرد. سه اصل اساسی که محقق کیفی باید مد نظر داشته باشد عبارتند از:

۱- هر مشاهده و یا پرسش باید در مجموعه‌ای از وقایع فنی - حاشیه‌ای<sup>۱</sup> و متنی قرار گیرد. بدین لحاظ هر پرسش محقق کیفی منحصربه‌فرد<sup>۲</sup> است.

۲- بدون توصیف وقایع ضمنی - حاشیه‌ای خاص و آگاهی از پارامترهای متنی خاص نمی‌توان برای پرسش تحقیق، پاسخ عمیقی یافت.

۳- این آگاهی عمیق تنها از طریق اینکه چه کسی و با چه کیفیتی (اهلیت محقق) به این وظایف پرداخته است، میسر می‌شود. (Percecman & Curran, 2006).

به‌کارگیری روش تاریخ شفاهی در مطالعات اجتماعی تنها زمانی به‌عنوان یک روش قابل قبول خواهد بود که دارای مفاهیم مورد مطالعه، بهره‌گیری از مدل‌های نظری پویا، استفاده از مقایسه و تطبیق، انجام مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته متعدد یا افراد خاص با ابعاد نگرشی گوناگون باشد. بدین ترتیب تاریخ شفاهی با رویکرد مطالعات تاریخی از رویکرد جامعه‌شناختی متمایز می‌شود.

- 
1. Circumstances
  2. Unique



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. باقی، عمادالدین، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، قم: نشر تفکر، ۱۳۷۳.
۲. سرایی، حسن، روش‌های تحقیق کیفی، جزوه کلاسی، واحد روش تحقیق پیشرفته ۲ دوره دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷.

### ب) منابع لاتین

1. Giles, Tamara, Oral Histories As Methods & Sources, sage pub, 2006.
2. Gordon, Marshal, A Dictionary of Sociology Oral History, sage pub, 1998.
3. Janesick, Valeriey, Oral History As a Social Justice Project: Issues for The Qualitative Researeher, the qualitative report, vol. 12, No. 1 March 2007.
4. Perecman, Clen & Sara Curran, Field Research, sage pub, 2006.



## مشاهده مشارکتی در تحقیقات اجتماعی

مریم کریمی رامشه\*

### مقدمه

این نوشتار قصد دارد با نگاهی به مشاهده مشارکتی، این روش تحقیق را معرفی کرده و به تاریخچه آن بپردازد. سپس طرح کار عملی یا برنامه‌ریزی کاربردی جهت استفاده از این روش بیان شده و در پایان، مزایا و معایب این روش مطرح می‌شود، علاوه‌بر این، موارد مناسب و نامناسب جهت استفاده این روش هم بیان می‌شود.

### ۱- مشاهده چیست؟

مشاهده شامل دیدن و شنیدن بسیار دقیق است. ما همواره دیگران را می‌بینیم، اما معمولاً آنها را به‌منظور کشف اطلاعات خاص در مورد رفتارشان نمی‌نگریم. این نوع نگاه کردن، همان مشاهده در علوم اجتماعی است (Langley, 1988).

---

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

## ۲- انواع مشاهده

### ۲-۱- مشاهده مشارکتی

مشاهده مشارکتی یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای جمع‌آوری داده‌های کیفی و همچنین یکی از سخت‌ترین روش‌ها است. نیاز است که محقق در فرهنگ یا زمینه و محیطی که می‌خواهد مشاهده کند، شرکت نماید. ادبیات مشاهده مشارکتی بحث می‌کند که محقق چگونه وارد محیط شود، نقش محقق به‌عنوان مشاهده‌گر چگونه است، جمع‌آوری و ذخیره داده‌ها و نکات، و تجزیه و تحلیل داده‌ها به چه صورت باشد. مشاهده مشارکتی اغلب به ماه‌ها و سال‌ها کار نیاز دارد، زیرا محقق نیاز دارد به‌عنوان یک جزء طبیعی آن فرهنگ، پذیرفته شود تا بتواند در مورد مشاهدات خود ادعا کند.

### ۲-۲- مشاهدات مستقیم

مشاهده مستقیم از چندین جنبه با مشاهده مشارکتی متفاوت است: نخست، مشاهده‌گر مستقیم سعی ندارد عضوی از محیط شود. او سعی می‌کند، مشاهده خود را بی‌سرو صدا انجام دهد تا در مشاهداتش تورشوی صورت نگیرد. دوم، فرض می‌شود که مشاهده‌گر مستقیم دیدگاه بی‌طرفانه‌تری دارد. محقق بیشتر نگاه می‌کند تا در فعالیت‌ها شرکت کند. در نتیجه، فناوری می‌تواند قسمت مفیدی از فرایند مشاهده مستقیم باشد (برای مثال استفاده از تصویربرداری و فیلم برداری از پدیده‌ها). سوم، مشاهده مستقیم، بیشتر از مشاهده مشارکتی تمرکز دارد. محقق افراد یا وضعیت‌های نمونه‌ای خاص را بیشتر مشاهده می‌کند تا اینکه در وضعیت و متن غوطه ور شود. در نهایت، مشاهده مستقیم به اندازه

مشاهده مشارکتی وقتگیر نیست.<sup>۱</sup>

مشاهده مشارکتی، شیوه‌های تحقیقی متنوعی را از محدودیت‌های بالا به پایین به کار می‌برد:

- مشاهده طبیعی: مشاهده مستقیم از وقایع به نحوی که در شرایط طبیعی رخ می‌دهند.
  - تحقیق اسنادی (آرشیوی): مطالعه اطلاعات از اسناد فعلاً موجود ساخته شده در شرایط طبیعی.
  - پیمایشی: پرسش سؤالات مستقیم از افراد در شرایط طبیعی.
  - مطالعه موردی: انجام مشاهدات وسیع از گروه یا فردی خاص.
  - ارزیابی برنامه‌ها: ارزیابی پروژه‌های به کار رفته در شرایط طبیعی.
  - آزمایش مشارکتی یا میدانی: آزمایش‌های کاربردی در شرایط طبیعی و در جایی که تأثیرات علی جستجو می‌شود.
- در تحقیقات با محدودیت پایین محقق کنترل کمتری بر تحقیق یا رفتار سوژه‌ها دارد.

### ۳-۲- مشاهده طبیعی

مثال کلاسیک این روش، چارلز داروین است که به مدت ۵ سال سوار بر کشتی نیروی دریایی بریتانیایی بیگل،<sup>۲</sup> نمونه‌ها را جمع‌آوری کرد و داده‌های توصیفی را کامل کرد تا تئوری تکامل را گسترش دهد. مطالعه جین گودال در مورد شامپانزه‌ها در وطن بومی و طبیعی‌شان تانزانیا و مطالعه مردم شناسان که در میان مردمان با فرهنگ‌های

---

1. <http://polar.alaskapacific.edu/gregb/ES601/ch6notes.html>.

2. Beagle

۳۴۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

متفاوت زندگی می‌کنند، مثال‌های این روش هستند.

#### ۴-۲- مطالعه موردی

این نوع مشاهده، مشاهده طبیعی است، اما با محدودیت‌های الزامی کمی متعادل و ملایم بر روی فرایند کار همراه است و نوعاً در محیط‌های طبیعی عملی نمی‌شود، شرایط معمولاً به وسیله محقق فراهم می‌شود. مطالعه موردی بر افراد تمرکز دارد و نوعاً به جنبه‌های محدودی از رفتار بیشتر از کل زمینه و جریان رفتار توجه دارد. مثال این روش، تحقیق زیگموند فروید و پیائزه در مورد توسعه شناخت در کودکان است.

#### ۳- تاریخچه استفاده از مشاهده مشارکتی

«مشاهده مشارکتی»، سابقه‌ای طولانی دارد. اصطلاح «مشاهده مشارکتی» اولین بار در قرن ۱۹ از سوی یک دانشمند و مردم‌شناس فرانسوی قرن نوزدهم به نام ژوزف مار ژراندو<sup>۱</sup> در یک راهنمای تحقیق مردم‌نگاری برای مأمورینی که به مناطق بدوی می‌رفتند، مطرح شد. با این حال، استفاده از این روش به قرن‌ها پیش از این تاریخ بازمی‌گردد. هرودوت که گاه او را پدر مردم‌شناسی نیز می‌خوانند، از روشی شبیه مشاهده مشارکتی برای به دست آوردن داده‌هایش استفاده کرد. همچنین باید به سنت گسترده‌ای که بین مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان رایج بود، اشاره‌ای کرد. ابن بطوطه، ادریسی، ابن حوقل، ابن خلدون و... نیز روشی مشابه به کار می‌بردند.

---

1. Joseph-Marie Gerando

البته باید به این نکته اشاره کرد که میزان مشارکت این افراد در زندگی مردمانی که توصیف می‌کردند، بسیار ناچیز بود. از آغاز رنسانس در غرب و حتی کمی پیش از آن، دو دسته از اروپا به سمت جوامع و سرزمین‌های دور دست و ناشناخته روانه شدند. دسته اول، میسیونرها و مبلغان مذهبی بودند که برای تبلیغ آئین مسیح و ترویج آن به سرزمین‌های دیگر می‌رفتند. دسته دوم، جهانگردان بودند که بر اساس حس کنجکاوی و جهت ارضای این حس، مخاطره‌های سفر و زندگی در میان اقوام ناشناخته، «وحشی» و حتی آدم‌خوار را به جان می‌خریدند. بسیاری از این افراد، دیگر هرگز به سرزمین و وطن خود بازنگشتند. نون که دانشجویی جوان در آکسفورد بود، در پی سفری به قبیله یولو در مالزی، ظاهراً در همانجا ازدواج کرد و علی‌رغم جستجوی طولانی مدتی که برادرش برای یافتن وی انجام داد، دیگر هیچگاه غربیان موفق به دیدن وی نشدند. این گرایش به بومی شدن در جوامع تحت مطالعه، در بسیاری از پژوهشگران و مردم‌شناسان دیده می‌شده است (و همچنان دیده می‌شود). علاوه بر جاذبه‌هایی که هر فرهنگ برای غریبه‌ها دارد، این امر ناشی از طبیعت کار میدانی نیز هست. پژوهش میدانی، در واقع فرصتی است تا ما از کارهای روزمره‌ای که در بسیاری موارد برایمان کسل‌کننده هستند، جدا شده و دست به تجربه‌های نوینی بزنیم. به عبارت دیگر، برای مدتی از روزمرگی نجات یابیم. به هر حال، دانستنی‌های علمی اروپای چند سده پیش، سرشار از داستان‌ها و ماجراهای عجیبی بود که انسان‌شناسانی که به مناطق دور دست می‌رفتند، تعریف می‌کردند.

نسل اول جامعه‌شناسانی مانند دورکیم و مردم‌شناسانی همانند تایلر و

#### ۳۴۴ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

فریزر، نیازی به مراجعه به میدان پژوهش نمی‌دیدند و بر مشاهدات و شهادت‌های غیرحرفه‌ای همین میسیونرها و جهانگردان تکیه می‌کردند. اما بالاخره «انقلاب مالینوفسکی» رخ داد و حضور پژوهشگر در میدان و مشاهده مشارکتی به ارزش‌هایی مطلق تبدیل شد.

مالینوفسکی لهستانی‌الاصل، طی جنگ اول جهانی به‌عنوان تبعه کشور دشمن، تحت نظر قرار گرفت، اما توانست اجازه بگیرد تا به‌صورت تبعیدی، به جزایر تروبریاندر شمال استرالیا برود و در فاصله سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸، مجموعاً دو سال در میان بومیان زندگی کند. حاصل این چند سال اقامت، چندین کتاب درباره زندگی مردمان بدوی بود که داده‌های این کتاب‌ها را بر اساس مشاهده مشارکتی گردآوری کرده بود. وی هنگام حضور در میدان، نکات شخصی و خصوصی‌اش را در دفترچه‌ای یادداشت می‌کرد. هرچند وی هرگز قصد چاپ و انتشار این یادداشت‌ها را نداشت. اما به هر حال پس از مرگش، به‌صورت کتابی با نام «یک دفترچه خاطرات به معنی واقعی کلمه» منتشر شد و بحث‌هایی را درباره شیوه کار وی دامن زد.

اهمیت این روش، بیش از آن است که تنها مردم‌شناسان از آن استفاده کنند. مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو، اولین مکتبی بود که به‌طور گسترده از مشاهده مشارکتی در انجام پژوهش‌های اجتماعی استفاده کرد. این مسئله تا حد زیادی تحت تأثیر حضور رابرت پارک در این مکتب بود که قبلاً حرفه روزنامه‌نگاری داشت و توانست مشاهدات توأم با مشارکتش را به این‌گونه پژوهش‌ها وارد کند.

در دهه ۱۹۳۰ که اوج انجام این‌گونه پژوهش‌ها توسط پژوهشگران مکتب شیکاگو بود، مردم‌شناسان هنوز علاقه‌مند به پژوهش در میان



مناطق دور افتاده بودند؛ در حالی که علاقه پژوهشگران مکتب شیکاگو، متوجه انواع شیوه‌های زندگی در شهر خودشان بود. این پژوهش‌ها معمولاً در چهارچوب نظریه کنش متقابل نمادین صورت می‌گرفت و پژوهشگران در آن بر مشاهده آدم‌ها در زیستگاه طبیعی‌شان، گفت و شنود با آنها و گردآوری و ثبت سرگذشت‌هایشان تأکید داشتند.

تقریباً با افول مکتب شیکاگو، ستاره بخت مشاهده مشارکتی در میان جامعه‌شناسان رو به خاموشی گرایید تا اینکه در دهه ۱۹۶۰ و در پی نقدهایی که به شدت بر روش‌های صرفاً کمی وارد شد، این ستاره با درخششی دوباره نمایان شد. البته طی این مدت (بین دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۶۰)، این روش همچنان اصلی‌ترین شیوه گردآوری داده برای مردم‌شناسان بود.

مردم‌نگاران فرهنگی از این روش برای مطالعه فرهنگ‌های دیگر استفاده می‌کردند. هرچند فرهنگ‌ها حتماً متفاوت نیستند، ولی این روش در گذشته، اغلب برای مطالعه فرهنگ‌هایی که ابتدایی می‌نامیدند، به کار می‌رفت. هنوز در جامعه‌شناسی، مطالعه تفاوت فرهنگی از این موارد است.

این کار در فیلد یا میدانی انجام می‌شود که محیط مطالعه سوژه تحقیق اجتماعی است. این میدان ممکن است، محیط آموزش و پرورش، محیطی صنعتی، یا جنگل‌های بارانی آمازون باشد.

همان‌طور که مشاهده مشارکتی می‌تواند به وسیله جانورشناسانی چون جین گودال به کار برده شود؛ انسان‌شناسان فرهنگی چون رادکلیف براون و مالینوفسکی هم این روش را استفاده کردند. به هر حال امروزه این شیوه، کاربرد بسیاری در پژوهش‌های اجتماعی اعم از جامعه‌شناسی و

انسان‌شناسی دارد و کمتر پژوهشگری است که به اهمیت این شیوه آگاه نباشد.<sup>۱</sup>

#### ۴- مشاهده مشارکتی چیست؟

همان‌طور که می‌دانیم، برای هر متدولوژی تکنیک‌های خاصی وجود دارد که به ما در راه رسیدن به آن کمک می‌کند. یکی از تکنیک‌های تحقیق کیفی، «مشاهده مشارکتی» است.

این روش، تکنیکی سودمند برای پدیده‌هایی است که تا حدودی از منظر بیرونی مبهم و نامفهوم هستند. در اینجا مصاحبه‌گر در حکم یکی از اعضای گروه بوده و می‌تواند از سه روش برای مشارکت در گروه سود جوید: مشاهده آشکار (با آگاهی اعضای گروه)، مشاهده پنهان (بدون آگاهی اعضای گروه) و نیمه آشکار (با آگاهی عده‌ای از اعضای گروه).

مشاهده مشارکتی برای فهم و تفسیر رفتار آدم‌ها مناسب است و هدف آن نگاه از درون است. پیش از این مشاهده مشارکتی متفاوت از روش‌های تحقیقی که در آزمایشگاه یا محیط‌های آکادمیک دیده می‌شد. این تکنیک در ابتدا به وسیله مردم‌نگاری رشد کرد و گاه به‌عنوان تحقیق خاص و یا مردم‌نگاری در مردم‌نگاری شناخته می‌شود. این تکنیک با جهان تجارت به خوبی سازگار شده است.

پیش از آنکه به ذکر تعریف و حدود مشاهده مشارکتی بپردازیم، بهتر است مشخص کنیم که مشاهده مشارکتی شامل چه مواردی نمی‌شود: نخست اینکه مشاهده مشارکتی، همان‌گونه که از نامش پیداست،

---

1. <http://anthropology.ir/code.206>.

چیزی جدای از مشاهده نیست؛ نه آنچنان که مارشال و راسمن در کتابشان (روش تحقیق کیفی) مشاهده مشارکتی را در یک مقوله و مشاهده را در مقوله‌ای دیگر به‌عنوان روش‌های گردآوری داده‌های کیفی معرفی کرده‌اند. البته شاید این جداسازی تکنیک مشاهده مشارکتی از زیرمجموعه مشاهده، تا حدی به خاطر تأکید بر اهمیت مشاهده مشارکتی باشد، اما به هر حال نمی‌تواند توجیه مناسبی برای این جداسازی باشد. چنانکه نویسندگان مزبور در جاهای دیگر کتاب، مشاهده مشارکتی را نوعی مشاهده دانسته و فقط در مورد روش‌های گردآوری داده‌ها، از این قاعده عدول کرده‌اند. بنابراین مشاهده مشارکتی، گونه‌ای از گونه‌های مختلف مشاهده است.

دیگر اینکه گاه مشاهده مشارکتی را به جای واژه کیفی به کار می‌برند، در حالی که مشاهده مشارکتی، تنها یک تکنیک برای گردآوری داده‌های کیفی است. همچنین غالباً مشاهده مشارکتی را با مردم‌نگاری مترادف می‌دانند. شاید به این دلیل که مشاهده مشارکتی، رکن اصلی مردم‌نگاری است.

به هر حال مردم‌نگاری نیز یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که از تکنیک‌های گوناگونی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌کند. در مردم‌نگاری، گاه ناچار می‌شویم از روش‌های آماری و پرسشنامه (که هر دو روش کمی هستند) استفاده کنیم. مشاهده مشارکتی، اصلی‌ترین و مهم‌ترین شیوه گردآوری داده در مردم‌نگاری است.

رابطه مشاهده مشارکتی با مردم‌نگاری یا روش پژوهش کیفی، رابطه خاص و عام است. به عبارت دیگر، تکنیک مشاهده مشارکتی، تنها یکی از روش‌های مورد استفاده در مردم‌نگاری یا روش‌های پژوهش کیفی است.

پس از این تعاریف سلبی، حال می‌توانیم به این نکته بپردازیم که مشاهده مشارکتی چیست. ابتدا به چند تعریف و توضیحی که درباره مشاهده مشارکتی ارائه شده، اشاره می‌شود:

مشاهده مشارکتی می‌تواند به‌عنوان یک رهیافت کلی و وسیع تحقیق کیفی یا روشی برای جمع‌آوری داده‌های کیفی در نظر گرفته شود. ایده اصلی این است که محقق به داخل میدان یا فیلد می‌رود تا پدیده‌ها را در وضع طبیعی خود مشاهده کند. محقق مشاهده مشارکتی نوعاً نکات مهم را یادداشت و بعد جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند ( Trochim , 1999).

«مشاهده مشارکتی یعنی مشاهده توسط محقق که خود به‌عنوان جزئی از صحنه مورد مشاهده، نقش ایفا می‌کند» (مک نیل، ۱۳۷۸: ۲۲). سیلورمن، مشاهده مشارکت‌آمیز را اصطلاحی معمولی می‌داند که در جامعه‌شناسی برای روش‌های توصیف هم‌کنش به کار می‌رود (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱: ۳).

«استقرار در یک مکان در موقعیتی طبیعی، برای مدتی تقریباً طولانی برای توجه کردن، تجربه کردن و نشان دادن زندگی اجتماعی و فرایندهای اجتماعی که در آن موقعیت رخ می‌دهد» (سیلورمن، ۱۳۸۱: ۱۳).

بیتس و پلاگ در توضیح این روش می‌نویسند: «مشاهده مشارکت‌آمیز چیزی نیست جز همان مشارکت عمل محقق در فرهنگ مورد بررسی» (بیتس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

رفیع‌پور به نقل از کلوکهن و لاندنر، هدف مشاهده مشارکتی را چنین بیان می‌کند: «هدف از این تکنیک آن است که محقق، یک گروه را نه

به صورت مصنوعی و در یک لابراتوار، بلکه در یک محیط واقعی و طبیعی مطالعه نماید و بتواند جزئیات رفتار و شیوه زندگی گروه مورد نظر را از نزدیک مطالعه و آن را به صورت عملی لمس و خوب درک کند» (رفیع پور، ۱۳۸۱: ۸۵).

مشاهده مشارکتی روشی کیفی است که ریشه آن به تحقیقات مردم‌نگارانه برمی‌گردد. مشاهده مشارکتی همیشه در محیط‌ها و زمینه‌های اجتماع رخ می‌دهد، در محیط‌هایی که معتقدند روابطی با سؤالات تحقیق دارد.<sup>۱</sup>

«مشاهده مشارکتی همان‌گونه که از نامش پیداست، مشاهده زندگی اجتماعی انسان‌ها در یک مکان مشخص و در ارتباط با یک یا چند موضوع است که برای گردآوری داده‌ها و توصیف مستند از آنها، پژوهشگر نقشی را در میدان پژوهش بر عهده گرفته و با توجه به این نقش، تا حدی در زندگی اجتماعی افراد ساکن آن مکان و مرتبط با آن موضوع، مشارکت می‌کند» (فکوهی ۱۳۸۱: ۱۶۸-۱۵۷).

در مشاهده مشارکتی، محقق یا قصد بررسی یک مسئله را در میدان دارد یا اینکه صرفاً قصد توصیف کردن. البته در نهایت یک مسئله توصیف خواهید شد، اما بین این دو تفاوت عمده‌ای وجود دارد. برای مثال ممکن است علت میزان بالای طلاق در خانواده‌های یک شهر به‌عنوان یک مسئله مورد بررسی قرار گیرد و یا قصد محقق صرفاً توصیف خانواده در این شهر باشد. در هر دو مورد، او به موضوع خانواده در این شهر می‌پردازد، اما در اولی طلاق، همچون یک مسئله در خانواده مطرح

---

1. I will send the correct link 4 V (by e-mail)!

## ۳۵۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

می‌شود و در مورد دوم، ممکن است ضمن توصیف خانواده، اشاره‌ای به طلاق در آن نیز شود.

مشاهده مشارکتی در بسیاری موارد، تنها یکی از مراحل تحقیق به‌شمار می‌رود. پژوهشگر در ابتدای تحقیق، از این روش استفاده می‌کند تا با زمینه‌های گوناگون زندگی افراد تحت مطالعه آشنا شده و برای مثال بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، پرسشنامه‌ای مناسب طرح کند. یا هم‌زمان با دیگر شیوه‌ها، از این روش نیز به‌عنوان مکمل روش‌های دیگر استفاده می‌کند و بالاخره اینکه ممکن است در پایان تحقیق، از این روش برای بررسی صحت داده‌ها استفاده کند.

مشاهده مشارکتی گاه به‌عنوان یک روش به تنهایی کاربرد دارد. بسیاری از گزارشگران، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران، در یک پدیده خبرساز شرکت کرده و مشاهداتشان را به‌عنوان نتیجه کار تحویل می‌دهند.

کاربرد مشاهده طبیعی و روش‌های مطالعه موردی:

- برنامه‌ریزی این روش‌ها کمتر رسمی است و طرح‌ها منعطف‌ترند.
- داده‌ها از راه مشاهده بی‌سرو صدا و مشاهده مشارکتی به دست می‌آیند.
- اگر از مشاهده مشارکتی استفاده کند، می‌تواند خود رفتار را دستکاری کند تا شرایط جدیدی برای آزمون و ارزیابی فرضیات خلق کند.
- نمونه‌گیری از سوژه‌ها ممکن است تحت کنترل محقق نباشد (ضمانتی برای بیانگر یا نشانگر بودن نمونه نیست).
- نمونه‌گیری از وضعیت‌ها ممکن است محدود شود (باید سعی شود تا حد امکان نمونه زیاد باشد).

#### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳۵۱

- در ارزیابی و تحلیل داده‌ها، داده‌ها می‌توانند کدبندی می‌شوند.
  - تکنیک‌های محدودی از تحلیل آماری به کار برده شود.<sup>۱</sup>
- شرایط کاربرد مشاهده مشارکتی:
- زمانی که سؤال به جریان طبیعی رفتار در شرایط طبیعی توجه دارد.
  - در آغاز مراحل تحقیق در محیط و میدان جدید.
  - برای آشنا کردن محققان با سوژه‌ها و شرایط و محیط‌هایی که برای آنها جدید هستند.
  - برای اثبات مناسبت روش‌های به کار رفته در یک تحقیق جدید (سؤال این است که کدام روش معقول و قابل قبول است).
  - جهت آزمون و ارزیابی قدرت تعمیم تئوری‌های رایج یا اصلاح اساس تکنیک‌های کتابخانه‌ای.

#### ۴-۱- اطلاعات مفید مشاهده مشارکتی

- اطلاعات توصیفی جدید.
- نفی طرحی عام و رایج.
- نمی‌تواند تأثیرات علی را ایجاد کند، اما می‌تواند اطلاعات مفید درباره روابط بین متغیرها به دست دهد.

#### ۴-۲- مسئله گزاره‌ها و فرضیات

- بررسی احتمالات تشخیصی (به نظر می‌رسد که کدام متغیرها با هم بیایند).

---

1. <http://polar.alaskapacific.edu/gregb/ES601/ch6notes.html>.

۳۵۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

- اغلب عام و گنگ است و تمرکز بیشتری بر روند تحقیق دارد.<sup>۱</sup>

### ۳-۴- انواع منابع داده‌های جامعه‌شناختی

- منابع تاریخی؛
- داده‌های آماری؛
- تحقیق پیمایشی؛
- تحقیق مشارکتی و پدیدارشناختی.

### ۵- روش‌های مشاهده مشارکتی

مشاهده مشارکتی شامل مجموعه‌ای از داده‌های یا اطلاعات اولیه‌ای است که جدید هستند. اینها می‌تواند از طریق پیمایش و پرسشنامه‌هایی که به‌طور اختصاصی برای موضوع خاصی تنظیم شده‌اند، جمع‌آوری شود.<sup>۲</sup>

#### ۵-۱- گردآوری داده‌ها

مشاهده و مصاحبه، دو روش اصلی گردآوری داده‌های کیفی به شمار می‌آیند. در پژوهش‌های مبتنی بر مشاهده مشارکتی نیز به همین صورت است. اما در میدان ممکن است موارد بسیاری را مشاهده کرد که اتفاقاً همه با موضوع تحقیق در ارتباط باشند. محقق ضمن آنکه نگاهی خاص به هر یک از آنها دارد، باید نظم و ارتباط میان آنها را نیز بفهمد. همیشه بین اجزای یک مجموعه با یکدیگر و نیز اجزا با کل مجموعه

---

1. Ibid.

2. [www.Fastlinksolutions.Co.Uk/Typesofm.Htm](http://www.Fastlinksolutions.Co.Uk/Typesofm.Htm).



ارتباطی وجود دارد و باید این ارتباط را تشخیص داد. برای این کار می‌توان از دسته‌بندی اجزا و مقولات آغاز کرد. این دسته‌بندی‌ها باید بر اساس نظر مردم مورد مطالعه باشد. یعنی دقت شود آنها چگونه اشیا، رفتارها، روابط و حتی خودشان را مقوله‌بندی می‌کنند. هرگونه مقوله‌بندی افراد، مکان، زمان و اشیا، دنیا را برای محقق ساده‌تر می‌سازد. وقتی که او توانست فردی را در مقوله‌ای قرار دهد، و این چه دانشجو باشد یا استاد، چه کشیش باشد یا برادر و مادر، آنگاه رفتار آن فرد برای محقق به آسانی قابل انتظار و پیش‌بینی است.

در سازماندهی مقولات، باید سعی شود واژه پوشش را شناخته و محدوده شمول آن را نیز مشخص کرد. مثلاً اگر فردی گفت که «بدبخت» است، باید دقیقاً مشخص شود که منظورش از بدبخت چیست: فقیر و ندار است؟ احساس می‌کند شانس و بخت در زندگی همراهش نیست؟ فرزندان ناخلف دارد؟ یا... همین واژه را اگر فردی دیگر درباره یک نفر به کار برد، ممکن است معانی دیگری نیز بیابد. مثلاً اگر با شدت صدا گفت «او بدبخت است»، ممکن است منظورش این باشد که او دزد، معتاد، الکلی یا... است.

نکته دیگری که در هنگام گردآوری اطلاعات و داده‌ها باید به آن توجه کرد، بحث موقعیت یک پدیده، رویداد، رفتار و... است. مثلاً اگر کارمندان اداره‌ای نسبت به مافوق خود ادب و احترام بسیاری قائل هستند، نباید سریعاً نتیجه‌گیری کرد که کارمندان این اداره، بسیار مؤدب هستند و به افراد دیگر نیز احترام فراوانی می‌گذارند. باید به این نکته توجه داشته باشیم که آنها در این موقعیت با رئیس و مافوق خود برخورد داشته‌اند، مؤدب بوده‌اند و ممکن است در برابر افراد دیگر از جمله

زیردستان خود یا ارباب رجوع‌ها، برخوردی کاملاً متفاوت داشته باشند. در اینجا بد نیست به این نکته نیز اشاره‌ای شود که بر اساس آنچه نظریه‌نمایی گافمن توضیح می‌دهد، افراد هنگام حضور در اجتماع، مانند بازیگران تئاتر، متناسب با محیط، نقشی را بر عهده می‌گیرند، اما هنگامی که به فضای مشخص‌تر خودشان برگشتند (پشت صحنه تئاتر)، نقش‌هایشان را وا می‌نهند و خودشان می‌شوند. بنابراین هنگام مشاهده یک رفتار، باید به این نکته توجه کرد که آن رفتار، در چه زمینه‌ای رخ داده است. در زمینه گفتار نیز به همین شکل است، دقت شود که آیا سخنی که در یک موقعیت بر زبان آورده شده، آیا در موقعیت دیگر نیز به همان صورت بیان می‌شود یا آنکه تغییر می‌یابد. توانش ارتباطی، بر تشخیص محیط‌ها از جهت فرهنگی تعریف شده و توانایی به زبان آوردن گفته‌هایی است که برای این محیط‌ها مناسب تشخیص داده شده‌اند.

بیکر از دو شیوه مهم یاد می‌کند که هنگام بررسی و مشاهده کلامی می‌توان از آنها استفاده کرد. در این شیوه‌ها، پژوهشگر به مسئله‌توانش زبانی نیز توجه نشان می‌دهد: گوش دادن به صحبت‌ها و یادداشت مضمون آنها برحسب نوع کلام مانند: سؤال، خبر، تعریف و... یا گفتگو را تعامل اجتماعی در نظر گرفته (یادداشت کرد که چه کسی با چه کسی صحبت می‌کند، چه کسی از چه کسی سؤال می‌کند، چه کسی به چه کسی پاسخ می‌دهد و چه کسی گفته‌های چه کسی را تصدیق می‌کند). در شیوه اول، گفته‌ها، از گوینده‌ها مهم‌ترند و در شیوه دوم، گوینده‌ها از گفته‌ها. البته هر دو شیوه را می‌توان با هم ادغام کرد.

نکته دیگر در هنگام گردآوری اطلاعات، استفاده از داده‌های کمی در هنگام مشاهده مشارکتی است. چنانکه سیلورمن و تورد (۱۹۸۰) توضیح

می‌دهند: نکته مهم این است که شمردنی‌ها را بشماریم، ترجیحاً برحسب مقولاتی که خود مشارکت‌کنندگان در عمل به کار می‌برند. به جای آنکه زبان کنشگران را راهنمایی شفاف برای واقعیت‌های اجتماعی بدانیم، باید واقعیت‌ها را همان‌سان که در کلامشان ساخته می‌شود (هم شفاهی و هم کتبی) تحلیل کنیم.

چنانکه این دو توضیح می‌دهند، با شمارش تعداد دفعات تکرار یک پدیده، رفتار و... می‌توان به صحت گفتار افراد در آن مورد پی برد. مثلاً اگر یک فروشنده دربارهٔ راکد بودن بازار خرید و فروش گفت: «روزی بیشتر از ۳۰-۲۰ مشتری نداریم»، می‌توان با شمارش تعداد مشتریانی که در یک روز به آن فروشگاه مراجعه می‌کنند، به درستی گفته وی پی برد. مثلاً اگر پس از چند روز بررسی؛ اگر هر روز بیش از ۱۰۰ مشتری به آن فروشگاه مراجعه می‌کنند، می‌توان پی به اشتباه بودن گفتهٔ فروشنده برد.

البته به کارگیری داده‌های کمی در مشاهده مشارکتی می‌تواند مزایای دیگری نیز داشته باشد. چنین شمارشی، از وسوسهٔ استفاده از اطلاعات صرفاً مؤید برای تأیید تفسیر محقق جلوگیری می‌کند. این نوع شمارش، تصویری از کل نمونه مورد بررسی را به صورتی مختصر ارائه می‌کند، نمونه‌های خلاف را مشخص می‌سازد و تحلیل کیفی بیشتر دربارهٔ قواعد رفتار را تشویق می‌کند. چه این اعداد حاصل از شمارش‌ها و چه دیگر پدیده‌ها، رویدادها، رفتارها، گفتارها، افراد و... که در میدان مشاهده می‌شود، به راحتی ممکن است فراموش شوند یا به دلیل فراموشی، تحریف

شوند.<sup>۱</sup>

## ۲-۵- تجزیه و تحلیل و نوشتن نتایج مشاهده

بازنویسی مشاهدات شامل موارد زیر است:

- چگونه و چرا مشاهده خود را به این نحو که انجام شده است، تنظیم کرده است؟
- چگونه مشاهده رخداد، شامل مشکلات و مسائلی است که محقق داشته است؟
- محقق چه چیزی کشف کرده و چگونه با جنبه‌های دیگر تحقیقش رابطه دارد؟
- اگر او بخواهد دوباره این کار را انجام دهد، چگونه مشاهده خود را تنظیم می‌کند؟<sup>۲</sup>

پژوهشگر، گزارش حاصل از مشاهده مشارکتی خود را پس از اتمام کار میدانی می‌نویسد، اما برای اینکه تا آن موقع، مشاهدات را فراموش نکند، باید اقدام به یادداشت برداری آنها در میدان کند.

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، هر چه نقش مشاهده‌گر بودن پژوهشگر در میدان بیشتر باشد، امکان یادداشت برداری در میدان بیشتر است و در مقابل، هر چه نقش مشارکت‌کنندگی او بیشتر باشد، این امکان برایش کمتر فراهم می‌شود. یادداشت برداری باید تا حد امکان در یک مکان آرام و خلوت صورت بگیرد تا پژوهشگر با آرامش خاطر اقدام به ثبت مشاهداتش کند. همچنین در بسیاری موارد، یادداشت‌برداری در مقابل

---

1. <http://anthropology.ir/method>

2. [www.Field.com/About.Html](http://www.Field.com/About.Html)

دیدگان مردم تحت مطالعه، باعث ایجاد حساسیت در آنها می‌شود؛ به‌ویژه هنگامی که در حال گفتگو با فرد، یادداشت‌برداری می‌تواند باعث به‌هم‌خوردن حالت طبیعی آن فرد شود. بنابراین توصیه می‌شود که تا حد امکان، یادداشت برداری به دور از نگاه‌های مردم صورت بگیرد. علاوه بر این، در یادداشت‌برداری که در میدان صورت می‌گیرد، لازم نیست همهٔ مشاهدات جزء به جزء یادداشت شود. تنها کافی است نکات و مطالب مهم و کلیدی را ثبت کرد که در هنگام پاک‌نویس کردن یادداشت‌ها در یادآوری مشاهدات به محقق کمک کنند.

یادداشت‌های کلیدی، در اولین فرصت ممکن باید به یادداشت‌های کاملی تبدیل شوند تا خطر فراموشی مشاهدات، کاهش یابد. در یادداشت‌هایی که ثبت می‌شود، باید تاریخ، ساعت، مکان و احياناً اطلاعاتی دیگر که لازم است را درباره آن پدیده، فرایند یا... که یادداشت شود نیز نوشته شود.

یادداشت‌برداری‌ها از مشاهدات میدانی نیز از تیغ منتقدان در امان نمانده است. برای مثال مطرح شده است که تصور می‌شود، محقق به هنگام جمع‌آوری و ثبت اطلاعات، عینی برخورد می‌کند و این چگونگی تعبیر و تفسیر بعدی است که از تعصبات وی متأثر می‌شود. اما مهم‌ترین تحریفات در مطالعات علمی رفتار اجتماعی، در حین جمع‌آوری اطلاعات رخ می‌دهد. همیشه مشاهدات انتخابی و تعبیر و تفسیر انتخابی در کار است.

مکنیل نیز در تأیید همین گزینشی بودن مشاهداتی که یادداشت‌برداری بر اساس آنها شکل می‌گیرد، می‌نویسد: این یادداشت‌ها هر چقدر هم کامل و مو به مو باشند، باز هم برگزیده‌ای از کل

رویدادهایی هستند که محقق می‌تواند آنها را ببیند و این‌گزینه‌ش بر مبنای آن چیزی انجام می‌گیرد که محقق مهم تشخیص می‌دهد. این به معنای آن است که محقق بر مبنای قضاوت خود به نمونه‌گیری دست می‌زند. قضاوت محقق درباره اینکه چه چیز مهم و چه چیز غیر مهم است، بر نتیجه تحقیق تأثیر می‌گذارد.

گزینشی بودن مشاهدات، غیر قابل انکار است. اما باید به این نکته نیز توجه کرد که پژوهشگر ناچار به گزینشی عمل کردن است؛ چراکه در یک زمان نمی‌تواند در همه نقاط میدان تحت مطالعه باشد و ناچار است در هر زمان، تنها در یک نقطه باشد. ضمن آنکه تمام پدیده‌ها، روندها و... که در همان نقطه روی می‌دهند هم نیز نمی‌توان مشاهده کرد و بنابراین پژوهشگر ناچار به گزینشی عمل کردن است.

نکته آخر درباره گردآوری داده‌ها این است که پژوهشگر نباید تنها به آنچه اتفاق می‌افتد یا وجود دارد، توجه کند، بلکه باید در پی آنچه وجود ندارد و اتفاق نمی‌افتد نیز برآید و چرایی آن را دریابد، این موارد را شواهد منفی می‌نامند. چنانکه لوئیس‌ها (۱۹۸۰) یادآور شده است: شواهد منفی عبارتند از: ۱- عدم وقوع رخدادها، ۲- رخدادهایی که جلب نظر نکرده یا ثبت نشده‌اند و ۳- رخدادهایی که به صورت خام ثبت شده‌اند، اما بد تفسیر شده یا در تحلیل و گزارش تحقیق تحریف شده‌اند. چنانچه شواهدی درباره موضوعی خاص در میان نباشد، چه‌بسا این عدم دخالت عمداً وانمود شده باشد. گاه نیز ممکن است به علت عدم حساسیت پژوهشگر، ابعاد مهمی نادیده گرفته شود.

تذکرات لوئیس‌ها نشان می‌دهد که عدم وقوع رخدادی در محیط ممکن است سرنخی درباره وقایع جاری باشد. در چنین مواردی است که

دقت و زیرکی پژوهشگر آشکار می‌شود و وی باید از سطح گذشته و به اصطلاح، کاسه زیر نیم کاسه را کشف کند.

### ۶- مزایا و معایب به‌کارگیری روش مشاهده مشارکتی

بحث مزایا و معایب به‌کارگیری این روش، تا حد زیادی به کیفی بودن آن بازمی‌گردد، یعنی همان درگیری قدیمی بین روش کمی و روش کیفی. روش‌های بررسی کمی که هدفشان یافتن علت‌هاست، بر اهمیت بی‌طرفی و عینیت در پژوهش تأکید می‌ورزند. در مقابل، در روش‌های کیفی بیشتر توصیف، تحلیل و تفسیر واقعیت‌ها مدنظر است و بنابراین طرفداران این روش‌ها، در پی دستیابی به معانی زندگی انسان‌ها هستند. استفاده‌کنندگان از روش‌های کیفی و به‌ویژه مشاهده مشارکتی، متهم هستند که معیارهای دقیقی برای اثبات درستی معنایی که از زندگی انسان‌ها به دست می‌دهند، ندارند. در مقابل، استفاده‌کنندگان از روش‌های کمی نیز به‌خاطر ماندن در سطح و عدم آگاهی از ژرفای زندگی انسان‌ها، مورد سرزنش قرار می‌گیرند. لازم به ذکر نیست که همه روش‌ها دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند و دلیل استفاده از یک روش در پژوهشی خاص، متناسب‌تر بودن آن روش برای پژوهش مورد نظر است.

مالینوفسکی خاطر نشان کرده که بسیاری از موقعیت‌ها را فقط از طریق مشاهده مشارکتی می‌توان به دست آورد. مهم‌ترین ویژگی مشاهده مشارکتی که آن را به‌عنوان مزیت در این روش در نظر می‌گیرند، این است که با به‌کارگیری آن، پژوهشگر این توانایی را به دست می‌آورد تا ساختار فرهنگی را از درون آن بنگرد و بدین‌وسیله، به درکی نزدیک

درک بومیان از زمینه فرهنگی آنها دست یابد. برای درک یک فرهنگ باید دید که عاملان آن فرهنگ چگونه آن را می‌بینند، به قواعد آن رفتار می‌کنند و یا آن را تغییر می‌دهند. این درک از فرهنگ، برای پژوهشگر حاصل نمی‌شود، مگر آنکه خودش چونان عاملان بومی آن فرهنگ، فرهنگ مذکور را تجربه کنند. هرچند رسیدن به نگاهی که دقیقاً همسان نگاه بومیان باشد، تقریباً ناممکن است، اما نزدیک‌تر شدن به آن امکان‌پذیر است و این نزدیکی حاصل نمی‌شود، مگر به وسیله روش مشاهده مشارکتی. همچنین در این روش به داده‌های فراوانی دسترسی پیدا می‌کنید که از طریق اطلاع‌رسان یا پرسشنامه، مصاحبه و... به دست نمی‌آیند.

مردم به دو دلیل برخی اطلاعات را در اختیار پژوهشگر نمی‌گذارند؛ یکی اینکه برخی رویدادها و پدیده‌ها آنقدر برایشان عادی شده که یا آن را به خاطر نمی‌آورند و یا اینکه گمان می‌کنند چندان اهمیتی ندارد. دیگر آنکه ممکن است اطلاع‌رسان، بنا به دلایلی مایل نباشد برخی اطلاعات را در اختیار پژوهشگر قرار دهد و یا برخی اطلاعات نادرست را به عمد در اختیار پژوهشگر بگذارد. مثلاً نمی‌خواهد پژوهشگر بداند میزان اعتیاد در آن مکان بالاست و یا تصویر بدی از شخص یا گروه رقیبش در اختیار پژوهشگر می‌گذارد. تنها با زندگی کردن در میان مردم و به‌کارگیری روش مشاهده مشارکتی است که پژوهشگر می‌تواند به صحت و سقم گفته‌های مردم پی ببرد.

همچنین در بسیاری موارد، مشاهده مشارکتی تنها گزینه برای انجام یک پژوهش است. برای مثال به قول اوانس پریچارد، چگونه می‌توان در میان اقوام و افرادی که سواد خواندن و نوشتن ندارند، از روش پرسشنامه



استفاده کرد؟

دنزین به این نکته اشاره می‌کند که روش مشاهده مشارکتی، نسبت به روش‌های آماری این مزیت را دارد که در میدان پژوهش، نسبت به گردآوری داده‌ها، انعطاف‌پذیر است. این روش، همچنین برای توسعه دیدگاه شخص پژوهشگر نیز بسیار سودمند است. پژوهشگری که در اثر مشاهده مشارکتی به درون‌فهمی برسد و بتواند درک کند که چرا مردم، آن‌گونه عمل می‌کنند، به این نتیجه‌گیری جالب می‌رسد که فرهنگ‌های دیگر نسبت به فرهنگ پژوهشگر، پایین‌تر و پست‌تر نیستند، بلکه آنها نیز (مانند فرهنگ پژوهشگر) برای امکانات و شرایط موجود مناسب‌ترین هستند و این یعنی همان دیدگاه نسبیت فرهنگی.

دوری از خانه و نیز گفتگو با غریبه‌ها می‌تواند برای پژوهشگر آموزنده باشد و در بسیاری موارد، در شخصیت پژوهشگر تغییرات عمده‌ای را باعث می‌شود. چنانکه کارلوس کاستاندا در طول پژوهش مردم‌شناسانه‌اش درباره گیاه پیوتل که شمن (جادوگر)های سرخپوست از آن استفاده می‌کردند، تحت تأثیر آموزه‌های یک پیرمرد سرخپوست به نام «دون خوان ماتوس» قرار گرفت و برای سالیانی دراز، مرید آن پیرمرد عارف شد، تا بدانجا که با اعتقادی تام، بسیاری از اعمال عرفانی سرخپوستی را تجربه کرد.

البته گاه برعکس این حالت اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، پژوهشگر ممکن است در هنگام بررسی مثلاً یک گروه غیراخلاقی، خود نیز عضو آنها شود. این مسئله بستگی به انتخاب موضوع و چگونگی برخورد با آن دارد. در نهایت یک ویژگی مثبت دیگر مشاهده مشارکتی، نصیب مردم تحت مطالعه می‌شود. پژوهشگر می‌تواند با بازتاب دادن مشکلات مردمی

## ۳۶۲ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

که در زندگی آنها مشارکت و مشکلاتشان را از نزدیک لمس کرده است، به آنها در رفع مسائلشان کمک کند.

مزایای مشاهده مشارکتی را می‌توان به طور خلاصه چنین برشمرد:

- نزدیک‌تر بودن به شرایط جهان واقعی.
  - این نوع تحقیق می‌تواند برای تاجر، بهترین راه برای کشف اطلاعات خاص مورد نیازش باشد.
  - تاجر می‌تواند مطمئن باشد که اطلاعات به‌دست‌آمده‌اش، به‌روز است.
  - امکان محرمانه بودن وجود دارد.
- محدودیت‌ها و معایب مشاهده مشارکتی عبارتند از:
- تحقیق را نمی‌توان فراتر از آنچه مطالعه شده، تعمیم داد.
  - تکرار تحقیق سخت است، مگر اینکه فرایند و پروژه کاملاً آشکار و روشن شود.
  - تأثیرات علی را نمی‌تواند نشان دهد - ما را به سفسطه علت‌یابی پس از وقوع راهنمایی می‌کند.<sup>۱</sup>
  - در تجارت، ممکن است بیشتر از آنکه به جمع‌آوری اطلاعات بپردازد، به شغل تجارت بپردازد.
  - مطالعه در نمونه کوچک، نیازمند صرف هزینه و وقت زیادی است.

---

1. <http://polar.alaskapacific.edu/gregb/ES601/ch6notes.html>.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. بیتس، دانیل و فرد پلاگ، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۲. رفیع‌پور، فرامرز، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۳. سیلورمن، دیوید، روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سیلورمن، ۱۳۸۱.
۴. فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۵. مارشال، کاترین و گرچن ب. راسمن، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
۵. مکنیل، پاتریک، روش‌های تحقیق، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۸.

### ب) منابع لاتین

1. Field research: Naturalistic Observation and Case-study Research: chapter, [www.Polar.alaskapacific.edu/gregb/ES601/ch6notes.html](http://www.Polar.alaskapacific.edu/gregb/ES601/ch6notes.html).
2. <http://anthropology.ir/method>
3. <http://anthropology.ir/node/206>.
4. Langley, P., "Machine Learning as an Experimental Science", *Machine Learning*, 3: 5-8, 1988.
5. Trochim, E.M.K, *The Research Methods Knowledge Base*, Ithaca, Cornell University Custom Publishing, 1999.
6. [www.fastlinksolutions.co.uk/typesofm.htm](http://www.fastlinksolutions.co.uk/typesofm.htm).
7. [www.field.com/about.htm](http://www.field.com/about.htm).



## روش نظریه زمینه‌ای (GTM)<sup>۱</sup>

دکتر معصومه مطلق\*

دکتر سروش فتاحی\*\*

### مقدمه

امروزه روش‌های کیفی جایگاه خود را در تحقیقات اجتماعی باز یافته‌اند. یکی از روش‌های موفق کیفی نظریه زمینه‌ای است که آنسلم استراوس و بارنی گلیسر به‌عنوان پایه‌گذاران آن شناخته می‌شوند. مراحل انجام تحقیق، مبتنی بر جمع‌آوری داده‌ها، یادداشت برداری، کدگذاری، یادداشت‌ها، دسته‌بندی کردن، نوشتن و تشریح است.

روند تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌صورت کدگذاری صورت می‌گیرد و نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد و مفهوم‌پردازی شده و سپس به روش جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند. نمونه‌گیری نظری در نظریه زمینه‌ای با توجه به نوع کدگذاری صورت می‌گیرد و

---

### 1. Grounded Theory Method

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار.

نمونه‌گیری از حوادث و وقایعی که به‌نظر می‌رسد نشانگر مفاهیمی هستند که می‌توان از آنها داده‌ها را کسب کرد، انجام می‌شود. در روند شکل‌گیری نظریه مبنایی، آنچه باید همیشه مد نظر محقق باشد، حساسیت نظری است.

این روش که به GTM نیز شهرت دارد، در خصوص ترجمه آن به فارسی معادل‌هایی چون نظریه مبنایی، نظریه زمینه‌ای، نظریه بازکاوی، نظریه پایه‌ای و غیره به‌کار گرفته شده است. در این مقاله نظریه زمینه‌ای به‌عنوان معادل مطلوب مورد استفاده قرار گرفته است.

نظریه زمینه‌ای از جمله روش‌های کیفی جدیدی است که امروزه مورد توجه محققان و دانش‌پژوهان قرار گرفته است. ریشه این روش را می‌توان در اندیشه‌های مکتب کنش متقابل نمادین و نظریات چارلز هورتون کولی و جرج هربرت مید جستجو کرد (Goulding, 1999: 5). در این روش که متفاوت و متمایز از روش‌های غالب پیشین است، با رویکردی نوین نسبت به تحقیق و پژوهش مواجه می‌شویم که معادلات پیشین در امر تحقیق را در هم می‌نوردد. نظریه زمینه‌ای از روش‌های کیفی به‌شمار می‌آید که توانست به‌صورت فراگیر نظر پژوهشگران را به خود جلب کند و با طرح اصول و رویه‌های متمایز از روش‌های پیشین افق جدیدی را پیش روی علاقه‌مندان به روش‌های کیفی قرار دهد.

آنسلم استراوس و بارنی گلیسر به‌عنوان پایه‌گذاران GTM شناخته می‌شوند. این دو جامعه‌شناس با زمینه‌های تحقیقی و فلسفی متفاوت که ناشی از محیط علمی آنها بود توانستند با همکاری نزدیک به شکل‌گیری روش نظریه زمینه‌ای سامان دهند. اگرچه به مرور زمان اختلاف نظر میان این دو فاصله انداخت و استراوس کار خود را با جولیت کوربین به‌صورت

تحقیقات و آثار علمی ادامه داد، اما استراوس و گلیسر هر دو در موفقیت GTM نقش بسزایی داشتند.

معرفی نظریه زمینه‌ای به جامعه علمی توسط این دو جامعه‌شناس با تحقیقی درباره مرگ آغاز شد و در پژوهش‌ها و مقالات دیگر خود این روش را از ابتدا و با یادآوری مبانی و اصول اساسی آن عرضه کردند. روشی که تعاریف اهداف و کاربردها و مراحل و اجرای آن متفاوت به نظر می‌رسید و نیاز به تعریف مفاهیم و آشناسازی مخاطب با فضای جدید به‌طور چشمگیری در آن احساس می‌شد.

به‌طور کلی نظریه زمینه‌ای طراحی شده است تا:

- ۱- به ساختن نظریه پردازد، نه فقط نظریه‌هایی را بیازماید.
- ۲- با توجه به روند تحقیق، دقت و قاطعیت لازم برای ساختن نظریه علمی را فراهم کند.
- ۳- به محقق کمک کند تا به تعصبات و پیش‌داوری‌هایی که دارد یا در ضمن تحقیق برایش پیش می‌آید، فائق آید.
- ۴- زمینه‌ای مبنایی فراهم آورد، بر غنای آن بیفزاید و حساسیت و انسجام لازم را برای ارائه نظریه‌های غنی و منسجم که با واقعیت پیوندی تنگاتنگ دارد، فراهم آورد.

### ۱- روش نظریه زمینه‌ای: اصول و مبانی

این روش اولین بار در سال ۱۹۶۷ توسط استراوس و گلیسر به جامعه علمی معرفی شده است و به‌عنوان رویکردی برای انجام تحقیق کیفی، به‌صورتی که رویه شکل‌گیری آن نه آماری و نه کمی باشد و با تمرکز بر حفره مطالعاتی و جمع‌آوری داده‌ها از منابع مختلف، از جمله مشاهده و

مطالعه آغاز به کار کرد. داده‌های گردآوری شده به‌وسیله رویه‌های کدگذاری و نمونه‌گیری نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و تئوری با کمک رویه‌های تفسیری حاصل می‌شود.

بنابراین گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل در یک رابطه متقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. تحقیق را هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کنند و بعد آن را به اثبات برسانند، بلکه تحقیق از یک حوزه مطالعاتی شروع می‌شود و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط بدان است، خود را نشان دهد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۲). به عبارت دیگر، این روش تحقیق در زمره روش‌های استقرایی قرار می‌گیرد که درست برخلاف رهیافت قیاسی که با نظریه‌های کلی شروع می‌شود و از فرضیه‌هایی برای آزمون تجربی سرچشمه می‌گیرد، کار خود را با مشاهده شروع می‌کند و سپس الگوها، مضامین یا مقوله‌های عام را پیش می‌نهد. این سخن بدان معنا نیست که محققان اندیشه‌ها یا انتظارات پیش‌پنداشته ندارند، در واقع آنچه قبلاً آموخته شده است، کاوش جدید را برای رسیدن به کلیات شکل می‌دهد. اما تحلیل برای تأیید یا رد فرضیه‌های خاص صورت نمی‌پذیرد.

بر همین منوال، گشودگی رهیافت این نظریه، امکان آزادی عمل بیشتری را برای کشف پدیده‌های غیرمنتظره فراهم می‌سازد. مفاهیمی که نظریه یا فرضیه خامی را تشکیل می‌دهند، به هیچ وجه نمی‌توانند نوعی قانونمندی یا ناهمگونی را پیش‌بینی کنند. توانایی شما برای پرداختن به این روش عمدتاً به پرمایگی داده‌های گردآوری شده بستگی دارد. بنابراین صرفاً یک آزمایش که فقط دو یا سه متغیر را می‌سنجد، برای این رهیافت مناسب نیست (بیبی، ۱۳۸۱: ۵۸۷).



نظریه زمینه‌ای، روشی کلان از تحلیل مقایسه‌ای به شمار می‌آید که برای به بار نشستن تئوری، چهار معیار اصلی را در نظر می‌گیرد: انطباق<sup>۱</sup>، قابل فهم<sup>۲</sup>، تعمیم<sup>۳</sup> و کنترل<sup>۴</sup>. چنانچه نظریه‌ها به حقایق روزمره که از زمینه‌ای مستقل نشئت گرفته است، وفادار بمانند و استنتاجی دقیق از داده‌های مختلف به دست دهند، باید با زمینه مستقل منطبق باشند. از آنجا که نظریه نشانگر واقعیت است، لذا باید جامع باشد، یعنی برای کسانی که در آن زمینه به کار مشغولند معنی‌دار باشد (استراوس و کوربین، پیشین: ۲۳).

## ۲- گام نخستین روش نظریه زمینه‌ای

در مراحل اجرای این روش نخستین گام، شناخت مسئله قابل تحقیق است. گرچه منبع مسئله و مسائل تحقیقی در اینجا نیز همچون سایر روش‌هاست، اما مختصر اشاره‌ای بدان، نشانگر اهمیت موضوعی آن است. مسائل تحقیقی از سه منبع سرچشمه می‌گیرد:

۱- مسئله تحقیق پیشنهاد شده یا تفویض شده: بدین صورت که از اساتید و پژوهشگران در یکی از زمینه‌های مورد علاقه پیشنهاد بخواهید، و در صورت تمایل طرفین مشغول به کار شوید. مهم است به خاطر داشته باشید که با هر مسئله‌ای که انتخاب می‌کنید، ناچارید که مدتی زندگی کنید. بنابراین بهتر است که انتخاب نهایی، علایق شما را نیز در بر بگیرد.

- 
1. Fit
  2. Understanding
  3. Generality
  4. Control

۲- متون تخصصی: مطالعه متون در محقق ایجاد انگیزه می‌کند و گاه وجود نکات مبهم، نیاز به تحقیق و مطالعه بیشتر را یادآوری می‌کند. همچنین شاید در ضمن مطالعه متون به نکاتی برخورد کنید که با تجارب شخصی شما تعارض داشته باشد و همان ممکن است کنجکاوی شما را درباره موضوعی تحریک کند و خود نشانگر تحقیقی دیگر می‌شود.

۳- تجارب شخصی و حرفه‌ای: فردی که مسئله‌ای را در زندگی شخصی یا حرفه‌ای خود تجربه کرد، ممکن است این سؤال برایش پیش آید که افراد دیگر چگونه تجربه‌ای با مسئله مشابه کسب کرده‌اند و چگونه آن را برای خود حل کرده‌اند. تجربه شخصی و حرفه‌ای به افراد در انتخاب مسئله تحقیق کردنی کمک بسزایی می‌کند.

### ۳- سؤال تحقیق

روش نظریه زمینه‌ای، نیازمند سؤال تحقیقی خوب و درستی برای ادامه تحقیق است. سؤال تحقیقی، مرزهایی را که باید مورد مطالعه قرار بگیرد، تعیین می‌کند. برای هر محقق غیر ممکن است که تمام جنبه‌های مسئله‌ای را تحت پوشش قرار دهد. سؤال تحقیقی خوب کمک می‌کند که مسئله محدود و دقیق‌تر شود و به شکل کاری مفید درآید. برای به انجام رساندن نظریه زمینه‌ای، به سؤال تحقیقی نیازمندیم که هدف اصلی GTM که تئوری‌سازی است را پوشش دهد، سؤالی که به انعطاف‌پذیری و آزادی عمل در روند تحقیق کمک بسزایی داشته باشد.

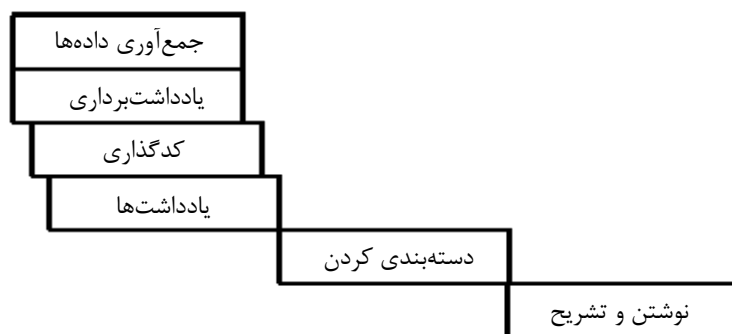
سؤال اولیه که مطرح می‌شود وسیع است، اما به تدریج در ضمن تحقیق محدودتر و متمرکزتر می‌شود و این زمانی صورت می‌گیرد که مفاهیم و روابط مربوط و نامربوط به آنها کشف شوند. پس سؤال تحقیق

به صورت باز و گسترده شروع می‌شود، البته نه آنقدر گسترده که تمام دنیای امکانات را در بر گیرد و نه آنقدر محدود که امکان کشف جدیدی را که هدف اصلی به کارگیری GTM است، از بین ببرد. در مطالعات نظریه زمینه‌ای، قصد ارائه بیانی است که پدیده‌ای را که باید مطالعه شود، مشخص کند و مشخصاً بگوید، روی چه چیزی متمرکز شوید و چه از موضوع می‌خواهید بدانید. چنین سؤال‌هایی توجه را به سوی عمل و روند سوق می‌دهد.

بنابراین سؤال تحقیق خوب، راهنمای محقق است و او را فوراً به بررسی اعمال خاص، شرایطی که حوادث در آن رخ می‌دهند، افرادی که به اعمالی مشغولند یا اطلاع‌رسانی‌هایی برای مصاحبه رهبری می‌کند. سؤال تحقیق به محقق کمک می‌کند که کارش را آغاز کند و در سراسر کار تحقیق تمرکز داشته باشد، و هر وقت که از طرح منحرف شد و یا در توده‌ای از داده‌ها گم شد، مراجعه به سؤال اصلی همیشه برای روشنگری مفید است (همان: ۳۴-۳۸).

#### **۴- کلیات روش کار**

بدیهی است که برحسب موضوع مورد مطالعه و تعیین اهداف اولیه، به طور خام باید جمع‌آوری داده‌های خام صورت پذیرد. بنابراین با چشمانی باز و موشکافانه باید به بررسی ادامه داد. بسیاری از داده‌ها از طریق مشاهده و مصاحبه و در میدان فراگرفته می‌شود. باب دیک، مراحل اجرای روش کار را در نظریه زمینه‌ای در فازهای طراحی شده زیر معرفی می‌کند:



به‌طور خلاصه، جمع‌آوری داده‌ها، یادداشت‌برداری، کدگذاری و به‌یادسپاری یادداشت‌ها از آغاز کار صورت می‌پذیرد. دسته‌بندی زمانی رخ می‌دهد که تمام مقوله‌ها اشباع شده باشند و نوشتن مطالب بعد از دسته‌بندی امکان‌پذیر می‌شود.

برای سهولت تبیین، بهتر است دورنمایی برای خود ترسیم کنید. احساس‌رهایی را از بین نبرید و آزادانه پر بکشید تا زمانی که آنچه به کار شما می‌آید را بیابید، بنابراین نظریه به‌منصه ظهور می‌رسد و در داده‌ها خود را نشان می‌دهد. گلیسر می‌گوید: حتی روش‌ها نیز پدیدار می‌شوند. این موضوع مهمی است که توجه بیشتری را می‌طلبد. آنچه نظریه‌زمینه‌ای را از بیشتر روش‌ها متمایز می‌کند همان ظهور و پدیداری محض آن است. در این روش، فرضیه‌آزمایی مد نظر نیست، از این لحاظ شبیه تحقیق‌کنشی است که هدف آن درک موقعیت است و هدف در اینجا همان‌طور که گلیسر می‌گوید، کشف تئوری در داده‌هاست. در حقیقت، گلیسر دو معیار اصلی برای ارزیابی ظهور و پدیداری تئوری مطرح می‌کند:

ابتدا اینکه با موقعیت متناسب باشد و دوم اینکه کارایی داشته باشد. در این صورت می‌تواند در موقعیت به افراد کمک کند تا درک درستی از تجربه‌هایشان را داشته باشند و بر موقعیت مدیریت بهتری داشته باشند (Dick, 2005).<sup>۱</sup>

#### ۱-۴- جمع‌آوری داده‌ها<sup>۲</sup>

با مشاهده‌ای صحیح و تیزبینانه و مصاحبه همراه با حضور در میدان می‌توان به جمع‌آوری داده‌ها پرداخت. همچنین از هر نوع متنی به طرق مختلف و تا حدی خاص می‌توان استفاده کرد و هر کدام طیف متفاوتی از داده‌ها را به دست می‌دهند. محققان هوشمند، علاوه بر به‌کارگیری متون تخصصی، گاه از دیگر انواع مواد چاپ شده و نشده برای تکمیل مصاحبه‌ها و مشاهده‌های میدانی خود استفاده می‌کنند. قبل از شروع تحقیق، می‌توان از همهٔ انواع متون برای فکر کردن درباره آن و هم برای شروع کار بهره برد. آنها همچنین می‌توانند در ضمن تحقیق مفید باشند و به پیشرفت بررسی کمک کنند. در نهایت می‌توان گفت: در تمام مراحل تحقیق باید مواد چاپ شده را بخوانیم، به‌طوری که سؤالات و روابط آنها باید با داده‌های دسته اول مقابله شود. استفاده از هر متنی به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، آزاد است، به شرطی که محقق به اسارت هیچ کدام از آنها درنیاید (همان: ۵۴-۵۳).

---

1. [www.scu.edu.au/schools/gcm/ar/arp/adatadrive.html](http://www.scu.edu.au/schools/gcm/ar/arp/adatadrive.html).  
2. Data collection

## ۲-۴- یادداشت‌برداری<sup>۱</sup>

گلیسر توصیه می‌کند: در طول انجام مصاحبه یا جلساتی که به جمع‌آوری اطلاعات اختصاص دارد، از ضبط کردن و یادداشت برداری استفاده کنید، اما نه به صورت رونوشت محض و کلمه به کلمه، بلکه از واژگان کلیدی بهره برده و سپس آنها را در ارتباط با مضامین مربوط تفسیر کنید. همچنین پیشنهاد می‌شود که مصاحبه‌ها را ضبط کنید و یادداشت‌هایتان را از طریق ضبط صوت چک کنید. در ضمن اگر بتوانید از حافظه خود مدد جویید، به مراتب بهتر است. آنچه به شما در طول این مدت کمک می‌کند، برقراری ارتباط دوستانه و همدلی است. برای سهولت کار بهتر است از کارت‌های یک دست و قابل حمل استفاده کنید.<sup>۲</sup>

## ۳-۴- کدگذاری<sup>۳</sup>

در نظریه زمینه‌ای، تجزیه و تحلیل از سه نوع کدگذاری تشکیل شده است:

- ۱- کدگذاری باز<sup>۴</sup>؛
- ۲- کدگذاری محوری<sup>۵</sup>؛
- ۳- کدگذاری انتخابی<sup>۶</sup>.

- 
1. Note taking
  2. Ibid
  3. Coding
  4. Open coding
  5. Axial coding
  6. Selective coding

حد فاصل میان انواع کدگذاری غیر واقعی به نظر می‌رسد، چراکه هر کدام از آنها الزاماً در مراحل جداگانه‌ای صورت نمی‌گیرد، از این جهت که میان کدگذاری باز و محوری ارتباط نزدیکی وجود دارد. اگرچه این دو نوع کدگذاری به احتمال قوی در مراحل اولیه طرح صورت می‌گیرد، اما ممکن است در مرحله نزدیک به اتمام انجام شود، نه به این دلیل که در ضمن کدگذاری انتخابی، محقق ممکن است دریابد که بعضی مفاهیم خوب به عمل نیامده‌اند یا به خوبی با سایر مفاهیم مجموعه‌ای هماهنگ را تشکیل نمی‌دهند. با این وصف، هر دو نوع کدگذاری باز و محوری، برای انجام کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد (همان: ۵۸).

#### ۱-۳-۴- کدگذاری باز

فرایندی است که در آن داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا درمی‌آیند و در شروع مطالعه می‌توان از آن استفاده کرد. هدف اصلی کدگذاری باز، مفهوم‌سازی و برچسب زدن به داده‌هاست. در مرحله تجزیه و تحلیل داده و در جستجوی کدها بودن، کدگذاری باز امکان‌پذیر می‌شود. در جریان کدگذاری باز، نظریه پردازان زمینه‌ای به خرد کردن، تجزیه و تحلیل، مقایسه، برچسب زدن و مقوله‌سازی داده‌ها می‌پردازند. کدگذاری منجر به جهت‌یابی قبل از انتخاب شدن می‌شود و داده‌ها را به صورت بخش‌های تحلیلی که صورتی مفهومی به خود می‌گیرد، تبدیل می‌کند (Moghaddam,<sup>1</sup> 2006: 5). مفاهیم، پایه‌های اساسی ساختن نظریه است. کدگذاری باز در روش نظریه زمینه‌ای روندی است که در آن

---

1. [www.iier.org.au/iier16/moghaddam.html](http://www.iier.org.au/iier16/moghaddam.html).

## ۳۷۶ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

مفاهیم شناسایی می‌شوند و برحسب خصوصیات و ابعادشان گسترش می‌یابند.

روش‌های تحلیلی اساسی که بدان وسیله این کار انجام می‌شود، عبارت است از: سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، حوادث و دیگر حالت‌های پدیده‌ها برای کسب مشابهت‌ها و تفاوت‌ها. حوادث و موارد مشابه طبقه‌بندی می‌شوند و برچسبی می‌گیرند تا مقولات را بسازند. البته گسترش مقولات با توجه به خصوصیات و ابعاد آنها ساخته و پرداخته می‌شود. شناسایی خصوصیات و ابعاد و گسترش منظم آنها از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا آنها پایه روابط بین مقوله‌ها و خرده‌مقوله‌ها و حتی اساس رابطه بین مقولات عمده را تشکیل می‌دهند. بنابراین درک ماهیت خصوصیات و ابعاد و رابطه آنها، پیش‌نیاز رسیدن به درک همه رویه‌های تحلیلی برای ایجاد نظریه زمینه‌ای است (همان: ۶۳-۷۴).

کدگذاری باز، بخشی از تحلیلی است که با شناسایی، نام‌گذاری، مقوله‌سازی و توصیف پدیده‌هایی که در متن یافت می‌شود، همراه است. لزوماً هر خط، جمله، پاراگراف و غیره خوانده می‌شود، به‌منظور اینکه پاسخی به این سؤال تکراری باشد که «این در رابطه با چه چیزی است؟ اینجا به چیزی ارجاع می‌دهد؟»

### ۲-۳-۴- کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، تکیه بر مشخص کردن یک پدیده با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد قرار دارد و آن شرایط عبارت است از زمینه‌ای که مقوله در آن واقع شده است، استراتژی‌های



#### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳۷۷

کنش / کنش متقابل که بدان وسیله مقوله اداره و کنترل می‌شود و به انجام می‌رسد و پیامدهای آن راهبردها. این‌گونه مشخص کردن ویژگی‌های مقوله، بدان دقت و ظرافت می‌بخشد، از این‌رو خرده‌مقوله نامیده می‌شود. الگوی پارادایمی که برای آن طراحی شده از این قرار است:

(A) شرایط علی < (B) پدیده <

(C) محتوی < (D) شرایط مداخله‌گر <

(E) راهبردهای کنش / کنش متقابل <

(F) پیامدها

به‌طور کلی کدگذاری محوری، روند ارتباط دادن خرده‌مقولات به یک مقوله است. جریان پیچیده‌ای از تفکر استقرایی و قیاسی است که متضمن مراحل مختلف است. کدگذاری محوری مانند کدگذاری باز، از راه مقایسه‌ها و طرح پرسش‌ها صورت می‌گیرد. در کدگذاری محوری استفاده از این شیوه‌ها بیشتر متمرکز است و به طرف کشف روابط و ربط دادن مقولات به یکدیگر در راستای یک پارادایم سوگیری شده می‌رود (همان: ۹۸-۱۱۶).

#### ۳-۳-۴- کدگذاری انتخابی

فرایند انتخاب یک مقوله، برای مقوله مرکزی و مرتبط ساختن تمام مقولات دیگر به آن مقوله مرکزی است. ایده اصلی آن، گسترش خط اصلی داستان است که همه چیز حول آن شکل می‌گیرد. این باور وجود

دارد که این مفهوم مرکزی همیشه وجود دارد (Bogatti,<sup>1</sup> 2003). به‌طور خاص، کدگذاری انتخابی به روند انتخاب مقوله اصلی و مرکزی به‌طور منظم و ارتباط دادن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند، می‌پردازد.

کدگذاری تا مرحله‌ای ادامه دارد که از آن پس اطلاعات شما در آن دسته اصلی اضافه نمی‌شود، سپس کدگذاری متوقف می‌شود. این مرحله اشباع نام دارد. سپس ماتریس شرطی که وسیله تحلیل قوی برای به دست آوردن و تسخیر شرایط و پیامدهایی است که بر پدیده‌ای خاص اثر می‌گذارد، با تعقیب شرایط و مسیرهای ضمنی مهم از طریق سطوح متفاوت ماتریس می‌توان مشخص کرد که کدام سطوح مناسب هستند و پدیده را به وسیله تأثیرشان به کنش / کنش متقابل به آنها مربوط ساخت.

#### ۴-۴- نمونه‌گیری نظری<sup>۲</sup>

روش نمونه‌گیری منطبق بر سه نوع رویه کدگذاری تعیین می‌شود و علاوه بر آن، به حساسیت نظری بستگی دارد. به‌رغم اهمیت نوع کدگذاری، هر چه بیشتر به ارتباط نظری مفاهیم خاص حساس باشید به همان نسبت، بیشتر شاخص‌های آنها را در میدان تحقیق و داده‌ها تشخیص می‌دهید. این حساسیت معمولاً در سراسر طرح تحقیقاتی رو به افزایش است و به شما در مورد اینکه دنبال چه مفاهیمی بگردید و کجا ممکن است شواهدی برای آنها بیابید و چگونه شاخص بودن آنها را

---

1. <http://www.analytictech.com/mb870/introtoGT.htm>.

2. Theoretical sampling

تشخیص دهید، کمک می‌کند.

از آنجایی که حساسیت با گذشت زمان فزونی می‌یابد، پس یک ویژگی مهم این است که محقق می‌تواند هم از داده‌هایی که قبلاً گردآوری شده است، نمونه‌گیری کند و هم از داده‌هایی که قرار است گردآوری شوند. در نظریه زمینه‌ای از حوادث، وقایعی که به نظر می‌رسد نمایشگر مفاهیمی هستند که رابطه نظری دارند نمونه‌گیری می‌شود. افراد، مکان‌ها و اسناد، ابزاری هستند که می‌توان از آنها داده‌ها را کسب کرد.

روش نمونه‌گیری با توجه به نوع کدگذاری طراحی می‌شود. در کدگذاری باز، نمونه‌گیری باز تا رسیدن مورد استفاده قرار می‌گیرد. بازبودن یا گشودگی به مراتب بیش از ویژه‌سازی، راهبر ما در انتخاب نمونه‌هاست. نمونه‌گیری باز را می‌توان به صورت هدفمند یا به صورت تصادفی به انجام رساند. این نمونه‌گیری شامل نمونه‌گیری در محل هم می‌باشد. نمونه‌گیری نسبی و متنوع در کدگذاری محوری انجام می‌گیرد، هدف آن به حداکثر رساندن تفاوت‌های دریافت شده در سطح بعدی است. این کار را می‌توان به‌طور ارادی و منظم به انجام رساند.

نمونه‌گیری گزینشی در کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد. هدف از آن این است که فرصت تأیید و تصویب رشته حکایت (داستان اصلی) و ارتباط بین مقولات را به حداکثر برسانیم و خلأ موجود را در مقولات ضعیف و نارسا پرکنیم. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد.

#### ۴-۵- یادداشت‌ها

یادداشت‌ها اسنادی هستند که فرد برای تحلیل داده‌های خود آنها را یادداشت کرده است. یادداشت کردن به موازات جمع‌آوری اطلاعات، نوشتن و کدگذاری ادامه می‌یابد. در واقع یادداشت نوشته‌ای است برای خودتان، در مورد فرضیه‌هایی که به شما در مورد یک دسته یا ویژگی، مخصوصاً در ارتباط میان دسته‌ها دارید. یادداشت‌برداری تا زمانی که به مرحله اشباع برسد، ادامه دارد. در این مرحله به تئوری حاصل از این داده‌ها نزدیک می‌شویم.

#### ۴-۶- دسته‌بندی<sup>۱</sup>

هدف، چگونگی گزارش تحقیق و رسیدن به تئوری مناسب است. یکی از فواید استفاده از کارت‌ها برای یادداشت برداری، سهولت در دسته‌بندی است. ابتدا گروه‌های مشابه از درون کارت‌ها جدا می‌شوند و سپس این گروه‌ها به شکلی مرتب می‌شوند که دسته‌بندی که خود، حاصل ارتباط میان گروه‌ها است، خود را نشان دهد.

#### ۴-۷- تشریح و نوشتن<sup>۲</sup>

رسیدن به یک ساختار تشریحی است که به صورت یک پیش‌نویس اولیه بوده و با در نظر گرفتن ترتیب نوشتن کارت‌ها و کامل کردن آنها شکل می‌گیرد. البته لحاظ کردن انعطاف‌پذیری و خود تصحیحی در تمام روند کار به کارآمدی و بهینه‌سازی آن کمک بیشتری می‌کند. منظور از

---

1. Sorting  
2. Writing

انعطاف پذیری، قابلیت رفتن به اطراف و تعقیب زمینه‌های تحقیق است که احیاناً پیش‌بینی یا برنامه‌ریزی نشده‌اند. به نظر می‌رسد این کار روشنگر زمینه مورد تحقیق باشند یا نگرش جدیدی به محقق بدهند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

## ۵- حساسیت نظری<sup>۱</sup>

ایده اصلی رویکرد نظریه زمینه‌ای خواندن و دوباره خواندن متون است و کشف کردن یا برچسب زدن بر متغیرها تحت عنوان‌هایی چون مقولات، مفاهیم و ارتباط بین آنها جزء اساسی اصول کار می‌باشد. توانایی درک متغیرها و ارتباط بین آنها با اصطلاحی به نام حساسیت نظری شناخته می‌شود که متأثر از قضایایی چون خواندن و مرور آثار و کاربرد تکنیک‌هایی که حساسیت نظری را افزایش می‌دهد، است (Bogatti,<sup>2</sup> 2003: 2).

به‌طور کلی حساسیت نظری به کیفیت شخصی محقق بستگی دارد و نشانگر آگاهی از ظرافت‌ها و معنی داده‌هاست و بدون آن، کار تحقیقی به‌صورت کامل در نظر گرفته نمی‌شود. حساسیت نظری به این خصوصیات اطلاق می‌شود: بصیرت داشتن، مهارت داشتن در معنی‌دار کردن داده‌ها، استعداد درک و قدرت تجزیه کردن عناصر مربوط از عناصر نامربوط. همه اینها در معنا و در سطح مفهومی صورت می‌گیرد، نه در سطح واقعیت‌های ملموس. با مددجویی از حساسیت نظری، محقق می‌تواند نظریه‌ای زمینه‌ای ارائه دهد که از نظر مفهومی، غنی و از انسجام

---

1. Theoretical Sensitivity

2. Ibid

مناسبی برخوردار باشد.

حساسیت نظری از منابعی چون متون و مطالب نوشته شده می‌تواند نشئت بگیرد. آشنایی با این نشریات زمینه فکری غنی از اطلاعات را فراهم می‌آورد که محقق را به موضوعی که در دست مطالعه دارد، حساس می‌کند. تجارب حرفه‌ای از دیگر منابع حساسیت نظری است. محقق در مورد این‌گونه شناخت‌های ناشی از تجربه‌های حرفه‌ای، حتی با توجه به ضمنی بودن آن، به محیط تحقیق روی می‌آورد تا به درک حوادث و اعمالی که دیده و شنیده می‌شود کمک کند. تجربه‌های حرفه‌ای هرچه بیشتر باشد، فرد به همان اندازه پایگاه اطلاعاتی غنی‌تری خواهد داشت تا بتواند از آنها در تحقیق استفاده کند.

تجارب شخصی منبع دیگری برای حساسیت نظری می‌تواند باشد، به‌طوری که محقق می‌تواند با استفاده از تجربه شخصی که داشته، زمینه‌ای مناسب برای مقایسه پیدا کند. به‌عنوان نمونه، کسی که طلاق را تجربه کرده است، نسبت به از دست دادن کسی حساس می‌شود و از این طریق که مبنای آن مقایسه است، متوجه می‌شود که تجربیات افراد دیگر شباهت یکسانی به تجربیات فرد ندارد. بنابراین حساسیت نظری در ضمن تحقیق از راه کار کردن با داده‌ها، به‌وسیله گردآوری و تجزیه و تحلیل آنها به دست می‌آید.

با عنایت به اینکه روش‌های تحلیلی به‌کار گرفته شده برای ایجاد حساسیت نظری در معنا به خلاقیت و قدرت تخیل فرد مربوط است، این امر بدون نوعی هماهنگی و توازن بین واقعیت و آنچه که به‌وسیله محقق خلق شده است محقق نمی‌شود (همان: ۳۹-۴۴). به‌طور کلی می‌توان گفت که حساسیت نظری باید در تمام روند تحقیق به‌عنوان یک اصل

کلی رعایت شود و ارتقای آن مد نظر قرار گیرد.

### ۱-۵- حساسیت نظری و خلاقیت

ارتباطی مستقیم و معنا دار میان حساسیت نظری و خلاقیت وجود دارد که نشان دهنده رویه علمی بودن نظریه زمینه‌ای نیز می‌تواند باشد که اگر به خوبی دنبال شود، با معیارهای انجام کار علمی خوب منطبق خواهد شد، همانند: اعتبار، سازگاری مشاهده و نظریه، قدرت تعمیم‌دهندگی، قابلیت بازآفرینی، دقت، قاطعیت و اثبات پذیری.

خلاقیت یکی از اجزای مهم روش نظریه زمینه‌ای است، به طوری که محقق را مجبور می‌سازد، پیش‌فرض‌ها را درهم شکند و طرحی نو دراندازد. همچنین باعث می‌شود که ذهن از قالب‌های بسته خارج شود و روزنه‌ای جدید را برای آفرینش باز می‌کند. مقایسه و تطبیق، محقق را حساس می‌کند و او را قادر می‌سازد تا مقولات بالقوه را شناسایی و شرایط مربوط و پیامدها را موقعی که در داده‌ها نمایان می‌شود، معین کند. البته محقق باید تلاش کند، مقولات و اظهارات مربوط به روابط آنها را که ابداع کرده است از طریق روند تحقیق اعتبار بخشد.

بنابراین حساسیت نظری نشان می‌دهد که فرد می‌تواند نه تنها از تجربه‌های شخصی و حرفه‌ای، بلکه از متون نیز به‌طور خلاق استفاده کند. این امر تحلیلگر را قادر می‌سازد تا شرایط تحقیقی و داده‌های مربوط به آن را از دید جدیدی بنگرد و توانایی بالقوه داده‌ها را جهت پرداختن نظریه‌ای جدید بکاود.

برای استفاده خلاق از شناخت و تجربه‌های شخصی باید توجه زیادی به پیشنهادها زیر داشت:

- به‌طور متناوب به عقب برگردید و بپرسید چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ آیا آنچه فکر می‌کنم با واقعیت داده‌ها مطابقت دارد؟ پرسش‌ها و نگاه دقیق نسبت به عملکرد می‌تواند راهنمای خوبی برای ادامه کار باشد؟  
- اتخاذ نگرش متفاوت: بدین صورت که همه توضیح‌های نظری، مقوله‌ها، فرضیه‌ها و سؤالات درباره داده‌ها، مستقیم یا غیر مستقیم با مقایسه به دست آمده باشند یا از متون و یا از راه تجربه کسب شده باشند، باید موقتی تلقی شوند یعنی آزمودن آنها همیشه لازم است. بنابراین باید آنها را با داده‌های واقعی مطابقت داد و هرگز آنها را به‌عنوان حقیقت نپذیرفت، چراکه هر توضیح نظری یا مقوله‌هایی که به محیط تحقیق آورده شوند تا زمانی که با داده‌ها تأیید نشوند، موقتی محسوب می‌شود.

- رویه‌های تحقیق را تعقیب کنید: رویه‌های تحقیق و روش‌های گردآوری اطلاعات برای نیرو بخشیدن به مطالعه طراحی شده‌اند. آنها در ضمن به محقق کمک می‌کنند که تعصب‌ها را بشکنند و او را به سمت ارزیابی پیش‌فرض‌ها هدایت می‌سازد. بنابراین تناوب میان داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها به محقق اجازه می‌دهد، نمونه‌گیری بر مبنای مفاهیمی که با شرایط مرتبطند و خود را در ضمن تحقیق نشان می‌دهند، صورت گیرد و همچنین فرضیه‌هایی که در روند تحقیق به وجود می‌آیند معتبر شوند. در نتیجه می‌توان یافته‌های بی‌اعتبار را تغییر داد تا با واقعیت شرایط تحت مطالعه مطابقت کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که نظریه خوب متأثر از ارتباط دوسویه خلاقیت و مهارت‌هایی است که از طریق تعلیم ایجاد می‌شود (همان: ۲۷-۴۵).



## ۲-۵- روش‌های ارتقای حساسیت نظری

ارتقای حساسیت نظری، خوب دیدن را در محقق تقویت می‌کند و باعث می‌شود تا از چهارچوب‌های بازدارنده ذهنی خارج شود. کشف نظریه در داده‌ها به حساسیت نظری نیازمند است، به عبارت دیگر، استعداد دیدن عمقی و تحلیلی آنچه در برابر محقق ظاهر می‌شود. برای داشتن ذهنی باز که آمادگی تجزیه و تحلیل منطقی و روشنگرانه داشته باشد، باید از روش‌های زیر بهره گرفت:

۱- استفاده از سؤال کردن: هدف از سؤال کردن توسعه و گسترش داده‌ها، فکر کردن درباره مقولات بالقوه و خصوصیات و ابعاد آنهاست. آنها به محقق کمک می‌کنند که در مصاحبه‌های بعدی یا در متون و نوشته‌های مربوط، سؤالات دقیق‌تری پرسیده شود. با طرح سؤالاتی خوب و دقیق می‌توان به مطالب زیادی دست یافت.

۲- تجزیه و تحلیل یک کلمه، عبارت و جمله: لازم نیست حتماً یک پاراگراف کامل یا فهرستی از سؤالات را داشته باشید تا بتوانید داده‌ها را گسترش دهید. این کار را می‌توان با یک جمله، یک عبارتی کوتاه یا حتی گاه با یک کلمه انجام داد.

تجزیه و تحلیل یک کلمه به عبارت یا یک جمله، تجربه با ارزش ویژه‌ای است، زیرا به محقق می‌آموزد، چگونه درباره معانی ممکن، سؤالاتی را طرح کند. با تمرین مکرر می‌توان به رشد قدرت خلاقه‌ای که به تجزیه و تحلیل داده‌ها کمک کند، دست یافت. تحلیل بیشتر از طریق مقایسه حاصل می‌شود و به حساسیت نظری بیشتر نیز کمک میکند.

۳- روش تناوبی: ممکن است در روند کار، ذهن یارای مدرسانی بیشتر را نداشته باشد، در چنین صورتی می‌توانید با استفاده از روش

الاکلنگی (تناوبی) فلج فکری خود را بشکنید. به عبارت دیگر، با وارونه کردن مفهوم تسلط و تصور درست عکس قضیه. حال اگر به یادداشت‌های خود یا نوشته‌های منتشر شده نگاه کنید، می‌توانید بهتر تمرکز کرده و به خصوصیات و ابعادی توجه کنید که بدون این تمرین کوچک، نادیده گرفته شده بودند. همچنین این تمرین باید به شما کمک کند تا درباره داده‌ها، تحلیلی فکر کنید نه توصیفی، مقولات و خصوصیات اولیه را ایجاد کنید و به سؤالات خلاق بیندیشید.

۴- مقایسه شماتیک دو یا چند پدیده: باید تلاش شود تا الگوهای قدیمی فراموش شده و در همان حال، آنچه با اهمیت و مهم جلوه می‌کند نگهداشته شود. به وسیله انجام مقایسه‌های منظم در اوایل تجزیه و تحلیل‌ها می‌توان به این مطلب دست یافت. در این میان با پرسیدن سؤالات می‌توانید از متون فاصله بگیرید و امکانات بیشتری فراهم می‌شود تا به نتایج مشابه به متون نیز دست یابید، اما توضیحات نظری به مراتب فشرده‌تر خواهد بود، زیرا آن سؤالات، محقق را از قالب‌های فکری معمول دور ساخته و اجازه می‌دهد کانال‌های فکری دیگر را تفحص کند و در نهایت بصیرت جدیدی به مسئله پیدا کند.

۵- مقایسه دوررس: برخی تحلیلگران هنگام انجام مقایسه، تا حد زیادی خود را به موضوع مطالعاتی نزدیک می‌کنند و از مقایسه دوررس می‌گریزند، زیرا فکر نمی‌کنند با انجام چنین مقایسه‌هایی ممکن است بتوانند چیزی بیاموزند. بنابراین بهتر است محدود به یک نوع مقایسه نبود و تا آنجا که ممکن است از قیود عوامل محدودکننده رها بود.

۶- توقف کنید: این روش کمک می‌کند به ماورای آنچه به نظر بدیهی می‌رسد، دست یافت. محقق می‌تواند به عباراتی چون «هرگز»،

«همیشه»، «نمی‌تواند چنین باشد»، «همه می‌دانند آن چگونه است» و «نیازی به بحث نیست» بسیار حساس باشد، به طوری که هرگاه از این قبیل کلمات و عبارات می‌شنود، بلافاصله باید چراغ قرمز خیالی را روشن کرده و مکث کند. این گونه عبارات همچون ترمزی عمل می‌کنند که نیاز به نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر را مطالبه می‌کنند. بنابراین هیچگاه محقق نباید موضوعی را به صورت ثابت و نهایی تلقی کند، در این صورت کلید کشف جواب‌ها را از خود دور کرده است (همان: ۷۵-۹۶).

بنابراین بازبینی مجدد و انعطاف‌پذیری و خود اصلاحی منجر به ارتقای آگاهی محقق می‌شود و مانع از تأثیرپذیری وی از حوادث محیط پیرامون می‌شود. با حساسیت نظری می‌توان به هدف اصلی روش نظریه زمینه‌ای که تنظیم تئوری و نظریه است، دست یافت، به طوری که با واقعیت پدیده مورد مطالعه نیز سنخیت بیشتری داشته باشد.

## ۶- نتیجه‌گیری

نظریه زمینه‌ای از جمله روش‌های کیفی است که امروزه در تحقیقات، کاربرد بسیاری دارد. استراوس و گلیسر هدف چنین روشی را نظریه‌سازی می‌دانند و معتقدند: روشی است که به فرضیه آزمایشی منجر نمی‌شود، بلکه ساخت یک تئوری حاصل آن است.

روش عمل در تجزیه و تحلیل به شیوه نظریه زمینه‌ای از این قرار است: مصاحبه‌ها و یادداشت‌های مبنایی باید پیش از مشاهده‌ها و مصاحبه‌های بعدی در همان مراحل اولیه به طور کامل ثبت و تجزیه و تحلیل شوند. قبل از شروع می‌توان از همه انواع متون هم برای فکر کردن درباره آنها و هم برای شروع کار بهره برد، آنها همچنین می‌توانند در

ضمن تحقیق مفید باشند و به پیشرفت بررسی کمک کنند. سؤال‌های خوب لازمه چنین تحقیقی است، سؤال اصلی تحقیق، راهنمایی است که محقق را فوراً به بررسی اعمال خاص، شرایطی که حوادث در آن رخ می‌دهند، اسناد، افرادی که به کارهایی مشغولند یا اطلاع‌رسان‌هایی برای مصاحبه، هدایت می‌کنند. مراجعه به سؤال اصلی همانند چراغ راهنما محقق را از گم‌گشتگی بازمی‌دارد.

روند تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کدگذاری صورت می‌گیرد و نشانگر عملیاتی است که طی آن، داده‌ها خرد و مفهوم‌پردازی شده و سپس به روش جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند. بنابراین کدگذاری روند اصلی ساختن و پرداختن نظریه از داده‌هاست.

کدگذاری به سه صورت امکان‌پذیر است: ۱- کدگذاری باز، ۲- کدگذاری محوری و ۳- کدگذاری انتخابی.

نمونه‌گیری نظری در نظریه زمینه‌ای با توجه به نوع کدگذاری صورت می‌گیرد و نمونه‌گیری از حوادث و وقایعی که به نظر می‌رسد نشانگر مفاهیمی هستند که می‌توان از آنها داده‌ها را کسب کرد، انجام می‌شود. نمونه‌گیری وسیله‌ای برای پر کردن خلأها است و به نوعی به بازنگری مجدد داده‌ها می‌پردازد و حتی داده‌های بیشتری را گردآوری می‌کند و نیازمند پشتکار و دقت زیادی است.

برخلاف نمونه‌گیری در بررسی‌های کمی، نمونه‌گیری نظری را قبل از اقدام به مطالعه نظریه زمینه‌ای نمی‌توان برنامه‌ریزی کرد. تصمیم‌گیری‌های خاص مربوط به نمونه‌گیری در طول روند تحقیق خود پدید می‌آیند. در روند شکل‌گیری نظریه زمینه‌ای آنچه باید همیشه مد نظر محقق باشد، حساسیت نظری است، یعنی توانایی تشخیص اهمیت

داده‌ها و معنی دار بودن آنها.

حساسیت نظری از آگاهی خوب درباره متون تخصصی و همچنین از تجربه‌های شخصی و حرفه‌ای سرچشمه می‌گیرد. روند تحلیل، منبع دیگری برای حساسیت نظری است. بصیرت و درک بیشتر پدیده بر اثر کار کردن درباره آنها، انجام مقایسه‌ها، فکر کردن درباره رویدادها و... صورت می‌گیرد.

با به‌کارگیری بصیرت و خلاقیت می‌توان به حساسیت نظری غنا بخشید و این امر با انعطاف‌پذیری و همچنین پرسیدن سؤالاتی که منجر به خوداصلاحی می‌شود و اعتبار بخشیدن مداوم به آنها توسط خود داده‌ها و با پیگیری و رویه‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها شکل می‌گیرد. درنهایت می‌توان گفت: روش نظریه زمینه‌ای به‌دلیل حضور مستمر محقق در روند تحقیق، از اعتبار زیادی برخوردار است و از ویژگی‌های ارزنده آن حساسیت نظری، قدرت انعطاف‌پذیری و خوداصلاحی آن می‌باشد.

با این حال از ضعف‌های این روش می‌توان به قابلیت روایی پایین آن نسبت به دیگر روش‌ها اشاره کرد و اینکه در مورد جمعیت‌های بزرگ و کمی کاربرد ندارد. به هر حال، امروز نظریه زمینه‌ای در رشته‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و همچنین پزشکی و دامپزشکی کاربرد گسترده‌ای دارد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. استراوس، آنسلم و جولیت کوربین، اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنايي، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۲. بی، ارل، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

### ب) منابع لاتین

1. Bogatti, Steve, Introduction to Grounded Theory, 2003, available at: <http://www.analytictech.com/mb870/introtoGT.htm>.
2. Dick, Bob, Grounded Theory, 2005, available at: [www.scu.edu.au/schools/gcm/ar/arp/adatadriv.html](http://www.scu.edu.au/schools/gcm/ar/arp/adatadriv.html).
3. Goulding, Christina, Grounded Theory: Some Reflections On Paradigm, Procedures and Misconceptions, university of Wolverhampton, UK, 1999.
4. Moghaddam, Alireza, Coding Issues in Grounded Theory, 2006, available at: [www.iier.org.au/iier16/moghaddam.Html](http://www.iier.org.au/iier16/moghaddam.Html)

## دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو به‌عنوان روشی در مقابل روش‌های تاریخی متداول در علوم اجتماعی

محمد شیرازی\*

قربانعلی آقا احمدی\*\*

### مقدمه

اگرچه دیرینه‌شناسی<sup>۱</sup> و تبارشناسی<sup>۲</sup> فوکو به بن‌مایه‌های تاریخ نظر دارند، ولی تفاوت ماهوی و ذاتی آنها با روش‌های تاریخی کاملاً محسوس است. دانشمندان علوم اجتماعی از نظر تاریخی<sup>۳</sup> همواره در پی طرح این ادعا بوده‌اند که ردای «علم»<sup>۴</sup> بر تن علوم اجتماعی برانزده است و از همین روی الگوی پژوهش‌های خود را از علوم طبیعی گرفته و همواره

---

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات و مدرس دانشگاه کاشان.

\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس.

1. Archeology
2. Geneology
3. Historically
4. Science

کوشیده‌اند تا اعتبار علمی علوم اجتماعی را از نظر تاریخی تأمین نمایند. بر همین مبنا الگوی پژوهش‌های خود را از علوم طبیعی و با رویکرد تکامل - تاریخی<sup>۱</sup> اخذ کرده‌اند.

در نتیجه علوم اجتماعی توفیقات خود را از همین زمینه کسب کرده است و این یعنی ارزیابی اینکه علوم اجتماعی از چه جهاتی شبیه علوم طبیعی بوده است و از چه جهاتی شبیه آن نیست. اگرچه این نگرش بصیرت‌ها و بینش‌های مهمی به پژوهش درباره انسان‌ها بخشیده است، اکنون دیگر فیلسوفان علوم اجتماعی یا پردازندگان به این علوم را مسحور نمی‌کند و نگرش تازه‌تری لازم است که با دل‌بستگی‌های فرهنگی و فکری جاری تناسب بیشتری داشته باشد (فی، ۱۳۸۱: ۹).

این نگرش جدید، نسبی‌گرایی<sup>۲</sup> است و با بسط آن در حوزه روش‌شناسی می‌توان اذعان داشت: رجحان و برتری در زمینه بررسی مسائل اجتماعی به هیچ روشی تعلق نمی‌گیرد و اصرار بر استفاده از تکنیک‌های معمول نمی‌تواند ایجاد جاهت و اعتبار علمی کند. از این‌رو در تحلیل گفتمان‌های حاکم بر جوامع بشری ضرورت به‌کارگیری روش دیرینه‌شناسی را برای فضای چندگانه و پیچیده مناسب می‌نماید، زیرا روش‌های دیگر از جمله روش‌های سنتی - تاریخی نمی‌توانند به کشف بن‌مایه و ذات و ماهیت پدیده مورد بررسی نائل شوند. اگرچه باید به‌طور ویژه از دوگانه انگاری همراه با قطعیت الزام به یک روش را در شناخت پدیده منتفی دانست.

---

1. Revolutionary - historical approach

2. Relativism



از این رو اصرار به فهم و کشف جوهر و ذات آنچه مورد پژوهش است، دانشمندان را وادار به وسوسه‌های بزرگ کرده است. از یک سو، وسوسه بزرگ در علوم اجتماعی وسوسه وضوح ثابت ماندن و نظم است، در حالی که کاملاً روشن است که حتی یکدست‌ترین جوامع در ظاهر و در باطن خود تفاوت‌های مهمی دارند. از دیگر سو، از وسوسه‌های بزرگ در علوم اجتماعی سودای عمومیت، یکسانی و تکرار است. در اینجا موفقیت در توضیح، کشف الگوهای کلی تکرارشونده قوانین عام اساسی در مورد کارها و کرده‌های همهٔ ابناء بشر (مثل الگوهای کیهانی افلاک) دانسته می‌شود (همان: ۴۲۱-۴۲۰). این توصیف از خصلت تاریخ در پی یافتن قوانین عام درباره کرده‌های بشری خیلی دور از انتظار نیست، اما چنان انتزاعی است که یافته‌های علوم اجتماعی با عنایت به این قوانین عام قابل پاسخ دادن نیستند.

### ۱- ضرورت روش‌های تاریخی

چرا به گذشته رجوع می‌کنیم؟ در این بازگشت به دنبال چه چیزی هستیم؟ برگ‌های رنگ و رو رفته تاریخ مورد کندوکاو قرار می‌گیرد تا پدیده‌های یکتا، واحد و منحصر به فرد که شاید هیچگاه تکرار نشوند، مورد شناسایی قرار گیرند. در واقع تحقیقات جامعه‌شناسی باید به‌گونهٔ خاص خود از تاریخ بهره‌گیرند، از تاریخ‌نگاری بپرهیزد و راه جدیدی را بگشاید. از همین روی «اکثر دانشمندان که به جامعه‌شناسی وابسته بوده و جامعه‌شناس محسوب شده‌اند، در تمام دوره‌های حیات خود جز روش تاریخی روش دیگری را در تحقیقات خود مورد استفاده قرار نداده‌اند» (مرتضوی، ۱۳۵۲: ۱۷۳).

بنابراین رسالت جامعه‌شناسی در بررسی پدیده‌ها در جهتی است که مهم‌بافی، اغراق‌گویی و ابهام در آن راهی ندارد و در این راستا با مشاهده حرکت واقعیت‌ها و مسیر و آهنگ آن دست به پیش‌بینی می‌زند، هرچند عدم قطعیت و عدم تعمیم در این احکام الزامی است و نباید به روشنی احکام علوم خالص بر آن پای فشرد. در همین راستا گفته می‌شود که «متخصص علوم انسانی باید دارای دو نوع درک باشد، یکی درک تاریخی، تا دقیقاً آنچه را خاص هر دوره و هر هیئت حقوقی است درک کند و دیگری درکی نظام‌بخش تا هر مفهوم و هر قضیه (یا هر تصور/ تصدیق) را در ارتباط و مقابله زنده‌اش با کل، یعنی در هیئت رابطه یا مناسبتی که تنها مقدم امر حقیقتی و امر واقعی است در نظر بگیرد. بدیهی است که این مذهب تاریخی با مذهب تاریخی که درصدد معقول ساختن امر واقعی است، تفاوت دارد (فرونده، ۱۳۶۲: ۳۰). شناخت این پدیده‌ها از جهاتی چند حائز اهمیت هستند:

الف) ضرورت شناخت تغییرات اجتماعی،

ب) شناخت گذشته و دستیابی به توان لازم برای پیش‌بینی آینده،

ج) پیوست واقعیت و امتداد تاریخی.

بنابراین اگر گذشته را بازباییم، کلید آینده را در دست گرفته‌ایم. وایت‌هد<sup>۱</sup> در مقام دانشمند مطلق، بدین نکته تأکید دارد که هر حادثه که پیش می‌آید، در خود گذشته‌ای و جوانه‌ای از آینده دارد» (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). از طرف دیگر «همان‌گونه که در شناخت واقعیت اجتماعی به ابعاد زمانی و مکانی باید توجه شود، به همان سیاق نیز گذشته بُعد

---

1. A. N. Whitehead

اجتناب‌ناپذیر واقعیت است و بدون آن شناخت ناقص خواهد بود» (همان: ۲۰۰).

نگرش فوکو به تاریخ کاملاً خلاف این جریان است. او نه تنها ضرورتی برای شناخت تغییرات و آهنگ آن احساس نمی‌کند، بلکه تقسیم‌بندی عوامل مادی و عوامل غیر مادی از نظر او مهم‌تر است. فوکو هیچگونه پیوستگی و امتدادی در تاریخ ملاحظه نمی‌کند و بر گسست‌ها<sup>۱</sup>، انقطاع<sup>۲</sup> و ویژگی خاص هر دوره تأکید دارد. رخداد واقعه‌ای است که اتفاق می‌افتد، بدون اینکه هیچ نیتمندی آگاهانه استعلایی در کار باشد و روحی که در هر لحظه به واقعیت بپیوندد بر تاریخ حاکم نیست. از این رو تاریخ‌گرایی در معنای محدود کلمه بینش و آموزه‌ای به شمار می‌رود که به موجب آن، تغییرات اجتماعی یا توسعه تاریخی تابع قانون توالی جبری است که به تاریخ جهت می‌دهد.

در این حالت، تاریخ‌گرایی و تکامل‌گرایی عملاً دو اصطلاح مترادف هستند و تفاوتشان تنها در این است که مرجع قرار دادن تکامل زیست‌شناختی<sup>۳</sup> (به معنای پیشرفت در پیچیدگی) در تکامل‌گرایی مستقیم‌تر است تا در تاریخ‌گرایی (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۱۵۲) اساسی‌ترین انتقاد وارد بر این نوع نگرش‌ها، این است که نظام‌های اجتماعی را به‌عنوان نظام‌های بسته‌ای که در شرایط ویژه‌ای به‌صورت پایدار عمل می‌کنند، تفسیر می‌کنند.

- 
1. Dissociation
  2. Cessation
  3. Biological evolution

## ۲- ویژگی روش‌های تاریخی

در این روش، حوادث خاص تاریخی در فرایند ویژه‌ای<sup>۱</sup> قرار داده می‌شوند تا یک واقعه خاص تولید شود. «برحسب تبیین تاریخی، واقعه خاص در زمینه تاریخی معین قرار داده می‌شود، آنگاه از طریق سلسه حوادثی که در مرحله پایانی، به تولید آن واقعه منجر شده‌اند، تبیین می‌شود» (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۶).

به‌منظور تکمیل تبیین تاریخی واقعه‌ها در زمینه فرهنگی<sup>۲</sup> خود قابل فهم درآمده و هویت «هستی‌ها» و کنش‌های تاریخی در سایه درک تحول تاریخی فهمیده می‌شوند. حوادث خاص در یک فرایند و شرایط خاص تاریخی رخ می‌نمایند و ممکن است میان آن حوادث نظم و قاعده خاصی وجود نداشته باشد و گذار از یک مورد به مورد دیگر تابع یک قانون خاص نباشد. اما در نهایت طی فرایندی این حوادث واقعه خاصی همچون (k) را تبیین نمایند. مدل تحلیلی در روش تبیینی تاریخی به‌صورت زیر است:

$$a \longrightarrow b \longrightarrow c \longrightarrow d \longrightarrow k$$

ممکن است این رابطه در مدل فوق در یک زمان خاص درست باشد اما در زمان دیگر صادق نباشد. «در اینجا در مطالعه یک واقعه، آن واقعه در درون زمینه فرهنگی-تاریخی خود قرار داده می‌شود و علت یا علت‌های وقوع آن به‌صورت عمیق، تاویل<sup>۳</sup> و تحلیل می‌شود. مصداق این

- 
1. Specific Process
  2. Cultural Context
  3. Hermeneutics

گفتار کار ماکس وبر<sup>۱</sup> در تحلیل رشد سرمایه‌داری است» (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۷).

### ۳- تاریخ‌زدگی و وظیفه علوم انسانی

تاریخ‌زدگی و تاریخی‌گری با الزامی انگاشتن قوانین جبری حاکم بر تاریخ، راه را به خطا رفته‌اند و در واقع قوانین خود را بر واقعیت تحمیل کرده‌اند که واقعیت عاری از آن قوانین است. به عبارت دیگر، «آموزه تاریخی‌گرایانه که می‌گوید وظیفه علوم پیشگویی مسیرها و پیشرفت‌های تاریخی است، به اعتقاد من قابل اثبات نیست، مسلماً علوم نظری پیشگویی‌کننده‌اند و مسلماً بعضی از علوم اجتماعی، علوم نظری محسوب می‌شوند. ولی آیا این مسلم بودن (چنانکه تاریخی‌گرایان معتقد هستند)، مستلزم آن است که وظیفه علوم اجتماعی پیشگویی تاریخی بوده باشد؟ ظاهراً چنین می‌نماید: ولی به محض آنکه میان آنچه من به نام پیشگویی علمی از یک سو و غیب‌گویی تاریخی از سوی دیگر، می‌نامم تمایز قائل شویم، این احساس از میان می‌رود. تاریخی‌گری نتوانسته است به این تفاوت و تمایز قائل شدن برسد (پوپر، ۱۳۶۳: ۴۲۱).

تاریخ‌گرایی در معنای پوپری (جستجوی قوانین تغییر اجتماعی یا بلندپروازانه‌تر و جستجوی قوانین تاریخ) نوعی جهان‌بینی است، شاید به قدمت تفکر. ولی با این وصف، در قرن نوزدهم و به‌ویژه آغاز قرن بیستم به عرصه علوم اجتماعی مسلط می‌شود (بودون، بوریکو، ۱۳۸۵: ۱۵۱).  
عدم پیشگویی دقیق، به منزله دامی است که می‌تواند به ناامیدی

---

1. Max Weber

کامل از تحلیل‌های عقلانی و تفسیرهای علمی بینجامد. عدم تدقیق در مفاهیم و خلط مباحث در اکثر موارد منجر به افراط و تفریط در پردازش نظریه‌ها و آرا می‌شود. از این رو تأکید بر عدم قطعیت پیشگویی‌ها نباید منجر به نفی کامل علوم اجتماعی از صحنه دانش شود. از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی، شناخت تاریخ لازمه شناخت کامل و همه‌جانبه واقعیت‌هاست و اساساً بعد تاریخی یکی از بهترین ابعاد شناخت بشر است. بنابراین وظیفه علوم اجتماعی نظری عبارت است از: ترسیم واکنش‌های اجتماعی ناخواسته اعمال بشری برخاسته از خواست و اراده (پوپر، پیشین: ۴۲۶). پس اساس کار پیامدهای ناخواسته اعمال ماست. از اینکه آیا فوکو اصولاً رسالتی در فهم و درک تاریخ به‌منظور گشایش راه‌های جدید در تفسیر و تعبیر پدیده‌ها قائل است یا خیر؟ باید به تبارشناسی وی رجوع کرد. اگرچه تناقض در افکار و اعمال وی به ماهیت مبهم نظریات او یعنی عدم غایتمندی<sup>۱</sup>، می‌افزاید، بی‌هدفی و گسستی که فوکو برای تاریخ قائل است، جایی برای بروز رفتارهای سیاسی و اجتماعی باقی نمی‌گذارد. از سوی دیگر فعال بودن همیشگی فوکو در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی (شرکت در تظاهرات دانشجویی و اعتراضات نسبت به حقوق اقلیت‌ها حتی بازداشت شدن، کتک خوردن از پلیس) به ابهام مسئله می‌افزاید. حتی از نظر وی، «دیرینه‌شناس هرگز معنا و دعاوی مورد حقیقت را که در گفتمان روزمره مسلم فرض می‌شوند، حذف نمی‌کند. بنابراین می‌تواند و باید علایق جدی مندرج در کردارهای فرهنگی خود را چون دیگران بپذیرد» (دریفوس و رابینو، ۱۳۸۲: ۱۸۱-)

---

#### 1. Non-extremism

(۱۸۰).

تاریخ سنتی تمامیت‌گرا<sup>۱</sup> در گسترهٔ زمان و مکان می‌کوشد همه رخدادهای و تحولات تاریخی را در چهارچوب یک کلیت به هم بسته و منسجم جای دهد. از نظر زمان، نتیجه این تمامیت‌گرایی این است که خط واحدی از نقطه‌ای فرضی در ابتدای تاریخ تا پایان آن کشیده می‌شود و بدین ترتیب، حوادث نظیر مهره‌های یک تسبیح حول این خط و در طول آن به رشته کشیده می‌شود (کچوییان، ۱۳۸۲: ۳۸).

با انتخاب دیرینه‌شناسی و تبارشناسی به‌عنوان یک روش تحلیل بر مبنای گسست، بر عدم تداوم و عدم وحدت تکیه داریم. بر خلاف روش‌های تاریخی متداول که در پی بررسی و کشف منشأ اشیا و تبیین روابط علیّ بین پدیده‌ها هستند، به تنوع و عدم پیوستگی رویدادها و پراکندگی‌های نهفته در آنها اشارت دارد. بنابراین هدف دیرینه‌شناسی به‌عنوان شیوه‌ای در تحلیل قواعد نهفته و ناآگاهانه تشکیل گفتمان‌ها، «توصیف آرشیوی از احکام است که در عصر و جامعه‌ای خاص رایج هستند. آرشیو خود موجب مجموعه قواعدی است که اشکال بیان، حفظ و احیای احکام را مشخص می‌کنند.

دیرینه‌شناسی نشان می‌دهد که چه مفاهیمی معتبر یا نامعتبر، جدی یا غیر جدی شناخته می‌شوند. هدف، کشف معنایی نهفته یا حقیقی عمیق نیست و سخن از منشأ گفتمان<sup>۲</sup> و یافتن آن در ذهن بنیانگذار به میان نمی‌آید، بلکه دیرینه‌شناسی در پی شرح شرایط وجود گفتمان و حوزهٔ علمی کاربرد و انتشار آن است. دیرینه‌شناسی با تکوین، تداوم و

---

1. Totalitarian  
2. Discourse

تکامل نظام احکام سروکار ندارد و نمی‌خواهد به اجزای پراکنده گفتمان وحدت ببخشد و یا با کشف خط مرکزی کلی و عامی تنوعات را تقلیل دهد. هدف آن صرفاً توصیف قلمرو وجود و عملکرد کردارهای گفتمانی و نهادهایی است که صورتبندی گفتمانی بر روی آنها تشخیص و قطعیت می‌یابد. در دیرینه‌شناسی، سخن از گسست‌ها، شکاف‌ها، خلأها و تفاوت‌هاست، نه از تکامل و ترقی متوالی اجتناب‌ناپذیر» (همان: ۲۱-۲۰).

#### ۴- نقد فوکو بر تاریخ‌نویسی رسمی

اگرچه روشن ساختن اشکالات فوکو بر دید تاریخی رسمی مشکل است، «اما بی‌تردید تمامیت‌گرایی<sup>۱</sup>، غایت‌گرایی<sup>۲</sup>، انسان‌شناسی یا انسان‌گرایی در مجموعه مشکلاتی که فوکو به آنها می‌پردازد، جایگاه ویژه‌ای دارند» (کچوییان، ۱۳۸۲: ۳۷). با این حال روشن است که تاریخ سنتی نمی‌تواند ابزار مناسبی برای پاسخگویی به سؤالات فوکو باشد. «او علم یا روشی می‌خواهد که به وی امکان درک تغییرات<sup>۳</sup> یا انقطاعات معرفتی<sup>۴</sup> (پیدایی حدود تازه و نه استمرار حدود معرفتی قبلی) را فراتر از آگاهی عاملین تاریخی (یعنی دانشمندان، نوابغ و...) بدون ارجاع به غایت از پیش تعیین شده بدهد» (همان: ۴۰). از همین رو، فوکو «دیرینه‌شناسی» را به‌عنوان روشی معرفی می‌کند که می‌تواند دارای خصایص ویژه‌ای باشد و امکان بررسی و تحلیل تاریخ را به سبکی نو

- 
1. Totalitarianism
  2. Extremism
  3. Exchanges
  4. Epistemological cessations



فراهم آورد، چراکه سایر روش‌ها این توانایی را در خود ندارند. بنابراین عرصه روش دیرینه‌شناسی اساساً در مقابله با روش تاریخی سنتی مطرح شد.

فوکو اگرچه در تحلیل تبارشناختی خود، صورت‌های متفاوت دانش و کردوکارهای<sup>۱</sup> غیر گفتمانی<sup>۲</sup> را مطرح و در درون مفهوم آن قدرت را معرفی می‌کند، ولی این تحلیل را «به سود نوعی نقد محلی<sup>۳</sup> و نه جهانی<sup>۴</sup> ارائه می‌دهد و سرسختانه تبارشناسی و نقد را به هنجارهای عام جهانی و از خلال گفتمانی که با محورهای دانش، خرد و همچنین قدرت<sup>۵</sup> متمایز شده است، به کار می‌برد» (کلی، ۱۳۸۵: ۸).

تاریخ سنتی نمی‌تواند ابزار مناسبی برای پاسخگویی به سؤالات کلیدی فوکو باشد. «او به دنبال حدود تاریخی معرفت انسان است. حدودی که در پس آگاهی انسانی و در وجه تاریک آن بدون اشعار عامل انسانی عمل می‌کند و در هر لحظه‌ای از لحظات تاریخی ممکن است دگرگونه و مبدل شود» (کچوییان، پیشین: ۴۰).

فوکو معتقد است: به دلایل ساده‌ای دید تاریخی از نوع سنتی باید الغا شود، زیرا «هیچ اصل و منشائی بیرون از تاریخ و در خلوص ادعایی آن وجود ندارد. هر چه هست تاریخ است. به‌علاوه هر متن و گفتمانی همانی است که در برابر ما قرار گرفته. این متن جز آنچه در ظاهر می‌گوید، معنایی در بطن خود نپرورانیده» (همان: ۶۱).

- 
1. Practices
  2. Non Discursive
  3. Local criticism
  4. Global
  5. Power

او به اقتضای رویکرد علمی خود، نمودهای واقعیت را از حال به گذشته بررسی و دنبال می‌کند و به دنبال تاریخ واژگون شده است. به عبارت دیگر، روش خود را از حال به سمت گذشته برده و با آن پیوند می‌زند، بر همین مبنا در تحلیل خود از روش تبارشناسی سود می‌جوید. «روش تبارشناسی بر خلاف راهبردهای تاریخ سنتی، به دنبال هیچ‌گونه گوهر پایدار و ماهیت غیر قابل تغییری نیست، بلکه بر خلاف روش سنتی، در پی یافتن شکاف‌ها و گسست‌ها در فراگردهای تاریخی است» (ضیمران، ۱۳۸۱: ۳۶). بر این اساس در روش تبارشناسی، هیچ‌گونه قاعده و قانون بنیادی غیر قابل تغییر تشخیص داده نمی‌شود. در غیر این صورت، قاعده و قانون‌های موجود با اتکای به قدرت و در سایه نظام گفتمانی به قدرتمندان امکان ارزش‌گذاری و تعبیر و تفسیر ویژه می‌بخشد.

#### ۵- روش دیرینه‌شناسی و تبارشناسی

دیرینه‌شناسی در مقایسه با روش‌های تحقیقی مرسوم، شیوه متفاوتی در تفحص تاریخی بوده و در سطح متفاوتی انجام می‌شود. اگرچه بسیاری معتقدند که «دیرینه‌شناسی» و «تبارشناسی» مکمل یکدیگرند و هیچ‌گسستی برای این دو متصور نیست، با این حال در تبارشناسی بر روابط غیر گفتمانی تکیه می‌شود. با این رویکرد می‌توان از تکمیل دیرینه‌شناسی به وسیله تبارشناسی سخن گفت. «در نگاه دیرینه‌شناسانه به علم به‌عنوان تنها یکی از اشکال فعلیت صورت‌بندی گفتمانی به‌صورتی بی‌طرفانه نگریسته می‌شود. اما در تبارشناسی، نگرشی انتقادی پدید می‌آید که در آن بر تأثیرات قدرت تأکید می‌شود. نگرش تاریخی فوکو به

هر حال در هر دو روش یکسان است» (دریفوس و رابینو، ۱۳۸۲: ۲۲). فوکو در تحلیل و شناسایی روش‌شناسی خود، در صدد باستان‌شناسی دانش بوده و آن را «در برابر تاریخ و تاریخ اندیشه‌ها می‌نهد که هر دو را بیش از اندازه عقلگرا<sup>۱</sup> می‌انگارد و می‌پندارد (ریتزر، ۱۳۸۱: ۵۵۶).

جورج ریتزر به نقل از آلن شریدان می‌نویسد: باستان‌شناسی دانش فوکو در صدد پیدا کردن «یک رشته از قواعد شکل‌گیری است که شرایط امکان‌پذیری همه آن چیزهایی را تعیین می‌کند که می‌توان در چهارچوب یک بحث معین در یک زمان مشخص گفت» (همان، ۵۵۷).

جمله فوق نشان می‌دهد که فوکو علاقه‌مند به رویدادهای مباحثه‌ای و عبارتهای نوشتاری و گفتمانی، به‌ویژه عبارتهای اولیه در تاریخ یک رشته است. «فوکو می‌خواهد آن شرایط اساسی که مباحثه را امکان‌پذیر می‌سازد کشف کند. وحدت این عبارتهای، نحوه شکل‌گیری آنها به‌صورت یک علم یا یک رشته، از گویندگان این عبارتهای سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از قواعد و رویه‌های بنیادی مباحثه برمی‌خیزد. فوکو به‌ویژه به آن رویه‌های بنیادی علاقه‌مند است که مبنای مباحثه علمی به خصوص در علوم انسانی را می‌سازند» (همان).

فوکو اصطلاح باستان‌شناسی دانش را در برابر روش‌های سنتی تاریخ علوم و اندیشه‌ها به کار گرفت، زیرا به نظر وی این رویکردها، بسیار عقلگرایانه و علت و معلولی به کار گرفته می‌شوند. او ضمن رد این نوع نگرش به تاریخ در تحلیل و بررسی دانش و اندیشه‌ها در پی کار دانشمند و نحوه اندیشه وی نیست و بهره‌مندی اندیشمندان از یکدیگر را مطرح

---

## 1. Rationalism

نمی‌کند. او اساساً در پی یک رشته قواعد، الگوها و یا ساختارهایی است که مباحثه علمی را که در یک زمان معین امکان‌پذیر می‌سازد، مد نظر قرار می‌دهد.

### ۶- روش‌شناسی فوکو

فوکو در حوزه روش‌شناسی، به دنبال نوعی «باستان‌شناسی دانش» بود. در این حوزه «موضوع‌های مورد بررسی او عبارت بودند از: دانش، افکار و شیوه‌های مباحثه» (همان: ۵۵۶). به همین منظور «اولین دست‌ورالعمل یا در اصل دیرینه‌شناسی تبدیل زبان و گفتمان به نقطه آغاز تحلیلی تاریخی یا دیرینه‌شناسانه است» (کچوییان، ۱۳۸۲: ۴۶).

فوکو در تعریف تبارشناسی معتقد است: «تبارشناسی شکلی از تاریخ است که می‌تواند سازمان دانش، گفتمان‌ها، قلمروهای موضوعات<sup>۱</sup> و غیره را شرح دهد، بی‌آنکه مجبور باشد به سوژه‌ای ارجاع دهد که یا نسبت به قلمرو رویدادها موضعی متعالی دارد و یا در سیر تاریخ در همسانی تهی خود پیش می‌رود» (کلی، ۱۳۸۵: ۲۱).

### ۷- چگونگی دیرینه‌شناسی

خصلت جدالی روش دیرینه‌شناسی، برنامه حفاری در قلمرو دانش را فراهم می‌آورد. اگرچه به نظر فوکو، «مفاهیمی نظیر سنت<sup>۲</sup>، نفوذ<sup>۳</sup>، توسعه<sup>۴</sup>، روح<sup>۱</sup> و در کل تمامی آن مفاهیم از پیش ساخته‌ای که به نحوی

- 
1. Objects
  2. Tradition
  3. Influence
  4. Development

وحدت و تسلسلی پیشین را بر تاریخ تحلیل می‌کند، مانعی بر سر برنامه حفاری فوکویی قرار می‌دهند» (کچوییان، پیشین: ۵۹).

بنابراین در این رویکرد ایجاد گسست میان وحدت‌ها امری مأنوس است. البته این نکته به معنی نبود هیچ‌گونه وحدتی در علم و فلسفه نیست، بلکه وحدت‌های موجود در گفتمان‌ها حاصل برنامه‌های دیرینه‌شناسانه است، تا با در پرائتز گذاشتن وحدت تصور شده، هیچ نوع وحدت از پیش اندیشه شده بر رخدادها تحمیل نشود. آلفرد شوتز<sup>۲</sup> تأکید می‌کند «جامعه‌شناسی نباید با موضوع مورد پژوهش خویش ارتباط متقابل و یا کنش متقابل داشته باشد، بلکه باید با استمداد از بهره‌وری بازنگری، خود را از موقعیت مورد مطالعه خارج کرده و با اتکا به «تهی‌سازی» موضوع را مورد مشاهده قرار دهد» (تنهایی، ۱۳۷۴: ۳۵۶). این همان اصل مهمی است که شوتز برای واقعیت‌گرایی و پرهیز<sup>۳</sup> در نظر می‌گیرد تا از این طریق، اندیشه مطالعات عینی را که قابلیت اندازه‌گیری و آزمون باشد را فراهم آورد.

## ۸- هدف دیرینه‌شناسی

هدف دیرینه‌شناسی «تحقیق در شرایطی است که در آن سوژه‌ای (مثلاً دیوانه یا بیمار) به‌عنوان موضوع ممکن شناخت ایجاد و ظاهر می‌شود. به سخن دیگر دیرینه‌شناسی، تحلیل شرایط امکان تشکیل علوم اجتماعی است» (دریفوس و رایینو، ۱۳۸۲: ۱۶). به عبارت دیگر، «هدف

- 
1. Spirit
  2. Alfred Schutz
  3. Prohibition

دیرینه‌شناسی توصیف صرف حوادث است» (کچوییان، ۱۳۸۲: ۶۲). در واقع دیرینه‌شناسی به دنبال علل بروز و ظهور قواعد گفتمانی نیست و فقط چگونگی ظهور و حضور و محو شدن تاریخی این گفتمان‌ها را در سطح توصیف دنبال می‌کند، ولی با این تفاوت که این توصیف در عمق و نه در سطح است. به عبارت دیگر «تلاش دیرینه‌شناسی برای درک قواعدی است که فراتر از آگاهی گویندگان و نویسندگان، اهل علم و دانشمندان جریان این پیدایی و ظهور و تطور و دگرگونی آن را در مهار و اراده خود دارد» (همان: ۶۲).

بنابراین در دیرینه‌شناسی سؤال کلیدی این است که چگونه این قضیه مشخص با این ویژگی‌ها و نه فضایی دیگر با ویژگی‌های دیگری ظاهر شدند. شرح «نحوه عمل<sup>۱</sup>» اولین قواعد در دستور کار دیرینه‌شناسی قرار دارد. به عبارت دیگر موضوع مطالعه دیرینه‌شناسانه «صورت گفتمانی»<sup>۲</sup> است.

چنانکه فوکو در مقدمه کتاب دیرینه‌شناسی دانش آورده است، هدف آن «تعیین جایگاه تاریخی روش دیرینه‌شناسانه در حوزه‌های علوم رسمی و هم‌زمان جدا کردن آن از دیدگاه ساخت‌گرایی<sup>۳</sup> است» (همان: ۵۴). در این رویکرد، در درون اشیا و امور، معنایی وجود ندارد، بلکه آنچه هست، تعبیری است که در گذر زمان روی هم قرار گرفته و آنگاه شکل ضرورت و بداهت به خود می‌گیرد.

دیرینه‌شناسی کوششی است برای تبیین و تشخیص محلی خاص از

- 
1. Method of performances
  2. Discursive formations
  3. Structuralism

روی جنبه‌های بیرونی محیط حول و حوش آن. من به‌جای آنکه سعی کنم دیگران را با این ادعا که هرچه می‌گویند به قدر و ارزش است، به سکوت بکشانم، سعی کرده‌ام این فضای تهی را که از آن حرف می‌زنم تبیین و مشخص کنم. فضایی تهی که در سخنی آهسته آهسته شکل می‌گیرد که من هنوز احساس می‌کنم بسیار متزلزل و نامطمئن است» (برنز، ۱۳۷۳: ۸۹).

فوکو اعتقاد دارد: روش‌های تحلیلی که در دیرینه‌شناسی دانش دنبال کرده، بنیان پژوهشی ویژه‌ای را که هرگونه خودشیفتگی متعالی آزاد است، فراهم آورده است. «روش توصیف تاریخی» به «اندیشه» نیروی شبه الهی نسبت نمی‌دهد و سوژه را همچون سرچشمه و علت مسلم اندیشه و کنش طرح می‌کند. از آنجا که موضوع‌هایی نظیر علیت تاریخی،<sup>۱</sup> تداوم، پیشرفت و همسانی به اسطوره انسان همچون مؤلف فرمانفرمای آگاهی‌اش وابسته است، این کنار گذاشتن متعالی آغازگر پژوهش در مورد عدم تداوم تاریخی (که پیشتر پنهان بود) و نیز تمایزهایی در سخن و اندیشه است که با این شیوه در ویژگی و جزئیات مشخص قابل شناخت می‌شوند» (همان: ۶۵). در حقیقت دیرینه‌شناسی، روشی کاملاً توصیفی است و هدف آن توصیف احکام، توصیف نقش بینی که آن احکام حامل آن هستند، تحلیل شرایطی که در آن این نقش عمل می‌کند، بررسی حوزه‌های مختلفی که این نقش متضمن آن است، و شیوه تشخیص یافتن آن حوزه‌هاست» (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

---

1. Historical causality

## ۹- روش‌های حفاری در اعماق تاریک دانش

همان‌طور که گفته شد، موضوع مورد مطالعه دیرینه‌شناسانه صورت‌بندی‌های گفتمانی است. فوکو در جریان تحول صورت‌بندی‌های گفتمانی، چهار آستانه را مشخص کرده است:

### ۹-۱- آستانه ثبوت<sup>۱</sup>

آستانه اول در صورت‌بندی گفتمانی، آستانه ثبوت است و در پیدایی آن اعمال، مداخله دارد و «عمل گفتمانی آن مجموعه فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که در قالب‌هایی مانند گفتن و نوشتن قضایای گفتمانی را ایجاد می‌کند» (کچوییان، ۱۳۸۲: ۶۴). خطابه‌های شفاهی و بیان‌های مکتوب ارائه شده، آستانه ثبوت را محقق می‌سازد:

- ۱- شیوه تحلیل قواعد نهفته در گفتمان‌ها؛
- ۲- توصیف آرشیوی از احکام رایج یک عصر و جامعه‌ای خاص؛
- ۳- ایجاد مرزبندی میان مفاهیم معتبر با نامعتبر و جدی و یا غیرجدی؛
- ۴- شرح شرایط وجود گفتمان و حوزه علمی، کاربرد و انتشار آن؛
- ۵- تشخیص و قطعیت توصیف قلمرو کردارهای گفتمانی؛
- ۶- سخن از گسست‌ها، شکاف‌ها، خلأها و تفاوت‌ها؛
- ۷- عدم توجه به تکوین، تداوم و تکامل نظام احکام.

---

1. Threshold of positivity



## ۲-۹- آستانه معرفت شناسیت<sup>۱</sup>

در جریان عملیات مربوط به یک صورت بندی گفتمانی، مجموعه‌ای از قضایا با یکدیگر ترکیب و جفت و جور می‌شوند، چنین ادعا می‌شود که هنجارهای معتبری برای تأیید و انسجام (قضایا) به وجود آورده‌اند. اگر در این امر ناموفق باشند، آستانه معرفت شناسیت سر رسیده است (همان: ۶۴). این صورت گفتمانی، به صورت نقد و الگودهی، کارکرد مسلطی را در مجموعه دانش به عهده می‌گیرد.

## ۳-۹- آستانه علمیت<sup>۲</sup>

زمانی است که قضایا در انطباق با قواعد دیرینه‌شناسانه، برای ساخت احکام علمی از معیارهای صوری تبعیت کرده و تطبیق می‌یابد.

## ۴-۹- آستانه صوری سازی<sup>۳</sup>

هنگامی که گفتمان علمی، اصول متعارف عناصری را که به کار می‌گیرد، ساخت‌های گزاره‌ای خاص خود را مشخص می‌کند و روشن می‌سازد که چه تغییراتی را می‌تواند بپذیرد، از آستانه صوری سازی گذشته است (همان: ۶۴).

بنابراین هر صورت بندی گفتمانی چهار عنوان اساسی دارد که در دیرینه‌شناسی در پی آنها هستند:  
۱- صورت بندی موضوعات؛

- 
1. Threshold of epistemologization
  2. Threshold of scientificity
  3. Threshold of formalization

۲- صورت‌بندی مفاهیم؛

۳- صورت‌بندی کیفیت بیانی؛

۴- صورت‌بندی راهبردها.

در هر چهار مورد مسئله دیرینه‌شناسانه، شناخت شرایط ظهور و پیدایی عناصر و قواعد صورت‌بندی است.

### ۱۰- اصول چهارگانه در تحقیق

فوکو روش‌های خود را در تحقیقات در قالب چهار اصل کلیدی به این شکل از هم متمایز می‌سازد:

۱- واژگونی<sup>۱</sup>: این اصل نه تنها بر سایر اصل‌ها حاکمیت دارد، بلکه اساساً پیش‌فرض آنها نیز محسوب می‌شود. منظور از این اصل، «عبارت است از آنچه انسان ممکن است در فرض مفهوم مخالف در ذهن خود احیا کند. بدین معنا که وقتی سنت یا مکتبی تفسیر خاصی از رویدادی تاریخی عرضه می‌دارد، می‌توان با طرح تفسیر و تعبیر مقابل آن زمینه اندیشه تازه‌ای را در آن خصوص مهیا کرد» (ضیمران، ۱۳۸۱: ۳۸).

۲- گسست و انقطاع<sup>۲</sup>: فوکو روش تاریخی را از نگاه تبارشناسی، ثبت و ضبط منش ویژه و بی‌همتای رویدادهای تاریخ می‌داند. پس تداوم و پیوستگی میان رویدادها مطمح نظر نیستند. در حقیقت، او موضوع گسست و انقطاع میان رویدادها را مجوز تحقیقات خویش در علوم طبیعی و علوم انسانی دانسته است. از نظر وی، تاریخ فراگردی است پرنشیب و فراز و دارای جهش، تغییر و افت و خیز» (همان: ۴۶). به

---

1. Reversality  
2. Discontinuity

عبارت دیگر، «کار دیرینه‌شناس آن است که سامان و انگاره دانایی هر روزگار را در سایه اسناد و مدارک مربوط همان دوران مطالعه کند» (همان: ۴۸).

۳- ویژگی<sup>۱</sup> و یا دگرسازی: در این اصل فوکو بر ویژگی و خصوصیت گفتمان‌ها یا شکل‌بندی‌های استدلالی خاص تاریخی تأکید می‌کند. «این ترفند متضمن واژگونی این فرض متداول است که گفتمان نمود و نماد واقعیتی فراگفتمانی است. در نظر فوکو، گفتمان چیزی نیست جز خشونت‌ی که ما نسبت به پدیده‌ها روا می‌داریم. به عبارت دیگر، ما خواسته‌ها و رویه خویش را بر پدیده‌ها همواره تحمیل می‌سازیم» (همان: ۵۱).

۴- برون‌بودگی<sup>۲</sup>: این اصل نیز متضمن واژگونی اصول متعارف و میثاق‌های علمی مسلط است، چنانکه از دیرباز اندیشمندان درصدد فهم معنا و ماهیت امور بوده و حقیقت را در درون پدیده‌ها جستجو می‌کرده‌اند. اما در نظر فوکو، ژرف‌کاوی‌های دانشمندان موجب شده است که از جلوه‌های حقیقت که در سطح و رویه امور قرار دارد، مورد غفلت واقع شوند. به همین دلیل فوکو از تلاش در فهم اعماق پرهیز کرده و به رویه محسوس وقایع پرداخت. به عبارت دیگر، «تبارشناس سویه درونی پدیده‌ها را رها می‌کند و به رمز و راز موجود در بیرون پدیده‌ها می‌پردازد، برخلاف نگاه افلاطونی، عمیق‌ترین مسائل و امور را حقیقتاً سطحی می‌یابد. کسی که خود را به لایه‌های عمیق مسائل و پدیده‌های مشغول می‌دارد، ناگزیر از حقایق و رویدادهای ملموس اطراف خویش

---

1. Specificity  
2. Exteriority

غافل می‌ماند» (همان: ۵۷-۵۶).

### ۱۱- گذر دیرینه‌شناسی بر تبارشناسی

در منطق دیرینه‌شناسی، قواعد حاکم بر گفتمان باید عناصر درونی خود آن باشند و رویه‌های گفتمان خودمختار و مستقل هستند. از این رو کردارهای غیرگفتمانی، اجتماعی، سیاسی و نهادی در تشکیل آنها نقشی ندارند و یا نادیده گرفته می‌شوند. از این رو هنگامی که فوکو از دیرینه‌شناسی به تبارشناسی گذر می‌کند، نقطه عطفی در تفکر او به‌شمار می‌آید. تأکید بر روابط دانش و پیدایش گفتمان در تلاقی قدرت و دانش و تأثیر کردارهای غیر گفتمانی به کردارهای گفتمانی، از مسائلی است که در تبارشناسی بیشتر به چشم می‌آید. البته در هر دو شیوه، از تفرق، تفاوت و پراکندگی سخن به میان می‌آید، ولی در تبارشناسی تا حدودی از تأکید بر برون بودگی حوادث و رخ دادن آنها دور شده و بر پیوند درونی حوادث با فناوری‌های نهفته در قدرت و دانش بحث می‌شود. بدین‌سان تبارشناسی تاریخی بودن پدیده‌ها و اموری را که فاقد تاریخ تلقی شده‌اند، باز کرده و نشان می‌دهد که دانش وابسته به زمان و مکان است (دریغوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۲۳).

اشارات پیچیده و مبهم فوکو در چگونگی تشکیل گفتمان و قواعد درونی نهفته در آن به عبارتی «خودمرجع بودن»<sup>۱</sup> این قواعد تا حدودی او را به ساخت‌گرایان نزدیک کرده است. با این حال «فوکو به‌شدت از اینکه ساخت‌گرا<sup>۲</sup> خوانده شود و دیرینه‌شناسی معادل آن در حوزه تاریخ

---

1. Self-referencing  
2. Structuralist

قلمرو شود استنکاف می‌کند» (کچوییان، ۱۳۸۲: ۴۹). در واقع علی‌رغم دستمایه‌های ساخت‌گرایانه در روش دیرینه‌شناسی بر تأکید به تفاوت‌های موجود، می‌توان این دو را از یکدیگر تمیز داد.

فوکو در دیرینه‌شناسی به شیوه یک قصه‌گوی درام پرداز به بازسازی وقایعی می‌پردازد که تا پیش از این به آنها پرداخته نشده بود. برای مثال در کتاب «نظم اشیا»<sup>۱</sup> نشان داده است که چگونه یک دانش عمقی می‌تواند به دانش عمقی دیگری بدل شود و پیامدهای این تبدیل چیست؟ این کتاب نه فقط نوع تازه‌ای از پرداختن به تاریخ، بلکه رساله‌ای علیه علوم انسانی است» (کوزنز هوی، ۱۳۸۰: ۹۲).

فوکو در بررسی‌های خود جایگاه ویژه‌ای برای تبارشناسی قائل است، اما در عین حال «برای تبارشناسی مقام علم قائل نیست، بلکه آن را ضد علم می‌خواند. علوم خود موضوع تحلیل او هستند. تبارشناسی در نهایت تحلیلی درباره پیدایش علوم انسانی است. بدین‌سان تبارشناسی تحلیلی نقادانه است که می‌کوشد بر دانش‌های رایج درباره امور و اشیا را در هم بشکند. به عبارت دیگر، تبارشناسی چیزی تجویز نمی‌کند و در آن جایی برای روشنفکر اصلاح‌گر، مهندس اجتماعی<sup>۲</sup> و رهبر انقلابی وجود ندارد» (پیشین: ۳۷). یاری رساندن به کسانی که در برابر اوضاع جاری جامعه مقاومت می‌کنند، نه از راه برنامه‌ریزی بلکه در حد رد و انکار مساعدت خود را فراهم می‌آورد.

---

1. Order of Things  
2. Social engineer

### ۱-۱۱- تبارشناسی، تکمیل روش دیرینه‌شناسی

همان‌طور که گفته شد، در حوزه دیرینه‌شناسی، بر تاریخ‌شناسی غریزه‌مانند<sup>۱</sup> تأکید می‌شود. در این صورت تاریخ به صورت منجمد و بدون تغییر در نظر گرفته می‌شود. تردیدی نیست که درک انقطاعات، گسست‌ها و گسیختگی‌های تاریخی ویژگی دیرینه‌شناسانه است» (کچوییان، ۱۳۸۲: ۷۶).

با این نگاه، تاریخ از نظر فوکو تاریخ تفرق و پراکندگی است و از جهتی نقطه مقابل تاریخ در معنای سنتی آن که بر وحدتی یکپارچه تأکید می‌شد، قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در دیرینه‌شناسی فوکو، به جای توجه به مسئله تغییرات<sup>۲</sup>، به مسئله تبدیلات<sup>۳</sup> توجه می‌شود. دیرینه‌شناسی به جای اشاره به اموری نظیر نیروی زنده تغییرات یا جستجوی علل آن، می‌کوشد نظام تبدیلاتی که تغییرات را می‌سازد، مشخص کند. «تبارشناسی که پس از روش‌شناسی فوکو که به آشکارترین وجود در آثار متأخر او مورد استفاده قرار گرفته، دامنه‌ای گسترده‌تر از دیرینه‌شناسی دارد. هدف تبارشناسی از تعقیب خاستگاه، رسیدن به ماهیت چیزها یا جستجو برای یافتن «شکل راکدی» که در طول تاریخ پیش آمده نیست. رازی که تبارشناسی آن را برملا می‌کند، این است که هیچ ماهیت یا وحدت اصیلی برای کشف کردن وجود ندارد» (گوزنزهوی، ۱۳۸۰: ۶۶).

فوکو در بحث ارتباط میان دانش و غیر دانش یا علم و جامعه ضمن

- 
1. Achronic
  2. Changes
  3. Transformations

ایجاد تشخیص و تمایز در حوزه دیرینه‌شناسی و سایر دیدگاه‌های معمول در تاریخ اندیشه‌ها، «می‌کوشد تعیین کند که چگونه قواعد صورت‌بندی که آن را اداره می‌کند. ممکن است به نظام‌های غیر گفتمانی پیوند بخورد و به دنبال معین ساختن اشکال خاص جفت و جور آنها است» (کچوییان، پیشین: ۸۳).

حتی فوکو در تمایزگذاری میان جامعه‌شناسی دانش و دیرینه‌شناسی به‌روشنی بیان می‌کند: دیرینه‌شناسی با تأثیر عوامل اجتماعی بر محتوای نظریه‌های علمی سروکار ندارد. دیرینه‌شناسی در سطح بنیادی‌تر و در ربط با تعریف مفاهیم و موضوعات اساسی، اعتبارشناختی دانشمندان و کارکرد اجتماعی علم عمل می‌کند. اما مهم‌تر از این، دیرینه‌شناسی دانش نه تنها تمایلی به اینکه علم را تحت تأثیر مستقیم عوامل علی ببیند، ندارد، بلکه به چگونگی در هم رفتن علم و جامعه، نقش علم در جامعه و زمینه‌سازی جامعه برای علم نظر دارد (همان: ۸۵-۸۴).

## ۱۲- محاسن و معایب روش‌های تاریخی

در جایی که روش‌های کمی کارایی خود را از دست می‌دهند، روش‌های کیفی می‌توانند به‌خوبی ایفای نقش کنند. روش‌های تاریخی دارای مزایا و معایبی است که به‌طور خلاصه به آن پرداخته می‌شود:

### الف) جهات منفی

- زنده نبودن واقعیت و عدم امکان مراجعه به آن به‌طور مستقیم؛
- با رابطه بودن مطالعه و در مواردی نیز تعدد واسطه‌ها؛
- دور بودن واقعیت از نظر زمانی و نیز ارزش‌ها و زمینه‌های اجتماعی؛

- عدم امکان کاربرد چند روش (مصاحبه، مشاهده و...) در راه کنترل صحت داده‌ها.

### ب) جهات مثبت

پدیده‌های تاریخی در خلال زمان روشن‌تر شده‌اند. چنانکه محقق، به شناخت مشروطیت و عوامل مؤثر در آن پردازد و حال آنکه خود در آن عصر زندگی می‌کند، به یقین با شکل بزرگی مواجه خواهد شد و آن ناشناخته بودن عوامل و انگیزه‌های واقعی است. پس از گذشت سالیان و در برخورد اندیشه‌ها، عوامل روشن‌تر می‌شوند، انگیزه‌های اصلی مشخص‌تر می‌شوند و بهتر می‌توان قضاوت کرد. پدیده‌های تاریخی به گذشته تعلق دارند و در مطالعه آنها دچار «عوجاج ادراکی» یا سوگیری ادراکی و یا بهتر بگوییم ادراک سویافته ناشی از عادت به آن نیست. مک‌لوهان در این باره مفهوم «ضد محیط» را به کار می‌برد. منظور این است که محقق، زمانی که با واقعیتی حیات می‌گذراند، با آن خو می‌کند، در آن غرق می‌شود و در نتیجه ادراکی خاص از آن می‌یابد. پدیده‌های تاریخی از ما دور هستند، در نتیجه محقق این امکان را دارد که آنها را مانند منظومه‌ای بنگرد، همان‌طور که در رصدخانه‌ها چنین می‌کنند. بدینسان، با دیدن مجموعه‌ها در کار یکدیگر تشخیص روند کلی حوادث تحقق می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۴۷).

درعین حال، منظومه‌نگری، ضد محیط بودن، صیقل‌یابی واقعیت پیوست یا استمرار تاریخی می‌توانند از جمله نکات مثبتی باشند که در دیدگاه یک محقق تاریخ‌نگر به چشم می‌خورد. در بررسی واقعیت نباید به روش‌های تاریخی اکتفا کرد و برای شناخت هر امر اجتماعی باید از



#### گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی ◀ ۴۱۷

روش‌های مختلف در جهت تکمیل و کنترل داده‌ها استفاده کرد. جامعه‌شناسی در آستانه پدیده‌های تاریخی هر لحظه در وسوسه تعمیم و پیش‌بینی است (همان: ۲۳۴).

در روش‌های تاریخی، تعمیم و پیش‌بینی، جنبه پارادوکسیکال و دوگانه‌ای را به وجود می‌آورد که از یک سو ضعف این روش قلمداد می‌گردد و از سویی دیگر با نبود تعمیم و پیش‌بینی، تحلیل‌های جامعه‌شناختی تاریخی، فاقد کارایی بوده و ضرورت خود را از دست می‌دهند و جامعه‌شناسان نمی‌توانند برای تحقیقات جامعه‌شناسی، کاربردی قائل گردند از این رو می‌توان تعمیم و پیش‌بینی را هم نقطه ضعف و هم کانون اصلی و قوت تحقیقات تاریخی دانست.

محقق خواه ناخواه در معرض این خطر قرار دارد که حتی برای یک لحظه زمان خود را با زمان مورد مطالعه یکسان انگارد، در نتیجه حرکت و ناهمسانی ناشی از آن را از یاد ببرد (همان: ۲۳۵). عدم یکسان انگاشتن زمان مورد مطالعه با زمان حیات محقق و عاری بودن از ارزش‌ها در تحقیقات فقط می‌توانند در طرح‌های تئوریک بیان شوند، ولی در واقع هیچگاه نمی‌توان در تحقیقات، کاملاً به ایده‌های تئوریک وفادار ماند. در هر حال موارد فوق، شرح مختصری از معایب و محاسن روش‌های تاریخی است که بازگویی مبسوط آنها به وقت و تعمیق بیشتری نیاز دارد.

### ۱۳- ویژگی‌های دیرینه‌شناسی و تبارشناسی

دیرینه‌شناسی بر این باور است که بشریت همواره بدین صورت که حال سخن می‌گوید، در آینده سخن نخواهد گفت، هیچ توسعه و پیشرفتی در کار نیست و نمی‌توان نسبت به گفتمان‌های آینده تحلیلی

ارائه داد. به نظر می‌رسد که این نقد گرایش به موج انگاری خواهد داشت. در عین حال فوکو در نقش حامی اقلیت‌ها و طرفداری از حقوق بشر و انگاره‌های انسان دوستانه شهره خاص و عام است. موضع فوکو، موضع خودمنکر است، چراکه اگر همه نظرگاه‌های فلسفی، از جمله نظرگاه فوکو ناعقلانی باشند، دیگر هیچ نظرگاهی وجود نخواهد داشت که فوکو از آن منظر بتواند این‌گونه اظهار نظر کند که همه نظرگاه‌های فرهنگی ناعقلانی هستند، از حیث دیدگاهی اظهار یا انکار هر چیز، چیزی بیش از «رفتار بی‌بصیرت» نخواهد بود (کوزنزهوی، ۱۳۸۰: ۵۲).

توسل فوکو به «نقد دائمی» شاید بیش از حد مخرب یا توخالی باشد، ولی در مواجهه با روشنگری و وظیفه روشنفکر و تأکید مصرانه او بر نیاز مداوم به تعدی، اعتنایی به این انتقادات نمی‌کند و بر روش‌های تبارشناسانه و دیرینه‌شناسانه خود اصرار می‌ورزد. فوکو در جهت یافتن ثبات اساسی به روش‌شناسی خاصی خود مجهز می‌شود. به واقع از سویی بر گسست و از سویی بر قواعد حاکم بر گفتمان هر دوره اصرار می‌ورزد. او مفهوم «مؤلف» را کنار می‌گذارد، ولی هیچ‌گاه از تمایل خود به مؤلفان مطلوب خویش در بهترین آثارشان دست نمی‌کشد.

فوکو در تعبیر خود از صور تفسیرهای گفتمانی به‌روشنی سخن نمی‌گوید و ظاهراً در اینکه این اصول در ورای پدیده‌ها هستند (دیدگاه ساخت‌گرایانه) و یا در ذهن افراد مجربان گفتمان عمل می‌کند (عمل‌پدیدارشناسانه)، دچار نوسان و تردید است. «مجموعه‌های قواعد گفتمانی، نه قواعد صوری استعلایی و نه قوانین

تجربی هستند، اما روشن نیست که فوکو چه تعبیری می‌خواهد به دست بدهد» (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۱۲۸). نکته اساسی در این است که چگونه این قواعد گفتمانی به خود قاعده می‌دهند، اگر کردارهای گفتمانی خود نتیجه تعیین‌شدگی، انضباط‌پذیری و تابع بودن هستند، چگونه مستقل فرض می‌شوند و این باعث شود که دیرینه‌شناس به قواعدی که نظام‌مندی این کردارها را توصیف می‌کند اثر و کارایی عقلی نسبت دهد. «این سردرگمی‌ها در رابطه با مسئله معنا نیز پدیدار می‌شود. دیرینه‌شناس مدعی است که از درون افق معنا و فهم‌پذیری سخن نمی‌گوید. اما اگر دیرینه‌شناس از بیرون از هر گونه افق فهم‌پذیری و معنا سخن می‌گوید، چگونه گفتمان او اصلاً ممکن است معنایی داشته باشد» (همان: ۷۶).

در واقع حذف و تعلیق معنا، فهم‌پذیری و جدیت را به خطر می‌افکند و دیرینه‌شناسی نمی‌تواند نظریه‌ای اخلاق عرضه بدارد. قدرت اظهار نظر دیرینه‌شناسی اینکه موضوعات اجتماعی باید تا چه حدی قلمداد شوند و یا چه اقدام و عمل اجتماعی می‌تواند انجام داد، دچار خلل می‌گردد و او نمی‌تواند حتی اهمیت گفتمان خودش را حفظ کند.

تناقضات و تعارضات دیرینه‌شناسی می‌تواند اساسی‌ترین کانون، انتقاداتی باشد که متوجه فوکو شده و اکثر منتقدین فوکو بر این امر اصرار دارند که دیرینه‌شناسی برای شناخت پدیده‌های منطقی دچار تناقضات منطقی می‌شود. به‌طور خلاصه، تناقض در فکر و عمل ابهام در قواعد گفتمانی، توصیفی یا تجویزی بودن قواعد گفتمانی و... هرچند دیرینه‌شناسی و تبارشناسی را با مشکلات بزرگی روبه‌رو می‌کنند، ولی بداعت، تازگی و نو اندیشی و شناسایی تاریخ به‌گونه‌ای که تاکنون صورت

۴۲۰ ▶ روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی

نگرفته، می‌تواند تمامی این انتقادات را تحمل‌پذیر کند.

#### ۱۴- کاستی‌های دیرینه‌شناسی و تبارشناسی

با اینکه هنوز دیرینه‌شناسی و تبارشناسی به خوبی مورد تدقیق و تحلیل قرار نگرفته است، ولی می‌توان نارسایی‌های شناخته شده آن را به شرح زیر ارائه کرد:

۱- از نظر فوکو، گفتمان تابع قواعد است (همان: ۱۷۳). این اصل بر مبنای این نظر است که کار دیرینه‌شناس را تنها توصیف کردارهای گفتمانی در حال تغییرات متناقض، یعنی «توصیف خالصی از واقعیت گفتمانی»، می‌داند (همان).

۲- از اینکه فوکو از یک دید به‌عنوان مورخ بی‌نظر و عینی‌نگر<sup>۱</sup> و از دیدی دیگر به‌عنوان منتقد<sup>۲</sup> و مبارز اجتماعی<sup>۳</sup> مطرح می‌شود، «بر ایجاد نگرش متناقض وی منجر می‌شود. دیرینه‌شناسی نمی‌تواند گفتمان گذشته یا حال را با استناد به صدق و کذب (درستی یا نادرستی) نقد کند» (کورنزهوی، ۱۳۸۰: ۲۵).

۳- از آنجایی که هیچ توسعه و پیشرفتی در کار نیست، نمی‌توان تحلیلی درباره گفتمان‌های آینده ارائه داد و این نقدگرایی به پوچ‌انگاری خواهد انجامید.

۴- دیرینه‌شناسی «نمی‌تواند انتقال و تغییر عناصر مختلف گفتمان از یک دوره به دوره دیگر با استمرار گفتمان‌ها را فراتر از دوره‌هایی که بدان

- 
1. Objective
  2. Critic
  3. Social combatant

تعلق دارند، ببیند، زیرا در این دید هر گفتمان در داخل تا حدودی مشکل می‌شود و محدود به آن است و هنگامی که دوره آن چهارچوب خاص شناختی به پایان می‌رسد، علوم مربوطه به آن دوره نیز صورت دیگری می‌یابند و علوم جدیدی جای آن می‌نشینند» (کچوییان، ۱۳۸۲: ۷۷)

۵- فوکو در تعبیر خود از صورت‌بندی‌های گفتمانی، دوگانگی‌های ذهن و عین را رد می‌کند. به نظر وی، «مجموعه‌های قواعد گفتمانی، نه قواعد صوری استعلایی و نه قوانین تجربی هستند» (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۱۶۸). این انتقاد روشن نمی‌کند که خود وی چه تعبیر مثبتی را پیشنهاد می‌کند.

۶- از نظر ساختارگرایی که اصول و قواعد در ورای پدیده‌ها و در دیدگاه پدیدارشناسانه در ذهن افراد جای داشته و عمل می‌کند، مشکل این است که آیا این قواعد توصیفی هستند و یا اثرگذار. با عنایت به تأکید فوکو بر ارزش توصیفی قواعد، پس اثرگذاری این قواعد چگونه است که فوکو آن را به روشنی بیان نمی‌کند؟

۷- فوکو نظام گفتمانی را مجموعه پیچیده‌ای از روابط می‌داند که به‌عنوان یک قاعده عمل می‌کنند و آن را در سطح عمیق‌تری از شکل‌گیری صوری علم می‌داند و قدرت علی قواعد و صورت‌بندی‌های گفتمانی را به‌صورت ناموجهی به شرایط وجود این صورت‌بندی‌ها تبدیل کرده است.

۸- اگرچه دیرینه‌شناسی درصدد توصیف خالصی از واقعیت گفتمانی است، ولی فوکو نتوانست «از عرضه تبیینی شبه ساختارگرایانه درباره پدیده‌هایی که کشف کرد، خودداری کند» (همان: ۱۳۷).

۹- فوکو از طریق دیرینه‌شناسی سعی دارد علوم انسانی را از گرفتاری دوگانگی‌های<sup>۱</sup> گوناگون رهایی دهد، اما خود دچار وضعیت اجتناب‌ناپذیری می‌شود که «در عین حال هم درون و هم در بیرون از گفتمان‌های مورد مطالعه خود باشد و در نتیجه هم دعاوی حقیقت‌معداد آن گفتمان‌ها را بپذیرد و هم آن را موقوف و معلق سازد» (همان: ۱۷۹).

۱۰- در پدیدارشناسی ادعا می‌شود که می‌توان افق روزمره کشف‌شده خود را به‌عنوان یک نظام معرفی کرد. به همین شکل در دیرینه‌شناسی فوکو نیز بر کشف محتوای اشکال محقق‌گفتمانی تأکید می‌شود و در هر دو، بی‌ثباتی و تزلزل رخ می‌دهد، زیرا به ناچار اقدام به حذف و تعلیق مسئله حقیقت و معنا در همه گفتارها می‌کند.

۱۱- دیرینه‌شناسی معتقد است، با اجتناب از دعاوی حقیقت، خود را از نظریه‌های کلی معاف ساخته است و به ثبات دست یافته است. حال آنکه، «علم انسانی فرامدرن معهود، نه تنها از بی‌ثباتی‌های ذاتی اندیشه مدرن فارغ نیست، بلکه نشان می‌دهد که خود نوع فرعی جدیدی از نظریه اصلی کانتی است» (همان: ۱۹۳). این تعارضات درونی را نیز در تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی فوکو می‌توان دید و گفتمان دیرینه‌شناسانه علی‌رغم پافشاری به گسست عمیق و عظیم میان عصر نمایش و عصر انسان، نشانگر پیوستگی عمیق با زمان حاضر است.

۱۲- فوکو تلاش دارد در دیرینه‌شناسی دانش برای شناخت‌شناسی سوژه جانشینی را مطرح کند، اما هیچ‌گاه دقیقاً چیهستی آن مشخص

نمی‌کند.

۱۳- با اینکه فوکو در پی یافتن یک «نظریه عام ناپیوستگی» است، از توصیف محض وقایع گفتمانی به هوسرل نزدیک می‌شود، زیرا این توصیف وی را به جستجوی وحدت سوق می‌دهد. وی از سوی دیگر در توصیف روش‌شناسانه، «ناخودآگاه از دکارت، یکی دیگر از افراد منفور در نظر خویش، تقلید می‌کند» (کوزنزهوی، پیشین: ۱۱۳).

در نتیجه فوکو با عرضه دو روش دیرینه‌شناسی دانش و تبارشناسی حقیقت و قدرت و نگرش جدید به سایر موضوعات مربوط به انسان، بنیاد آنچه را تا به امروز علوم اجتماعی خوانده می‌شود، در هم ریخته است. پیوندهای فکری فوکو با نیچه، هایدگر، مرلوپونتی و ویتگنشتاین نشان می‌دهد که نوآوری و بداعت اندیشه‌های فوکو ریشه در اندیشمندانی دارد که در زمان خود، به نوآوری شهره بوده‌اند. در هر حال فوکو را می‌توان یکی از بحث‌انگیزترین چهره‌های فلسفی پایان قرن بیستم دانست که اندیشه‌های جدید و بدیع او توانسته است توجه اغلب صاحب‌نظران را به خود جلب کند.

## ۱۵- نتیجه‌گیری

فوکو بر خلاف مسیر شنا می‌کند و با مدد جستن از قواعد دیرینه‌شناسی، به‌گونه‌ای دیگر به تاریخ نگاه می‌کند و اصولاً دیرینه‌شناسی را به جای تاریخ‌نگاری به کار می‌برد. استمرار و پیوست نمی‌تواند مد نظر او باشد و تکیه فوکو بر گسست، ناپیوستگی و منحصربه‌فرد بودن، منجر به عدم قبول تکامل تدریجی جریان‌های تاریخی می‌شود. در عین حال وجه اشتراک این روش با جامعه‌شناسی

تاریخی در این است که هر دو، واقعیت‌های تاریخی را در کل ممتاز، منحصربه‌فرد و تکرار ناشدنی می‌دانند، با این تفاوت که از دیدگاه فوکو هر واقعیت یک رخداد است و می‌توانسته به گونه‌ای دیگر هم اتفاق بیفتد، در حالی که در نگاه یک جامعه‌شناس، استلزام منطقی وقایع منجر به حادث شدن این واقعیت شده است. جنبهٔ دوم، نگرستن به وقایع در ظرف زمانی و مکانی خاص خویش است که هر دو روش اعتقاد دارند که هر پدیده باید در مجموعه زمانی و مکانی خود مطالعه شود، با این تمایز که در دیدگاه فوکو این ظرف زمانی از ماقبل و مابعد خود گسستگی داشته و نمی‌تواند موجب وقایع بعدی و یا نتیجه حوادث دوره‌های ماقبل خود باشد. این در حالی که روش‌های جامعه‌شناسی تاریخی، بر روابط عملی میان پدیده‌ها تکیه می‌کند. جامعه‌شناسی تاریخی می‌کوشد با ایجاد «تیپ ایده‌آل» و گونه‌سازی و به وجود آوردن یک الگوی مشترک، به تعمیم دست زده و بدین‌گونه با آموزش از تاریخ، دست به پیشگویی بزند، در حالی که فوکو هیچگاه درصدد آموزش و یا انتقال تجربه‌های تاریخی به زمان حال نیست. فوکو با تکیه بر واژه «تاریخ زمان حال»، مسیر خود را از سایر تاریخ‌نگاران و جامعه‌شناسان تاریخی جدا می‌کند.

مکتب هرمنوتیک و یا ماکس وبر با تأکید بر تفهم، درون‌فهمی و تفسیر اعمال به درون پدیده‌ها رسوخ می‌کنند و به ماورای جنبهٔ ظاهری هر واقعیت اشاره می‌کنند، در حالی که فوکو با تمرکز بر برون‌بودگی و مخالفت با هرگونه تفسیر و تعبیر از این اصحاب فاصله می‌گیرد. هرچند ناقدان فوکو به رگه‌های پدیدارشناسانه و تفسیرمآبانه در آثار وی علی‌رغم مخالفت ظاهری او اشاره می‌کنند، این دو روش در پاره‌ای موارد کاملاً از هم متفاوت هستند.



## فهرست منابع

۱. ابوالحسن تنهایی، حسین، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد: نشر مرندیز، ۱۳۷۴.
۲. برنز، اریک، میشل فوکو، تهران: نشر قلم، ۱۳۷۳.
۳. بودون، ریمون و فرانسوا بوریکو، فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
۴. پوپر، کارل، حدس‌ها و ابطال‌ها، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر انتشار، ۱۳۶۳.
۵. دریفوس، هیوبرت و پل رابینو، میشل فوکو، فراسوی ساختارگرایی، ترجمه دکتر حسین بشریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۶. ریتزر، جورج، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۱.
۷. ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۸. ساعی، علی، روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۹. ضمیران، محمد، میشل فوکو، دانش و قدرت، تهران: هرمس، ۱۳۸۷.
۱۰. فروند، ژولین، آرا و نظریه‌ها در جامعه‌شناسی، تهران: چاپخانه، دانشگاهی ادبیات علوم انسانی، ۱۳۶۲.
۱۱. فی، برایان، فلسفه نوین علوم اجتماعی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۱.
۱۲. کجوییان، حسین، فوکو و دیرینه‌شناسی دانش، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۱۳. کوزنزهوی، دیوید، فوکو در بوتۀ نقد، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۸۰.
۱۴. مرتضوی، جمشید، روش‌های جامعه‌شناسی، تهران: مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، ۱۳۵۲.